309-79
A

Рукописный сборник
в деревне Шураба

из Шураба

Мурзалиев-Мамбетов

1) - Образцы составления
каллиграфических документов

2) - Поучения сочинения

3) - Табиб сочинения

Религиозные - коранические
и объяснения Шариата

اللهم

صابر

اگر صفت ایمان بپرسید گوید که صفت ایمان آنست که گوید کی مرتد شوم
امام شهید آیمه رحمة الله علیه گفته اند که هر که صفت ایمان داند
و آنرا موحش تقصیر کند او را نه دین است و نه نماز است و نه روزه است و نه طاعت
و نه گناه او را زیان دارد اگر چنین کسی بگوید او شهید نباشد و در گور پشیمان
نشود و نگوید تا باین عزت شود ما بیشتر زیادت آمد و در کتاب احیاء العلوم
امام محمد غزالی رحمة الله میگوید که بشنوید عجب کاری که در ضد ایمان آمد
خدای عز و جل نماز و روزه و مانند آن را بیان نمود و هر که بآن موحش تقصیر
کند چنانست که نه نماز و روزه دارد قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا
این بیان کرد که معذور خواهد بود که ای نادانی که ایمان آورد باید
خود را و اهل خود را از آتش دوزخ نگاه دارد پرسیدند که آن چگونه باشد
گفت باید که بداند که آنچه خدای تعالی حرام کرده است بر آن کس
که بدان کار کند و آنچه خدای تعالی واجب کرده است بر آن کس
که آن را ترک کند و آنچه خدای تعالی حلال کرده است بر آن کس
که آن را ترک کند و آنچه خدای تعالی مباح کرده است بر آن کس
که آن را ترک کند و آنچه خدای تعالی مکروه کرده است بر آن کس
که آن را ترک کند و آنچه خدای تعالی مستحب

بملوک دنیا بنده مقلوب را میپسندند نمیشود دیست ایدم ده است پنج در پیشتاز
باقی ماند در پیشت اول موزب کرفتند دویم موی سپید نزد الشیدی سیوم موی
بینی کرفتند چهارم آب در پیشی کردن پنجم آب در دیدن لیکن بدن کامل مانند
پیشم کافر است در باقی اوکی موی بر بغل و زیر ناف و ناخن بر بدن و ختنه کردن
و بانجا کردن فرق میان کافر و مسلمان نمانست قال النبی علیه السلام عهد ما بین
المسلمین و الکفر ترک الصلوة یعنی فرق میان مسلمان و کافر نماز است
و هر که نماز نکند کافر است که هر که نماز بامداد قصد ترک کند ایمان از او بیزار شود
و هر که نماز پیشین را قصد ترک کند قرآن از او بیزار شود و هر که نماز دیگر را قصد
ترک کند فرشتکان از او بیزار شوند و هر که نماز شام را قصد ترک کند پیغمبر از او بیزار
شود و هر که نماز خفتن را قصد ترک کند خدای تعالی از او بیزار شود و ای برادر
لیک نماز نکنند حال ایشان چه خواهد شد در میان طایفه ایمان نشان را مشکل
پیشبار است بدین آن کب نماز میکذارد باید که بجماعت نماز کذارد تا کی
از جمله منافقان نکردد و چهار کس جماعت را منافق کفته اند پنج وقت نماز
بیکبار مردان است و زنان کدام است اول امامت دویم جماعت سیوم نماز جمعه
چهارم عیدین پنجم نماز تراویح مکروه اول امامت غلام

دویم

دویم امامت بادیه نشین سیوم امامت فاسق چهارم امامت صراف پنجم
امامت بندهٔ آن

زکوٰة دو فرض است اول نیت کردن دویم ادا کردن اصحاب زکوٰة شش است
و شتر و گو و گوسپند و اسپ و ماده پنجم نقره ششم متاعی که باو زر بتجارت
گردد است اما باید که چیزها ت در اکثر از نصف سال در صحرا چریده گردد
لا الٰه الا اللہ محمد رسول اللہ یازده حرف فرض است چهار روی آدمی تعلق دارد
اول را انکه بنده دعوی خود بکند دوم بکلمه اکتفا نکند سوم بدل خود
بصدق دل خواند سیوم حرف فرمان او را درست خواند چهارم حرف طیبه را
و چهار دیگر بباطن دارد اول آنکه دروغ گفتن را دل خود را ذمیم داند غیبت
کردن را بندهٔ گمراهی خود را نگاه دارد سیوم در طلب روزی حلال باشد چهارم
هیچ نکند روا ندارد دوست نداشته باشد دیگر آن است که خدای تعالی را در همه جا
حاضر داند دویم با خلق خدای تعالی بانصاف باشد سیوم با نفس خود دشمن
باشد کفر چهار بکند که انکار حقی که از خدای تعالی بدو رسد نفاق دو نوع
است یکی اعتقاد است و یکی اعمال است کفر اعتقاد است که بزبان اقرار کند و بدل تصدیق
نکند معصیت آن است که بزبان او دروغ گوید

KUN SAU CCCP

کنند و در غضب شود و دشنام دهد در طعام خوردن چهار فرض است و چهار
بسنت و چهار ادب فرض اول حلال خوردن دوم مقدار دفع جوع سیوم
از جنابت پاک بودن چهارم بعد از خوردن شکر کردن بسنت اول دست شستن
قبل طعام بعد از طعام دوم بسم الله سیوم الحمد لله چهارم دعا ادب است اول طعام
را از پیش خود خوردن دوم لقمه را دور گرفتن سیوم بلقمه دیگران نگریستن چهارم
لقمه ملفوف خایدن خواب چهار نوع است بد است راست خواب موکمان است بدتر
چپ خواب پادشاه بال است روی او آسمان کردن خواب پیغمبران است روی
او بر زمین کردن خواب کافران است نوع آخر بیک پهلو بد است راست خواب
رو دیگر بالا بلند چپ کردن مستحب این است در وقت جای خود را افشاندکو بدکه
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
بدار شدن الحمد لله الذی احیانا اماتنا والیه النشور بگوید وقت
خواب رفتن در اول یکبار بعد پنجاه بعد نماز دیگر نا خفتن و چنین است خواب
رفتن در نصف روز بیهوده ایستادن باد قحط حاصل شود شرکت دو نوع است شرک
ظاهر شرک خفی شرک آنکه بجای عز و جل دیگر را گواه کند در معبود حق تعالی
خفی آنکه [illegible] بسبب چنانکه شفا از دارو پندارد نه از خدای

لغا

لک این مذهب شرک خفی است اهل آنکه نفع ضرر خود را از حق تعالی چیزی
را در معاینه نبیند در دعا چهار شرط است اول آنکه دعای بد نکند دوم آنکه
دعای شب بد نکند چنانچه قال النبی علیه السلام لا تعجلوا علی انفسکم او علی
اهلکم لا یتعجل یعنی اجابت میشود دعای بد بر بنده موافق مادامیکه دعای بد نکند
و قطع رحم نکند و در اجابت دعا در وقت آنکه در وقت دعا کردن دست خود
را بر بر سینه بردارد قال النبی علیه السلام اذا رفع احدکم یدیه الی صدره
فلیسئل ربه یعنی بر سینه خود و در وقت آنکه بر روی دست خود بر بر سینه
خود دعا کند یعنی بدست چپ بر روی دست راست خود بر بر سینه خود
و باید که دست بر بر روی خود مالد بعد از آنکه دست خود را بخاص دارد دل خود
را حاضر دارد در خبر است قال النبی علیه السلام ادعوا الله و انتم موقنون بالاجابة
یعنی دعا کنید مر خدای تعالی را و حال آنکه شما یقین کنید که باشد اجابت را
باید که اجابت را خدای تعالی را اجابت لکند دعا را از بنده بر وی بر بر کفار
را اجابت لکند از بنده چیزی که فوت شود

وبیه در قیامت در دنیا اول برکت انذکیت رود دوم برکت از خانه او رود و سیوم
از عمر برکت او رود در نزع اول جان او را کریه و تشنه گیرند دوم جان او را دون
بر رود و شوار شود سیوم نامه او را بدست چپ دهند شرایط توبه پنج است اول
آنکه پشیمان بر خود شود به معصیت کردن دوم آنکه از جمله معصیت توبه
بشتابد نه از بعضی دوم آنکه از جهت آنکه در دنیا مثل شراب خورد از جهت آنکه در دنیا مثل
بالقصد در عقل حاصل میشود یا در مال این وجه در نماند تا شود توبه
سیوم آنکه باز ایستد در حال توبه کردن از بیرا که اگر بداند که در آن مشغول
معصیت توبه نیست چهارم آنکه قصد کند که دیگر باز این معصیت
و اگر باز معصیت قصد کند توبه نیست پنجم آنکه حق شخصی یا در ذمه او
ضایع نه دهد یا بگذارد امور میان خلق واجب است قوله تعالی یا ایها الذین
آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحا جمعا ایها المؤمنون لعلکم ایمان آورید
کنید یعنی رجوع کنید همه بشما یا ای بندگان خدای تعالی
توبه مقبول است از روی آنیکه واجب باشد بر الله قبول کند و در گفت
توبه النصوح اختلاف است بعضی گفته اند که توبه است و بعضی گفته
اند که توبه است بخوانند قوله تعالی الا الذین آمنوا و عملوا
الصالحات

الصالحات انا لا نضيع اجر من احسن عملا وقت نزول این آیه میخواند یا
ایها الذین امنوا توبوا الی الله توبة نصوحا بعد از فارغ شدن این آیه میگوید
خدا الحمد لله علی دین الاسلام و این را بعد از فارغ کردن میخواند بعد از وکان الله علیما
حکیما میگوید این را بعد از آنکه این آیت فرود آمده است از اینجاست که فهمند حضرت عیسی علیه
السلام فرموده است چون فرشتگان چنین بگویند شما نیز بگویید خدای
تعالی کسی را بیکار نداند فرشته مقرب این آیت اول حضرت جبرئیل علیه السلام
از برای وحی آورده است دوم حضرت میکائیل علیه السلام برای رزق نبیان
سوم حضرت عزرائیل علیه السلام که از برای
قبض ارواح جانداران روی زمین خلق میخلائق کرده است چهارم
حضرت اسرافیل که بدمیدن صور مردگان خلق کرده است پرسید که این فرشتگان را
بر خلق نداند کافر گردد نعوذ بالله من ذالک کتابهای که انبیا بسیاری
نازل شده است چند است بگوید ده صحیفه بحضرت آدم علیه السلام نازل شده است
و دو صحیفه با برهیم علیه السلام نازل شده است و سی صحیفه با دریس علیه السلام
نازل شده است تورایت بموسی علیه السلام و انجیل بعیسی علیه السلام آورده است و زبور بداود
و علیه السلام و فرقان بمحمد علیه السلام انبیا [illegible] است اول

آدم علیه السلام و نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و موسی
کلیم الله و عیسی روح الله و محمد رسول الله اولوالعزم آن پیغمبرانند
لقب آمده است اولی بعضی دگر دون بکافران بخلاف بعضی بر رسول الله
جهاد کردن شرط نیست چنانچه در خبر آمده است که او ما در حال رسول الله
بودند اولوالعزم نبود فقد بشر افضل است یا ملک رسل بشر افضل است
از رسول ملائکه رسل ملائکه افضل است از عامهٔ بشر اولوالعزم بشر افضل
از عامهٔ ملائکه اما نقص است و رسول ملائکه بر عامهٔ بشر رسل بشر
امت ثابت نقد است اما نقصیل است رسل بشر بر رسول ملائکه
عامهٔ بشر منقطع بر عامهٔ ملائکه از چند وجه است اول آنکه خدای تعالی ملائکه
را بسجده کردن آدم علیه السلام امر کرد بر وجه تعظیم و تکریم مقتضای
حکمت الهی این است که امر میکند مر دانیرا بسجده کردن مر اعلی را بر
آنکه خدای تعالی کرده است بآدم علیه السلام میمانت جمیع اشیاء
از انبیا معلوم میشود که آدم علیه السلام افضل بوده است مر ملائکه را بآنچه
علم مر فضلیت پیغمبر آنکه خدای تعالی برگزیده آدم را و نوح را و ابراهیم را بر
عالمیان ملائکه نیست [illegible] جهاد آدمی زاد تحصیل میکنند و کمالات

علمیه

علیه و علیه را با وجود علایق و موانع مثل غضب و شهوت و حاجات که ما
از ارتکاب کمی ایند نگذاشته است که عبادت و کسب کمال با موانع منافات
پیش نیاید آدم افضل از ملائکه محور نیاد در حالت حیض شش جهت منع است
اول آنکه نماز نگذارد دوم آنکه روزه نگیرد سوم آنکه در خانه آمده بلکه چون ابا عبد الله
گفته چون حیض بیند از پیش آید نماز نگذارد بانه مهتر آدم گفت باشد تا فرمان خدا
در رسد و سلامی چبریل وحی آورد که خدای تعالی میفرماید بلکه در حالت حیض
هفت نگذارد و نه روزه نگیرد و بکعبه نرود و طواف نکند پنجم آنکه در حالت حیض
قرآن نخواند یک آیت باشد اما کلمه استغفار صلوات گفتن و ذکر خدا نه زیرا که
در حدیث آمده است که زنیکه حیض شود چون وقت نماز آید باید که الله اکبر الله اکبر
نا که خدای تعالی بداند وقت نماز را بداند و صفدار کنار بشیند و بیاموزد چون از آنکه در خانه
بیرون آید پنجم آنکه طواف خانه نکند ششم آنکه بزن خود وطی نکند اگر بنادانی کند توبه استغفار
کوید و اگر دانسته وطی کند صدقه دانند دانچه عالی کافر شود و لعنة الله علیه
و بعضی گفته اند که فرزند ازین جهت پیدا شود دانا باشد که در حالت حیض و نفاس
وجنب بکند خدای عز و جل فرموده است که دور باشید از زنان حیض و مجامعت نکنید
چنانچه فانبی علیه السلام مراد خلاصی است فالاعتزال حیض نکاح ایشان الا علی

یعنی پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود مذکہ ہرگہ زن او در حالت حیض وطی
کند کوبا کہ منکر شدہ است آنچہ خدا بر محمد او قرآن او وغیر قرآن امر و زنا در حالت
حیض و دریکی پستر خواب کنند یا نہ و دریکی خواب کردن او واجب عداکردن فعل
او است در بیان فضیلت وضو قال النبی علیہ السلام الوضوء نصف الصلوٰۃ
والصلوٰۃ مفتاح الجنۃ یعنی وضو کلید نماز است نماز کلید بہشت است
پس کسی کہ وقت خواب باطہارت جان او را بیاید کہ بر بندد و بیند ہی او را نماز
آنگاہ بسجدہ کنند و در صلوٰت بیہودی او را نداند کہ مرد یکی
دیگر میخواہند تا بداند او را اگر باطہارت باشد و در خبر است قال النبی علیہ السلام
المنتظر الصلوٰۃ کالمصلی فی الصلوٰۃ یعنی منتظر بودن نماز مانند نماز کردن
در روضہ خبر است حضرت عمر ابن خطاب رضی اللہ عنہ روایت کردہ اند کہ
ہرگہ بعد از وضو دو رکعت نماز میگذارد بایدک این نہی است بگوید پس گفت رسول اللہ
اللّٰھم وبحمدک اشہد ان لا الٰہ الا اللہ وحدہ لا شریک لک وبستغفرک و
واتوب الیک واشہد ان محمدا عبدک ورسولک قال النبی علیہ السلام من قرء انا انزلناہ
لیلۃ القدر عز کتب لہ عبادت خمسین سنۃ وصیام نہارہا و قیام لیلہا
ومن صلی اللہ علیہ وسلم الخلیل والروح والحبیب ومن شہادت دہد الجنۃ

بلا حجاب

بلا حجاب ولا حجاب بمعنی وی خیال باشد که هر که انا انزلناه را بخواند بعد از
وضو یک مرتبه خدای تعالی ثواب صد و بیست نامه او بنویسد و پانصد گناه او
را بیامرزد و روزه دو ماه و شب بیدار یک ماه او را حاصل شود اگر دو مرتبه بخواند خدای تعالی او را
ثواب ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم الله و عیسی روح الله و محمد مصطفی صلی
الله علیه وسلم را بدهد هر که سه بار بخواند در بهشت با حجاب و بی حجاب
جمله مذهب یا جهار نوع ست اول حضرت امام اعظم دوم حضرت امام
امام شافعی یک مذهب امام احمد حنبل دو امام حنبلی مذهب یک داشت ابو حنیفه
و یحیی مذهب یک داشت امام عاقم و عاقم مذهب یک داشت امام هبیره و امام هبیره
مذهب یک داشت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم
مذهب یک داشت ابراهیم خلیل الله مذهب یک داشت نوح نبی الله مذهب
یک داشت حضرت ادریس الله و ادریس مذهب یک داشت مرتبه مذهب یک
مذهب یک داشت مرتبه میکائیل مذهب یک داشت مرتبه عزرائیل مذهب
مرتبه اسرافیل مذهب یک داشت جواب یکوکه مرتبه اسرافیل و خدای عز
و جل پیدا نیست که او را یک یا دو الله تعالی کسی دیده نداند اگر مسلمان
یاد داشت و موزه را بوشید پیش از آنکه طهارت او شکند

دیگ
بردارند و بار آب پاک بطرف دارند و بجنب نهند و باطرف نادره بردارند بهمچنین بپیه
پاک کنند پاک شود اگر روغن آخته باشد آنرا روغن بگذارند و در ظرف که آب
پاک بود بریزند تا بیخ نکند بردارند بپیه بار همچنان کنند پاک گردد اگر موشی در کاپه آب
افتاد یا در شیر فروش یا در روغن یا در آش افتاد و نزنده بیرون آمد مکروه یا خورد بکلوکه مکروه
بود صدقه باید داد و نیز بپیه گوشتخوار بدهند بخورند و اگر خود گوشتخوار بود خورد و هم پاک
قول شیخ الاسلام ام پرهان الدین است و خواجه امام زاهد فخر گفته است که هر گدام از اینها که گم
بشد پلید شود در بر که اندش هر وقت که یکبار گم افتد بول اند از شیخ الاسلام ام پرهان الدین
میکویند که پاک آنرا بقیاس است و بول اند خانه موش شک است در شیر بعد حکم بشک
ثابت نمیشود و همه راش باید خورد و در جغرات نجاست افتاد چکونه پاک کنند اگر بپیه
بماند همان جا بگیرند فی الحال باقی راش باید خورد و اگر تا خیر در خورد جغرات کاوست اگر
جغرات کوچک باشد این چنین است همان جا بگیرند باقی راش باید خورد و اگر بپیه بسیار باشد
ظرفه پاکیزه را بپیه و پاک خنه پاک بماند بعد همان ظرفه را برای جغرات بشکنند تا
روی جغرات بپیاه شود بمقدار نجاست افتاد و خنه بماند بعد همان بپیاه شده را برداند
بهر بار بجا که بشکنند یک مانند حیوان است باید خورد و در حوضی کوزه آب است و حوض
و حوض است بسیار فرق نخواهد که طهارت کند و در کدام آبها باشد اگر در حوض کنند جایز است

در حوض و اگر زاید استعمال کرده و اگر حمام ای است از جوی تا که آب مستعمل بر آید و اگر باران که از
بام می آید پاک بود یا نه بلکه که در پیش ناودان نجاست نبود و شسته آب از جای پاک آید اگرچه
در بام نجاست بود و پاک است اگر بگذرد بام پاک بود اما در پیش ناودان نجاست بود آب پلید شود و
گر پرسند که در صحرا آب اندک که استعمال ده ضرور دارد و وضو کردن شاید یا نه بلکه که در بیابان وضو نتواند
کردن بعد ازان آب در جای رفته قرار گیرد آن نیز پاک بود و نیز اگر آب روان پاک استعمال کردن
نجس نشود تا از نجاست تغیر نیابد اگر حوض ده در ده آب پلید در آید نجس گردد بلکه نه زیرا که
هر چیز یک مقدار دید بر طبع وی پاک میکرد و چیزی که حکم آب روان دارد تا طعم و رنگ و بوی
وی تغیر نیابد پلید نشود در این زمان قتدای بر بین اگر آنچه خاکی در روی خزه و رواج نجاست مثل
کشنده و مردار و مگس و مانند انها بر هر چیزی افتاده مرد پاک بود یا نه بلکه که بقول امام
شافعی رحمة الله پلید شود و بقول علمای ما نا شاید ضرور دارد اگر بر شوره شیره افتاده
مرد آن رسیده بوده است چگونه پاک شود بلکه که سه بار بآب تازه بشویند پاک شود اگر پرسند که
ما بتو اقتدا میکنیم تو بکی اقتدا میکنی بلکه که شما بمن اقتدا میکنید و من بقدرت خدای عز
و جل اقتدا میکنم اگر گوید که نماز ما بتو درست است نماز شما بکی درست بلکه که نماز شما نیز
بمن درست است و نماز من بفضل خدای تعالی و بشریعت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و باید
باب امامت خطبه میشود مسئله اگر زنی بچه آرد و ما دامیکه پاک نکرده فریضه کردن پاک
شود

شوهر بر آن زن حرام است زیرا که حالت نفاس با قصاص است از حالت حیض نفاس چنان است که
بعد از زیچه آورده بیدید می آید بعضی زنان باشند که بعد از ده روز یا قبل از ده روز پاک
گشته منتظر یکچهل روز نگردد و نماز نگذارد و روزه دارند و انتظار بر برده اند این چنین
زنان یکچهل روز نماز جهل است چهل از اسلام عذر نیست چنانچه بعضی عورتها که از چهل
روز پاک میگردد و نماز نمیخواند و روزه نمیدارد این غلط محض است اگر زنان استحاضه
باشند خصوص عذر دارد چنانچه خون بسیار آورده این است یا ثلث البویت یا بانگی دارد که از
بعد اضباط میباید که قدرت بر نگاه داشتن ندارد یا جراحت دارد که خون او روده این چنین زنان
جماعه برای هر وقته نماز وضو تازه آورده اند یعنی وقت با آخر نیست چون وقت بر دل دود
وضو ایشان نمی شکند و نمی شکنند وضو این قسم صاحب عذر آنها ضروری وقت است اما
داخل وقت ناقض نیست مسئله اگر شخص صاحب عذر نیست قبل از وقت وضو کند بعد
وقت دریابد که وضو او در وقت نمی شکند اگر زنی در یک نماز چهل مرتبه کند آنرا زنی که
در یک ماه ده روز خون میبیند اول یا وسط یا آخر میبیند طریقه شان که خون دوم آمد عمل
بعادت میکنند اگر بیاد داشته باشند که آن ده حیض بود که آن ده طهر بود آن زنان را در عرف
مصاله گویند یعنی فراموش کرده است ایام را حیض تعیین کرده است اول او را اول شمرد
گویند پس هر زمانی که غالب ظن او آن باشد که زنان حیض نیست آن زنان نماز نگذارد

و روزه ندارد و هر زمان که غالب زنان طاهر است وضو کنند
نماز کنند و اگر مرد باشد میان حیض و طهر بهر نماز وضو کند و غسل کند نماز
کند اما در این حالت نماز که میخواند زیاده از سه آیت نخواند و در میان نماز
قرائت قرآن نکند و میپس پس مصحف نکند و داخل مسجد نشود و شوهر با آن زن قربت
نکند مگر آن بیست که در ناحیه ختان بیند زد اگر کسی شود و آیا غسل جایز است بهر نماز علما
گفته اند که بهر نماز غسل کند یک شقا از چند شقا بیست اگر چه آنرا خواهیکه بداند
بضو نا لجا بیت جوع کند که ابی حنیفه بیپار تحقیق کرده اند آنجا ما بیان کنیم و اگر برای
آنکه بیپار طویل میکرد و جنین واقع شود و چهل روز از نفاس بگذرد باقی را آنچنان
ضم کنند نقیه گفته اند که خون استحاضه هشت است آنیکه کمتر از نفاس حیض
باشد از عادت کمتر است و اکثر نیز کمتر دو بار عادت که در نفاس داشته باشد که از آن
عادت کمتر و از چهل روز نیز کمتر زیاده باشد از ده روز در حق زنیکه ابتدای
خون بیند و بار عادت خون بیند این مجموع استحاضه است حکم استحاضه بر خلاف حکم
نفاس بیست یعنی منع نمیکند نماز و روزه و وطی و داخل مسجد و میپس قرآن
و قرائت قرآن را بیستمتاع ما تحت ازار را مسئله اگر زنده روز خون دید هنوز یازده روز
تمام نشده باشد باز خون دید آن حیض نیست بلکه استحاضه است که حکم پاکی دارد مسئله

زنی را

زنان عادت شان شصت روز بود و بنا کا پنج روز خون ایستاد نیامد هفت کند که عادت او بعد
شانزده که بنا کا او را عادت گذشته باشد بقول امام ابو یوسف یک بار از عادت تا گذ
شتن کفایه است امّا بقول امام اعظم و امام محمد سه بار از عادت گذشتن کفایه
نباشد تا بدو یا بسه بار نرسیده نماز نگذارد دور و روزه ندارد امّا احتیاط بقول
امام ابو یوسف است عمل درین صورت امام ابو یوسف اقتضا است در محیط اس
چنین مذکور است امّا بالاتفاق شوهر او را نزدیک نمیتواند کردن تا هفت روز
نگذرد و در ده بخارا جایه چهل روز است اوّل حایض را مدتی دو بنا ه
طلبیده باین طریقه که اللّٰهم انی اعوذ بک من الجنیث والخبائث و بر روایت باین
طریقه که پناه طلبید اللّٰهم انی اعوذ بک من ابلیس الجنیس الجنیس من الشیطان
الرجیم پس به کلوخ یا بسه سنگ یا به کف خاک پاک کردن امر دل قرار گیرد
زیاده بر خانه رو باشد بنای مسلمانی بر چهار چیز است نزد اوّل کلمه طیبه لا اله
الا اللّٰه محمد رسول اللّٰه دیگر لیق ایکنجی بشد وقت نماز اونه ما لیق او چهارم ماه
رمضان روزه سیوم زکوة تو نماز لیق تو نیچی مالیغه زکوة صبر ما لیک پنجی زاد و راحله
سیوم بوی مکه ذ طواف قدوم لیق صفت ایمان بیت نزد اوّل خدای تعالی ایکه
کلمه ما لیق ایکنجی فرشته لا ربعه ایمان کیلمه ما لیق او چهارم کتاب لا ربعه

قابیل کو لکانے گناہ کبیرہ ویب دور بلا کہ گناہ زنا قلعنا برلہ تینک دور حذر قلمک
کرک حضرت حق پیچی نہ و تعالیٰ کلا منادہ خبر بریب دور کہ قولہ تعالیٰ فلیضحکوا قلیلا و
لیبکوا کثیرا یعنی ار مسلمانلار قولہ یوزلانکلار پس قولہ کولمانکلار لیبکلار گناہ کبیرہ دور
نقل دور کہ ہر کیم آذینہ کورہ غیبت قیلسہ قطرہ کہ سیو بدنیدین تمادور خدای تعالیٰ تینک
پانچ فرشتہ خلق قلادور اول بندہ نہ اوزرجمعہ دین یوتکل جمعہ نخبیثہ بلاء
قضا دین امانہ پ قلغای و ہر تیکیک اینک بدنیدا دور خدای تعالیٰ بر یوز تینک ثواب
برکای و اگر شول کونہ اول پشہد اولکای و ہر خراتر تینک آذینہ کورہ نجل قلسہ خدای تعالیٰ اوز فضلی
امانیدہ پاقلغای اما مستحب تورتہ دور اول شب قدر کیچہ سہ ایکینچی برات کیچہ سہ
چہارشنبہ تورتینچی جمعہ مت دین کیچہ سہ کیچہ بلا بدعت قہ بنیت نہ کورہ اگر پیر
لار کیم غسل نہ تورتہ پاتمامن قیلسہ قرک بر پاتمامن طہارت قیلغای ایکینچی برچہ پاتمامن
تمام اعضالاریدا بر خای شرط ایدا بیتہ تورر اول غیبت کا اجماع کیلتورمہ
قیلیق ایکینچی او چونچی علی غیبت تینک خاصہ خدای تعالیٰ پاکلما قلیق تورر تینچی خراتر خطر
پاکلما کہ بیچی خدا حلال قلغان نہ حلال پاکلما کہ اوز غیبت تہ تر سمہ کہ اوز حضرت امیر
وار بودہ پاشہ بصنع اجمعہ اوردی خدا بر بدہ صفت بیشہ بیم شت وی
نبوذ دوی وی بسلبی ثبوت اول حیات یعنی اللہ تعالیٰ زندہ بیشہ بر کیشہ بیم دوم

مقرب دور بر رسیدن بر رغه رائیل بر رمیکائیل و بری اسرافیل علیهم
السلام و کتاب لار رغه ایمان کیلتور مان اول کیم در حقیقت آسمان دین
کیلکان بلکه کتاب لار حق دور و راست دور قرآن بسور بر له عمل قیلما قلیق
فرض دور اوزکا کتاب لار بنگ بسور رمنبوخ دور اول کتاب لار بنگ تورت نمو
دور بر تورات بری انجیل بر رزبور و بر رفرقان اما تورات حضرت موسی اغه
کیلدی انجیل حضرت عیسی اغه کیلدی زبور حضرت داود اغه کیلدی فرقان حضرت
محمد مصطفی اغه کیلدی بلکیم کیم قرآن بیوزاون تورت بسوره تر ور آلتی منگ
آلتی یوز آلتمش آلتی آیت تورت یوز آلتی کلمه تر ور منگ بیش یوز
یکیرمی بیش حرف بولور بو حروف تر ور هر کیم قرآن اوقوسه هر حرفیکه بولور
بخشی لیق نامه اعمالینه یازیلور انشاء الله تعالی پیغمبر لار کا ایمان کیلتور مان یلکی
اول تر ور کیم حقیقت بیلماک کرک کیم پیغمبر لار اینگ بیندیسی بسور لار خدای تعالی
بنگ یارکان ایلچی سیدور هر نه کیم دیدور لار حق و راست دیدیلار اینچه کیم دیلار همه
همه سی خدای تعالی بنگ بویورغانی دور اوزلار دین اتمادیلار کیم پیغمبر بنگ خانوده
مشرک و کافر ایمیش دور ابا هم ایمیش دیر دیکه پیغمبر لار بنگ خانوده مشرک و کافر بولماک
کیم پیغمبر بنگ خانوده ناقیلمه خدای تعالی اولار نی پاک قیلمش دور

بر نبک پیغمبر رمز محمد مصطفی اصلی اللہ وسلم همه پیغمبر لار دین باهر اق رنگ
وطوب راق تورورلار اولوغلوغ راق ایردیلر یعنی اوزکا پیغمبر لار کوبا که یو
لدوز ایردیلار واولار اراسیده بر نبک پیغمبر رمز حضرت رسول علیه سلام اولو
تورت کونلوک تولغان آی ایردیلار وحضرت پیغمبر نبک بورلار اورته یولوک
کوزلاری قراقباق لاری کبک مانکلاری آچوق قاشلاری پیوسته قولاق
اوزون کف دست لاری آچوق ایردی کف دست آچوق الیقه یسنی لبق غه دلیل تر ور کف
دست تارلیقی بخیل لقه دلیل تر ور رسول علیه سلام عبد الله بن عبد المطلب اوغلی تر ور
عبد الله عبد المطلب بن عبد المناف اوغلی تر ور عبد المطلب بن هاشم اوغلی تر ور عبد الله
هاشم عبد الله عبد المناف بن عبد المناف اوغلی تر ور وبنه پیغمبر علیه سلام بن معجزه لار رحمت لوق
ایردی کمتر کتبه معجزه لاری اول ایردیکه کافرلار برقوینه زهر آلود قیلیب پیشورو
رسول علیه سلام بن قاشلاریکا آیب کیلدیلار رسول علیه سلام حضرت لاریدن سؤ
قیلدیلار اولار الفاظ ایلار در حال پیشتی قورنیلکه کیلدیلار ایتدی یا رسول الله لار ناقل مینی قاچی
مسمومه یعنی ای رسول خدامندین یمه کیل که مار زهر آلود قیلیب بریبدیلر
لاری اول ایردیکه قرانا شلر ایچدیلر دین فرمان ور ضتی اولدی در حال ضرر ایتدی الله
رسول علیه سلام نی شیطان لار هر کیز بازی برا المس ایردی اول نبی پیغمبر آدم صفی الله

ایردی

ایردی و آخری پیغمبر محمد رسول الله ایردی بلدرقیامت کونیکا ایمان کیلنور کان اول نرسه
که بتحقیق بیلماک کرک قیامت کیلکوسیدور وهر کیم شک کیلنور سه کافر بولور لعنة
بالله صمد الله الک خدای تعالی کلامیده خبر بزدر الی اجله آتیه لاریب فیها
یعنی قیامت کیلکوسیدور والبتک کیلور یکاچ شک وشبهه یوقدور تقدیر یعنی
بختی لیق و یمانلیق غه لیسه ایمانی کیلنور کان اول بولور کیم هر نمرسه بنده بنک
کیسبی تروراما بقا بختی لیق کا خدای تعالی راضی دور وبجاه البقعه راضی یوقدور
تقدیر و اعتقاد اول دورکه انکا جنت وعده قیلغه لوکن ایمانسیز دور نه اوچون
کیم خدای تعالی بنک تقدیر کا وکرمنه کمال بغه علمی بول تا بمانسیز واذ مطالعه خلاف
لیق همراه لیق دور یعنی کنده که قیلدور ایتادورکه بوکنا مذ قیلمی فغه مذه افتضا یوق
قدیر در خدای تعالی بنک تقدیر برله بولدی یوغلط دور موندا غ دیکه لوکن ایمانسیز
بولکنده دورکه خطا دورکه هر چندیکه بولغاندور بندوجود غه کیلدی دوکنا مذ و
خطا مذ بنده احتراز قیلغاندور وخدای تعالی دینی قوتقا قاسیدر بنک بدیکه بیرود
دری کا یه ظن دیمکدر بهانه بر حاجتی نهاد ذ اولکاندین کیین تحریر یلماک کا ایمانی کیلنور ماک
اول بولور کیم بتحقیق بیلماک کرک اولکاندین کیین آدمی ذ و پری و فرشته ذ
و یرنده و چرنده لار ذ و بهمه جانورلار ذ تیریلتور ماق تروخی دور حلال غه حرام

Uzbekistan

عذاب

قیلور روحراح قیلور برزه کابنی قسم سوال قیلور که قایدین کیلور دونکز نمه صرف

قیلدنکز وانیکز نمه ابردی اول عمر بنکدین تا آخر نکعه هر نفس اورو ب آیب ابر دنکز شو

لاردخ طاعت کا صرف قیلدنکز معاصی کابر نفس اونو توب بارد قلمکز سوال قیلور

ها قومیس عقیده کجاده کیلور دیو کیم انا سینی قاربندین جان سیز تونکاره

بلاغه جان کیرکوزوب سوال قیلور که اکرچه لحتی کوشت صورت بولمای تونکاره بو

لسه اذنز کوزوره لاه اندین سوال سیوارلار اذنز کوزارلار کیم انا سینه شفاعت

قیلغای بابسیچ اونه قبل کیبان بولنرور اولوکه بیچ تارتماق لیق بولور کیم

مقیم بولسه برکچه کوندوزدب قربول اوچ کچه کوندوز سفر ذه اولور اما اولوکه

یول نرود تونکا بولوشنده واول اینی فجر بنکز نماز مغرب دین ازبول لقیمیز دور که

بب قرابیس اول مقیم دور که بیچ تارتماق لیق اولوکلار خصوص ابر ماسیس بلکه

نمرب که یوتنکا کیب دور غلی بولب لنکاره رواولور که اولوکلار ابر قوغی یوتنکز کیچک

بیچه بیکلور وتکور دیکز بولیب اولوکلار بیچ تارتماق لیغ رعایر بس اکر بر قوغی اولوکلار

براولوکلی بر قوغی جمع قلب اوچ بیچه اکلور دیو بیچ تارتماق منع قیلور تورنمرب

بیچ سوزنده دیو دیکز اول اولوکلی یوتکلی تا آشوفه چقغونچه تارتب ایکنی

بیچ بنکز تماق ایچون اولوکلار یوتنکا کیب بر ب یوتنی تولاب بیچ بولب تورنچی امر

نمرب

ابتدا میکنم بنام خدا کزو حرف آمد بارض سما

حاصل عمر شش بیرنگم ۰ بقول جعفر صادق روایت ۰ بیان کرده اند بقول حکیم آیت ۰ بنده
کیست بنده خدای است بهتر از خود شش و بهتر از آن شیء از اوست خالق و معبود و هر شیء او هست و او نیست
مگر از چند روف در چهار روف بر چنین ترتیب کلمه شیء و هو السمیع البصیر شش کلمه در اول
کلمه کلیه کفاست که لا اله الا الله محمد رسول الله دیم کلمه شهادت اشهد ان لا
اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله سیم کلمه توحید لا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک وله الحمد یحی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و
الیه المصیر چهارم کلمه تمجید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله کان و ما لم یشا لم یکن پنجم کلمه استغفار
استغفر الله استغفر الله استغفر الله تعالی من کل ذنب اذنبته عمدا او خطاء
سرا او علانیة صغیرة کان او کبیرة و اتوب الیه من الذنب الذی اعلم و من
الذنب الذی لا اعلم انک انت علام الغیوب و ستار العیوب و غفار الذنوب و
کشاف الکروب شش کلمه رد کفر اللهم انی اعوذ بک من ان اشرک بک شیئا و
انا اعلم و استغفرک لما لا اعلم انک انت علام الغیوب اجابت لله و صلوات الطیبات
السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی عباد
الله الصالحین اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله نسبت بفقره

نیت کردم بگذارم چهار تکبیر صلوة جنازه فرض الکفایه ثنا مر خدایرا و درود مر محمد
مصطفی را ثواب مر گذارنده آمرزش و آبش مر این میت حاضر اورا دعای
آوردم بقبله قبله من جهة کعبه اقتدا کردم بامام حاضر ایستاده خالصاً لله تعالی
الله اکبر بعد زان بیچ تکبیر الله تا آخر بخواند تکبیر گوید بعد زان اللهم صل علی محمد
و اللهم بارک علی محمد را تا آخر و تکبیر گوید بعد زان اللهم اغفر لحینا و میتنا و شاهدنا
و غائبنا و صغیرنا و کبیرنا و ذکرنا و انثانا اللهم من احییته منا فاحیه علی
الاسلام و من توفیته منا فتوفه علی الایمان الله اکبر اگر تکبیر تکبیر رسیده باشد تا
اللهم اجعله لنا فرطاً و اجعل لنا اجراً و ذخراً و اجعله لنا شافعاً و مشفعاً الی یوم
القیامة الله اکبر اگر تکبیر نارسیده باشد اللهم اجعله لنا فرطاً و اجعلها الله
اجراً و ذخراً و اجعلها لنا شافعة و مشفعة الی یوم القیامة الله اکبر بعد ازان
امتکه امة محمد کرام محمد ابن عبد الله عبد الله ابن عبد المطلب ابن هاشم
ابن عبد مناف صلی الله علیه وسلم دوست دارم بار اول حضرت ابوبکر صدیق ابن
قحافه دوم عمر ابن خطاب سوم عثمان ابن عفان علی ابن ابی طالب رضوان الله تعالی علیهم
مذهب بامام اعظم یعنی نعمان ابن ثابت ابن مرزبان ابن طاوس ابن نوشروان عادل بیت اذا مار
بهشتند قطع و عبدالله ابوبکر و عثمان علی طلحه زبیر ابوعبیده سعد سعید عبدالرحمن و المتنی

بسم الله الرحمن الرحيم حمد بی قیاس و ثنای بی منتها مر بادشاه را لایق گردانست
درود بلا نهایه بر رسول او که شفیع المذنبین است بعد ازان این رساله در بیان تعلق
به تکلیفین و تجهیز میت ترجمه کرده شده است مسمی این رساله بعبارة فارسی از کتب معتبره
مذهب کوشیست در کنز العباد این رساله مشتمل بر چهار فصل است اول در بیان
شستن میت پست در بحث سه قول است که شستن میت فرض است یا واجب است یا
سنت است میت را در خانه آورده است غسالهٔ میت طاهر میباید هر اگر غسل جنابت
یا حایض و نفساء باشد و کافور آورده است شستن میت شرعیت ماضیه است شریعت
انبیاء بنی است از آنکه وقتیکه کرده شد روح حضرت آدم علیه السلام افروز آمد
حضرت جبرئیل علیه السلام با هزار ملائکه با شستن آدم علیه السلام حاضر شدند بعد
آن شستن موتها کفتن ملائکه بود شستن او همین است طریقه شستن موتها
شما را در احادیث آورده است که ابو سعید خدری شنیده است از رسول اکرم که گفتند که
بدرستیکه میت میشناسد چه کسی میبرد او را و چه کس غسل میکند و کافن آورده است
حلال نیست شستن مرد ان عورات را مگر زنان حلال نیست شستن زنان را شستن مردان
لازم است که مردان را مردان شویند و زنان را زنان شویند در کتب آورده است که
میت در وقت شستن خوابانند پشت ناک سر میت جانب مشرق باشد پای میت جانب
مغرب باشد و نزد بعضی خوابانند میت را مثل خوابانیدن او در گهواره یعنی سر میت
جانب شمال پا جانب جنوب اما شستن او بهتر است که هر جانب آسان
تر باشد همه جانب خوابانند صحیح این است در غیره آورده اند که وقتیکه اراده
شستن غسل میت را کنند میت را بر بالای تخته ببرند آورند بعد از ان وی
پوشانند عورت ویرا در وقت شستن از زیر ناف تا بزیر زانو صواب و بهتر آنست
باکرتی چیزی خواه میت مرد ان باشد زنان از جهت نظر کردن عورت حرام است اینها چنین

این جنس نظر کردن حرام است بعد زان پوشانند غیر قرا استی کنند میت
بعد زان طهارت کنند میت را مثل اموات طهارت یک از برای میکنند و لیکن
در طهارت میت دردهن او در بینی آب نکنند و میت سر نکنند و بعد از وضو
خوابانند بجانب چپ و شویند جانب راست او از بیخ تا که رسد آب
بنهی میت بعد زان خوابانند میت را بر جانب راست او شویند جانب چپ
او را بیخ تا که رسید آب برخت بعد زان مرده را بر خود تکیه کنند شکم او
نرم مالند اگر چیزی ظاهر شود مثل ریح و مانند انها و باز شویند غسل و
طهارة و بیاورد و باره شویند و بعد زان آلت پاکیزه بدنرا مسح کنند که کفن نر
نشود آن آلت را آب جنس و خشکی شمرند در بهداية آورده است که نکند
ریش میت را و موی سر و بر ناخون دست و پای و بر ناتراشند چرا که ناخون
تراشیدن و شانه کردن از جمله سنت است بعد از مردن سنت نیست و صلوات
مسعود در آورده است که الطف و است که در وقت نشستن میت قرآن خواند
و دعای بلند بخواند در کبیر آورده است مرده پاک نشود از درون آب برون آمده
از آلت لازم است شستن مرده مگر انکه در وقت برون آوردن در آب
صنابلیده شود مرده را به نبت غسل میت در بن صورة لازم است دوباره
شستن و در برهانیه آورده که آب مستعمل میت نجس است الا انکه
در بدن میت جدا نشده باشد در موضع قرار گرفته باشد بعد زان با همان آب
بچیزی رسیده باشد خواه آب اول خواه آب ثانی خواه آب ثالث در بن
صورت نجس میکند دهمان چیزی را که آب مستعمل میت نجس است الا انکه
برسید بلباس غسل در وقت شستن نجس نیست از جهت عموم بلوی از
جهت حرج در خانیه آورده که پسر صغیر یا دختر صغیره باشد بحد شهوت

نرسیده

رسیده دین صورت جایز نیست دختر را مرد شوید و پسر را زن شوید در
بقاح آورده که اگر زن را مرد شوید روا نیست و زن مرده شوهر شرا شو
ید از جهت آنکه نکاح باقی نمانده است میان روح زوجه در مفاتیح الب
ل آورده است که اگر شوهر زن مرده بشوید باکی نیست یعنی جایز است که ز
شوهر خود را شوید از بهر آنکه اگرچه نکاح باقی نمانده است لیکن بر عورت عدت
لازم است اما اگر زن مرده بشوید بر مرد عدت لازم نیست بنابرین مرد زن خود را
شوید اما زن شوهر خود را شوید مگر آنکه زن بعد از مرگ شوهر به واسطه
زاییده باشد یا آنکه مرد زن خلوت صحیح نا کرده مرده باشد بمجرد آنکه مرده باشد در
صورت جایز نیست زن شوهر خود را شوید اما در صورتیکه زن زاییده باشد بمجرد
زاییدن ام ولد خواجه خود را شوید از جهت آنکه ام ولد بعد از مردن خواجه
از کل مال از دست بکانه کت است بخواجه داه مدبر نیز خواجه خود را شوید
از جهت آنکه داه مدبر بعد از مردن خواجه اش از ثلث مال آزاد است بکانه
شده است این جنس داه خاص خواجه خود را شوید از جهت آنکه داه بعد از
مردن خواجه اش انتقال کرده است از ملک خواجه بملک ورثه در سراجه
آورده است که زنی در عدت نشسته بود شوهر مرده او را یعنی عورت عدت است
شوهر خود را شوید جایز است در ینابیع آورده است که اگر مرد در سفر مرد در انجا
از مردگی نه بغیر از زنان زنا بت باشد او را شوید نماز جنازه خوانند و
لیکن امام در میان صف زنان باشد در سراجیه آورده است یک مرد عورت در میان
مردان در آنجا عورت موجود نه در این صورت مردان عورت را تیمم کنند و شو

ش نمی شود انچنین اگر مردی مرده باشد در میان زنان تیمم کند ع
زنان زن نباشند در خانه آورد که محرم باشند مثل برادر و عم و خال
تیمم کند در وقت تیمم نظر نکند بدو زراع یعنی بدو دست عورت مرد را
نظر نکند تیمم کند لیکن چشم پوشند لازم نیست هیچ فرق بین عورت
و عجوزه و هر حکمیک در بالا مذکور شد پست در غایب آورد که مردی مرد را
آنچنان مرد دیگر نه ولیکن داه پست خواه داه خود میت باشد خواه از کس دیگر
میت را باید پست برهنه تیمم کند جایز نیست و نیز در خانیه آورده که مرد
آب موجود نشد تیمم کند پس از تیمم کنند میت را نماز جنازه خوانند بعد از
آب موجود شد شسته میشود میت را و نماز جنازه میشود ثانیاً در قول امام ابو
یوسف رحمة الله علیه و دیگر از امام ابو یوسف روایت پست که شوینده میت را
و اعاده نباید نماز را فصل دوم در بیان تکفین میت اینکه در رافعی آورده که
اصل در تکفین اینکه چون حضرت آدم علیه السلام وفات کرده اند فرو آمدند
حضرت جبرئیل علیه السلام بود آدم علیه السلام طریقه موده ها شما باید که در زمان
قبول آورده که کفن کرده میشود میت را از مال خود میت این چنین تجهیز میت را یعنی
بر اینکه خرج کرده میشود از برای میت این تکفین از تجهیز مقدم پست تجهیز بر دین
دین بر وصیت مقدم بر میراث لیکن وصیت بر ثلث مال نافذ میکنند در بها به آورده پست که
پست کفن از برای مرد سه پست قمیص از لفافه قمیص از کردن تا پشت قدم از
لفافه هر دو را از سر تا قدم میکنند و کفن کفایه از برای مردان ازار و لفافه پست
و کفایه از برای زنان ازار لفافه خمار پست طریقه تکفین این پست اول پس پست ازار

ازار

ازار را بعد زان پوشانند خرقه قمیص را بهمین بعد زان مانند بر بالای ان
بعد زان پیچند مثل صورت بیست مبشور و کفن را اگر نپسندد شوند از
برای کفن اما بیست کفن از برای زنان پنج بیست یعنی در حق حور و کفن
زیاده بیست خمار و خرقه بیست درازی خمار دو گز بیست باگز شرعی و عرض وی یک
وجب بیست از میان زن بر سینه حور بیست پوشانند اما در از خرقه بیست گز باید باگز
شرعی عرض وی از زیر بغل تا نصف ران و خرقه را از بالای مجموع تکفین بپوشانند
نپیچند و تکفین نپیچند اما کفن ضرور بگفت بیست هر چیزکه پوشند بدن میت و اطراف
بقیه او را بر بیست قمیص را بعد زان بپیچند از اطراف به همان طریقه مذکور شد
در جامع الصغیر آورد که مراهق بمنزله بالغ بیست یعنی بپسر حد بلوغ نرسیده
باشد به کفن بپسازند و نه دختر که حد بلوغ نرسیده باشد پنج کفن بپسازند
لازم بیست مادر طفلیکه حد بلوغ نرسیده باشد یک کفن بپسازند جایز بیست
لیکن پدر و ولی این بیست کفن بپسازند مثل بالغ و پدر اجیر آورد بیستکه لازم بیست
هر شوهر اند برای زنش کفن بپسازند اگرچه از زن مال مانده باشد در خانه
آورده بیست که اگر دو نبود باشد کفن میت را اگر میت تازه بیسته باشد کفن بپسازند
میت از جمیع مال اگر مال تقسیم نکرده باشد و الا اگر تقسیم کرده باشند میان ورثه
میان خرها و میان وصایا در بین صورت کفن کردن لازم بیست بر ورثه لازم بیست
کفن کردن بر وصایا و بر خر بالازم بیست و نیز در خانیه آورد بیستکه مرد خریب
در مفلیس مرد در جای لازم بیست کفن او بر آدمانیکه در نیجا بیستند و آن
آدمانیکه قادر بر کفن نباشند کفن او لازم بیست که آدمان طلب کنند اما کسیکه
لباس ندارد که پوشیده نماز خواند لازم نیست بر آدمانیکه از برای او لباس

طلب پس زند چرا که این زنده پست طلب هر خود وی لازم پست در خانه آورد یکی
غریب مرد در مسجد یک قوم دارد شخصی از ان قوم در همی جمع کرده کرفنه
از آدمان از برای کفن غریب چند درهمی زیاده کرده از کفن مرده مانده پست
اکر صاحب تنکه زیاد نه باشند بصاحبش رد کنند و اکر معلوم نباشند بکفن غریب
دیکر صرف کنند و اکر قادر بر این نباشند بفقیر صدقه کنند در مفاتیح آورده پست که در
آثار نبلی در قول صحابه شخصی بر دار جنازه میت را مغفرت کند الله تعالی
از برای همون شخص بر هر قدم که بنهد کناه کبیره را در طی و آورده پست
پست نزد امامان در برداشتن جنازه میت چهار بر دار پس بر دار دیکه نیت جایز پست
در طحاوی آورده پست که مکروه پست کردن مرده بر بالای چهار پایان لیکن بی
توقف رفتن جنازه اولی پست از پیش رفتن در طحاوی نیز آورده پست مکروه پست طا
یفه زنان از قفا در حیط آورد پستکه جایز نیست رجوع کردن بعد از
جنازه اما بعد از کور کنان جنازه رخصت حاجت نیست از برای رجوع
فصل سیوم در بیان صلوات جنازه در فتاوی رحمت آورده پست که امام اجل
بدر الدین عمر النفی رحمة الله علیه کفته اند که جنازه بکبر صحیح تابوده پست جنا
بفتح جیم میت پست در منافی آورده پست وقتیکه حضرت آدم علیه السلام نماز
جنازه خواندند و آدم علیه السلام کور کنند بعد زان مدد کنها بکفر زند آ
دم علیه السلام کفتند که همین طریقه پست مومنهای شما یان در مصر است آ
ورد که سوال کرده شد از امام قاضیخان ایا شرط پست از برای جواز نماز
جنازه طاهر بودن مکان میت یا شرط نیست کفتش امام در جواب اکر
باشند میت در تابوت جایز پست یعنی طهارة مکان شرط نبوده اکر نباشند
مرده در تابوت لایق انیکه در این صورت نماز جنازه جایز نیست از جهت
انیکه

انیکه طهارت مکان شرط نیست قیمت موجود باشد یعنی نماز خواننده باشد
چون میت نماز گذارنده نیست طهارت مکان میت شرط نیست در کافی آورده
اولی باماست کسی میت حاضر نباشد اولی باماست امام حی است امام حاضر نباشد
اولی باماست ولی میت نیست بر ترتیب عصبات یعنی اولی باماست پسر میت
بعد ازان پسر پسر چه مقدار یکه پایان رود بعد ازان اولی باماست پدر میت است
اگر پدر میت نباشد بعد ازان پدر پدر چه بالا رود بعد ازان برادر میت اگر برادر میت
نباشد پسر برادر میت بعد ازان پسر پسر برادر میت چه مقدار یکه پایان رود بعد ازان
عمک میت است اگر عمک میت نباشد پسر عمک میت بعد ازان پسر پسر عمک چه مقدار یکه
پایان رود آنچه مردیکه مذکور شد بر ترتیب عصبات عاقل بالغ میباید سر نیست
حق مرحومه تان و برجهان راد در صلوة جنازه در کبیر آورده که میت وصیت کرده
بود جنازه مرا فلانی خواند وصیت وی باطل نیست اگر قبول نکند ولی میت
را اما اگر قبول کند ولی میت وصیت میت را درین صورت صحیح است وصیت میت
در کافی آورده که چون اولی انیکه در نماز امام در سینه امیت ایستند خواه جنازه
مرد باشد و خواه زن علامیه آورده که اگر قوم هفت تن باشند سه صف بندد
باین طریقه که یک کس امام شود و یک کس قفای امام و دو کس قفای
یک کس قفای دو کس ایستند در حدیث آمده است که در صلوة
جنازه سه صف بندد از مسلمانان نشانه مغفرت است بلکه مغفرت کرده
شده است از برای میت در عمدة الابرار آورده که کفش امام ابو الفضل
وعلی بن احمد بن اللوری رحمة الله در صلوة جنازه از صفوف آخر صفوف
فی پست در هدایه آورده که صلوة جنازه بر لای نجاست را بحوز نیست اما اگر
کفش از پا کشند بالای کفش ایستند جایز نیست در ظهیریه آورده که

در صلوٰة جنازه در تکبیر اوّل رفع یدین نیست اما در تکبیر باقی رفع نیست در صلوٰة
جنازه قرائت نیست اما شافعی میگوید که قرائت فاتحه بعد از ثنا فرض
فرض نیست در خانیه آورده که نیت نمیکند امام در سلام اول و در سلام ثانی نیت
بلکه نیت میکند امام در سلام اول کسی را که در جانب یمین امام و نیت میکند
امام در سلام ثانی کسی را که در جانب یسار امام باشند در فتاوی حجت آورده که
اگر آنانکه نماز نمیدانند ادعیه را یعنی ثنا را خوب نمیدانند و چهار تکبیر را بجا نمی آرند
و سلام نمیدهند نماز ایشان جایز نیست در کافی آورده که از چهار تکبیر یک تکبیر
ترک شود نماز جایز نیست از جهت آنکه چهار تکبیر کفایه فرض است نه ترک هر واحد
فی الصلوٰة جنازه در زیارت قبور آورده که اگر جمع شدند در جنازه جنازه مرد
و جنازه زن و جنازه کودک امام مخیر است اگر خواهد همه را جمع کند و خواهد تکبیر را
مجموع یک نماز میخوانند باین طریقه که اول مرد را بایستند پس امام بعد از آن
کودک را بایستند بعد از آن زن را بایستند در جامع الصغیر آورده که شخصی رسید صلوٰة
جنازه را در وقتی که امام تکبیر اول یا تکبیر ثانی یا تکبیر ثالث رفته بود بجهت درست
تکبیر نگوید بلکه مستقبل شده نیت بروفق امام تکبیر گفت این هم تکبیر نگوید چرا که
هر چهار تکبیر فرض نیست امام بجهت درست تکبیر گوید که قبل از تکبیر امام تکبیر گفته باشد
آن کسی که پیش از تکبیر امام تکبیر گوید جایز نیست اما کسی که حاضر بود و همراهی
امام و در اول صلوٰة جنازه غفلت شد از تکبیر گفتن مانند درین صورت آن
شخص انتظار نه برد برای تکبیر گفتن امام چون که در اول نماز متوجه
بنماز گویا که در نماز نیست در کبیر آورده که در صلوٰة جنازه از تکبیر امام باقی را
بعد از سلام امام گوید که ولکن ادعیه را بخواند چرا که ادعیه را مشغول
شود مرده را می برداشتند بعد از برداشتن مرده تکبیر گوید جایز نیست چرا که

صلوٰة

صلوة جنازه بر میت پست بعد از برداشتن میت نیت در صلوة مسبوق
آورد که شخص قهقه کرد در صلوة جنازه طهارتش باقی پست نماز او فا
سد پست در خانیه آورد پست که اگر امام پنج تکبیر گوید در صلوة جنازه از امام
احفظ دو روایت پست یکی روایت اینکه قوم با امام تبعیت کند روایت تحفه
اینکه تبعیت نکند قوم با امام در سراجیه آورد که سورة در نماز جنازه خواندن
روا نیست در سراجیه آورد که میت را صلوات جنازه خواندن بر لای چهار پایان
یا بر دست کسی پایند روا نیست در کافی آورد که مکروه پست صلوات بر میتی که در رون
مسجد باشد اگر بیرون مسجد اقتدا فاسد پست در خانیه آورد که مکروه
پست صلوة نزد طلوع و نزد قیام آفتاب و نزد غروب آفتاب اگر گذارند
در این اوقات اعاده لازم نیست در فتاوی رحمت آورد که مکروه پست صلوة
جنازه در وقت خطابت خطیب در شامل لاحق آورد که بعد از فراغ صلو
جنازه معلوم شد که امام بی طهارت بود پست اعاده صلوات جنازه لازم
اگر با طهارت خوانده باشد امام قوم ها بی طهارت خوانده باشند در این صورت

اعاده لازم نیست

ولها صلوة الجنازة على الطلوع
والغروب والزوال مكروه وان صلى لها
لم تكن الاعادة كما
لو وجد عضو من اعضاء الآدمي كيد او رجل لم يغسل ولم يصلى ولكن يدفن وان وجد اغلبه
وعندان فهي يصلى عليه اما اذا وجد اكثر البدن او العضو ومعه الرأس يغسل ويصلى عليه لان
الاكثر الكل فلا تودي الى التكرار مختار الفتاوى في صلوة المعود بالله من الكفر فرض
ان يجدد النذر صحت بابدا الحديث البينة على المدعي واليمين على من انكر فرض

اول قل هو الله احد یازده بار بخواند بعد از ان
انت الحادی انت الحق لیس الهادی لیس الحاد
الا هو یازده بار لا اله الا الله صد یکبار باز صد
یکبار الا الله باز صد یکبار الله باز صد یکبار هو باز صد
یکبار یا الله یا حق بار سوره اخلاص سه بار بخواند ثوبشرا
برود آنحضرت بخشد مرادش طلب کند اگر کسی در عشق
خود بقرار کردانی این آیت را بر هفت پاره سنگ هفت
بار بخواند دم کون در دیگ آش اندازد قرار کرد فی الصحف
مکرمت مرقوعه مطهره بابدی مصرعه کرام ابرره اگر شب
سوزکسلول خاه ایت کاک وخواه خانون بود عالی اوح کون اوح
فاره نافقه تب به شفا بغاوکن لا تعلموه بشی
ان الله علی کل شئ قدیر ٥

قل هو الله احد الله الصمد لم

یلد ولم

مسئله

اگر در روغن پشته موش آمد پاره کرده و از یکطرف خورده و باسکی و امثال
انها و چیزی از آن پس رسیده و فربزه را خورک رسیده را جدا سازند باقی را علی چه فرماید

جواب ما یلبی حلال است بحمة الغفار

بسم الله الرحمن الرحیم این وصیت نامه مبارک واقع بولدیر شیخ احمد
آتلیق بر کمربه بارایدر بر کون جمعه کچه سی روضه مبارک نک اوزک طرفنده
اولتوروب ایردیم تلاوت قرآنله مشغول ایردیم قونده بر فصیح تیل برله آواز قیلدی
وایدیلار کم یا شیخ احمد قولدق تو تغیل مشک بر سوزیم بار ایدی این
بلکه بن تمام عالمه خبر بر کسه یم بن شیخ احمد ایدیلار السلام
علیکم یا رسول الله ایدیلر بن سنک پیغمبر صلی الله علیه وسلم ایدوکنی
خبر دار ایدوب ایدیلار ایرته بره [illegible]
کیلاسیز ایکی قونغه آلدیمغه تواضع برله [illegible]

[illegible] استنجا برلنمک جز
روا ایمک سبیله کهنه و نجس و حمام و حمامه کهنه ورمک
و برکی و بیسه کهنه منلرک اول استنجا آرزو ایدرلر ایکنه
استنجا ایتمک جز منلرک اول استنجا آرزو ایدرلر ایکنه
کیسه میدیده بلکه دوکم در روبا ایله دوکم آرزو ایدرلر ایکنه
در زیر درخت سبز میوه دار روبا ایله دوکم آرزو ایدرلر ایکنه
آستانه بول کرمک مکروه آب حوض و آب روان بول و غائط کرمک
بر خانه ستم بر بنه و بیت بر بنه بر بنه بر بنه بر بنه بر بنه
وقتا میدیلار از تبعیت حوض و جوار برون بمرود علی احده بمنود
بسراجیه وسلمه السعاده

[illegible] اگر در کناره جوی
و یا حوض در خشی باشند
کناره آبشوران [illegible] موضع دراید
برون نمرود اگر دار از روی دوغ کرباشند
وضو ادرانجا روا باشند و اگر کم تر باشند روا باشند
زیرا که دوغ کر چار یک حوض کیر است دوغ هر چار یک حکم کل

در بیان تعبیر نامه این بیت اگر بیند در خواب خدای تعالی بیند از عذاب رستگار
گردد دوستی دشمنان دوست گردد اگر فرشته در خواب بیند شادمانی خیر برکت پیدا شود اگر محمد را در
خواب بیند صلح کند مزد ثواب یابد اگر ابوبکر را بیند از رنج از بیم عذاب نجات یابد اگر عمر را
در خواب بیند از محنت دنیا رها یابد اگر عثمان را در خواب بینی در بهشت واصل گردد اگر علی را
در خواب بیند وجه کرد معنی حاصل گردد اگر در خواب بهشت بیند از مراد این جهانی کامیاب گردد
اگر دوزخ بیند در جرائم افتد بگویند اگر از دوزخ بیرون آی شادمان گردد از رنج جهانی آزاد گردد
اگر صراط بیند از بلاها ایمن گردد اگر ترازو را بیند عادل گردد هر که روز قیامت ما بیند ملایم
البته زیاده شود اگر عرش بیند از شرف بنده دشمنان ناچیز گردد اگر در خواب عرش بیند بالا
باشد کار تو مردمان از دست کری کنند اگر آسمان بیند وسعت روزی گردد اگر زمین غسل بکند
صدقه باید داد اگر زلزله در خواب بیند نعمت از دست زایل گردد اگر آفتاب بیند از پادشاه کا
میاب گردی اگر قمر در کنار گیرد پادشاه را قریب گردد اگر مهتاب در پیش بیند تو انگر گردد اگر کواکب
بیند امیر گردد اگر برابر بینی از جمیع کامیاب گردی اگر باران در خواب بیند رحمت بر تو فراوان
گردد اگر برف از آسمان آید لشکر عظیم پیدا شود اگر برف جمع بیاری نعمت افزون شود
اگر ژاله اندر شهر بارد جور از سلطان بیند اگر باد برف و رعد در خواب یا جزع جمله اندر
خواب بیند فرج اگر گرد و خاک بیند در بلا افتد اگر آب بیند سفر مبارک آید منفعت یابد اگر
آب روشن بیند علم یابد اگر آب شیرین بیند برکت یابد اگر آب جوی خشک شده بیند گوئه
عمر باشد اگر در آب پاک غرق گردد مال تو بسیار گردد اگر ظلمت بیند کار تو پیچیده
گردد اگر روشنائی یا سپیدی بیند رنج محنت از تو دور گردد اگر شمع روشن یا چراغ بینی
نعمتی حاصل شود فراغت یابد اگر آتش سوزان بیند در فسق و فجور عذاب باشد
اگر دود بیند خار زار گردد اگر بر کوه بیند روی بلند مرتبه گردد بدشمنان ظفر یابد
لرزله در کوه بیند مرد بزرگ در بلا افتد بدانی اگر از کوه فرای از رنج اندوه رها یابد اگر
غار بیند در جهانی مهتری سپروری یابد اگر دیگ بیند مال تو بسیار گردد اگر آهنگر در
عراب بیند فکر وهمی باشد اگر کنج در خواب بیند از مرد سفله در زیانی آفتد اگر شهر در خواب

بیند

بینی عشق دل خوش کردن ناخوشیها از تو رود الرجیه الحسن لک رب العا
اگر مناره شهر افتاده بینی مرد بزرگ از ولایت افتد اگر
قلعه را ویران بینی ویران کردد اگر پادشاه بینی دولت دنیا
بدو آنچه پدید آید اگر پرستار بینی دولت ایمنی عافیت باشد اگر پیر بلند خوش
نما بینی دولت اقبال از خدا یابد اگر کوشک در خواب بینی فرزند پسر و یا غلام یا کنیز ک
باشد اگر از بام بر دوچه یا زنا دهد پسر زنده دیگر بکامی آرد اگر کرمابه بینی غم باشد یا از
زندان جفا بند اگر خلاص آری اگر کرمابه از غم اندوه رهایی یابد دیدن زندان غم اندوه باشد
از زندان برون آمدن شادمانی شنوی اگر تنور نان بینی غم بود و ماتم کمتر بود
اگر خاکستر بینی در تغیر زنان بود اگر انگشت بینی مکر فسوق حیله باشد اگر آسیا بینی از خدا
روزی بسیار یابد اگر چوگان بینی مکر حیله باشد اگر مرد پیر بینی بخت دولت باشد اگر دختر
بینی غم باشد اگر جوانی مرد بینی شوق نشاط باشد اگر زن عقد کنی از پادشاه منفعت
رسد اگر وطی با خواهر کنی فسوق در پیش باشد اگر پیر زن خواهر خواهر عمر زیاده باشد
بوسه اندر خواب بینی حاجت روا کردد خوش دل کردی اگر سرمایی عرس دیدی یا لهو
رقص بسیار مانده چیز برکت باشد شادی بدان کر سر در رقص باشد آن زمان
اگر طلاق زنان بینی عیش ناخوش بینی فراق بینی اگر کنیز ک یا پسر ای
بیع کنی بر غم اندوه مبتلا کردی اگر خیمه پیرایه بینی خیر برکت یابد اگر صندوق
بخواب بینی زن ماه طلعت خواهر اگر تخت کرسی بینی عز شرف شادی بینی اگر غربیل
آری از جمیع رنجها دور کردی اگر محبوس در بند بلا بینی زود از غم رهایی یابد اگر دیبا
روی شوی از کنه صعب ناک رهایی یابد اگر نماز یکدا ری از جمیع خلق دنیا ترسد
اگر رکوع سجود بجا آری باخدا نزدیک کردی اگر قرآن خواند ایمنی خوش دلی باشد و بهر
نعمت دولت و بهر ریاست باشد اگر تسبیح تهلیل دعا کوی و بهر تکبیر دو کوی روزی
خیر برکت بلند مرتبه باشد اگر روزه داری دولت بخت سعادت باشد اگر روزه بشکنی
بسفر باشد باز بیمار دراز باشد اگر خانه کعبه بینی ایمنی خیر برکت باشد اگر در خواب
ازان کوید مرد فاسق باشد زیانمند اگر قاضی کردد یا خلیفه کردد در روی زمین یا قطب

در بیان تعبیر نامه این بیست اگر یا عالم یا طبیب یا امام یا موذن اگر دو برکند
گردد دوستمان دوست شود اگر خیر سعادت باشد اگر نا اهل گردد خارنا گردد محنت
خواهد رنج مشقت باشد اگر مرد پیر را بالباس نیک دارد عزت یابد
باشد پسر خود را از زن بریده دید از رئیس خود جدای شود اگر موی سپید ترانشد از عمل
معزول گردد اگر زنان را بخویش بریده دید از یار خود جدای شود اگر در خواب دندانش
افتد اقربا و والدینش او فتد هیبت و ندانی زبر فرو آید هیبت زیرین مادر ای پسر
اگر قصد در خواب بینی بر زن فرزند مال بجیب باشد اگر در پا خصیه بریده بیند
رنج اندوه غم بریده دید اگر موی بدن بریده دید از زن فرزند دل بریده باشد
اگر کسی را بند بیش انداز خواب خویش باز خوشی بر تنش گردد بیشه حال او
گردد عمرش دراز از جمیع خلق گردد بنیاز اگر عضو خود با در دینی پر غم اندوه باشد
اگر کسی بیند که خون از دو پیرونی رود پیرنکوئی افتد اگر انداخ خود را غریبد بدرنج اندوه
مشقت باشد اگر اجل آید نا توان گردد صدقه باید داد در بیان پریدن چشم رسول
علیه السلام تجربه کرده گفتند که روز جمعه چشم بر دبا همراهی کلان نا بجای نشود
واگر روز شنبه پر دچشم خوشوقتی شود و اگر روز یکشنبه پر دبر خانه همسایه آید
واگر روز دوشنبه پر دعزیز را بیند و اگر روز سه شنبه پر دزاهمه کارها باز
کند و اگر روز چهارشنبه پر دسفر کند و اگر روز پنجشنبه پر دازغایب خبر
آید تجربه کرده شده است

در بیان حضاید شتر کلان گزیده شتر خورد دو روز ماه روز ده روز

اسب ده ماه ده روز بقر هشت ماه هشت روز گوسفند پنج ماه
پنج روز بوز پنج روز گ پنج ماه سگ سه ماه سه روز آدم نه ماه نه روز

اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم بسم اللہ الرحمن الرحیم الحمد للہ رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین جمیع حمد مر خداوندی را که مربی همه عالمیان است و جمیع حمد مر خالقی را که رزاق جمله مخلوقات است دانندهٔ اسرار خلایق و رب ثقلین انوار حقایق و ترست کننده عالمیان اما عالمیان جمع عالم است العالم اسم للجمع به مفسران و مولفان نزد در عالم اقاویل بسیار است قول بعضی آنست که عالم است چهل هزار در دریا و دریا است و چهل هزار در پرده دریا است ابن عباس رضی اللہ عنہ گوید که چهل هزار عالم است بیت هزار در دریا است و هفت هزار در پرده دریا است مقاتل گوید که عالم سوای عالم صحرا و جنبدگان همین عبارت از آدمیان و دیوان و آبادانی و خاکی قوی و ضعیف و ضعیع و شریف و متعلم بیدانت و هشیار از همه را پیدا نابیدا همه را نعمت میدهد و ترکیب ترتیب میکند الحمد للہ رب العالمین قال جل جلاله آسمانها را بیافریدم و نظر گاه شما باز کردانیدم و زمین چندین قدمگاه شما باز کردانیدم ماه را بصباح شما بر فتاح و آفتاب را بطباح شما کردم و این همه را نه برای شما آفریدم و شما را نه برای بنده گی و شناخت خود آفریدم زینهار بسمع باطن صاحب دل جلگ و زینهار فلک قلبگ بالا یمان و موضع نظر بسمگاه زینهار ماه و آفتاب و ستاره گان بیاراستم و نظارهٔ گاه شما بساختم چون تو در صنع ما نظر کنی

و ما در دلو نظر کنیم در بین بسقف مینا و طارم خضرا نظر عبرت را بفرما تا صد هزار
لا ما حل تابان کواکب و قنادیل نورانی لا تحصی در بین بسقف مینا بینی آیا کیست
مر افروختن تا در بین منظر بانوار بنظر اعتبار بنگری و ما را یاد کنی و زبان بر احمد ثنا بیارائی
و بگوئی الحمد لله رب العالمین و حمد چه چیز باید تا حمد و جود کرد و حامد تا حامد
و محمود به و محمود علیه آن صفت جمیل که برای آن احمد گفته میشود ملک ذو
الجلال و بادشاه لایزال لم یزل و لا یزال نعت و نعم ذات پاک خود را حمد کرد الحمد لله رب
العالمین و از بنده کان دوست و از حمد را و لهذا امر کرد حق تعالی بندگان خود
بگفتن الحمد لله قول الحمد لله بگوید الحمد لله اگر از صفت عزت جل جلاله
نبودی هیچ کس این دلیری نتوانستی کرد بعد از کرد و امر الف مودی مشتهره یاد
او کرا بود در شمومنان در روز قیامت چند جا خدای تعالی را حمد میکویند یکی
در وقتی که اسرافیل علیه السلام صور بدمد جانها در بدنها در آید خلایق
عور پیرانکور بدر آیند لحد ایراعز و جل حمد کویند قوله تعالی یوم یدعوکم
فتستجیبون بحمده و دیکر چون از حساب قیامت بخلاصت یابند خدایرا حمد کویند
و قضی بینهم بالحق و قیل الحمد لله رب العالمین و دیکر وقتی که فرشتکان
کافران را از مومنان جدا کنند مومنان کویند الحمد لله الذی نجانا من القوم
الظا

نظاهلین و دیگر وقتی که اینیل صراط بقوت برق بگذرند خدا را بحمد گویند
الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن و دیگر وقتی که چون در بهشت درایند بگوشکها
خود نزدیک کنند و قصر فرح نوشند زبان بحمد خدای تعالی بگشایند و گویند
قالوا الحمد لله الذی احلنا دار المقامة من فضله و دیگر وحی که دیدار حق
سبحانه و تعالی بوی بند حمد گوید و آخر دعوایهم ان الحمد لله رب العالمین در
خبر است که چون حق سبحانه و تعالی حضرت آدم علیه السلام بیافرید وقت صبح بود که
روح از سر تا ناف در تن آدم در آمد و بتماشای عالم صورت مشغول شد آسمان
و زمین بدید عطسه بداد و گفت الحمد لله رب العالمین حق تعالی گفت
یرحمک ربک بنده آمد که ای آدم علیه السلام تو هنوز نعمت ما نخورده و لطف ما
ندیده حمد کفت ما که خدا وندیم گناه ناکرده تراعفو کردیم چون ندا رسید حق تعالی بشنید
طمعیان یافت آنگاه آدم علیه السلام چشم ظاهر خود را بپوشید و چشم باطن خود
را بگشاد و در ملکوت بدید و هیچ باز نکرده بقصد یک سو او بهشت
چون نبود و ملکش بر در گرد آمده و روح ناز بنا که چندین هزار سال در مناجات
بوده انوار ذات بود و افتاد و فریاد کرد که مرا طاقت جمال نیست تبارک الله احسن الخالقین
در رسید که ارواح میان ما و تو بسیار دوی بغاری دور بدیع پای خواهد بود

اور دعده بد، والبته بعود در هر نفسی که در بنی آدمی می درآید این پیغام از جانب
حق تعالی بروح میرسد و هر دمیکه که بیرون میرود پیامی است که از حق تعالی از روح
بحضرت عزت میرود و جان در بنی آدمی بدین پیغام می باشد چون وقت رحلت شود
این پیغام روح پرور بجان برسد جان عزم رفتن کند بوطن خود مراجعت نماید
از درون هر نفسی که میزند این نفس از حق تعالی بگوش می آید و از تن بحق میرود
اگر این نفس مقرون بذکر الحمد لله و سبحان الله و ذکر و حمد و ثنای حق تعالی برابر بدین
معامله شود که قوله علیه السلام الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه و اگر این نفس
بغفلت بلکه بخطا و ذلت برابر بدانکه زیانی کرد بکه حسرت آن در بازار قیامت
معلوم خواهد شد بیت هر نفسی که میرود از عمر گوهریست ناگاه خراج ملک دو عالم
بود بهاء میپسندد کاین خزینه دیگران ببرد و آنکه روی بجانان نهاد هیچش نبود
و سبب نزول سوره فاتحه ابن عمر خبر الناس ابن عباس رضی الله عنهما میگوید که
روز حضرت رسالت علیه وسلم با صحابه کرام البصر از مکه رفته بودند و اکثر
جا بعوز و حاروب بشتر اشتر کرسنه و برهنه بودند که ناگاه هفت کاروان با
نعمت فراوان از جانب شام از غله و جامه و غیر آن در عقب یک دیگر رسیدند
باشتران می آمدند تا بجانه او جهل سهل کهل تا ایل فروز آمدند و الصحابه
ینظرون

بنظرون الیہا صحی بہ بآں ہفت کاروان نظر میکردند فوقع فی قلوبہم شیء در
دلہا رصحی بہ چیزی می آمد دخطر ببال النبی صلی اللہ علیہ وسلم شیء الجرا صحی بہ
شیء در دل مبارک پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم از جہت صحی بہ چیز آمد در وکفت
خداوند اصحی بہ گاہ دوستان تواند (دوستان) خود را باں حال میدارد ودشمنان را
مالی ونعمت میدہی دوستان در محنت ودشمنان در راحت در حال جبرئیل
علیہ السلام بفرمان ملک علام در رسید کفت یا محمد صلی اللہ علیہ وسلم خدای
تعالیٰ میفرماید کہ در نازل چنین قسمت کردہ ہفت کاروان مال را بہ جہل زدہ آیت
فاتحہ ترا دادہ تا ترا اکرام نبیت مجرد بلکہ آنچہ بتو دادہ ام باو دہ وآنچہ
باو دادہ ام بتو دہم الحمد للہ رب العالمین اکر کافران مکہ را ہفت کاروان مال
دادہ ام تا سا ختکی ونیاکنند بشما ہفت آیت فاتحہ را فرستادہ ام تا سا ختکی
آخرت کنند اکر کافران را ہفت کاروان مال است شما ہفت آیت از قرآنیت ہر آیتے
بہتر از ہر دو جہانیت ریاض اسرار قرآن تماشا کردیدہ جان از باب الباب است
وواز حضرت عزت بجانب بندہ کان خطاب است وخواننده این سورہ را بعدد ہر
حرفی دہ ثواب است وواز صد چہار دہ سورہ نخستین فاتحۃ الکتاب است خدا
وندا سورہ فاتحہ را بسبب فتوح شایبہ انیکہ میل این سخن کردہ وبکوش جان

شنیده قبول کرده اند شود ای رسیما هر حرفی که در سوره فاتحه است روز قیامت

شفیع مسلمانان گردان ۱۰ اقرء القاری بسم الباری الحمد لله رب العالمین

قال النبی علیه السلام اذا ان یقرء التوراة والانجیل والزبور والفرقان

فلیقرء فاتحة الکتاب ۱۰ علماء دین و مفسران کلام رب العالمین چنین گفته

اند الحمد پنج حرف است و شبانه روز بر بنده پنج وقت نماز است هر که این پنج

حرف را که الحمد است بر جا اند هر تقصیر که در گذارند پنج وقت نماز از و واقع

نشده باشد حق تعالی از و در گذارند لله سه حرف است با پنج جمع کنی هشت شود بهشت

هشت در است هر که این هشت حرف را بر زبان راند حق سبحانه و تعالی هشت در بهشت را

بر و رکشاده گرداند رب العالمین ده حرف است با هشت جمع کنی هژده شود حق

تعالی هژده هزار عالم آفریده است هر که این هژده حرف را بر زبان راند بعدد هر خلقی که

در این هژده هزار عالم است نیکی در اعمال او حق تعالی ثبت فرماید لیس فی صورة الفاتحة

سبعة حرف است هفت حرف در سوره فاتحه نیست الجا پرسید که محرمات این حرف خاص

بدان اختصاص یافته اند ث نیست ث از ثبور است و ثبور نالهٔ دوزخیان

یعنی خواننده فاتحه را با نالهٔ دوزخیان کار نیست ج نیست ج از جهنم است

یعنی خواننده فاتحه را با جهنم کار نیست خ نیست خ از خوف است یعنی خواننده فاتحه را

خوف

خوف نیست ز نیست ز از قوم است یعنی خواننده فاتحه را با قوم کار نیست
ش نیست ش از شفا و نیست یعنی خواننده فاتحه را با شفاوت کار نیست
ظ نیست ظ از ظلمت است یعنی خواننده فاتحه را ظلمت قبر نیست ف نیست
ف از فراق است یعنی فاتحه را با فراق احد کار نیست فاتحه هفت آیت است خدا
وند تعالی و تعظیم هر چیزیکه در عالم صورت آفریده در عالم باطن نیز آفریده اگر در
عالم آفتاب آفریده و هفت آسمان آفریده در عالم تن بنده هفت اندام او نور و ضو
آفریده اگر در عالم آفاق ماه آفریده در عالم تن نور عقل آفریده اگر در عالم آفاق
بنات رکان آفریده همچنین در آسمان پسر بنده چشمان آفریده اگر در عالم
آفاق کرسی آفریده در عالم تن بینه آفریده اگر در عالم آفاق عرش آفریده در عالم
تن بنده آفریده قلب المؤمن عرش الله بیت دلست عرش است صد بیت
کرسی که هر چیزیکه اندر شب بالاست مثالش در تن جان نو پیداست
اگر در عالم آفاق بادها کرده و پسر داده آفریده در عالم تن بنده دمها کرده و پسر داده آفریده
اگر در عالم آفاق قطرات باران آفریده در عالم تن بنده دیده گریان آفریده اگر در
عالم شب روز آفریده در عالم تن بنده نور طاعت و ظلمت معصیت آفریده اگر
آنجا مرگ آفریده اینجا خواب آفریده اگر در عالم آفاق چهار فصل آفریده بهار و تابستان

بزه ماه و زمستان در عالم تن بنده بزه جهار فصل آفرید کودکی بر مثال بهار
جوانی بر مثال تابستان و کهلی بر مثال بزه ماه و پیری بر مثال زمستان آنگه خواهش
بر مثال کوه بیاورد کشید بر مثال چوب بیاشکم بر مثال دریا معده بر مثال آسمان
دل بر مثال صدف ایمان بر مثال گوهر اهل تصوف بر اینند که عالم دو نوع است یکی
صغری و دوم کبری عالم صغری این تن است و عالم کبری باطن عارف است
خداوند تبارک و تعالی در وجود فرزند آدم چنان جهانی بساخت اندر صحرای سینه
او هفت پرده نهاد و در پس این هفت پرده گنجی دل بیافرید و بر بالای
گنج اژدهای نفس را بیافرید تا بر سر گنج دل به هفت اژدهای نفس او هفت سر است
و بر هر سری زبانی است و یک او کبر است و بزبان او کفر است دوم سر شرک او شک است و بزبان
او شک است سیوم سر او هوا است و بزبان او جهل است چهارم سر او عجب است و زبان
او نفاق است پنجم سر او خشم است و بزبان او ظلم است ششم او شهوت است و زبان او
حرص است هفتم سر او بخل است و زبان او چه است و این اژدها با این هفت
سر بر گنج دل خفته است و عقل بر سر او ایستاده و میخواهد که این اژدهای بر سر
این گنج دور کند و این اژدها نفس هم کر است و هم کور است بشنود نشنود و صلاح
کار خود نداند جز معصیت نادیده شد تا اژدهای نفس بر بالای گنج دل را نیابد و در

این خزینه دل هفت پرده بست و در هر پرده گوهر است و گوهر اعظم در ای این هفت
پرده است چنانکه در عالم آفاق هفت آسمان است و در هر آسمانی بستانست
در آسمان اول ماه است و در آسمان دوم عطارد است و در آسمان سیوم زهره است
و در آسمان چهارم خورشید است و در آسمان پنجم مریخ است و در آسمان ششم
مشتری است و در آسمان هفتم زحل است در ای این عرش اعظم است انجا نیز
در ساخت پسته تو هفت پرده است یکی را نام قلب است دوم فواد است سیوم شعاف
چهارم حجاب است پنجم حبة القلب است ششم همیم است هفتم سویدا است و در هر
پرده گوهریست و در هر پرده قلب گوهر ذکر است و در هر پرده فواد گوهر است روایت
نام او در هر پرده شعاف گوهر محبت است و در هر پرده حجاب گوهر است شفقت نام
و در پرده حبة القلب گوهر همت است و در هر پرده همیم گوهر معرفت است و در
پرده سویدا گوهر نور است در ای این پرده ها عرش است تا این پرده ها در نگذرد
بلکه دل نرسد و تا این اژدهای نفس را قهر نکنی بحضرت دل را نیابد این اژدهای
نفس چون کشته شود جام خواهد و چون کرسنه شود طعام خواهد چون این
مؤمن بتا او را بریاضت ضعیف کرداند عقل بیابد و دلایت دل بگیرد آنگاه دی
از عجب و رعونت بگذارد تا باحق راه گوید چون نفس جام و لقمه خواهد حرام باز

گرفته شود نفس تشنه گردد بماند پست شود و عقل غالب شود بنده
به رحمت بالله مناجات کند از حق می شنود و بالله میگوید و از غیب ندا می آید
که تو بنده منی و من خدای تو ام چون حق تعالی مر دانست که مؤمن از بیم آن دوزخ
که او را هفت در است غافل نباشد عنایت نمود و سوره فرستاد که او را هفت
آیت است و این سوره الحمد لله است چون این هفت آیت را بخواند هفت از دوزخ
نفس را قهر کند چنانکه گوید الحمد لله رب العالمین یک در از دوزخ نفس قهر
کرد از کبر و کفر سلامت یافت چون بگوید الرحمن الرحیم دو در بر شر او کوفته از شرک
و شک سلامت یافت چون بگوید مالک یوم الدین سیوم در بر شر او کوفته از جحود
و هوا سلامت یافت چون بگوید ایاک نعبد و ایاک نستعین چهارم در بر شر او کوفته
از حرص و بخل ایمن شد چون بگوید اهدنا الصراط المستقیم پنجم در بر شر او کوفته
از عجب و نفاق سلامت یافت چون بگوید صراط الذین انعمت علیهم ششم
در بر شر او کوفته از ظلم و خشم سلامت یافت چون بگوید غیر المغضوب علیهم
ولا الضالین آمین هفتم کوفته از جهل و حسد سلامت شدی بدانکه رضای
حق سبحانه و تعالی در مخالفت نفس شکست است نفس کبر شر بود پس عذاب شکم
آتش روزه دل کباب کن خانه دل اگر هوا طلبد آه سرد دان خرابش کن

از آسمان

آسمان هفت پست و زمین هفت اگر که این هفت آیت فاتحه را با خلوص خواند
حق سبحانه و تعالی هفت دریکی دوزخ را بروی پست کرداند قوله تعالی جهنم
الموعدهم اجمعین سبعة ابواب لکل جهنم جا آن کس نیکه متا
بعت ابلیس کرده اند هر که متابعت ابلیس کند جای او جهنم است و هر که متابعت حضرت
رسالت صلی الله علیه وسلم کند جای او بهشت عنبر سرشت زیبا خشت پست
و دوزخ را هفت درست بر هر دری طایفه ابلیس پست سبعة ابواب جهنم بینه
و جهنم است و پنجم پست و پنجم پست و ششم سقر است و هاویه است و لظا پست و نار پست
قوله تعالی لکل باب منهم جزء مقسوم قال الفقیه ذکر النار شدید کیف النظر الیها الو
یل لمن دخل الیها نقلست که از شیخ بایزید پرسیدند بسقام مرقد پس سر که در
حمام در آمد و در کرمه خوانه نشست ناگاه صیحه زد و بیهوش شد چون بهوش
باز آمد از این حال فرسیدند شیخ فرمود که در کرم خوانه حرارت دوزخ را یاد آمد
دوزخ را یاد کردم الهی میرسید که با بایزید چه تسلط نار الله تا لم تذکر نار العقبی
تا کرمه آتش دنیا را بر تو مسلط نکرد چه از آتش دوزخ عقبی یاد نکردی
از هیبت این ندا من بیهوش شدم ربا عجب از معصیت ای دوست چند باید کرد
از تو بس خدا دوست تر باید کرد الله الله شب کرما به نعلی طاقت نداری آتش بسقر چون باید کرد

سبب نزول این آیت آنش ابن مالک رضی الله عنه میگوید که نزلت هذه الآیة
وان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب بگی رسول الله صلی الله علیه
وسلم وبکی اصحابه لبکائه قال فاطمه رضی الله عنها ما انت بالذی ابکاک قال
انزل الله هذه الآیة وان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب از برای عاصیان
میترسم ای پسر چه کنیکه شبها خواب میروند و ملائکه عذاب دوزخ را نابود میکنند
ای پسر چه کنیکه شبها نماز کذارند و ملائکه رحمت بهشت را مرا نبند من عرف الجنة
لا یعمل من الطاعات و من عرف النار لا یجزع من المعصیت ریاعش من بنده آن
کریه کند که بانند پیراهن از آن خنده قهقه بانند تکه که چوکنی کنه کوه کوه بکری
تا خرمن عصیان تو کوه کنه بانند صفت دوزخ و دوزه شنیدی قال النبی صلی الله علیه وسلم
لما رجعت من المعراج و نظرت اسمای فرایت وجوها سودا الم از منشد صدق رسول
الله بسیار کانیت و خلاصه موجودات و شفیع عصیان فی عرصات علیه افضل الصلوة
و اکمل التحیات چنین میفرمایند که در آن شبیکه مرا بآسمانها بردند عجایب و غرایب
صنع آفریده کار بمن نمودند و چرخ چن و انس کونین و ثقلین جا بلقا و جابلسا نمودند
در وقت مراجعت در چرخها نظر کردم دود بسیار دیدم که مثل آن دود ندیده بودم کفتم
ایا چه دود است بدین تاریکی و بسیاری جبرئیل علیه السلام کفت این دود دوزخ بستکان دوزخ

دوزخ بروز حشر آید گفتم با جبرئیل علیه السلام دوزخ بمن نما تا بوینم و امت خود را
بگویم تا گناه نکنند جبرئیل علیه السلام گفت با محمد طاقت دیدن آتش دوزخ ندارید
حق سبحانه و تعالی دوزخ را از غضب خود آفریده پست ندای مستطاب رب العالمین باب
در رسید که ای جبرئیل علیه السلام دوزخ را باحضر من بنمای جبرئیل علیه السلام در
دوزخ را بگشاد و هفتاد هزار دریا آتش دیدم و بزرگی هر دریا چنانکه اگر هفت
آسمان و زمین در وی اندازند ناپدید گردد و این دریاها آتش موج میزدند و میجوشید
و میخروشید و میغریدند بصدایی که اگر از خزینه بازگردد و بدنیا آید هیچکس زنده نماند
و در دوزخ و او بها دیدم همه از آتش و درختان دیدم از آتش آسیابها دیدم همه از
آتش که اهل دوزخ را در آن آسیابها مثل کندم آرد میکردند سگان دیدم بر مثال شیران
و گرگان دیدم بر مثال شتران و مالک دوزخ را دیدم بر بالای تخت آتش نشسته
سهمناک و غضبناک که سر در پیش افکنده و از هر تارموی او کوره آتش
آویخته نه مر او را دو چشم بود بزرگ که هر چشم او بهر دو دنیا و بر دست خود نمودی
از آتش گرفته که اگر خلق اولین و آخرین شوند و نوشند آن همه را برداشتند
و زبان بتسبیح حق سبحانه گشاده میگفت سبحان الذی لا یجاوز رهبة الملک الجبار
و سبحان المنتقم من اعدائه این تسبیح را می گفت و کوره آتش از دهان او میریخت و

از سوراخهای بینی او دود بیرون می آمد چون او را دیدم بلرزیدم چنانکه آن مرا
حق تعالی مر انگاه داشتی بندا از بند مرجه شدی در وی از بدنم مفارقت
کردی هر دو زخبر انظر بر مالک افتاد از بیت او بیفتاد و پنج سال بیهوش شد و نظر
کرد در فرشتگان شد بر او دیدم عمود آتشین گرفته و آتش از وی بیرون
جبرئیل علیه السلام نزدیک مالک رفت و گفت ای مالک این محمد مصطفی است
صلی الله علیه وسلم و خواجه هر دو سرا است چون مالک دوزخ نام او شنید تعظیم
او را بر خواست و بر او سلام کرد و گفت ای محمد صلی الله علیه وسلم بشارت مر ترا که حق
سبحانه و تعالی گوشت و پوست ترا بر آتش دوزخ حرام گردانید و گوشت و پوست آن
کس که متابعت تو کند ای محمد صلی الله علیه وسلم امت ان خود را بگوی تا گناه
نکنند که ما را بر ایشان رحیم نکرده ام این جای ظالمان است و این جای خمر خوران
است و این جای زناکار است و این جای بی نمازان است و این جای باخوران است و
جبرئیل علیه الصلوة و السلام چون این حال بدید دریای شفقت نبوی از باطن
او موج بر آورد دو چشم او اشک از چو بارید و زاری بر حضرت
کردگار عز و جل و گفت بار خدایا شفاعت امت مبارت خواهد و گفت ای جبرئیل علیه السلام
عمامه از سر من بر گیر تا بکی سر خود را بر آستانه دوزخ نهم و این جمع عاصی گناه
کار را

کار را از حضرت عزّة درخواهم که ایشان را طاقت عذاب دوزخ نیست سپر بلا بر
ازپال نموده و سپر بر اسپ تا نگوید خرنیما دوی نیاید و آب از دیده الهی بارید و
مبلغت امت امت خداوندا امتان من عاصیان پر گناه اند شهادت میدهم که گوینده
لا اله الا الله محمد رسول الله اند بوحدانیت تو و رسالت من اقرار دارند
ایشان را بمن بخش خواجه عالم صلی الله علیه وسلم بهمان حال میگریست و جبرئیل
علیه السلام نیز موافقت میکرد و ملائکه بسموات نیز میگریستند و فطرات اشک
ملکات تا اوج فلک در گذشت غلغله در عالم ملکوت افتاد خواجه عالم میگفت
الهی امت مرا بمن بخش سپر از اسپ تا نه دوزخ بر ندارم ناگاه خطاب بر
مستطاب رب الارباب در رسید که یا محمد صلی الله علیه وسلم اراده ما آنست
که چون روز قیامت شود خلق اولین و آخرین عاصیان را کور بردارند در
محشر گاه بیایند انبیاء و اولیاء حاضر شوند تو در بالای مقام محمود برای
وی عاصیان امت را از ما درخواهی ایشان را بتو بخشم تا هم عزة ما و شفاعت تو
ظاهر شود و هم فضل رحمت ما تو میطلبی و ما می بخشم چندان عاصی بتو بخشم که
تو از ما راضی شوی وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ بیت چو تو کیستی
شفاعت بنی بر سر و بیت من بیک سوی تو بخشم یکسر ز هر چه هست حکایت

چون عیسی افتاب سعادتم افروزد ... کند ... یک روز نه که نالهٔ آلام

کوشش دل از زاری او ... در آن زمان باحق تعالی یک دم

زنده دلش حق تعالی ... چون ... بلایش کردند پاکت زمانه

پیر خرد گفت پسر یک ... چه وقت مرد ... زیبت تو هزار هفتصد سال

ای پاک شکر نامه ... ... رخسار ... عمرت نیابد هم زمانه هیچ

گفت ای سوریا حالت ... چرا کرده پشت که ... نابیست شد بدو گفتا خدا

جرم ... الیم پشت ... برای دانکی از مالی بنیم پشت ... مالی نیست پسیار شود و

درکه وجود او پشت دلیوار شد چو ابجالد ... ز صد لذات باقی بازماند

آن ملک خواهای فدا کن ... با برابهاد ... مناجات چیا قیوما ادرکنی

صمدا معبود بیچون الهی بحرمت یوا ... ربانی ... و بعزة اسرافیل

بسجانه ... الهی بحرمت عارفان که آبدا ... کمورات آسکل زدوده اند

وصدای انا الله بگوش هوشش شنوده اند ... منه پرستاد که در بزم صد

صوت چنگی از دست بسانی و بفهم درست بهد ... ه در کشیده اند ... و با بیدلان

... تهای شفانه ... و نالهای شفانه ... مالب نشنه گان با نمه

گناه با بزلال مغفرت سیراب دار ... و نظر ... ه

وغم محبت دردل ما بیچارگان بکمار ... نام با آرام خود دارد ... زبان ما فقیران دار ... ه

طاعتی ویرا ز معصیتی گرامت فرمت ... روزیکه جان شیرین دهیم ما را ز تلخی جان کندن نگاه دار

چون از خانش تره سر برآریم همه را عیدی در صدر جنان بر سانی ... دلهای ما را از غم فراغ فرح کن

ودیدهٔ ما را بلقای خود منور کن ... یا اله العالمین و یا خیر الناصرین برحمتک یا ارحم الراحمین

از برای فدیه گوسفند صوم صلوة و سایر واجبات ... متوفا مذکور را ... این

مبلغ را بشما دفع کردیم ... بطریقه مذکوره ... مبلغ مذکور را بشما دفع کردیم تمت

احکام قولاق تحفور ماقنی بیان اگر شنبه کونی قولاق تحفور بولسه
یراق بردین خبر کیلور اگر یکشنبه کونی تحفور بولسه سلطان دین یاخ
خبر کیلور کا اگر دوشنبه کونی تحفور بولسه شیخ مبارک بولور وفایده لار
اگر سه شنبه کونی تحفور بولسه مالیکه زیاده بولور یا اوزی بیمار بولوب قالور
کونی تحفور بولسه پادشاه لاردین انعام کور کا اگر پنجشنبه
کونی تحفور بولسه بزرک لاردین حاجت روا بولور اگر جمعه کونی تحفور بولسه
غم و اندوه که کرفتار بولور تمت

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

کواهم کواهی میدهم از برای خلاصه از برای
ریاکی فلان بنت فلانی کا از جانب
خود وکیل مطلق در باب نکاح کردانیدن
فلانی بنت فلانی با مهر
کواه شد
بسم الله الرحمن الرحیم
عبد الصمد

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله واصحابه

اجمعين اكنون بفرمان خداوند جهان وخالق كون ومكان ومربي عالميان وبادشاه
ازل وحكيم لم يزل وبسرفه بهترين اولاد آدم وبركزيده شهر ده هزار عالم
يعني خواجه طاها ويا سين ورسول الملك الامين شاه بار كاه حقيقت ومعنيت نشين
كلستان معرفت بيد لولاك لما خلقت الافلاك كوهادي سبيل وافضل رسول
وامام جزو وكل ورهنماي شريعت وپيشواي اهل طريقت وخواجه حقيقت
وصاحب معرفت بيعني ان الذي بيسراه وآناه روي وشمس والضحى تاج سر وشمس وشريعت
وطريقت ونبوي اجو بكبل ما زاغ البصر وما طغى يعني بنام خضرت محمد مصطفى
صلى الله عليه وسلم ومذهب امام اعظم كوفه صوفي رحمة الله عليه
وبكواهي درين مجلس حاضر بلكه شما كه وكيل ثابت الوكالت نداز جمله قبولي
بي بي خلاني بنت فلاني نفس نفيسه موكله خود را بفرزندي وبنكاه
مسلماني وبدور چهار امور شرعي كه بيان نابس ومعروف ومشهور است
وبمبلغي كذا كه ثلث او مهر معجل وثلثان او مهر مؤجل است الى البقاي
لنكاح خواهيد وقبولش كرديد

در بیان نکاح کردن و به بسم الله الرحمن الرحیم

اگر پرسند که در نکاح چند چیز فرض است جواب بگو که ده چیز
فرض است اول اعوذ بالله من الشیطان الرجیم کفتن است دوم
وکیل تعیین کردن است سیوم وکیل اذن کردن است چنانچه قوله تعالی
فنکحوهن باذن اهلهن و اتوهن اجورهن چهارم آیت نکاح
خواندن است پنجم چهار امور شرعی فهمیدن ششم دو کواه بجای آوردن
هفتم چنانچه فرماید که قوله تعالی اشهدوا ذوی عدل منکم و اقیموا الشهادة لله
ارباع شهادة بالله بعد اکردن هشتم وکیل را بسپردن و فرستادن
چنانچه می فرماید که قوله تعالی فیما تراضیتم به من بعد الفریضة نهم
در حالت حیض نکاح زن یا دختر حیض واقع شود پاک کردن بعد از
نکاح کند اگر پرسند که در نکاح چند چیز سنت است جواب بگو که چهار
چیز سنت است اول خطبه خواندن دوم جامه نو پوشیدن سیوم
شاد کردن چهارم فاتحه بخش کردن اگر پرسند که در نکاح چند چیز فاسد
جواب بگو که هست هفت چیز فاسد است اول وکیل مست باشد
دوم وکیل نابینا باشد سیوم وکیل نابالغ باشد چهارم مجنون باشد

پنجم زن باشد و بقول دیگر وکالت زن در سه معتبر است ششم خنثی
مشکل باشد یعنی نه هفتم بیمار باشد هشتم نابینا باشد نهم
چلاق قیم باشد دهم پسر خورد باشد دوازدهم دروغ گوی باشد
سیزدهم در حالت حیض نکاح کردن فاسد میشود چهاردهم عدت
نقاپس نگذشته باشد پانزدهم عدت طلاق نگذشته باشد شانزدهم
هم نیست نکاح ناکردن چنانچه می فرماید که قوله تعالی ولا تعقدوا عقدة
النکاح هفدهم بی اختیار زن ظالم کرده نکاح کردن فاسد میشود
هژدهم وکیل از زن نوزدهم وکیل غایب باشد بیستم کنیز کی شخصی را که
بی ازن خواجه نکاح کرده بیست یکم بغیر عاقد نکاح واجب نکاح دا
نیست بیست دوم زن کودک و دیوانه باشد عقد کردن در سه نباشد
بیست سوم زنیکه حامله دار باشد بیست چهارم هم شیره دار باشد
بیست پنجم کسی که باکی ایجاب قبول باشد بیست ششم کسی که مجنون
باشد بیست هفتم کسی که عاجز باشد آنها نکاح در سه نباشد هوا
لوصروی واللہ اعلم چنانچه در خبر آمده است که قوله تعالی ثلثة لا
یقبل اللہ منهم صلوتهم فلتفقه ومن علیهما واللہ اعلم
اگر بدانند که در نکاح

چند چیز مباح است جواب بگوکه پنج چیز مباح است اول بعد از
نکاح طعام خوردن او است میدن دویم شادی و خرم کردن
بسیوم خوشنودی کردن او شاد بودن چهارم در نکاح کردن چیزی
کرفتن پنجم هموه نثار کردن مباح است اکر شخص نکاح نه کند
در اسلام نی فرض را داند و نامهای و برا و سنتهای و برا داند
و فایده و مباح و برا داند نکاح وی در است و بعذاب کرفتار نکردد
نعوذ باالله من الذالک چنانچه در خبر امده است که قوله تعالی خیر الدنیا
والاخرة هو الخیر ان المبتدء بسم الله الرحمن الرحیم بدانکه
نکاح فرض بودن باین آیت ثابت شده است قوله تعالی وما امروا
الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین بدانکه فرض نیست قیام باین آیت
قال الله تعالی کونوا مع الله قائمین بدانکه فرض بودن وقت نکاح باین
آیت ثابت شده است قوله تعالی فسبحان الله حین تمسون وحین
تصبحون وله الحمد ما فی السموات والارض وعشیا وحین بدانکه
تظهرون بدانکه فرض بودن پاکی بدن باین آیت ثابت شده است قوله تعالی
وثیابک فطهر واکر کسی فرض و واجب و سنت نکاح را نداند نیکو
کند

کند در حق نباشد آن شخص تعزیر کردن واجب است چرا قوله تعالی
وفی عذاب مشترکون فاما عقد نکاح کردن معتبر است بشرط و خطبه
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الحمد لله الذی جعل
النکاح سنة للانام وفاصلا وقاطعا بین الحلال والحرام
ومتعهم به فی اللیال والایام وصرفهم به عن الفواحش
والاثام وزینهم به فی کل موقف ومقام فانکحوا ما طاب لکم
من النساء مثنی وثلاث ورباع کما قال النبی صلی الله
علیه وسلم النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی
الناکح مرغب والمنکوحة مرغوبة والمهر علی ما تراضیا
واقول قولی هذا واستغفر الله الغفار لی ولکم ولجمیع
المسلمین الخاضرین انه هو الغفور الرحیم الجواد الکریم
الرؤف الحلیم العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین مسئله در نماز جنازه چند
چیز فرض است وچند چیز سنت است وچند چیز مستحب است وچند چیز بدعت است
وچند چیز حرام است جواب بگوید بمعنای آنکه چهار تکبیر فرض است
نیت زن ونیت مرد را کردن سنت است وعام در سینه زن ایستادن ومرد را بر

در بیان الفاظ نکاح عصوا عوذ باللہ من الشیطان الرجیم

بسم اللہ الرحمن الرحیم اکنون بفرمان خداوند

جهان و خالق کون و مکان و مربی عالمیان و روزی دهنده

جانوران و یار دهنده ضعیفان و فریاد رس درماندگان

و چاره بیچارگان و شفا دهنده بیماران و کبریا یکتای پادشاه

ازل و حکیم لم یزل و خلاق بی شبه و بی بدل و بشر شرف

بهشت و سپهر بین اولاد بنی آدم و برگزیده شده از

رعالم ماه مکه و حرم پیغمبر عرب و العجم محمد

مصطفی و یاسین و رسول رب العالمین آن شاه بارگاه

حقیقت و چند نشین کلیدان معرفت بهبود لولاک لما خلقت

الافلاک هادی سبیل و امام جزو و کل راهنمای شریعت و پیشوای اهل

طریقت صاحب معراج سبحان الذی اسری و آن ماه رو

می و الشمس و الضحی او بسنبل موی و اللیل اذا یغشی اتروش و شیرین

عیش و لبوی گذ خدای ملک خدا بلبل ماز اغ البصر و ما طغی از

شفاعت خواه روز جزا عصیان امتان پر گشته را پیشت پناه

غمخوار

نحمدہ و نصلی علی رسولہ الکریم بعون اللہ الرحمن الرحیم

بعد حمد و صلوٰۃ بعرض میرساند احقر العباد محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم و بمذہب حضرت امام اعظم ابو حنیفہ کوفہ صوفی رحمۃ اللہ علیہ و بکواہی این مجلس از مسلمین غیر حاضرند شما را وکیل ثابت الوکالت بالبینۃ عادلۃ از قبیلہ مسلمات بے فلانے و بہ نکاح مسلمانے و بہ مبلغ بے طلائی جید بنت فلانے نفیس نفیسہ موکلہ مرغوبہ خود را بنے و بہ نکاح مسلمانے و بہ مبلغ بے طلائی جید احمر اعلای خوشدی ضرب حضرت خلفے بکمتقالی ہر متقالی او صد چو مبانہ است و مثل قبل شرعی شریف ثلث معجل و ثلثان او مؤجل است الی ابقائے نکاح و بدین جواب حاضر راغب کہ نام او فلان ابن فلان است بخشید یدش بنے وکیل گوید کہ بخشیدم شما کہ فلان ابن فلانید موکلہ شما را کہ مسماۃ است بے فلان بنت فلان است بجہار امور شرعی کہ بین الناس معروف و مشہور است حاجت بہ بیان نیست خواہید یدش و قبول کرد یدش بنے داماد گوید کہ قبول کردم بخش نفوذ امور شرعی کرد یدش داماد گوید کہ کردم بخش

در بیان جامه پوشیدن / هر که روز شنبه جامه پوشد تا مبا
رک بود هر که روز یکشنبه جامه پوشد آنجامه زود پاره شود هر که
روز دوشنبه جامه پوشد بیمار شود زود صحت یابد هر که روز
سه شنبه جامه پوشد بیمار شود هر که روز چهارشنبه جامه پوشد
مال یابد و شادمان شود هر که روز پنجشنبه جامه پوشد از دشمنان
ظفر یابد هر که روز جمعه جامه پوشد تنگ دل شود و عاجز ماند
والله اعلم احکام جامه شستن هر که روز شنبه جامه شوید
غم و اندوه و غفلت یابد هر که روز یکشنبه جامه شوید میان زن و
شوهر جنگ شود هر که روز دوشنبه جامه شوید بصاحب آن
جامه زر رسد هر که روز سه شنبه جامه شوید حاجت صاحب
برآید هر که روز چهارشنبه جامه شوید صاحب جامه را خرید و
فروخته نیک شود هر که روز پنجشنبه جامه شوید صاحب خانه
بیمار شود هر که روز جمعه جامه شوید نیکی و حاجت او برآ
ید والله اعلم احکام بانگ کوشک روز شنبه کوشک بانگ زند
در بیان ناخون گرفتن هر که روز شنبه ناخون گیرد ناخونه
پیدا شود

قطعہ

بیدا شود دہر کہ روز یکشنبہ ناخون کیرد پسیت دل شود دہر کہ
روز دوشنبہ ناخون کیرد دولت یابد دہر کہ روز سہ شنبہ ناخون
کیرد حرمت یابد دہر کہ روز چہار شنبہ ناخون کیرد توان کر شود
ہر کہ روز پنجشنبہ ناخون کیرد کار او بستہ شود دہر کہ روز جمعہ
ناخون کیرد در ہر دو جہان توان کر کیرد واللہ اعلم بالصواب

مسئلہ در سوال الحمد للہ چند جا وقف و چند جا مطلق ست و چند جا
کفر ست و چند جا لا یجوز ست و چند جا بکنہ ست و جواب ہمہ
مسئلہا دوزدہ وقف ست چہار ازان بکنہ ست دو کفر ست
و پنج ازان لا یجوز ست و یہ مطلق ست الحمد للہ رب العالمین
لا یجوز ست الرحمن الرحیم وقف کفر ست مالک وقف بکنہ ست
یوم الدین مطلق ست ایاک نعبد وقف بکنہ ست و ایاک
نستعین وقف مطلق ست اہدنا الصراط المستقیم لا یجوز ست
صراط الذین وقف کفر ست انعمت وقف بکنہ ست غیر المغضوب
وقف بکنہ ست علیہم ولا الضالین وقف مطلق ست و من یعلم
ہذا و اقعات قالوا و اجمعوا علی ہذا لا یجوز الصلوٰۃ فیہا

بقوله علیه السلام الصلوٰة بلا تحیة الکتاب بلا علم معنی
فاتحة الکتاب فرض علی الامام وعلی المقتدی هذا لک ا
فی الذخیرة جامع المتفرقات من نفه در بیان طهارت
مسئله این است اول طهارت بیاورند اول روی او را شوینند
بعد زان دو دست را شوینند بعد زان استنجا کنند بعد زان دو
پای را شوینند بعد زان بجانب چپ خوابانند از جانب راست
شوینند بعد زان از جانب راست خوابانند از جانب چپ شو
یند بعد زان او را بهشت شناسند شکم او را نرم مالند چیزی
ظاهر شود بعد زان بر کرباس پاک کنند اعضای او
خشک کنند تا که کفن مرده تر نشود بعد زان بر کفن بپیچانند
غسل
بعد این دعا را به خوانند اللهم عفوک مرده آب ریز این دعا
را به خوانند یارب عفوک شرح مختصر درین مسئله بر
تقدیر که مرده را مشوید علم را امانت کرده است باشد در
کتاب کنز العباد لیکوید که کافر میشود زیرا که امامت را
امانت کرده است که امامت مرده شوید جایز نیست لا یجوز الا
امام الحی

امام الحی آن یغسل المیت للاّ ه اهانت فقط کفر مخصوصه کفته اند
که واجب برای کامل پاک خاص فرض است و سنت برای کامل
واجب و مستحب برای کامل پاک خاص سنت پس نقصان دارد
آب آخر متحد نقصان فرایض میشود سنت مرد انرا اوچ کفن بری
کرته و بری ازار و بری لفافه اما عورتو کفن زن پنج بری
کرته و بری ازار و بری لفافه و بری چک و بری سینه بند
صلوه معود یعنی کرته از گردن تا قدم است و ازار باندین
لفافه چهار بری باندین هر بر خیضه زیاده باندین اباغ میت کشاده بلوند
دراز چک اون ایکی قبضه بر قایمه و توغری سی بر قریش دراز سینه
بند اون یکیز قبضه بر قایمه و توغری سی قولتو قدین تا سینه دین
پیچی اوتر مرده نی کفن غسل کرتنی کیدورسون ا
اندین بونکه ایکی پاچنی ایکی ایچ کنی اوینغه قویسون اندین بو
نکه چک نی باشدین پاسب ایکی اوچه سی نه اوینغه قویسون اند
ین بونکه ازار نی کیدورسون اندین بونکه سینه بند نی اورا
بون اندین بونکه لفافه نی کیدورسون برعکس تیرک بیچند

مفتاح الصلوٰة در وقت مرده لونکی پوشند دراز تو قصور
قبضه بر قایمه تو غرب سر او ده ایکی قبضه کشنی زیاده و کم جایز کبود یا
تعدی و ظلم پور صلوٰ بود اما کفن صغیر و صغیره یک ثوب
بست تا هفت ساله بعد زان دو کفن کنند تا بلوغ مراهق مثل
بالغ بست از دوازده ساله این جانب پنبه غلاف در حق مردان اگر
دغدغه نارسیده کفن او به قدر پیراهن از هفت ساله تا نه ساله
باین جانب پنج غلاف درازی کفن به کنز یا کنز شرعی شش قبضه بالغه
معنی بست چهار انگشت بیشود و در کفن دوزی این کلمه شریف
را کفنیه کفن دوزی کلمه شریف این بست لا اله الا الله محمد رسو
ل الله هر شخصیکه از بین مذکوره تجاوز کند یعنی کم یا زیاده کند
در حق سنت پیغمبر ظلم و تعدی کرده باشد فی الهدایه و در شرح
مختصر وقی شیخ الاسلام شمس الدین محمد و فی کنز و فی الکتاب
المعتبر نوشته اند هر که مرده شویند مرده غاسل این دعا را اگر گو
ید آن مرده همیشه در جنابت باشد فردای قیامت در دهشتا
کبیر داد خواه باشد و الله اعلم ذکر شرح کشف دعا این است
نویت

نویت ان غسل غسلا للمیت تطهرا ونقب من نفس کفن مسنون
باب التطهیر میت وخروج الاعمال من اعمال الدنیا وافعال
الدنیا واشغال الدنیا وفراق الدنیا باقی الله تعالی والله اکبر
قال ابو حنیفه رحمة الله علیه طریقه نماز ایشان دو رکعت نماز
بگذارد اول فاتحه یکبار والضحی اییه بار رکعت ثانی فاتحه یکبار
الم نشرح پنج بار بخواند بعد ازان نماز صد بار بگوید ربنا ظلمنا
تا خاسرین وصد بار دیگر بگوید یا غیاث المستغیثین اغثنی
وصد بار دیگر درود خواند ثواب بشره این نماز را بارواح
بخشد تا که حلال شود اگر نکند کرفتار دوزخ شود در بیان در
آنچه زنی فوت شده بود واورا در شکم حمل بود ومعلوم میشود که زنده
بشیر بعث باید که شکم اورا از جانب چپ شق کند وبچه بیرون آید
بشرایط باید مسئله بی اجازت سلطان وقاضی وامام الحی ولی
نماز جنازه کذارند درست نباشد اکر ولی نبود چنانکه نارسیده
بالغ صلوة میسود هر آنکس که عالم نزاد وسهم دارد بجنت
بشک آنکس می آید کسیکه عالم نزاخذمت کرد اهل زکه بشک اورا

سمع مس الابتداء

شرح التحیات لله الخ التحیات جمع تحیه است بسلامتی از نقصان
و بمعنی عظمت و بقا آمده است و نیز بمعنی تمامی عبادات
که قولی و فعلی و باطنی و ظاهری و بدنی و مالی آمده است و نیز بمعنی
زنده کردانیدن ملک آمده است لله یعنی بسلامتی از نقصان
و بزرگی و پایداری و تمامی عبادات است و زنده کردانیدن
جمیع اشیا ثابت است مر الله تعالی را والصلوات والطیبات
یعنی پنجوقت نماز و انواع رحمت یعنی مهربانی ثابت است
مر الله تعالی را و در بعض آورده اند که مراد تحیات عبادات
قولیست و مراد بصلوات عبادات بدنیست و مراد بطیبات
عبادات مالیست مثل زکوٰة و صدقه و غیر آن پس بدان
و آگاه باش که هر عبادتی که هست مخصوص مر الله تعالی راست
هیچ کس را در خلق نیست السلام علیک ایها النبی یعنی از کارهای
شر بر تو باد ای پیغمبر برگزیده و رحمت الله یعنی رحمت
خدای تعالی بر تو باد و رحمت و برکات السلام علینا یعنی بسلامتی
ثابت است بر منکه خدایم و بر جمیع انبیا و مرسلین و علی عباد
الله

والله الصالحين یعنی سلام ثابت است بر جمیع بندگان
صالح اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
ورسوله یعنی شهادت میدهم من انکه نیست معبود برحق
الا الله تعالی و شهادت میدهم انکه حضرت محمد مصطفی
صلی الله وسلم بنده برگزیده او و رسول برحق الله تعالی
قال النبی علیه السلام من تکلم فی وقت الاذان خیفه
علیه من زوال الایمان قال النبی علیه السلام من صلی صلوة
الفجر بالجماعت اعطاه الله تعالی بازاء نور فی قبره ونور
یوم الآخرت درین مسئله که اگر کسی طالب العلم را بیند و
اگر برا عضاء او راست نخورد شفاعت حضرت نبی صلی الله
علیه وسلم بروی حرام باشد کما قال رسول الله من راه عالما
ولم یقم قائما تاما حرمت علیه شفاعتی صدق یا رسول الله قال
النبی علیه السلام من تاخر الصلوة عن الوقت فتح الله تعالی
قبره سبعین بابا من النار صدق یا رسول الله یعنی بنماز
عید در صحرا مکروه بکراهیه تحریمیه است و صحیح است در نماز

عید بین این کرایه در صورت سهو گر پادشاه از
بدهد و اگر در نماز عید بین و جمعه از حاکم اذن نخواهد
البته نادرست باشد چنانچه در کتاب های عربی بسیار
مثل مختصر وقایه و شرح وقایه و هدایه و ملا علی قاری
و غیرها جواب نامه آنحضرت صلی الله علیه وسلم این سطر را
میکند از رسول علیه السلام هر که این جواب نامه را نوشته در
قبر مرده ماند در گور آن بنده عذاب نباشد اگر چه از دنیا
بی ایمان رفته باشد رسول علیه السلام گفته اند که والله
بالله اگر چه کافر هم باشد عذاب گور نباشد این جواب
نامه را با خود نگاه دارد و در گور خود همراه ببرد حق تعالی
به آن گور بهر دارد و هر که این جواب نامه را نگاه دارد فردای
قیامت روی آن بنده ماه شب چهارده تابان باشد زنهار
بصد زنهار شک نیارد رسول علیه السلام گفته اند که شک
آرد از امت من نباشد اگر کسی این جواب نامه را بنده نویسنده
نکرد ناانصاف باد و لعنة کرده خدا و رسول باشد ای برادران
بشتر بید

بتر سید و کار آخرت بکنید البته از این جواب نامه
غافل نمانید که فایده باطل کل دارد عذاب کور نمی شود در
کفن نویسند درست باشد بسم الله الرحمن الرحیم لا اله
الا الله الملک الحق المبین لا اله الا الله الملک الحق الیقین
لا اله الا الله الملک الحی القیوم لا اله الا الله الخالق البارئ
المصور لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله حق الموت حق و البعث حق و السوال
منکر و نکیر حق و الجنة حق و النار حق و الصراط حق
و الانجیل حق و الزبور حق و الفرقان حق و القرآن حق
و المیزان حق ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله
یبعث من فی القبور و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله
و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین قصه یتیم لار
بر پسر کیلدی ایتایین حیران بولغان یتیم لار ناچار بولدوم
ننایین کریان بولغان یتیم لار یتیم کوزیدوم کریان بولدیم دیدی بر کیچه
ایرته قوبه حیران بولغان یتیم لار یتیم کوزیدوم بیر غونلار بار دور بر توق

کوندہ یکبار قیق اوق بر داش قلیقان بسم الله طعنہ قلور دشمن بسم الله

اناداس مہربان قنی حیران بولغای بسم الله نماز ش بولغای اناد یب بسم الله کاناد

اناپسین بوخلاب اندہ حیران بولغای بسم الله

وقد استدل علی جواز الطہارۃ بماء الثلج والبرد بما ثبت فی الصحیحین عن

ابی ہریرہ رضی الله عنہ ان رسول الله صلی الله علیہ وسلم کان یسکت

بین تکبیرۃ الاحرام والقراءۃ سکتۃ یقول اللہم اغسل خطایای

بالماء والثلج والبرد وفی روایۃ بماء الثلج کذا ذکرہ العلامۃ المصنف

فمن العجیب ما ذکرہ بعض من فقہاء عصرنا فی مولفہ ان

الطہارۃ بماء الثلج لا یجوز من غیر ذکر خلاف ولا قید وغیرہ

الی المستطاب وہو کتاب لم یعرف عینہ ولا مینہ جامع اعظم

المولی الاعلم دریغا مہ بریدیق الی النبی علیہ السلام من قطع التوب یوم الا

حد اصاحب لغم وط یکن مبارکا ومن قطع یوم الاثنین یکون مبارکا ومن قطع

یوم الثلثا یبرق ویغرق الماء ویحرق النار ومن قطع یوم الاربعۃ یبرء

الله تعالی ولم یبعث الی مشقت ویکون المعیش ومن قطع یوم الخمیس زینۃ

فی الثوب ویکون مما خذ الناس ومن قطع یوم الجمعۃ یطول العمر وزاد

قطع التی

ومن وطع يوم السبت يكون مريضا ما دام الثوب في

بدنه الا بعد او يهب صدق يا رسول الله عن عمر رضي الله عنه قال رسول
صلى الله عليه وسلم اذا قال المؤذن الله اكبر الله اكبر فقال احدكم
الله اكبر الله اكبر ثم قال اشهد ان لا اله الا الله قال اشهد ان لا
اله الا الله ثم قال اشهد ان محمد رسول الله قال اشهد ان محمد رسول
لله حي على الصلاح قال لا حول ولا قوة الا بالله ثم قال حي الفلاح قال ولا
قوة الا بالله الله اكبر الله اكبر ثم قال الله اكبر الله اكبر ثم قال لا اله الا
الله قال لا اله الا الله من قبل دخل الجنة بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وعلى آل محمد بعدد ومن صلى عليه وصلى على محمد
وعلى آل محمد بعدد من لم يصل عليه وصلى على محمد وعلى آل محمد كما تحب وترضى
ان تصلى عليه وصلى على محمد وعلى آل محمد كلما ذكر محمد مرتبا بالصلوة
عليه وصلى على محمد كما ينبغي الصلوة عليه من الازل الى الابد تمت
اگر پرسند كه تيمم بكدام چيز رواست جواب بگوكه هر چه از جنس زمين باشد
بسوخته نشود مثل خاك سفال مانند انها اگر پرسند كه چيز ها كه تيمم روا نيست
جواب بگوكه مثل گندم و آرد و جو پرسند كه شستن وضو از كدام اعضا واجب است
بگو كه روي و دست و سر و پا انها و ضد اين اوست عضو و جنب و كافر و
مرتد و حائض و نفساء كيا حوض كه آب او بسيار باشد و زياد از قلتين انها بقول اصح ملك است
و الارض مخلوق مبتدا و انا بيده ضمير شان الذكور

مسئله بانکه نماز در روز آدینه بیعها حرام است که
نقیه علما در شرح خود گفته است که بانکه نماز پیشین مقصود
اما ظاهر روایت آنست که چیزی زیاد از اذان اعلام
روایت میکند که آن بانکه نماز شنیده است و نماز دیگر بانکه نماز
روایت میکند که آنست که آن در عهد رسول صلعم و در عهد
امیر المومنین عمر رضی الله عنه آن وقت منارها نبود بانک نماز را
مقصوره میگفتند اما در عهد امیر المومنین عثمان رضی الله عنه
منارها ساختند و بانک نماز مکرر شد پس معلوم آن بانک نماز که بیعها
حرام است بانک نماز منارهاست و اگر بیعها بانک نماز کند
زشت روا بود بکراهت و دیگر آنکه احکام بالا بانکه نماز حاصل می آید
و خداوند عز و جل در مقر ما بانکه یا ایها الذین آمنوا اذا نودی
للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا
البیع مسئله جماعت نماز میکند اند اینان یکی از ایشان امامت
کند علی گفته اند که هر کسی باید بود و امامت کند اگر همه در علم برابر بند هر که قرآن خاتر بود و امامت کند
اگر در قرآن خواندن همه برابر بند هر که پرهیزگار بود امامت کند اگر همه در پرهیزگاری برابر بند هر که متقی و پرهیزگار
بود و امامت کند اگر همه متقی برابر بند هر که خوبرو تر بود و امامت کند مراد از نیکو آنست که نماز بنیکو
گذارد و حق شرعی و دین را بنیکو ادا کند بقوله تعالی فی وجوههم من اثر السجود اگر در نیکوکاری
برابر بند هر که جمیعت از ماد موکد عایشه گفته است که روایت میکند که هر که بر کار امامت کند
اگر هر دو بکسر اکثر بود در روی عقل خرد بیشتر بود اما ظاهر روایت آنست که هر که عالم تر و پرهیزگار
امامت کند قال النبی علیه السلام صلی خلف امامتقی کانما صلی خلف نبی و من صلی خلف

بسم الله الرحمن الرحيم

ثنا الخالق الارض والسموات — کیتو دی کاف تو تدیسا کوب علامات

برائی مهر ماه نه فلک نی — کواکیب برله پائی لوق ملکنی

بسموات اوبکا اول بردی زینت — برائی خاک دین برپاک طینت

قمر لوب باشغه تاج پادشاهی — عنایت بولدی کوب فضل الهی

قلیب قدرت بیلان خلاق عالم — عزازیل نی ملائک کا مقدم

فرشته لار کا اول اسنو ایدی درس — لوق اردی ذره گو نکلیده ترس ازنک

انکو بسری خدا غه اردی معلوم — ولی غافل ایدی بول سردن اول شوم

طوان عرش ایتیب لورده ناگاه — نه کور دیلار اشبو اول جمع آگاه

تورلوب دور برمز سر ایله — کورونور طرفه کون کا بیت ایله

عزازیل نغه کلیبان قلدیلار عرض — دیدیلار بو نمنکا ایردی فرض

کورلوب مز عرش ده تورلوک نمرسه — انی کوکانی لوقتور بیلمک کمرسه

بارب کورلوب انی قلغیل تماشا — بولسون لار نی دیمایین مز عذابه آشنا

دیدیلار بو مز کا مقدار بسدر — عظیم شان نه مخصوص خدا بسدر

دعا نکدور دیب ای علی القدر — بولوب بسدر بو مز کا فوق هم صدر

دعا قبول مستجاب الدعوه ایلسون بسن
کوروب اول طوفه تبرسنده صورمیوز
عزازل اول زمان قلمدن منا جات
دیدی عای قادر ایلنده نوازش
برآنکچک طوفه بدنمانی
ملایک کوروب انی خوف ایتدیلر
انلرکه آفریدیسن یا قلمالهی
عزازل غه دیدی خلاق عالم
دعا قبول ایلدم قبول ایلدم الرغه
عزازل دیدی ای پروردکارا
عزازل غه خداوند جهان دار
خلاف امری قیلغای بنده لارکه
بولور اول بنده اولده معذب
الله قیلغای برکشی لیکه ایلکا
بولور اول طوفه لعنت غه گرفتار

دعا قبول ایلدی الله عزوجل
کوروب اول طوفه تبرسنده صورمیوز
نیلادی تنکریم اولدمه جاگه
رحیما مغفرت لیک کارباسزا
قیلیب پس بارچه حضورا اهل اسمانه
کوروبان هرزمان اوزیدن کیتدیلر
انلرکه آفریدیسن یا قلمالهی
دعا قبول ایلدم ملایکلارکا یودم
بشارت برکیل تبرسنده لارغه
کیم اوچون خلق ایتدیسن بیربارا
دیدی قیلدم بوبرلرنی بنکا اظهار
بولور عاجز شرمنده لاردین
بولور آخرده ملعون معذب
تکبر قیلغانده غش لیک ایشکا
عزازل اولده بولغی آخری خار

عزازل

عزازیل دیدی ای قدرتی قادر
دریکیل کیدیرمه بولور بو عبد جاهل

انکار دیکه انی رحمتیدن یراتمش
انکا تولو کوک عصوبت لار قیلدرمش

او راسن بر کا بولسون پاره پاره
بولور شیطان قیلما بسون اوزکا دوباره

دیدی انکا خداوند جهان دار
بولور بر نی قیلمغای سن انکا اظهار

کیتوردی اورتغه اول دام دانه
بولور بان اول زمان آدم بهانه

بورولوب اهبط منها جمله کا
بورو کاندور اوروب اهل فلک کا

بحکم حضرت خلاق عالم
ملایک بولدیلار سجدا آدم

کوتاریب باشلاریغه جمع ماه حور
بولوب بدرو کوردیلار یرنده مقهور

بولوب ابا ستادی ملک هم ملعون
تکبر برله کردن قیلمادی خم

دیدی من نار دین اول آب و گل دین
نیچوک سجده قیلورمن جان و دلدین

عزازیل بیلمایین بر سری خفی نی
که سجده قیلمادی آدم صفی نی

خطاب امر دین ترک اولیب قیلدی
علیه اللعنه بولدی تا قیامت

کیلیب شاء فنکا بولا آیت خداوندین
وجعلنا هاروت وماروت شیطان

قیلیب کبر آدمه کیلتوردی شک
کورونکه نه بولدی اول شیطان بدک

بولوب ابلیس انکا لعنت خدایم
اوراب شک لعنت برله دایم

نه قیلدی لحظه دمقادر آنی کور — عزازیل درگه اولوغ تنگی کور

قیلب هردوداغی درگاه رانده — تو شوردی بر کا خوشای آیمانده

بولوب ابردی اولوغ صاحب سیاه اول — بلندا قبال ابردی بی قیاس اول

نه قادر دور که قدرت لیک خدادور — بو اشدین بنده نینگ عقل جدادور

برادر عملینگ نی اینکه بولور سنگ — عمل کوزی بیله عالم نی کور سنگ

اوزیدین بولمسه عالم وجودی — کورونگان اشیا نینگ نمودی

یراتقان کیم ابرور بور وح پاکی — بو آب آتش بو بادی خاکی

کورونگان اوسته اوچ کیمدین آلدی — بنه بو بادقوشی کیمدین آلدی

کیم نینگ لاری بر له بولدی جاری — پلنگ کیمدین ابرور سوننگ لاری

کورونگ کیم آبا تشی خورشید کیمدین — کیجه لار آی کیمدین آلدی کیمدین

کیم ابرور سنگ بولوت کل ارکا بر کان — کیم ابرور سوز یل لار کابر کان

کیم ابرور بلبل سوزنده قیلغان — کیم ابرور طوطی کیبنده قیلغان

پیمبر نی کیم آتش نخاره قیلدی — اینگ رزقنی آتش پاره قیلدی

کورونگانی نی صدانی کیمدین آلدی — اوچار قوشلار نوانی کیمدین آلدی

که هر بر قوشنه بر تورلوک نوادور — که هر بر تاغه تورلوک صدادور

نقوش قسمتی بولدی بیتک نظاره — نقوشی قدر بولدی بیتک پاره

بلهاندہ بیکان اصلی نمواکه — ایچیب باب ذوق اپنادر هر دمه

کیتوردی کیم انی کیم بردی بیتک — اوریدین بولدیمو بونان نعمت

کورونکان نقشی بیتک نقاشی کیم دور — نقوشی کان فرشی بیتک فراشی کیم دور

اوریدین بولدیمو بو اعشق ظاهر — هر اهل عان جهاندہ اول آخیر

اوریدین بولدیمو بو اعشق پیدا — کو بیتک عشقی اهلنی کیم قلدی شیدا

که بار دور صانع بولمه کما ندہ — بو صنعت دار نی کوروب بس جهاندہ

اودور اول که بو صورت ابتدا سی — اودور آخر که بو صورت انتهاسی

اودور واحد اهر دم اول فردیکا — که بو لماسون دو انکا همراه همتا

نه زوج زوجه انکا کیم نمودور — که وضع قل هو الله احد دور

مصور دور هم الذین مصور — منور دور هم الذین منور

اودور منعم که انعام تمامه — بتار قسمت بلاندن هر خاص عامه

بقار ور حی زمیت ممیت ازلی — انکا دور ساور کا بو اشنی قیلور کی

کیمی تا شدین بقار ور باور بله سو — بو اشنی کیم قیلور قیلماس امکه سو

بقار ور نافه مشک اول زاهو — بقار ور نوش دارو اول نیش دارو

کهی نی چغار و رنو لوآ هنگ — آغوز کهی طعم خوش رنگ

چغار و ابرد بر اول نو لوک نبات — نبات ایچره کوب ظاهر علامات

برو نینگ باشغه قویه وردی آنه — محبت برده خوف ایتماوی زره

برو کا قیلدی اول اوت نی کلیتا — علاج بیس تا بماوی کوب بتر پیتا

برو نی قیلدی اول خرما بالیق غه — برو نی جنت ایچره یالدی یاپالیق

برو کا بردی مفتاح نظر ایسه — بریب عمر بره قیلب صاحب وفا

برو نینگ دولاسین قیلدی زیاده — یو کوروب آلدی ده ش اوه پیاده

کو تاریب تخت بخشه باد ماعمور — آلیب بارو ایلدی هر یان قیلیب زور

اوروب باشلاوی هیبته قوشلاری یادی — تورا ایردی قیلب سیاه ماه سال

آلیب ایرنگ یوریده بی حرب بی ضرب — مسخر ایلادی از شرق تا غرب

برو نی قیلدی اول سلطان کو نیاده — عطا قیلدی مفتاح قاب قوسیاده

ظهور ایتکنچی جهانده عالی القدر — که بولدی بر به بر کا فوق هم صدر

صفا نی رحمة للعالمین دور — شفیع هم شفیع المذنبین دور

بریب عزت قیلب افضل اورع — آنین اوزانی بر لا اول و مع

کلام الله اول مرد سخن رس — انکا امت بولادی دیب لا الله

بریب

برو باب اسکندر نام دولت کل — سلیمان زمان کو اسکندر ثانی قبل

تمامی ملک تیرے کی والی اولد ور — تمام ملک تیرے کی والی اولد ور

ابھی جیب جب شہر ملتان — برو نی قیلدی تخت اوزہ معتبر

برو نی کل تیرے بوی دیکھ — برو ہر کل کا رنگ بوی دیکھ

عجب صنعت دورا تیرے صنعتگر — قزیل قاندیں کیلور پوت زیکدیں آئی

قیلیب لقمہ رونی ہوتے جوتے — برو نی کلاہینی فی مورت لاتے

قیلیب رزقنی کہا افتادہ قیلدی — برو نی غم پیلہ آمدہ قیلدی

برو نی قیلدی نادان کور ہم کر — برو نی قیلدی دانا و بخرد ور

برو نی باری ایتیب کیز دوردی ہوندہ — برو نی کہ عمر سنی او تکردی بولدہ

نیچہ قول باغلاب انکا قیلدی خدمتی — برو کا بردی عزت اوزہ عزت

برو کا بردی فرزند قیلدی خبر سند — برو کا بردی فرزند قیلدی خبر سند

برو قالدی اتا بوزدی کور ماری — برو قالدی اتا دین بوتکا تو ماری

قیلیب بعضی اول بر نانغہ زار — برو کا بردی اول فرزند بہ سیار

اغردہ بوزلاپ دورلاپ چلغان — برو نی قیلدی اول کل دیکہ آچلغان

دیمک آدم انی حیوان بر سوی — برو کا نی قیلدی اول فیح خلق روی

بر یب ہر یکم کار نکو ی در یکد | زبان صوت در یکر خوی در یکر
ا یکس ہر جنس بر بر کا مانند | عجب قدرت ی قا ہر دور یکد ا ند

در بیا و حدہ انیت اللہ

الٰہی قادر قیوم دا نا | ابرور ہیں قادری حی توا نا
قدیم لا یزل لم یزل ہیں | احد ہیں بے مثال بے بدل ہیں
غفور رحیم رحمن ہیں بندہ لادرغ | خصوصاً امت کبی شرمندہ لادرغ
خلا یق نکا ہر ور من بدہ ہیں | جبی بندگا امتی نیکن کمند ہی
امید یم ہیں بندہ ہیں اندیہ الاعیم | عجب ابر ما ہیں یا غفار یہ کنا ہم
کو نکل لو جہہ قبلہ نکر نفس ایما | لکا الحمد ہز قبلہ نکا اہل عرفان
بلیب مہز ہز ہیں بندے نکے ریب | کہ بوالما ہیں ذا تینہ کا نقصان ہم عیب
الٰہی نوف ذو قو نکدیں عطا فیل | محبت ہر لہ کو نکلو حی نو لا فیل
لعین شیطان منی آزغو دے کو لدیں | عنان اختیار یم کینے قو لدیں
الٰہی دا حم شیطان دیں خلد حصا یت | مطیع بندہ کا ن خاص خاص ایت
اگر چہ جرم عصیان مند ہیں ابرور | کرم بندیں شفاعت اندیں ابرور
بو لو حم من نفس شیطان نکا ہیدی | قبلہ میں معصیت جرم کثیری
بو لو منی

یولوم فی بیلمایم یولدین اوزاقیم ۲ — یانکلدیم یازوقومدین آیرلمایم

یولوب کمدیم یورویوبدی تاپامگا — کتیم یوق کورسایب یولو مغربنگا

مغرب ایلی مغرب بنده لارغه — تیرمیم ایلاکیل شرمنده لارغه

خداوندا ایرورسن هادی خلقه ۲ — یبنگ لطفونگ ایرورسن آبادی خلقه

هدایت یولغه سالغیل تورلو یولومغه — مکمل ایتاکیم تابشورمه یولومغه

هدایت یولیدین تایدورمه یاکم — ضلالت اهلیدین جمله خلاصم

بحق حرمت محمود مختار — شفیعی المذنبین اول فنگ کردار

مبرمیم سن هیچ اول پیغمبریم دور — اینگ یاد آورم هم رهبریم دور

شفیعیم دور شفاعت خواهیم اول دور — متیعیم دور عنایت خواهیم اول دور

طبیب علتی عصیانیم ایرورسن — دوای دردی بی درمانیم ایرورسن

طفیلیدین اینگ ای عالم غیب — کرم قیلمنده دور هیچ بیسانی هیچ

درود بی عدد نور الهدا غه — امام المذنبین اول مقتدا غه

محمد خاتم پیغمبر رسول دور — امام ره نمای جزو و کل دور

محمد پرده کوکده ایمه آتی — همه پرده اینگ لعنت صفاتی

شفیعی المذنبین طاها و یاسین — قیامتده اونینگ جمله عاصیان

کیلیب پیر یوزیکا تلمیذه امّت — دیمه ایردی ظاهر باطن دخی امّت

بلکیب امّت اوچون انا انا بسه — دوامت قیلدی امت بنکا عا

دیمه انینکا اوزکا دیمه دیمه بهادور — بولا انینکا اوزکا بول باری بهادور

اکرامت ایمه رسه بویرو غمه قیل — خدا اینکی فرض دیمه انینکی بیلمه قیل

اکرامیمه توتار بولسنکی باخلاص — دیکای شایه یسنی اولامت خاص

بولمه بولانینکی بولی بیلان بول — مبارک جوهه می بولدور بو اولیا بول

الهی رحمت ایله اصحابی برله — اینکلا اولادی اصحاب برله

در بیان بچهار یاران

ایشیت ایمدی اینکی یاران لارنی — صحابه افضلی اعیان لارینی

ابوبکر بولدی دور یاری اول — اولایرور صدیق بریله دین افضل

عمر بولدی بچونکیدین بخت ایکاسی — خلیفه بولدی عدل تخت ایکاسی

عثمان بولدی بچونکیدین ذوالنورین — بچونکیدین مرتضی دور شاه مردان

ایکی یل صاحب دوری خلافت — بولوب صاحب اول صدیق نیز افضل

عمر اون یل خلافت اینکا ایکا یسی — بولوب اوچی جهان اینکا مقتدا یسی

خلافت بولدی عثمان غه مسلّم — اولا ایکی یل بولوب عالم غه سرور

علی

برادر بعضے قبیلہ اختلاف خیز — بہنکام ارتقای بوبوزلہ رستخیز خلافت خیز

دویم بلا ریکدی صدر قبلہ خلافت — اوج آی ایکی یل قبیلہ عدالت

اوچ ایکی یل بوروب دور سنے عثمان — بوزاوکوردی جہاندین ابن عفان

بولوب اتور یل تو خونای دیکر — خلافت دور سنی اوتکردی حیدر

یتہ بر سنہ دور اتور بر یم یل بدیک — خلافت ایلادی کرار بی قبیل

چہار کا ریکدی اندین بوسونکی خلافت — بولوب دور آلتی آی اوبا لطافت

در بیان خلافت

دیدیم حمد خدا الحق چیبے — اول ابردی علت عصیان طیبے

بوسونکیدین اختیار ایتم مبنی زار — بولور مسلمانلیکی غم غہ کرفتار

دین اف نہ دفع غم اولبون — کولنکل دین درد ایلہ محنت کم

بار ابردی بے غرض بر دوست منکا — دیدم بر بوزدین ای دوست بہنکا

دیکیل بر بوز کہ بولبون نامہ عشق — کہ بولبون نامہ دہ بہنکا مہ عشق

دیکیل عشق دین اکر بولبنکز خبردار — دیکیل عشق دین کہ بوزبولہ قبلور کار

بو عشق دین بہ بخبر آدم ایکمہ بدور — بولوب بخت ایکی کونی اوزکادم ایکمہ بدور

غرض من سوزکه بولبولون عاشقانه — کیتور کیلار هر جکلاسه در میانه

بسوزونکا مانند ایاغی در دبولبول — اکر نامرد ایشیتسه مرد بولبول

نتایج عشقدن مندهٔ اثر یوق — طریق عشقدن پورپنکلر خبر یوق

که مندهٔ بولمیه هیچ نکته دان لیق — دیدی قیلور من درفنا تلیق

کیشیده بولمیه طبعی کهربا ریز — انکا ایمه پس دیکای آقم ایشیدر

کیشیده بولمیه اوزی سخن کنج ۲۲ — نه حاجت اول که نار تقا بیه دوزی

کیشیده بولمیه طبعی کهربا ریز — قچان اندین کیلور شعری دل اویز

کیشی حالین بیلیب کیلور به انصاف — پیلنک حدین اولوب هیچ اورمغه لاف

دیمه ایردم ایشیتمین من برفیقه — که بونکه غه قالغای مندین نشانه

ولی حالیم نه بلدیم بیت یوق روی — بولوب دور طعمه ای مرد خوشکوی

بولوب دور بیت هم طبعی قبیده — غرض ایشور غه یوز بولمدی کیده

بولوبدور من خیال ایغا خیلدیم — دیدیم بیر سوز اوزوم بدنام قیلدیم

که بولدوم خوشه چین ناچار بولدین — ایشیتکیچی بولدیم ایشیتدیم دیدین

خیلیب من خوشه چین بولمه طرفدین — ایشیتکیچی بولوبمن شعر فهمدین

نه بردم تخم یوزلار کولدوم من — کتابیم ایچره بیلیب که زیادم من

بافظی

بلفظے فارسے ابدی بیارد بلغاں — کہ لازم ایچہ ہر بر کا نیند بلغاں
دہد یم بوے ابدی بالفظ تورکے — بوے بردہ تورکی نورے بلد رنے کورکی
ابلہم تورکانی تورکی نیلا یلہ — دہد یم ہر نیچہ ہوز جان دل ابلہ تورکی
بلفظہ ہر نیچہ بیت قیلد یم — انکا ہر لہ کو تکل لادر نی صید قیلد یم
دہد یم ہر نیچہ ہوز احکام کالہ — عمل قیلغای ہو کا ہن دیب ہر مسلمان
شریعت امری منکا بولد خدا بلغم — بو بیب رخصت منکا ایمدی از اعظم
بیلکہ دور بیلکیل احکام شریعت — بیلور ہیں بو بیلنکا از اہل مرفت
ہری بیتے ایکی بیلے فرض واجب — ہری دور مستحب ای مرد طالب
حرام دور کیرہ دور قیلنکا جائز — حرام دور بیتی بیلکیل اباحت
نمازدہ ہم دعا خاصتی دیر — کہ بیان ہوزی نیلنکا کیفیتے دیر
رجال الغیب جا پیتے بیرانجا — قیلیب درج ابلادیم ہمہ ای نکو نام
ہر آیدہ آلتے کو نی نجس دیر لار — تو قف قیلدی اندین نیچہ ابر لار
کہ غسلہ بیر مدد نجسین قیلدیم اعلام — جواب بیکینی ہم قیلدیم انجام
وصیت دین بنہ اظہار قیلدیم — کہ اندہ فایدہ بسیار قیلدیم

در بیان طہارت ابدی

طہارت نیلنکا شرط ابدی بیانیلہ — کہ فرض بیتے اوں قیلدیم عیانیلہ

ولی اول کیشے یا بریده بوله ۲ آنکا فرض یوق بولسه غسل بندن بوله
انکا ممکین ایماس غسل ورجلده بولوب بدور فرض اوچ فرضدن العین

دربیان سنت طهارت

طهارت سنتلرین ایدی بیلاکلی دینکه فوت اول دور بیلاب آل ۲
دیکیلا اول بسم الله الرحمن بعضین بیلا سنت ایدورای مسلمان
بری قول یوماق بوری غرغره ایکنجی یوزآنکلا نابنده ۲
آغیز برلان بورون بوماق بیلکیل بری غرغره دورای پاک بیلکیل
یانه بیچ تمام بیردورای عاصین ۲ اینکه بیچ بیلان هم بیوی اذنین ۲
یانه سنت بیلا انکتمان خلالین خلال ایتماک یانه سنت بیلمالین ۲
بری هر عضوینے اوچ یوبای بار بو وارسه سنت دیکلمه زنهار
اولدهم ایتا مسح برله سنت غیب مسلمان بسن بو ازکا ایلاز غیب ۲
ایاغ قولسنی یوارسه بیرده ای نکوکار اصابع دین بداید ایلاز زنهار

دربیان مکروهات این سنت

ایرور مکروه نیکه ایدی بیانین ۲ بیلور عاقل کشی بو دزیانین ۲
بو زینی قبلمه بوق قبله غه ای جان که اهل نجاقبلوردی هر مسلمان ۲

7814

بوارد ہوزو لکا ہوا ور مغیل بیخت — بنہ عورت کا با قمہ ای نکو بخت

بنہ ہوزلا بہ بولیں اول عمل دہ — ہیلمان ہیں بیر در بول عمل دہ ۲۵

بنہ ہول قول بر لہ ہوا آمہ زنہار — بروں نی قامہ نک قول بر لہ زنہار

کنیکیم تر کی بسم اللہ قیلہ ۲ — ایرور مکروہ ہر کمزہ قیلہ ۲

بنہ اصراف قیلمہ ہوتی ای برد ۲ — ہوتی ہیلمان کہ کرکیہم مرد ہم زن ۲

در بیان ناقضات طہارت بیان ہیدہ

ایشیت ایتای ظہارت ناقضاتین — نہ ایشلار دور کہ قویدی ناقض آتین

اگر حقہ نجس بہ ازبیلیں ۲ — نو اقض دیہ ایرور بیں قرات العیں ۲

بری ریح بری زرداب بری قان — بری خون تنک نی بیان ای جان

اگر آغز تنک بہ وی بیرخ بیلے غالب — ایرور ناقض وضوای مرد طالب ۲

بیلیغ بولہ اگر آب دہان تنک — ایمان بیں ناقض کہ بولیمون کما تنک

ویا بالغ کہ قہقہہ برلہ کولہ — ویا بالغ کہ قہقہہ برلہ کولہ ۲۲

جونون اغمی او خلہ بہ مستی ہم ۲ — بری بیستے دور ای فرزند آدم

کشے او خلہ بہ آت اوبہ بیدہ ناگاہ — ایمان بیں ناقض ای شیت ای مرد آگاہ

در بیان فرض نماز ایدہ بیدہ

نماز

نماز پنجگانه فرض بولدی اون بش نرسه

اینلنکیل بکنمیدور خاریجه

قبله یون خاریجه تنگ جایلرده

بری نیت بری قبله بری وقت

بری دور جامه پاک ای نکو بخت

بری دور جای پاک بله دور سجود

بری طهر بدن هم بشه عورت

قبله یون داخلیه دیمیش رسته

که تکبیر قیام هم قرا ءت

بری قعده آخره اولتورمق ایچون

موذی بیلمک کرک ایمه دورر وقتن

بنه بشقه بیلکیل داخیله

اینیت ایشای بنکا بر عیان ایله

بری دور جامه پاک ای نکو بخت

کرک بو پاک بولسه ای نکو خو

بولار دور اخاریج ای نکو صورت

بیان ایلادی بنکا بولسون بشارت

رکوع سجده دورای اهل طاعت

بری اوزره تنگ ایله جمله تنگ دور

ودر بیان واجبات نماز

یکرمه بر نماز نینگ واجباتی

بشی بیله عوام اولتورنی اخر و خاص

دوا اولکا تعلیم خواجه

بنه فاتحه سوره کا مقدم

بجای سوره بر آیت طویله

نه ایلادور کرکه بویدی حبیبی

عمل قیلمق انکلادی مرد باخلاص

بو لوب دور خاص ای مرد بطاعت

بنه فاتحه کا سوره نی قیل ضمیم

وبا اوچ آیت بولسه قصیره

در سه نماز فرض وده نه دو نوافل ۲ نوافل ده ایرور مکروه بیل

که تکبیرات عید بیل جهری اضفا ۲ بری تنه تیب ایرور ای بنده انکلا

امام که جهری واجب ای تکو نام عشا و عید جمعه صبح یاتش م

تراویح وتر ده جهر واجب ایرور ترک ایتما کیل ای مرد طالب

قنوت وتر ایله فعده اولی ۲ تشهد اولی قولمق ای بنده انکلا

بنه لفظ سلام تعدیل ارکان تیلاوت سجده سی هم بیله ای جان

طمانینه رکوع سجده ده هم امام تبعیتی ای ابن آدم

در بیان سنت های نماز

کیل ایکدی انکلا غیل افعال سنتلرین دیر نماز ایچره کیلور بهر مرد زن دیر

یکرمه ایکی سنت تمامی اونی خاص اولان ایکی پسی بولدی عامی

کو نار کیل ایکی قولونگ تحریمه دیر کو نار کیل هم قنوت تکبیر ده پس ۲

بیر یاتان ایلا کیل انگشت لار تکبیر ده یازوق تو تقیل بو مولغان منتلار تکبیر

بنه سنت ایرور بیچ تنگ الله نیت تینگ پونکید یین ای مرد آگاه

بری اولتکو قولنی بیلا اوبنو کاتو ایچ طریق اخذ هم وضع ایله تو ربو ن ۲

بنه تسبیح نی اوچ یا بیش ای یار کم اوچ دین بو لمیون زنهار

تینز تینگ

23 212

تیندینگ نوتیه جنگال برلان ۲ رکوع ده بوله کور بوجال برلان

امام بیمیغ تحمید مقتدی دیر ۲ انی تورک ایلا مس کیم دین غمایین بیر

ایکی یوز بیل جمعے ایتار کیم منفرد دور پسلینگ تورک ایلا مس کیم معتمد دور

درود ایله دعا هم بولدی بیتے ۲ کرک تورک ایمکاکای بیتے نی امت

اونگ بولغه سلام بیرمک کرکای خیر ایرور بیتے اوتی بیرمس پسلمه کیل غیر

بیته بیتے ایرور قومه هم جلسه ۲ کرک امت دیکان بوایتسه قعده

امام تکبیر قیلیوب جهر تکبیر ۲ اکبر جهر ایتمه تکبیر و تقصیر ۲۲

امام تکبیر یکا بی اول جمعے ۲ دیبون تکبیر بیتے دورای جمعے

قیلور مس اونگا یاغینگ برکا امور ۲ اینگکا اوبتده اولتورای نگو کار

قیلور مس اونگا یاغینگ ایاتے اولدم بیری انگنه لار یغینگ قیلمه بیری

ایرانلار اولتورب بیجده ده بوزیل نب قیلغای تورک قعده غه میل

درییان مستحب نماز

نماز ده نیچه ایرمس مستحبات انی مس ایتمس کوتکلو یکده توشات

یکرمه اوچ نیمرسه مستحب دور الارنی بیلمه غینگ عیب ادب دور

اینگ توتوزی خاص اورکا پیه عام عمل قیل تورک قیلمه ای نگو نام

نماز اوقوردی پرفه بولوب واجبی — قولونکدین کیلیب قبل ایلیب فاجبی
ایاغینکی بر بر یلدین تورت اصابع — جدا تورسون قیام حالیده فاجبی
رکوع ایلاردی بر بر کا قیلیب وصل — بارور قیوسه فیلیب کرک فصل
برابر بشتی یا کوار قیلغیل ۲ — رکوعده مستحب ای یار یلکیل
قیوب عضو یکه بر کا بولیب عمرب — قیوبولسون بر کا او ای بنده رب
غرض تیز دور تعالین یلکیل ای یار — تیز تنکه قیوبای قیود
تیز تنکه بین بیونک قیوبارین ایکی قولونکه
مسلمان بین بیوز بولسون قیوبولونکی
بونکیدین وضع انوجه بولسون
غرض اول بندیکه بی شبهه بولسون
کوتارورده الارینکه تکبیر قیل — بونکلیغی مجده قیلمان مستحب بیل
مسلمان دین ایلکاری یا نمری یا خاکی — مسلمان دین ایلکاری ها قیلمه اولونکه پاکی
عمل قیلغای مسلمان لار بیلدا ایسه — ایکی قولونکنی ران اوسته کا قویغیل
مسلمان دین ایلکاری یا نمری یا خاکی — عمل قیلغای مسلمان لار بیلدا ایسه
مسلمان دین ایلکاری یا نمری یا خاکی — مسلمان دین ایلکاری ها قیلمه اولونکه پاکی

ولی خاتون محولون محو بارید پسنه ۲ بولو بدور ایمجب اول بندیچه پسنه
بولور اخراج کیغاسین بولیه مردان ایکی بنگ دین نیت قیلغان نماز آی
ولی خاتون محو بو بنگ ایچره پنهان کرک خاتون لغه بو اشبو عکس مردان
نماز فجره دای اهل طاعت ۲ او محو مسجب دور ایلیک آیت
فرض نی تورت رکعت قیلیب دورلر نواب بسعد دالغای بسن اندین
تولونکه آیخ بیرکا بولمه یون وصل یغاسین بسل ایمجب دور ای نکو
که هر بر فاتحه او قورده ای جان دیکیل اولده بسم الله الرحمن
اکر مسبوق بسن قیلغیل توقف ۲ امام بیرسون بیلا دیسین بی تکلف

در بیان محرمات نماز

نیچه اشیا دور نماز ایچره حرام دور ۲ انی بیلکان کشی مردم حرام دور
اشنکنی یخنه قیل تو شمه حرامه نصیحت دور بو سوزلر خاص عامه
حرام اون تورلا ایمش بو یسون بیانی انی هر کیم قیلور کیو بدور زیانی
تعوذ تسمیه بردن هم آمین ۲ حرام دور جهری قیلماق هر کیشی
حرام دور کیمکه بو اشنغه ایتا دور نظر قیلماق اوزکه بولغه خطا دور
بسون غه تکیه قیلماق بیو خطا دور مکر کیم عذری بار انکار او دور

کوتاہ مکن قول ہمہ امد و خوہ دہم — اباق بر دہن کوتاہ مکن دور محرم

تبہ ہر کیم بنگ بولہ پ شبہ بے — حرام دور پنت بولغای تکپے

اگر فیلہ بیا بس یا بدن کا — اولیون بیلکیل حرام دور مردن کا

معاف دور بولہ کم اوچ دن او بازی — اگر اوچ بولہ فاسد دور نمازی

ایشارت بیا بہ بیلہ بس ۲۲ — حرام دور کیم فیلور بی شبہہ ظلم

قنوت غیر وتر ایکرہ محرم ۲ — او قوماق خوب ایما بس ای یار محرم

زیادہ دور شہد نار وادور — اگر جانز دلہ ہر کیم خطا دور

حرام دور فیلہ ہر کیم ترک واجب — اگر قصداً ہر ورای مرد طالب

حرام ایرمش ینہ بریان پلادی — بو دور بیلنگ حرام لار بنگ حرامی

درین ان مکروہات نماز

برادر پنجہ مکروہ ات ایشلادر — نمازدہ کیم ایرور مکروہ دیمش لار

دور ایلیک تو موز حب باین — انی ہر کیم فیلور کور کای زیانین

انکا اولہ بہ بنی خاص او لکا بے عام — نمازدہ فیلمہ بو ایشنی ای نکو نام

بری یکبر نی تکرار فیلمہ ۲ — اگر باشنکدہ عما بنگ بار فیلمہ

شمارہ فیلمہ قولونگ بر لہ آیت — اگر عادت ایرور فیل ترک عادت

تمہی کام

اگر قبله نگه نماز ده جمع جا مه — ایرور مکروه قلادی بسال بو کلامه

بینه انکشت اوشا تمق ایسه کراهت — کراهت کلم قبله بولسه نگ قبله جهت

بینه تو رماق ایاقدین برایاقه — کراهت ایسه مکن آلغیل قولاقه

ایرور مکروه قرای تیز اوقومق — بینه اوچ کام دین آرتوق یورومک

اگر قوبله تو قف برله هر کام — وکرنه فاسد اولغای ای نکونام

وبا میل ایتسه هر بان کا مصلے — مصلے تا بقای اولا شدین بیلے

لبا س ایلسه بینه باد ایلا موهم — بولور مکروه اوچ دین بوله اول کم

نماز ده بوره نی تعلیما ق معین — ایرور مکروه اول اشیئے قبله هر تن

نماز ده ایکی بوره بوله بر جمع — اول ایش مکروه ایرور ای بنده شمع

وبا بر بوره قالبه در میانه — ایرور مکروه ای اهل زمانه

اگر اول ایرور بوله آلتی آیت — ایما پس مکروه ای اهل عبادت

وبا آیت دین آیت کا قبلور تقسل — اول ایش مکروه ایرور ای مرد با عقل

کو نار مه کو دکنی بی ضرورت — ایرور مکروه بیندین او شبو صورت

رکوع ده بوله قوی تنگ اما — ایشیتسه کفش او ز تنین اول مرد عاقل

اگر اول منتظر بوله او شل دم — بولور مکروه نمازی ای مکرم

اگر قبله دور بودنکی رکعت نماز زیاده ۲ — قرائت نمی آرشیت ای مرد بیدار ۲
کرک ثانی دین اولی بولسه طویل — تو بی کوب بولور اول بولغا افضل
اوقو بسه آیت رحمت نی بنده — اید ور ایکروه توقف قبله ایندی ۲
توقف قبله بیلن کیلسه عبدی — بولور ایکروه قبله ای بیعبدی
امام قوم اوچون کوته قرائت ۲ — قبله ور ایکروه ای اهل عبادت
کشی قصداً نمازدین چیقسه قبله ۲ — عجب دور اول اوزنکا جبر قبله
اگر قبله کشی آیت نی تکرار — انی ایکروه بیلکیل ای نکو کار
نماز فرضده تکرار بوروه — اید ور ایکروه اول ایشی نی ضروره
امام آیت ترغیب اوقودی — وبا اول آیت ترهیب اوقودی
اشتب قوم ایشه ای خردمند — بویورونی راست ایشه دور خداوند
اید ور ایکروه اول بویورای نکو نام — مونی بیلمک کرک هر خاص عام

در بیان مبطلات نماز

نجه ایشلر نماز نی بیر مبطلدور ۲ — اگر چند یکلر اول ایشلر مبطلدور
قولونکدین ایرنکدین کیلسه ایشکیل ۲ — شبهه یوق ایشلار بونکا مبطل ایشکیل
مباح اولان بیر بوروقبله نک تبدیل ۲ — نماز ایچره کیلسه قبله نک تبدیل ۲

فراغت بولدی بو رساله مبارکه ۱۲۷۲ سنه سی شهر ربیع الاول نک اون بشنجی کونی

بری دور کونہ بشم ایلہ ناظر ۲ مباح دور او شیوا ایش ایکر طاہر

مباح دور کیمکہ اولسہ بہ بلاتی کیبور مہ کولکلو نکاوز کاکمانی

بری ایلہ تہ تیب قرآن اوقوماق بہ تکرار بیورہ نیز فلیماق

غرض تکرار بولسہ در نوافل اگر فلیمہ فرض دہ مروی عاقل

بری رکعتہ بیورہ اخر بینے اوقوماق ای مصلے بہتر بینے

مصلے بولہ اکلے بوگے اقدام نظر فلیبون مباح دوران تکوناہ

بورون غہ قبل نظر بیجدہ دہ بولسنگ بقار بسن چینکہ فعدہ دہ بولسنگ

نظر فلیغیل نماز دہ بیوی کتفیہ آلور بسن کوب ثواب اولہ قرت العین

امام درسہ ایلکاری وضعے بر ایتمہ بہ ایلکاری دفع بیرا یتمہ

در بیان مفسدات نماز

برادر بیل نماز نینگ مفسدلاتین نہ ایش لار دور قوید مفسداتین

فی دیکوبہ مشرعی اول ایشدور

اینسنکہ او بحوں انی مفسد دیمش دور

نماز ایچرہ کیشی بیلہ تکلم ۲ فرایضل درسہ کیشی ترک ایتسہ بر فرض

بولور فاسد نماز تکلم ایتسہ بو عرض

اگر بولسہ

اگر بولسه نماز ده هر کمر سه | الشیخ آنده عاطس قیلد عطسه
نماز ایچره جوابین بر سه ناگاه | بولور باطل نمازی نکو خواه
نماز ده اکل شرب سه یا کلام | قیلور باطل نمازی ای کرام
کیشی قیلسه نماز ده فعل اکثر | بولور باطل نمازی ای برادر
جواب عطسه بولسون یا مصیبت | بولور باطل نمازی پاک طینت
بدن قا شمق اوچ بولسه ای یار | کمرچه لر یکسر یا غلاب سه دهنار
که قرآن اوقومق مصحف بولسه بدین | بولور فاسد او نوع لر نینگ بیلوزین
نظر دور قبله جنکا یا فرج دیکر ۲ | قیلور بولسه نماز نینگ بولغی ابتر
بنه سجده ده قیلسه رفع رجلین | بولور فاسد نماز نینگ فرت العین
کیشکیسه آه یا اخ یا تف | قیلور بولسه نماز ابچنده یا نفث
بولور باطل نمازی ای نکو رای | نماز ده قیلما فعال بو بیجای

در بیان آنچند چیزیکه نماز خوانده نکی شود

او قوب بولما پس نماز نی تیچه جایده | خطا دور قبله غیلما ای مرد ساده
بریده ور مقبره قیلسه نماز ادا سی | بولور ناقص سیندین عجب خطا سی
وبا حمام ده یا جای مزابر | وبا اول خانه کیم پاسه جابر

ویا شبخانہ یا جای دگر ۔۔۔ ویا میخانہ ویا رہ گذر ۔۔۔

ویا اول بروز یکم دی ماہ ۔۔۔ تیلکہ مان ایچرہ یا یکم ایچرہ بازار

نماز نبی او قومہ غوغائی بردہ ۔۔۔ نواشیلی جای یا بیہودہ ای بردہ

نماز جمعہ دہ پیل ای کمر ۔۔۔ بولو بدور شرطہ دون ایکی نیمہ پہر

ایرور شرطہ وجوب آلتی پہ اینکہ ۔۔۔ برادر بولمہ بیون انکا مانینگ

یینہ آلتی پہ اہم شرطہ ادا دور ۔۔۔ مونی بیلمہ پس شریعت دین جدا دور

ایکنچی شرطہ وجوب ای اہل طاعت ۔۔۔ بری حریت برے احتمت

بری دور صحت عاقل ۔۔۔ بریدور صحت اعطا رجلیں

ایکنچی شرطہ ادا نی ای برادر ۔۔۔ بیان ایلاے بینکا فیلانی باور

بریدور ازان عام بریدور وقت ۔۔۔ بری پیلطان بری مصر ای نکو بخت

بری خطبہ بری پیکیکیل جمعت ۔۔۔ یقین پیل بندہ کا بولدور اطاعت

در بیان مکروہات

برادر نیچہ مکروہات افعال ۔۔۔ بینکا ایتای بریر جولاق سال

کہ مکروہات ایکی نوع ایرمیش ۔۔۔ بیلغہ دین نسخہ موندا غ یازیلمش

بری تحریمی بریسی تنزیہی دیر ۔۔۔ قیلور فرق ہر کشی کیم بینکا غمیں بر

قیلادے

خیلای تحری منگ تعبیر نی دمه — یه آقا تو تفسیل اوزونگی اندیمه ای تین

ایشیت مکروه منگ تحریمی ایلیک — قیلور بولسه منی هر کیم بولیه منه لیک

بولوبدور بیشل ایرلارکا محرم — حرام دور بیشل یاغه ای مکرم

بینه بیشل اینه خاتونغه برابر — حرام بیشلکیل الارکای برادر

صبی کا بیشل حرام دور ای نکو کار — مسلمان بیشل انکا بولمه روادار

بینه بیشل پرده بوز یوز الا بولمس — بینه بیشل پرده هم کوز یالا بولمس

بینه بیشل نی قولاقه آلمه زنهار — بینه بیشل پرده بولسه کولمه زنهار

بینه بیشل پرده یاکی یاکی یاندورا — قولاق یالغز بلالار دین امان دور

بینه بیشل نی مشورت ایردین یاغه — حرام دور قیلیه عقل نارسا غه

قیلودور ایرکا افعال حرامی — ایشیت مندین بیانین ای کرامی

لباس پیرخ یازینه بولیه — حرام دور کیمکه یوق مرد دینه بولیه

ایرینگ بولیه بودی تاری اینگ — حرام دور بولمه یوق انکا کمی ینگ

حنا قویمق ینه قول ایاقه — حرام دور اوشبو بیشل آنغیل قولاقه

بینه اول بیشل که خاتونغه دیب ایردیم — حرام بابیده آنی اینب ایردیم

یوزاره بولیه اولای خیر پیشه — بولور لعنه اول خاتون همیشه

بری قیلیپ سفر یاخشی حرام ایلسه — قوی شولوب یورماغی زیاده حرام ایلسه

بری یاخشی جاینی کیشی یاخشی بیلوب اصل — قیلور بولسه حرام دور انکا واصل

حرام دور قاشیغی خاتون لار یرمانی — روا ایمس قیلور انکا بولاشیغی قالمانی

حرام دور یاخشی خلامانی ایرلر سنمای دور — قیلور ایشنی اول ایرلر سنگ یاخشی بیلوب

مکروه ایمس خاتونی که بولسه حایض — یقین ایمس قیلمیر ایرلر انکا مرد فایض

بیته بیشی ایرلر خاتونغه برابر — حرام دور قیلمه بولاشمای برابر

طعام ذریره یسمین بی کدور — بیته زیبا توشکده او خلامق دور

لباس بولسه صورت اللده ظاهر — حرام دور کیمه کیمای مرد طاهر

بری یوزن بیله نقش ایتیه تن ده — حرام دور اشبو ایشنی هم مسلمان ده

بری نفراق بی ماک کیمکای برادر — بولور اوشه قرنیده در روز محشر

بیته صبا نغه مکروه هات دیمه بیشی — دیب ایرلر هم ایتا بیلمه بیشکای دوستی

برید و قویمه کیمیل صبا نغه کاکل — حرام دور قویمه غیلای غسل رسالی

برید و کیمه یوز یوشاک ذریعه — بیته یوشاک ابریشیم رنگلیمه ۲

ایاغ قولغه قویمای لیق حنا هم — حرام دور اشبو ایشنی لارای مکرم

بیته ایکی بولمه باغلامق بی ماندور — بیلیشکی صبا نغه بولاشیمه زیاندور

بیته بیشی

بینه پیش بردن بوزلابه بولمیل — حرام دور اندای مرد بیخبر رسم

بری سور علم او قورده ای نکو کار — دیمه بهوده بوزر نهار زنهار

بری صبح بریلور بعده خفتن — تکلم قیلمه غیل دیمه ای سخن

بینه پیش بردن حرام دور قیلیب بولمیس — بو اشلار فی حرام دور قیلیب بولمیس

بری اول دور نماز ده ای نکو کار — نظر قیلمه قیلیب بکنی او یه پسرای

کیشی نینگ بوزلاندا اویه کادا خیل — قرامه هر پسری ای مرد عاقیل

بری قیلمق نظر اهل عیال — حرام اهر مثلی او زوک مه لمه او یال

حقارت کوزیله باقمه دیمه زنهار — اوزین بولیب هر کیم پسند

بینه اول پیش حرام دور استماعی — ای ترک ایلاکو بتور استقاعی

بینه غیبت استمک ای دلافروز — نه کلمه تخلی کشی کا نفع یوق هیچ

بیرو دنو حرمه بهوده کلام — قولاق سپمه حرام دور خاص عام

ایکاو بر بریکا خفی بوزلاکا ندا — حرام دور کیم قولاغین سپاکا نده

بینه پیش بردن هر کیم خنده ایلار — حرام اهر مثلی او زین مسخره ایلار

کو پستانده کشی کولیه خطا دور — مصیبت خانده هم نارو ادور

بینه هر بر ده کیم ذکر خدا دور — اوبر ده کیم کولار عین خطا دور

ویا قرآن تلاوت جمله تا لی
حرام است و رگو نه کبیل آید دعا لی

ویا بر پرده بیوه هزل بیچی
انکا کو ملک خطا دورای نکو رای

بنه پیش پرده یا نمق یکاندور
برادر یا نمک غیبل عین زیاندور

بری یا نمق پیش پرده یا نغوز
امکر بیوه ضرورت اند نه پوز

ویا امکر بیوه پیت دیوار
انینک آیشیده کیم بیو رخسار

بری دور آفتاب سیاه ده هم
حرام دور یا نمق پیه هر فرزند آدم

نماز خفتن او قو مکین تا رسین
حرام است و رانده لعنت کا بتا رسین

بری یا نمق لغنکدور اول روز
حرام دور یا نمق اندی اول اذوز

بنه خالو نغه پیش دیب زن شوهر
حرام است پیش دیب ایردیم ای برادر

بریدور او قوبه بی اذن شوهر
نمازی نفل ای یار محرم

بریدور توبه اول بی اذن شوهر
حرام دور روزه نفل ای برادر

بری بی اذن شوهر مرد باخیر
حرام است و رپرده بوت باکودک غیر

بری بی اذن شوهر اول کمر بسته
اکر پرده کشیکا هر نمر سه

بری یا جفت او بیدین اول بیه رو
حرام دور جفتی قلیوبی رخصت شوی

بو یوز لارنی بیلنک فوز النجات دین
شر لعب بوزلا ریدور فتنت نبات دین

در بیان

در بیان آنکه خداوند تعالی چند کس را لعنت کند

فواید ده بتیب دوری خردمند — قیلور قرق کشینی لعنت خداوند
الار کیلم دور که ملعون خدا دور — نه سبب بر له رحمت دین جدا دور
بری اول ظالمی که ظلمی همیشه — اشی جور جفا بولسه همیشه
بری اول کشی قیلسه نفی فرزند — انی لعنت قیلور بشک خداوند
بری قیلسه اراده حکد خدا لیق — ایرو خاتون الار اپسه جدا لیق
نکاحی غه اوزی نی آلسه ای یار — بولور لعنت کا اول بنده کر فسار
بری اول کشیکم نمام بولسه — ویا حفاظ ویا فرجام بولسه
خدا لعنت قیلور اول بنده لار نی — قیامت اوشل شر منده لار نی
بولور لعنت فرمایندهٔ خمر — بولور ملعون بنه بیازندهٔ خمر
قیلور لعنت بنه بیا تقوچی لار نی — که اندین پیل بریب آلغوچی لار نی
قیلور لعنت الار نینگ کا بیه دار سین — الار نینگ مجلسنده هر نه بار سین
بری ایر بیننی هر بیه آزار — بولور لعنت کا اول خاتون ایرو لار
بری کوز یاشنه هر کیم عورتینی — آلور بشک خدا اینگ لعنتی نی
بولور ملعون ناظر بر له منظور — کرک عورت همیشه بولسه مستور

کسانی کہ بکنند قبیح کسنے کو یلہ در وب خاوند خاوند

کسنے لواطت یا بولہ زناکار ۲ بولو لعنت کا اول بندہ پروردگار
کسنے حیوان کا بار پہ ای خردمند قبلو لعنت انی بسلکیل خداوند
کسنے خالو ند یا قیر بولہ اول جمع ۲ بولو لعنت اول شرمندہ شمع
زنی حایض کا کیم بولو پچہ معے ۲ بولو ملعون ایشت امیر دریا
اکراو سنا پہ ہر کیم نرد شطرنج بولو ملعون ایشت کیل ای سنجن سنج
کسنے قیلہ او زرہ خاتونغہ مانند ویا خاتون او زینے امیر کا مانند

الا لعنت بولغہ ہمیشہ ۲ اول ایشنے قیلمہ غیلای خریشہ
بریدور تو حد کر بر ریا خوار بولو لعنت کا اول بندہ کرفتار
کسنے کیم ظالم بیلہ بولہ ہم الفت خدا یم قیلغو پیدور انکا لعنت
بنہ اول کسنے کیم مکارہ بولہ ویا اول خاتونی بدکارہ بولہ
اکر خاتون پوارہ بولہ ہر کاہ بولو ملعون اول ای مرد آکاہ
کہ حیوان فرجینہ کیم قیلہ ناظر بولو ملعون بامر حق قادر
کسنے کا کیم قیلو تینے حوالہ بولو لعنت اول تو شکا وبالہ

در بیان کناہی کبیرہ کہ چند است

کناہی کیم انی دیر لار کبیرہ انی قیلغان کسنے تو شکا کغیرہ
بقول

بقول حضرت ابن عمر رضی اللہ عنہم — ایرور تو قوز کبیرہ ای مکرم
ولیکین بو ہریرہ قیلدے زاید — اودور اکل ربا ای مرد عابد
بنہ قیلدے زیادہ مرتضی ہم — بری دردی شرب خمر با ہم
ولی بو طالب مکی مرحوم — کبیرہ تینگ حب پاس قیلدے معلوم
دیدے اون بیتے دورای نیک افعال — ایشت ایتای بینگا بر بر قولاق سال
اینینگ تورتی تعلق دور کونگل کا — بنہ تورتی تعلق بولدی تیلکا
اوچی اینینگ تعلق دور باشکم — ایکی بیدور تعلق فرجہ کا ہم
ایکی بیدے قولغہ دور بری ایاقہ — بو بیوزلارنی ایشت آل قولاقہ
بری اولکیم تمام اعضاده پیلکیل — بولارنی بیلمکا کافی نیاده پیلکیل
اوشل تورت کیم کونگلی قیلدے منکین — بری شرک بری احرای سنہ
بری ایمین اوزین تو تمق خدادین — نعوذاً باللہ اول کافر خدادین
بری نومید لیک کیم قیلیہ بولمس — عذابین حقدین اوزکا بینگ بولمس
بنہ اول تورت کا تیلی قیلدے ممکین — بری بحری بری بیسے فرق مجنہ
بری بلغان بری بیلہ آنت ایچ بولمس — بری بلغان بیلہ آنت ایچ بولمس
اولاوچ کیم تعلق دور قرینده — یمان ایشدور بولار روی زمینده

بری خمر بری اینینک ربا دور — یتیم مالین یمک کاری خطا دور

ایکی یسه قوله دوای مرد فاضل — بولور یلغان کشنی دور خفه واصل

بری سز زدی کار بنا حق — برور نا نکلا انکا تورلوک چنز اهق

ایکی یسه سبیل تعلق فرج کا دور — بری لوط بری خونی زنا دور

تعلق دور بری اینینک ایاقه — دیب ایردیم سبا قلاب الفیل قولاقه

اکر قاچسه از جنک کفار — کیره دور بولور قاچقان کنه کار

تمام اعضاده بر دور فیضی دور اول — انی قیلمایس مسلمان بولسه هر قول

حقوق والدین دور ای خردمند — که بولماس عاق هرکز بخشی فرزند

در بیان چیزی نجس که بچکونه پاک کنند

اکر بولسه نجس سیل هر غسر سه — نجسوک پاک ایلار انی اول کمر سه

کونکلده پاک لیک نی نقشی قیلسه — یووب اوچ بولی هم پخشل قیلسه

اکر چندی انی بولسه زایل — بولور طاهر ایشیت ای مرد فاضل

اکر بولسه نمکین یا قاچانی — کوسکلده بولسه طاهر قیلمای انی

انی یومش کرک اوچ ای مسلمان — کرک اوچ مرتبه معدوم قطرات

بولوه طاهر اول سبلینک یا ظرف یا غیر — مسلمان لیق ده بلمک لیکلا بر ور خبر

اکر تیکسه

اگر تیکیه مینه ای مرد دانا بس — بولور پاک بولسه پاپاقی پاک بس
اگر ذی جری بولسه اول نجاست — اوتوکا تیکیسه ای اهل فراست
کرک اول یرکا مالسه ایلاسه یوین خوب — بولور البته ذایل ایلاسه کوب
نجاست بولسه زی جرح انکلا ۲ — شریعت حکمی دور یوق لیق اولی
کرک کیم اوج یول انکا یوتورت سوندی — که یوغنده انی بر بر فوروت سوندی
اگر بولسه نجس بیل تیغ خنجر — بولور پاک یرکا سورتسه ای برادر
نجس بولسه ثوب ای دانا فروز — انی سو پاک ایتر آفتاب روز
تنوری اوت یا قیب پاک ایتسه قیلسه — انکا آب نجس افتاده قیلسه
ویا یرکودکی بول ایتسه انکا ۲ — نیچوک طاهر قیلیب نان یاپقا انکا
اگر تیری کیتب خشک بولسه یونکراه — انکا نان یاپسه بولور ای نکوراه
تنوری پر کیمه پاک ایتسه قیلسه — سیوا ورماک انکا نان جفت قیلسه
ولی مکروه دور پشکاو شل نان — اگر سیوا ورسه پاک دور ای فهیمان
اگر خمر ایچره کندم تو شسه ناگاه — کرک طاهر بولور ای مرد آگاه
شریعت بنکلا انکا امر بیورمش — یووب اوچ هر یوارده بر قیلورمش
اگر ششیمه اول بغدای اسده — فوروت موجبا جت ایتمز رای بنده

کر حفی

اگر چغرات باشد با پر بولسه مردار — نجوک پاک بولغی اول چغرات ای یار
آلیب باشلا نجس بولغان لاریني — بولور پاک ایچ اینک قالغان لاریني
اگر چغرات اندور باشی بوزولغان — چغرات اندور بوسوال کوب لاپ بوزولغان
اگر چغرات کاوی بولسه مردار — خواهی بیر بیر یا بیر بولسه مردار
قوشوب دور کوشت کاقورت یا بلیکن — نه دور شرع اینک بوزمونداغ بولماغان
آلیب باشلا بیر قورت نی بوسه اول پاک — شریعت بر له پاک اول نه دور پاک
کل مردار دین اوبستا کلا لی — پشور بسه پاک دور ضرف برغالی
قزان غه قوشسه پرنده اولسه — قزان اول حالده درجوشسه بولسه
بولور مردار هم اول کوشت شبر یا — یسه بولمدور اندین ای نکورا
کوب پشور یا سینگ کوشتی خوبره — بوب اوچ یولی انی پاک قیلیون
ولی چیرت دیو کیلتور وسه دورای یار — قزان درجوشسه بولسه دیمه مردار
اگر قنا سه حکم آب جاری — ایکی بسی مردار اینک بوقتور غباری
اگر درجوشسه بولمسه بسی یاندور — بولاشینگ اختیار اتیکان اماندور
اگر یسیخان توشوب یاغ ایچره اولسه — نجوک پاک لیک بولو کمانه ایتسه
اگر یاغ نخشه غان بولسه اوشل حال — قیلیب کاوشانی کورکیلدین آل

هوا زده ناوه ده یک ضرفی تو تو پوه
پیلیده و پاک ایله باهم تو کوپوه

آلیب برکابه اول پاک پوندیره
بینه برکابه آل ناپاک پوندیره

تو کوب ایکی پیسنی جا بلندیره
شیر یعت پوزیدوز لذت قندیره

تلاشه تو شکانیس طاهر دیمیش لار
اینسک طاهر لغیوه طاهر دیمیش لار

دیره ادا بولیوه بوده پیشور برله اول شیر
شیر یعت پوزلا ریدیره برکا تو فیر

بروبار دی ارپغ پوکیشور دی بر
بر ایکی پیسک کوپه فندانده کوردی

پیوبی کوزه پیله طاهر دوای یا
دیمه کوزه پیله پیوبولدگ مردار

درپیان نوافل

ایشت مسلمان باصدق صفا دین
قیلور نفل اول محمد مصطفا دین

وصیت دور اینسک پوپوزنی پیسه
نوافل دور او قونکلایام پیسه

نماز دین عبادت بولغوپیسی حاصل
نماز دین تنکریکا بولغوپیسی واصل

قولونکلدیره کیله تورک ایشه نوافل
نوافل دین بولور مقصود حاصل

نماز روزه شنبه دین ایشتکیل
پنسکادیر میه الکالایق ایشلاتکیل

او قوغیل تورت رکعت ایله در
که هر رکعت کابر قل یا برا بر

او قوغیل آیته الکرسینی پیرولی
دعا قیلغیل سلام دین پوتکره ای قل

خداوندیم

خداوندیم بینکا قیلغای عطای
کیچورکای هرنه قیلسنگ خطای

زبور انجیل ایله تورات فرقان
اوقوب آل بنگ ثوابین ای مسلمان

اوقو غیل نفل یکنی کون بسین
که رکعت ایرور الکلا اموندن بسین

اوقو هر رکعتکا بعد الحمد ۲۲
که بر یولا من آمن الرسول دن قیل ضم

غار بنگ دوزخ اوتیغه حق بی
بو یولا تا انکلا آلور بس کوب ثوابی

ثوابی تاغ لار دین هم عظیم
بو یولا اول مینگ دین آرتوق بولمغای کم

اوقو غیل روز دوشنبه نماز دین ۲
ایکی رکعت ایرور قیل امتیاز دین

اوقو غیل آیة الکرسی سینگ ای فضل
بو نکیدین سوره کوثر نی اون یول

درود مصطفی اون ای برادر
نماز دین بو نگ دیگیل برابر

خداوندیم بینکا کوشک عطای
برو رحمت ایچنده طرفه جای

اولاوی لار بنگ بری هم بری زر
بری مروارید دور ای سخن ور

نه بری جد بریسی یاقوت احمر
بیریسی نور پاک بری عنبر

که هر برا وی ده بر تخت مرصع
که تخت اوسیده بر قبه مرصع

که هر قبه نی اوسیده حور شسته
پسنده امیر ریشی ایله رای نخسته

بو شنبه اوقو غیل ایکی رکعت
نماز قیلمه ترک اولکونده البت

اوقو غیل رکعت اولکا الحمد ۲ قیلور بس سورهٔ والتین انکا ضم

بونکی رکعت کا هم الحمد بیرلول ینه اول سورهٔ اخلاص بیرلول

معوذتین اوقو غیل بونکدین سن اولوغ لاردین بولنگ بولکدین سن

نه مقدار بولسه کیر قطران باران برورا ون یخشی لیق بیلنگا فرمان

که اول قولوک زمان لقدین قیلور مجو خدا قیلغای کرامت سنگا بو نجو

آخیلور یوزونگا ابواب جنت یقین بیل قیلور بو یوزکا مغفرت

اوقو غیل جمعه شنبه یک رکعت اوقو غانی قیلور معبود رحمت

اوقو هر رکعت کا بعد الحمد ۲ قیلور بس سورهٔ والنزل انکا ضم

بونکدین اوقو غای سن قل هو الله مراد ینگا بیلگورکای الله

که مینگ یل لیق عبادت سنگ تو ابین آلور بس بیر کشی بیلمایس جا بین

که مینگ یل لیق خطا لار بولسه بنده کیچورکای قادر غفار ذره تنده

بولور دنیاده هم زر فینگ فراوان چقمزده جان همراه بولغای ایمان

بو سوال قیلسا ان بولغوسی هم عذاب کور بولماس ای مکرم

اوقو غیل اسکر رکعت روز شنبه اوقو سنگ بولغوسی بیدور حاجتنگ به

اوقو هر رکعت کا بعد الحمد ۲ که بیش بول سورهٔ کوثر نی قیل ضم

بنه بیش یول اندین بونکا ذاجا ۲ | اوقو تیب ایله بین قیلمه بیجا
بونکیدین اوقو غیل بیش فصل هو الله | نماز دین بونکیل استغفروالله قل
انی اینمادی انیک اون کرت دور | بنه ایلیک درود مغفرت دور
خداوندیم بنکا قیلغای عطای | بهشت ایچره قیلور شهر بنای
تمام عمر اکر قیلسنک کنه کار | کلیجورکای یاز وقونک ستار غفار
اوقو غیل روز جمعه ایکی رکعت ۲ | کورار سین منفعت کور سانک مضرت
اوقو غیل رکعت اولکا الحمد ۲ | قیلور سین آیته الکرسی اوچ ضم
بیرنکی رکعت کا اوقو قل هو الله | اوقو غیل اوچ یولی مردا کاه

در بیان دو رکعت نماز یکه در یکشنبه خوانند

برادر کر یکشنبه قیلسنکارا ده ۲ | ایکی رکعت نماز اوکر رجا ده
اوقو غیل رکعت اولکا الحمد ۲ | بیتی یول سیوره کوشر قیل ضم
بیرنکی رکعت کا بیتی یوره قدر | سلام دین بونکدین کیچر طالب حذر
دیکای سین بیتی یولی استغفروالله | یکشنبه فتح نصرت برکای الله
اوقو یوب چقیه کشی موندا غ نمازی | امان بولغای یوز یه فتنه بازی
تمام دشمنی مقهور بولغای ۲۲ | یکشنبه بول اوا منصور بولغای

بکا جمعہ تحیل از جمعہ بولسہ | بر شرح قبل غسل بکا جمعہ بولسہ

بو استغفر نی ای مرد بیخود رسیدہ | در پہ قبل از نماز فجر ہر کس

خدایم عفو ایتار جملہ خطا بیدہ | کناہی ہم اتا بیدہ ہم انا بیدہ

استغفر و اللہ العظیم الذی لا الہ الا ہو الحی القیوم و اتوب الیہ و

کشی او قو پہ جمعہ فرضین ای یار | او قو پہ بودی نی بو لغی خار

تو انکہ بو لغی اول اخلاص بو لسہ | ہیلمان بیلمہ کیم اخلاص بو لسہ

بسم اللہ الرحمن الرحیم اللہم یا غنی یا حمید یا مبدی یا معید یا رحیم

یا ودود اغنی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک

و بفضلک عمن سواک برحمتک یا ارحم الراحمین

کشی او قو پہ جمعہ فرضیدین بو نکہ | بو بیور ملائی بیلکیل او زکادین او نکہ

کو تارمای او قو بسون بردین تیز سنسہ | قبول ایتسون او لوغ لادین نکہ بو زیسنسہ

او قو پہ سہ بو لا الحمد نی اخلاص | او قو رده البتہ بو لسون با خلاص

او قو پہ سہ ایکی قل اعوذ او ل | امان بو لغی بلادین او قو غان قل

در بیان واقعہ مہمی

امام جعفر صادق حضور نقل | ایشیتیب بو نقل نی ای مرد با عقل

مہمی

مهمی هر کشے کا بولیوا قمع برابیشن قیلیون که بولغ آنکا دافع
دوامت ایلاسیون اوچ یفت ای یار اوقویون شرک قیلمای اوشبو ازکار
بولوب اخلاص ایله قیلیون دوامت مهمی نی خدا قیلغوچی کفایت
اگر قویدین کیلور قیلیون همیشه دوامت ایلاسیون بو دریشه ۲
دیسون شنبه کونی اینک یول ایسار بو ایشلغان دعانی ای دلافکار

یا رب العلمین

اوقویون روز یکشنبه دعا بیرین دعا دین یونک تیلاسیون اندا عاجیرین

یا ذا الجلال والاکرام

یتنه دوشنبه کونی اینک یولی ای یار اوقوغیل بو دعانی اینکو کار

یا قاضی الحاجات

دیکیل بیشنبه شنبه کون ای خیریشه ۲ اوقوغیل اینک یولی سعایت بو ایشه

یا ارحم الراحمین

اوقوغیل روز جهارشنبه محمدیه ایتیلیون اتی ایلهم اینک یولی ای نور عین

یا حی یا قیوم

دیکیل پنجشنبه کون اینک یولی ای یار ۲۲ اوقویسنگ کوب کیو اینک خاصیتی بار

لا اله الا الله الملک الحق المبین

اکبر جمعه کونی ای یار محبوب دیسنگ منگ مرتبه خاصیتی کوب

اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک و سلم علیهم

چنانچه برخبرده کیلدی بو پیوز بتیب بول دعا حق ای دلافروز

اوقوپه بول دعانی هر کمرپه کرامت قیلغای انکا اوچ نمرپه

اولاردن بولغای ایمانی سلامت نه حد شیطان که قیلغای انکا غی رت

بری یلم فقر دین یتسه امان دور کشی کیلتورپه یتسه انکا زیان دور

بریدور هر کشی بولپه نظر ده امان بولوب یورکای اول ظفر ده

که هر کیم منکا اوقوپه هر مسلمان یقین یتکای مراد یکا اول انسان

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من فی الزنج و اعوذ بک
من الکفر فی الشیب و اعوذ بک من اللعنات فی الغربت بحرمتک یا ارحم الراحمین

اکبر بولسون دیسنگ زیاده رزقیم اوقوب بو ایسمنی بولغیل رجا ده

اوقوغیل هر بر کونی منکا بولی بس محمد امتی تنگری قیلی پس

رزقی بوزینکا بولغای کشاده کیتورمه شک سینه ای مرد پاده

بسم الله الرحمن الرحیم یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق بحرمتک یا ارحم الراحمین

امام

امام فخر رازید بن حصور نقل ۲ کتوردی نسخه بر مردی با عقل

بو تسبیحات نی ایام بسبعه او قوپه هر کشی پیش یوز دفعه

مراد اینغه بنکور کای خدایم بلا درس پس قلاغای عصمت داییم

بو تسبیحنی دیکای بس روز تشنبه او قوپ سنگ بو لغو بیدور حالینگ به

لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

اگر یکشنبه کون قیلسنگ اراده بو تسبیح دین کورار بس استفاده

لا اله الا الله لملک الحق المبین

بو تسبیح نی او قوغیل یوم اثنین ایشنگیل ترک قیلمه قرت العین

لا اله الا الله عزیز اجمیلا یا عزیز یا جمیل نی

بیشنبه کون او قوغیل بولادعانی کورار بس بولادعادین کو بوفا

اللهم صلی علی محمد وعلی آل محمد وبارک وسلم علیهم

کیم پنجشنبه او قوپه بوم اربعاده بو تسبیح دین کورار بس استفاده

لا اله الا الله خالصا مخلصا

جمعه کیم بنجشنبه کون بولور دمذکور بولور بس دایما مخصوص میرور

لا اله الا هو خالق کل شئ وهو علی کل شئ قدیر ۲

کہ بولسون جمعہ کون تمجید ذکر سنگ تلا کیل حاجتینگ اوزکانہ لکہ سنگ

سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا
حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ۞
اوقوب سنگ بنج کانہ امر حق نی ۲ برای بنگا یخیل بوسبق نی
اوقوب سنگ اول نماز یکیم ایرور فجر ۞ بو تسبیح نی اوقوای طالب اجر
لا الہ الا اللہ الملک الحق المبین ۲
نماز ظہر اوقوب قیلغیل دعا ۞ دیکیل یوز یول درود مصطفی یکین
اللھم صلی علی محمد وعلی آل محمد وبارک وسلم علیھم
نماز عصر اوقوب سنگ انشیا ۞ دیکیل یوز مرتبہ استغفر اللہ
استغفر اللہ العظیم الذی لا الہ الا ھو الحی القیوم واتوب الیہ
نماز شام دین بو نکبو در زود بند کلمہ یوز دیکای بس ای حکبر بند
۞ لا الہ الا اللہ محمد الرسول اللہ
بو تسبیح نی اوقو غیل بعد خفتن دیکیل یوز بر یول ترک ایتمای تن
سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول

ایضاً

بار ایردی بر نکو اندیش بنده — بو ش ایردی اندہ ہرگز خوب خندہ

کیلیب حضرت دین اول قیلدگ سوال — نه دین دور بنده نے تابع اولکمالے

ایش رت تیلکا قیلدگ اولکو حال — کمال بنده تیلدین دور بیلب آل

بنه بوردیکه خفه ناک نه دین دور — دیکیل منکا بنکا عرضیم بو دین دور

تیکار تیلدین ضرر یا قلا تیلنگ — امان بولسون دیسنگ جان دلنگ

خطا یسے کوب تیلنگدین بول خبردار — بو تیلدین اولگ بنه نتیجه بیردار

خطا هر عضو دین بیلکیل کیلور کم — کیلور کوب تیلدین ای فرزند آدم

برادر ایرته لار اعضای خائف — دیر ایردی تیلیکا ای نکو لطایف

اگر کوینده اخبار بولدونگ — یمان کفتار دین پنهار بولدونگ

همه اعضا ده بو دیسنگ سلامت — قیلار اما پس هیچ کشے بنه نے املامت

تیلینگنے یا قلا غیل دولت کورارسن — تیلاور تورینده بولسه لت کورارسن

تیلینگنے یا قلا بخت دین تولغونگ — وکرنه کوب بلالار کا تولغونگ

ایضاً

بخاری مصطفے دین ۲۲ — اشیت اول مرد با صدق صفا دین

اینگ کوب خوفی بار ایردی تیلدین — بنے آدم مضری خاییر دین

بار ابیردی برنکو اندیشی بنده — بوئی ابیردی انده هرگز خوشخنده
کیلیب حضرت دین اول قیلدگ بوال — نه دین دور بنده نی تابع اولگای
ایش ریت تیلکا قیلدگ اول نکو حال — کمال بنده تیلدین دور بیلب آل
بنده بوردیکه خفا بولگ نه دین دور — دیکیل منکا بنکا عرضیم همین دور
تیلکا تیلدین ضرر یتا قلا تیلنکلی — امان بولسون دیسنگ جانه دلنکلی
خطا سیز کوب تیلنکدین بول خبردار — بو تیلدین اولدی تنبیه بیردار
خطا هر عضو دین بیلکیل کیلور کم — کیلور کوب تیلدین ای فرزند آدم
برادر ابیردی تیلکا ای نکو لطایف — دیر ابیردی تیلکا ای نکو لطایف
اگر کوبنده اعضا رجو سنگ — علاوه کفتار دین بیزار بولدونگ
تاکه اعضاده بو لسنگ سلامت — قیلا اول بس حج کشی بیسنی ملامت
تیلنکنی یتا قلا غیل دولت گوارین — تیل اوزنی تونده بولب لت گوزین
تیلنکنی یتا قلا محنت دین تولغونگ — وکرنه کوب بلالار کا تولغونگ

ایضاً

حدیث دریا غاری مصطفی دین ۲۲ — ایشیت اول مرد با صدق صفا دین
اینگ کوب خوفی بار ابیردی تیلدین — بیتی آدم مضری خابیر یلدین

پس لب آغزیکا پنگ پیرہ ناچار — بولور خاموش بوق ایرگانده کلمتار
مکر وقت طعام وقت از کار — آلورالیگ آغزیدین پنگ پیرہ ناچار
اولایردی خوف حدین آشہ پیروز — تکلم قیلما پس ایردی اول شب روز
بو پنگ کلیغ خوف برله اول نکورای — چقارمای آغزیدین برنگ پیچای
بو خصلت برله اول اوتی جہاندین — نیچه قورقوچ بیله کیچ روز تاندین
یقیدین پیل آیروز مار کزنده — چذریک بول کزنده بوایپنده
آغزده تیل اولوب یاتقان بلاندور — پیلنگ یرانگ چاقی قدین کماندور
قولونکدین کیلیب بول البته خاموش — نصیحت دور بو پوز قیلمه فراموش
بلیب پوزله پوزونگ بلیب راست — بولوب کچ پوزلامه فج پوزنی بخلوست
تیلین تارتارکشی تیز بنده بولسه — بلیب پوزلار مسلمان بنده بولسه
یقیلدی کوب کشی تیل یانماندین — بشیمان بولدی بو نکدین ایغی نیندین
بو تیلدین نیچه نی تو کولدی جانی — تو تیلدین نیچه نی اوزولدی جانی
بو تیلدین نیچه ولایت بولدی ویران — نیچه لار بولدی پر برله یکسان
بو تیلدین نیچه لار بولدی مپاقر — بو تیلدین نیچه لار بولدی کافر
بمان تیلدین کشی تیلسه یمان بس — طلب کا

اکر دنیاده

اگر زیاده بولینگ نے زیان بسیار ۲ زیان کور منگ بیلالار دیمه امان بیرمه

یانکلیک یوزلاکاندین کوب جمع بولار یقیلدیلار بسیار دورلار چندلار

بسمل بیلمه ای تیغ نے زبان سنگ خط لار کوب قیلور فاحفظ بیان سنگ

بو تیل بیل آغزدین خنجر قتال نه کیلیه زهر دور بیلمه ای مال

یمان لار سنگ یوزیدور زهر قتال ایشت بسنگز قیلور اول بیر نے باطل

یمان لار دین چقار بیلسنگ یمان یوز تو کو یور آغزیدین نار جهان یوز

تکلم قیل اهل قال یا حال ایشتکان سنگ جائیغه جون یقار بال

الار سنگ یوزی سنگا قوه جاندور ایشتکان لار بیلالار دین امان دور

الار سنگ یوزیدور یانگ سنگ شیدا اجار کل نے اودور کل سنگ کمالے

یمار لار صحبتیدین بو لغیل کناره یاوق یورمه تو شولمه اهل ناره

کو یار لار کو یدور ور لار اوزکالار نے یو سنکلیغ نے بیخده کور دوم الار نے

محبت اهل کامل واصل بولا کور مرادی مقصد سنگ حاصل قیلا کور

ایضاً

چهوری یار ایردی صاحب کمالے علی دین کیلدی قیلدی سوال

دیدی یار دورسنگ نیچه سوالیم اگر بسنگ سوالیم غه جوابیم

یا رب یا علی بیشک مسلمان — کیلتور این بیشک آلدیکده ایمان
علی ایدیکه مندین پسوالینک — پسور غیل هرنه بولسه قیل غالینک
جهود ایدیکه نه کیلکانده بخشی — نه ایرمیش اول کیلمکانده بخشی
علی ایدیکه همان کیلکانی خوب — بلا دور بنده کا کیلمکا [illegible]
جهود ایدیکه نه دور کیلمکا بیشک — نه ایرمیش اوینه ایلمکا [illegible]
علی ایدیکه خشینک ایلکانینک خوب — چرا مدور آنینه ایلکانینک خوب
جهود ایدیکه ایلش قیلغانده بخشی — قیو ایلش دورکه قیلمغانده بخشی
علی ایدیکه توبه قیلغانینک خوب — کنه لیک ایلش ایرور قیلمغانینک خوب
جهود ایدیکه نه پسوز دیکانده بخشی — قیو پسوز دورکه دیمکانده بخشی
علی ایدیکه بسیج ایتکانینک خوب — که غیبت پسوزنی ایتمکانینک خوب
جهود ایدیکه نه برکانده بخشی — نیمه دورکه برمکانده بخشی
علی ایدیکه خیرات برکانده بخشی — پسوکو مشتور دیکا برمکانده بخشی
جهود ایدیکه اولزمان کوکلی ملایم — انکا توفیق عطا قیلدی خدایم
علی ایدیکه آلدیده کیلتور کرایم — همه تابع لارع بولدی مسلمان

ایضاً

بار ایردی

۲۰ بار ابیردی پادشاهی کارانی — عدالله ابدی اوزره سورانی ۲
که هارون الرشید دیر ابیردی آتین — بتیب دور نسخه بخطی صفاتین
اینکه آلدیده بر تیر سپای دانا — کیلیب عرض ایتدی ای شاه فرمانا
قیلور من بیتن سوالیم بار سیندین — ایشیتینگ بیر ایتایم مدعا مندین
دیدی تیر سپا غه اول شاهی جهاندار — نور لوک دور سوالینگ قیلغیل اظهار
تورو ب تیر سپا یه والین قیلدی جاری — قولاق سالدی شیبه شهریاری
دیدی تیر سپا یا شاهی جهاندار — خدادین اهل کاری کیم دور قیل اظهار
نه دور اول کیم خدا هیچ بیلمه سانی — نه اشیدور اول خدا هیچ قیلماس انی
نه دور مخلوق ایما یدور اول خدا غه — قولاق سال انگلا او شبو مدعا غه
خدا اینگ یوزی هم قیبله طرف دور — جوابین اول بر و کیم ذی شرف دور
ایشیت شاه تیر سپا اینگ سوالین — تفکر قیلدی اول دم جمله رمالین
یغیب سلطان همه صاحب کمالین — الدین قیلدی تیر سپا اینگ سوالین
قبول اولا تیمادی اول جمغ کو نجت ۲ — دیدی بلدرا اول کیروه ای صاحب تخت
او دور کافرا اینگ یوزی اعتباری — ایرور باطیل یوزی اینگ یوق مداری
اکر مؤمین دیسه یوزی کافر — بولور یوزی قرای شاه نادر

برو عرضه ایلادی ای عالی قدر
تو غوب دوربینوزمان برماه چون بدر

اوزیدور کورکای عقل رسادور
که هر عاقل بانید نارسادور

اوزی پاشن ولی صاحب کمالات
برورپوپرسنکا کراز هر مقالات

جوابین بی توقف برورانینک
شاه هیچ بولمیسون انکا کمانینک

قیلور مشکل نی حل اول نارسیده
همه لار نارسیده اول رسیده

آتی نعمان اوزیدور هفت یاله
ربیب دوراوغلی بولکی له

طلب قیلدی سانی شاهی زمانه
که کیلیسون موندہ اول دری یگانه

کیلیب موندہ مشکل نی حل اتیسون
کیلیب آینه لار نی صیقل اتیسون

کیلیب قیلدی دی اول نیک افعال
که تر پانی کیلتوردی شاه در حال

جوابین بردی انینگ آخیر
دیگیل بوپوز بویرده صاحب اردین

قیل آلدیم دہ ایشیت پونکره جوابین
بوایشدین کوب خلایق فائدہ تاپسون

چاپ بین قیل غیلای یگانه دین
ایماسدور هیچ نیمه ای مرد صادق

دیدی دیدی

دیدی قرآن انکا مخلوق ایمای بیدور — اورمیش یلکان انی مخلوق دیمیدور

دیدی تنزیل خدا قیلمیس نه ایشدور — دیدی نعمان انکا بونه دیمیش در

خدا دین اورکاچ یوقتور خدای — کمه اول قیلیوان ایشن نارسای

دیدی تنزیل انکا ای مرد طالب ۲ — خدا اینک بوزی دیدی قیلیب جانب

بویردی اول زمان نعمان بر شمعی — یا قیبان قویدی کوردگانی جمعی

دیدی قیلیب طرف دور شمعی بوزی — که تنزیل ایشیتیب اندین بوبوزی

قالیب حیران اینکدی انالیغی غه — نجالت تارتی اورب یالیغی غه

قیلیب نعمان غه تسلیم الله کافیر — مسلمان بولدی صدق دلدن کافیر

بسم الله الرحمن الرحیم

درود بی نهایت مصطفی غه ۲ — حبیب حق نکیسنی انبیا غه

شرافت بابیده اولدور یکانه — اهیرور پیغمبر آخر زمانه

طفیلیدین انی خلاق معبود — زمین آسمان نی قیلدی موجود

تا پیلمی بیدور اینکدیک کوهر پاک — انکا کیدوردی تنکری تاج لولاک

بحمد الله طفیلی اول محمد ۲۲ — کیتیدور پاشمیز دین بدعت بد

تمامی مشکل ایشلار بولدی آسان — آغیز دین کلار نی تنکیل قیلدی جانان

بحمد اللہ محمد امتے ہیچ — قیامت کو نہ امید شفاعت ہیچ

شفیع المذنبین روز جزا او — ہمہ کمترہ لاغرہ نما دو

کہ بر او بیند بولد آدم آخر محمد — بلندی عرش میا فیدہ محمد

وجود ہیچ دین بولد بوقت عرش — غبا مقدمید ور زینت عرش

جہانغہ کیلمکای اللہ اولوغ ذات — شب معراج انی خلق پسموات

قدم پاکسفان پیرہ نوبت نبوت — قیلور لار زیارت تا روز قیامت

برا نے نقش پای شاہ کونین ۲ — ملائیک لار کابولد پیر مہ عین

ملائیک لار نے بولد مقتدا ہے — تکلد عرش او ہیدہ لوا پس

خدا دیمہ خدا نے او غلے دیمہ — نصا نصارا او غلے دیمہ بوزنے دیمہ

صفت قیلغیل نجا قلق بیلکیل انے — کو نکل کا کیلکا نجہ ای فلانے

ہنوز یوق ایردی پیرو آسمان ہم — نہ جن نہ ملک نہ نسل آدم

بہشت دوزخ نہ عرش اعظم — نہ کرسے نہ لوح قلم ہم

اشیا دین اول حق تعالی — رسول اللہ نور ہیتے قیلدے پیدا

نہ نور دین پیرا نیب بر مصلے — خدا قدرتے برلہ قیلدے تجلے

رسول نور دین مصلے اوزہ تویدے — نجہ مدت آدم او ہیدہ تویدے

خدا امر

خدا امر ایلادی انور احمد
ایرور بن جمله عالمغه برمدم ۲

منکا قیلغیل دیدی بر عالی اغدمت
ایاکان سنخا بهر شفاعت

قیلور غه خدمت حق قیلدی آغاز
اوشل نور چیقیبی محرم راز

که یتمش بل تورد قیامه
شفاعت خواه خلق خاص عامه

رکوعده تورد یتمش منگ یل اول نور
تورو بر قیلدی عبادت بهر ورو

بنه یتمش منگ یل تورد پر سجده
خدا نی حمدی اول نور پسندیده

بنه یتمش منگ یل آخرده تورد
خدا غه امر بیتی مونداغ بتورگ

ندا کیلدی خدا یدن اوشل حال
منکا عرشن مجید بولغوسی پامال

مونونگدین ایکا نیب قیلدی منکی عبادت
دیدی ای صاحب جود و سخاوت

تیله مندین بودم نه مقصد منگ بار
برای منکا یا سلطان ابرار

دیدی بندین تیلدی من عاصیه امت
شفاعت ایلغای آن روز قیامت

خدا امر ایلادی بردیم بار یتیگه
باغلادیم جوان هم قریتیگه

که آخر تا باول دیدی امت
باذن کو کلکا اوشل کان ملاحت

دیدی آخر یدین یتیو نچه جان ۲
اینگ مهر انادین انچه خندان

انا میز عایشه صدیقه اکبر ۲
قریندور هم ابرور جفت حیدر

الله ایدک رسول عالمیدن نیدک — دمی آخر لایده شاه دین نیدک
مبارک باشلاری قویمده ایردی — تضرع حلقه سی یوینده ایردی
کورارمن لب لاریله قیلدیکی جنابی — قیلورنه وصیت ذیب شاه ایدی
کوزومنر باشینه اولدم قوتوم — قولاغمینه اولایر آغزیکا تو توم
بیلاگ دیدیم منکا حضرت نه بویورور — ایشیتم اومتی یا امتی دیور
که دیدیکاومتی بی هوشن بولدی — کوزیمدن یومدی یره خاموش اولدی
یمامتو یغو بخه دنیا نعیمی آنی — نیلدب دایم کناه اومتی نی
عجب دور بندکای نامرد امت — یتار سین تون کون باخواب غفلت
تو تو بخلاص ایله شرع نبینی — نیکا قیلمایسن اولایر دینی
ایشیتکدایم ایمکی یکلیک — عجب دور بندین امت من دیمکلیک
بردیر بروکا بیر یکیر سه — قیلور حق امتی الغوث دیمکسه
بیسنی روز جزا اول قبله قصدت — نیکا بین قیلمدیکی امر سنی حق امت
ایا ای شرمی شرمنده امت — قیسنی قیلغان نمازینکی فرض بیلمس
نمازروزه تو تمای برادر — نجوکی شفقت نیلارسین روز محشر
ایشتکیل ایتایین من برحکایت — قیلدیکی بر کشه شرمین روایت

بوفا

بوفا نے دنیا دین دار البقا غہ ۲ — یقین ابر دی کو پچار غہ مصطفےٰ غہ

کہ بر کون جبیل ایسک ہیچ ان — کہ بر تا بوت زیر دین ہیچ ان

آلیب کیلدے ربوای عالمین غہ — دو عالم ہیدی روز زمین غہ

ربول اللہ ایدبلدرای برادر — بونہ تا بوت ابرو رای بیکر بہر

دیدے روح الامین ای صدر عالم — ابرو رسز بیرورے فرزند آدم

بونا بوتنی قیلدی پیزکا آکاہ — قیجان بو دنیا دین کو چپ انکبر ایاہ

مبارک تنیکز نی انکا پ الیب — بارو من عرشنی اعلا اورہ الیب

ایشتب او شبو پوزنی تو کیلدریاشن — دیدے ای جبرئیل سز منکا بیرداشن

بونا بوتنی آلیب بارغیل ایا یار ۲ — خبر بردی منکا فران دہ جبیل

خدایم منکا ایدے یا محمد — قیلور امت لارینگ کو بدعت

کہ تا مین بارالارنی اورتا بسندہ — خبر بیر بچارہ امت قیلغندہ

الارقیلہ جہاندہ ہر نچوک کار — طفیلنگدین من بیسنے ای شاہ ابرار

الارنی صورتینی اوزکا قیلما م — بو دنیادہ بلالارنی بو بارما م

الارسز عرشنی اعلا نی تنا بدن — نچوک تا شلاب الارنی من کیتین

کہ من بیر ب بیرے اوزرہ بولدین — غریب امت بر لہ بارب قولدین

الا ربولپ بلاده من بلا ده — اکر راحت بولپ هم ارا ده
غریب کولکلی بینوا بیچاره لار — بو عصیان دن شیده اولار لار نی
الا ربرله بولدرین موندای یا — بنه اوزکا امیدیم مقصدیم یار
قیامت کون الا ربرله بولورمن — کناهی عاصی امت نی تیلارمن
[illegible] اینک آلدیغه یارغوم — غریب امت لاریکا یاری برکوم
بسبک کیلپ ثواب در ترازو — آغیر قیلغوم یا هیپ یا ضرب یازو
صراط کوفر و کدرین جمله کیچاره — قیلغود یق یغلاشیب بیر بر اوتاره
یغیلغود یک بولورده بعضی امت — قولون اوشلاب آلیب اوتکوم بلا دن
کورورب سیزهم اوشل کون حالمت — ایا جبرئیل قیلغای سیز شفاعت
ایا موسی بو سیزکا یغ مهربانلیغ — شفاعت کیر رسول انس جاندین
بولوب نفسکا اندین بیخبرسین — نصیحت اوقمغان کورهم کیرسین
بولوب سین نفس شیطان نی اسیری — ایجنک بولمش کیته نیغه پیری
قیوب زبرله آلدیدین اوتاردین — نه قیلدیم دیب شفاعت کا کوز توتاردین
قیتغای بیرو راوشل روز شمارنی — اوشل کون بسود قیلمای سن آه زاری
قالورمیکیم اوزکه برله بلا غه — آتا اوغولغه بامماس قیزانا غه

الهی

الٰہی جملہ فلنے ب فلاغای بن — عبادت بوق بسنر دین فیلغای بن
کے کیم اول محمد اوسے دور — انے پیلکیل خدانر حیسے دور
خدایا بادشاہا کردگار — رحیما مغفرت لیک پیر بار
الٰہی بر چہ عاصے لار کاجنت — بحق مصطفےٰ قبل کرامت ۲۲
خدایم بر چہ فلغلہ شاء اللہ ۲۲ — میبر ایلاکای فرزوبے اعلا
انی اولادیبے حق رحمت اینکای — بار یار انلاری مقصد کاینکای
ابرور ہر قیبے بجسم ہدایت — تایب ابردی الار ملک ولایت
کہ اول یار بیدور صدیق اکبر — ابرور نانڈ اول انشین بیمبر ۲
انینک صادق لغبے نبیل تحقیق — انینک اوچون اتاندی بکر صدیق
شبے اول پیالور ابردے آخر بغداس — ابتا ابردے صبح دم دوبور بینی فاش
ایلا بچہ قیلماس ابردے اول حکایت — چقار دیب بو ناکہان بلدرین بکایت
قیلور ابردی اوزینے خلق دور — تلین ایلار ابردی ذکر ایلہ بجور
ابی بکر یار عمر ابن خطاب — ایدی شاہ عدالت دور نایاب
انینک یک بولغای ہچ شاہ عادل — بولا ملماس ہچ کیم انداغ عدل کامیل
نوزانیب انداغ نیز نعت نہ حکمین — اورو ب اولتوردے درگہ آوغلین

امان ایردی اوشل وقت زمانه قیلیب تورغای قوی اوزره اشیانه
یوروب ایردی کوشولوب کرکلی ایلیه زیان قیلمیس ایدی بر کارواننه
قیلور ایردی اول ایرمونداغ خلافت که اندین یوتک بولور نخشم پیمانه
اوچونچی یار عثمان ابن عفان امام جامع قرآن دورای جان
ایدی کان حیا و صاحب جود صحابه جمله اندین ایردی خشنود
کرم بازاریده ایدی اوشل یار فقیر و بیسوه کا ایردی خریدار
ایدی اول صاحب جود و سخا و ثبت تایب ایردی یکا اول نوع شهادت
بینه تورتونچی یار ایردی حیدر پیر پلار مردان شاه صفدر
اینکا آتی علی المرتضی دور ایرور اول ابن عم مصطفی دور
جهانغه کیلمکای اندای دولاور اینکا ایلکیده پسندی باب خیبر
بینه شرزاده لار کیم قرة العین جکر بند شهی سلطان کونین
الار دیک بولمغای صاحب سعادت تایب ایردی الار نوع شهادت
بیر یکا بر دیلار زهر هلاهل بیرینه قیلدیلار سیف ایله قاتل
رضا بولدی الار بیتکان بلاغه تحمل قیلدیلار کیلکان بلاغه
رسول الله که خیلنا میس ایردی که عم حمزه عباس ایردی

ای بزرگوار صحابه اجمعین غه — تمامی تابعی هم تابعین غه
مهاجر برله هم انصار لار غه — مسلمان بنده ابرار لار غه
الهی جمله نی خشنود قیل غیل — زیان بنده کو بدور سیو قیل غیل
طفیل بخشنی لار ای پادشاهم — کیچورگیل کرچه بی حد دو گناهم
کمنده زرّه یو قصور بخشنی اعمال — نه قیلغانیم ایو رماه پیال
ایا پس یو میدر کا هیکده مایل — امیدا وزمس بیکا کیم بولسه مایل
خدایا بزیوق ایردوک یار قیلدنگ — تسنی یانگم بریب در کار قیلدنگ
قوینی بزده فراغت فهم قیلیسکا — پسنی نعمت لاریکا شکر قیلیسک
قولاق بزدنیکا یشتدیب لفظ قرآن — همان یوزنی ایشتمه بول کریزان
قیلیب بیل تیل بریب هم بزنی کویا — اوزونکنی ذکر نیکا ایلادیوب مبها
دماغ بزدنیک قیلور غه خوش نامه — بیلور غه تاج شریف بردی کامه
آغیز بزدنیک ایتور غه ذکر تسبیح — کو نگل بزدنیک انکا ایمان پسبیح
ایلیک بزدنیک قیلور غه هم میخاوت — اینک بریلر بیار لاسباب طاعت
ایاغ بزدنیک یورر بون دیب سوی طاعت — باریب مسجد پیر لاری قیل دیب عبادت
بریب بیل بزکا موندا غ نعمت خاص — اوزونی شکر بیلن ایلادوغه قیلیس ناس

خدارا ایدر زینک شکر بسیار ۔ مسلمان قیلدی قیلمای اهل کفار

خدارا شکر بیزدین ایرته شاهم ۔ یالیب دور روح میزبا شهر اسلام

اکر یالیب ایدی باشهر کفار ۔ بولور ایردی ایشمیز اندهٔ دشوار

بو نعمت اوزره کاهر کیم شکر قیلماس ۔ انی بیل کیل که جنس آدم ایرمس

بولای شکر سویدای کمسه ۔ خدا اینک بهر نه بر کان نعمتینه

قبول ایتکیل خدا یا شکر میزنی ۔ قباحت بولغه یالمه فکر میزنی

مینکا ایکی جهانده تکیه کاهیم ۔ که بسندین اوزکا یوق هر کز پناهیم

آقوزوب دور مسنی عصیانلریمدن ۔ چقالمادیم جهاندین لیل نهاردن

ایشتماس هیچ کشی آه نعریم ۔ که بسندین اوزکا یوقتور دادکاریم

قالیب من نفس ایله دایم بلاغه ۔ یتسنه یالمادی کون کلوم ارا غه

قاچیب بسندین اریب دنیا غه تو تدم ۔ یورو ب غفلت بزله یتسنه اونو تدم

نجوک کیم خواجه بسندین قاچیب هرکز ۔ یالور بو یغه تو تقاندین بو کون غل

تو تولدوم بینکا شرم یاره ۔ غضب بزله مینکا یالمه نظاره

الهی من بیمان کوب بی ادب من ۔ غضب قیلمکیل بسنده اوزاغضب سن

کیجب جرم اکر قیلسکیل تدرحم ۔ ایرور من هم بسنده اوزا ترحم

نه ایش

بولوب بو بوز منینگ کونگلوم مکا معقول
تنیسن خوشیکیم اندگ ایلاگای بول

کونگلده ایلادیم اوشبو بهانه
دیدیم بولغای مومکنو بیم نشانه

که مندین قالیه دیدیم یادگاری
کتابیم کتیبه هر شهر و یاری

او قوبه شاید بیر انلار یاد قیلغای
دعا ده روح پاکیم شاد قیلغای

کتابیم سنی آیدور راحت دل
ایرور هر بیر بیوزی تنبه غافل

یکنه نه آی خواجم نظر دور
انام نه آیلاری غایب نظر دور

نصیحه اوشبو مولیدی بجیان
غریب خاکسار دل پریشان

کونگلینی شهر بعه من عزیز قیلدیم
کتابیم نصر ایروزی نظم قیلدیم

بو بجیان شهر نینگ پیر و جوانی
تمامه بیسی ایرور تورکه خوانی

الارنا جکسه بوزکه بهره راق
دیدیم بولکتابیم تورکه بهره راق

عنایت بولسه بندین بیکبار
بولوا تیم بو نجه منظومه ناچار

که هر جاینگکه لیکدور کار عامی
بولور کاریده البته خامی

بنجوکه کیم دانشیم یوق عامی دورمن
خطا و زلیمیوه بیسنی خامیدورمن

بوزوق بولسه بوزوندی بو کمانکیز لار
بوزیمدین آب نجلت تو کمانکیز لار

خطا بیسه بولسه بوزوندی او تولکلار
بنجوکیم عامیمن معذورتو تولکلار

قیامت در بیان

در بیان قیامت نامه

قیامت خاطر ہمکا کیلدے دہشت ناک
انڈوہی بیلدان عظیم ابرو زلزال

خبردہ کیلمیش اول ناگاہ قیامت
یغلمیش انڈہ کوب تورلو کل علامت

کہ اسپرافیل دمیدہ ایلغای صور
جمیع تبعۂ خلایق بیرے کور

تورار بعضے خلایق شاد خرم
قیامت دیو ہمیدین زرہ ہمے غم

تورار بعضے باتیب بیرکا تیز نیچہ
بنہ بعضے باتیب بیلانچہ ۲۲

تورار بعضے کشی بو نیچہ باتیب
بو یوب رہسو انڈرا ایلدین او باتیب

اوشل کون خدایا ایلہ آسان
اکر چہ مندہ بو قتو غیر عصیان

ابر مہ بزنی راہ بندہ لیکدین
امان ایتکیل اوشل مشر مندہ لیکدین

تورار بعضے غبار آلودہ تر حق
یوزوندہ بولغای بزرہ رونق

الدن فاجر ابرو ریا اہل کافر
ویا ظالم ابرو ریا سلطان جابر

الدنخہ حق تعالے سخت برکای
الدنی حالینے برا وزی ہلکای

عجب غم تو کای آدمنے باشینہ
کیدلمیش لار بربر بینک قاشینہ

کوزین آچب بقار غہ تمامیں حالی
تکلم قیلغانی قالمایں مجالی

بولور ہر یم اوزی برلہ کرفتار
بولالمایں بربرلیدین خبردار

قرعون

اوزینی پیلماس ایتمو یا شیدور — مثلی کوریلماس ایتمو یا شیدور

همه اوزرجا یغدبو آغوب چیرا — تیرار تیرار شیب اولکان یغدبو

کورار تیرار اول کون یغدبت کاهی غم — دیکایلار کاشکی بولمیس آدم

که شاید تو شمکا ایردی بو محنت — همه یغلاب قیلور آه ندامت

دریغا صد دریغا پیلماس دیکپیز — قیامت توشه پیلماس دیکپیز

بولور لار اول کون بی چیشمانکا — قیلور لار یغلاشیب بیچارلکا

اوشل کون جمله جاندین کیچی لار — همه چیرت اوتی برله کویار لار

عجب قیغی کون ایرور ای برادر — پاشل اوغلدین قیغی کای روز محشر

اگر یوز منگ فغان نالا قیلسون — کوزینی یاشنی چون جاله قیلسون

قبول ایتماس انی خلاق معبود — اوشل کون ندامت قیلغنی بیهود

ایاغین برکه قویمه جزه کویکای — باپ الماس برکا یوز نچه یغلغای

بولوب بیخود قیلا الماس کوزینی باز — کباب بیتکای کیلور خمیدین آواز

الهی جمله موحدین قیلیب یاد — عذاب سیخت محشردین قیل آزاد

الهی جمله فی الصافنی بر — قرارل قیامه دیبنی صافنی بر

الهی قورقه منی روز قیامت — مبادا بولمغای من دیب نجات

بسنی

پسنے آلدنیکده آپاسن دور همه کار ابرور بر زره آشن بند نکار سوار
بحق پیلدی اولاد آدم همه موءمین نی قبل اندی بی غم
کناهم وهیدین یوقتور بولر اکیم ولیکین کوبدور سندین تیلاکیم
نورالله بعضی الله کل کل شکفته الله نی یولاری اچون جمله
الله نی بیلدیری بولیده یوق قیلغان خدانی امریدین تون کون بیقور کان
خدا راضی ابرور اول بنده لاردین الله هم راضی بولغان بلدر خدادین
بهشت عالیه نینگ پایه سیده نورالله عرش اعظم پایه سیده
فرشته لار قیلیبان دائم الصلوات الله نی خدمتین قیلغان بی تمام
الله یولنده بر بر لغه عالی جاه در فقر لار بولغوبی اول کون اکابر
ابوبکر عمر عثمان حیدر بولور لار کا پیرداری حوض کوثر
برورلار هر بریکه کاسه آب که اصلا بسو یه مکبولغوبی پیراب
دعا امینی خدایا مستجاب ایت اوشل کون لار ایچوآبه شراب ایت
ولیکین منده یوقتور زره طاعت قبولمده یوق اگر قیلسه جمله عبادت
منی ایشیم دوامت بولدی عصیان اگر عفو ایلاسینگ آلدنگده آپاکان
خداوندا بحق سید ناسبل همه موءمین کا بر کیل صراط خاص

هویدانی طفیلیخی قیل لار — رسم قبیل غیل بولمیسون عمکین کونکلار

خلایق اولیسی آخرینه — یغلیب بولغوسی علایغنی

بولور بر کادوست دشمن دیکلار — بر بر لیکا موافق کیلمکان لار

تورار تیر اشیب آج برهنه — تو شوب تورغای ملک تیلی بیوپاریغ

بو حال ایله تورار تیمش نیکبار — خلایق یغلاشور لار آنچه مقدار

الارنی کوزلاری تورمی سیرغا — باشیغه شمشیر تیزه کیلکای

خلایق یغلاب استوای الهی — ایرور سین جمله نی پشت پناهی

اوشل دمده لدا کیلکای خدا دین — کریم قادر برحق خدا دین

دیکایلار بزنی قوتقارغوبولار دین — خلاص ایتکیل دیکایلار بوجفا دین

اسکا ایغیل دیکای ای بنده زار — نه کیلتورر دینگ نه تورلوکا شلار نیکبار

بوکون بیز لار کا من قاضی بولورمن — نه قیلغان اشلارینگ بر بر سورارمن

فغان لار ایلار بسنگ تا شقه اورباشین — آقوزینگ کوزلاریکدین یاشین ارالاشین

بوکونکی تو به آه ندامت — اجابت بولمغای هم آه حسرت

تا بسلماس ایمدی بر بیزکا قیچه — کتالماس بیز بو بر دین اوزکا بر کام

عمر تیکده که

عزیزیکه حکمه قیلغان کناهینک ۲ جمیع ایلدکان فعل تباهینک

کرامانکاتیبه آتلیغ فرشته نه قیلغان ندورمه ۲۲ ۲ ۲۲

ایلکینکا بریبان دفترینکنی سیورارلار زره چه خبر شرینکنی

خلایق لار بولوبان اندیه حیران تورارلار تیتراشیب کریان نالان

اوشل دمده خدا دین کیلکای آواز امر بولغاندین همه ایلنی چاپ جایغه بورکای

فرشته لار کیلتورکای بر کیره وه ایل الارنی یوزلارین دیک یه یه یل

الاردین آغوبه بر بر چاپ بر الیب لار سیوالیغه جوا بی

الارلیغان ایرورمال حیرانه تصرف ایلدکان کار حیرانه

خدایم دین اوشل دمده کیلکای آواز بولارنی اوشبو یردین قابتارینکای

بولارنی ایلتیبان تاشلانکای تموغقه قیلینک همراه بارین تریاقموغقه

ایسیب ایلنی اول ایلدین سیورارلار بادیه بهانه ایلکا تیلمورورلار

بولور آه اورو بیولغه روانه قیلیب کوب ناله آه فغانه

الارنی ایلتیبان دوزخقه پالغای خدادین اوزکا چالینی نه پیلکای

همه موءمین قولونکنی ای الهی اوشل دمده لیکدین بر پناهی

خداوندا ب لب تورلوکی عذابی مسنی بیچاره نی قیلمه خرابی

حرام اشلار نی فرق قیلمدیم من — یمان یخشی بورو بهرکن انیمدیم من
قراسپا چیم آقاردی کوب قیلب شور — الهی قیلمه پشوار روز محشر
یینه بولک خلایق نی کیلتور کای — الار دین هم حساب یین بیر بر آلغای
الار برکای حساب پینه جواب — الار نی کوب بولور جودنیوا ب
الار یقان ایر و رمالی حلال — تصدق ایلاکان افتاده حاسل
کونکل آغزان همه اشیدین زیاده — نه حاجت ایلامک کعبه ارا ده
برادر لار اشینگ ایلایین پس ۲ — بو یقان مالینگیز نیز لار کاد شمن
اوزو نگیز نی قیلینگ لار اندین آزاد — بو دوشمن برکای دینگنی بربار
برادر لار کیلینگ زنهار زنهار — کونکلنی بر مانگیز دنیا غه پیار
تیرک لیک دنیاده خواب خیالی — که اویغان پسنگ کور و نمایس دنیا لی
که اوج کونلوک اوتار دنیا غه بیز لار — دین ایمانگیز نی بر مانگیز لار
رسول ایدی مینگ کیم امتیم دور — قیامت کون امید شفقتیم دور
کونکلنی بر ماسون دنیا غه زنهار — انی آلار دیگ دنیای مکار
حلال بر له حرام اشنی ایر پس — عذاب آخرت کونکلیکا کیلماس پس
قیلیب وعده اول سلطان ابرار — بیا جب شیرین لبیدین دور شهوار

قبول

انا کیم بورنی بولغای جوموش دیگ ... بنه بیشنه بیلن ایکیسن دیگ
کوروب خورقار خلایق طرفه بدرو ... بنار بورنی بونکی تابزا
ندا کیلکای خلایق قه اوشل حال ... بیلور موسن بجوک ذا
خلایق لار دیکا لار ای خدایا ... ایرور سن عالم البر الخفیا
که بیلماس بز بو خاتون بجوک ز ... بوقا ایرور هیچ کشی بورنینه کورگن
دیکای برور کار هر دوی لم ... تنو بس سن بجوک ای غافل آدم
ایما بس موغوتغنکیز اوشبو عاجز ... بو خاتون قیلمه دیمو سن جا سز
تنو سنکیز بولا اوشل دنیا مردار ... مونی دیب بولدینکیز جمله دن ازار
قیامتنی کیلتورمای خاطر نیکا ... جفای بیر قیلدینکیز بر برنیکا
الارغه حق تعالا قهر قیلغای ... ملایکلار لارکا اولدم امر بولغای
پلید دنیانی ایلتینکلار جهنم ... اینکلای بنده کورسنکیز بوزتمن غم
بجس دنیا دیکا ایرور کار یم ... بولو بدور آیمدی مشکل کار یم
مینکا هم بیر نجه همره لاریم بار ... بنه قیلغان لار بر نجه کمره لاریم بار
ارا میزده محبت ایردی بسیار ... منکا بیر کیل دیکای دنیا مردار
بر الیکه قوشولوب بیرو جهنم ... کور الیک هر نه بولسه اینده باهم

جومس

جوامس عذر الله کریم ابردی وامق
بوکون واصل بولور معشوقه یتق

خدایم ایلکای اولدمده فرمان
خدا فرمانی بولغاندین سونکره قدر

دیکای همره لاریر برکا توشمیسون
انینگ برله باریب دوزخده تورمیسون

عدا جاین سیلمایین بولغاری روانه
نمونغ ایچره فیلور لار اشیانه

یمان برله اکر بولسنگ هم الفت
نیکار البته اندین سنگا کافت

اکر بولسا یمان کارینگ فاش
فیلور سیل کیبی سنی اوزکا بولدا

بنکار اجت فیلغای مهربانی
نیکار محنت اندین کوب زیانی

یمان آلدیغه زنهار یاوییمه ۲
تعجب تونینی الکاوییمه

حکایت

بیفکر فیلدی بنا کاه اوج برادر ۲۲
اغا ابردی بیر پی ابردی دادر

برابردی هم اتا برله انا سی
که بر تو قال ایدی هم اوجلاپسی

بارورلار ابردیل ایلاب بوی صحرا
تمامی مال لار هم چولی دریا

دوچار بولدی الارغه بولده بر کنیج ۲
خدا بردی دیدیلار بر کا بر نیچ

دیدیلار ایمدی اوچ حصه فیلالینگ
بریرمن بیرمن آلب راضی بولالینگ

که هر کیم بر حصه سین بوله راضی
ایمابس دوبیرکا حاجت موندا قاضی

برای ایدی طعام کیلتورالیکدن ایجیب بیب فاتحه برله بولالیکدن

باریب ایدیلدی بویوزنی معقول اللدن مهرنی دنیا ایلدی گول

انی بیغه اغاسی امری قیلدی اینکدن بیاره زر ایلکیکا بردی

توفق قیلیم ایمدی ایلدی برعت آلیب کیل کیل دیدیلا بزکا نعمت

انیب بولغه کردی بولدی ناچار بارورایردی یوکوروب بوزبازار

اغالاری بوکنج آلدیده ایردی الارنی کولکیکا دنیا یوکوردی

دیدی دنیانی کیم اولتورونکالار بولوب ایکی مینه بیغم الینکلار

الیکاوی اولتورالی دیب کنکاشتی الارکولکیکا دنیا وصیتوشتی

انیبن اولتورارین کار قیلدی بیچاق ارنجیب طیاریغما قیلدی

بنه دنیا یوکوروب الکا باردی اینکی کولکیکا موندا غم پالدی

دیدی ای بیچه بی عقل نادان آلورسین دیدی بس مالی خراوان

الیکاوینه بیکبار اولتورورسین تماحی کنج نی یالغوز آلورسین

الارنی اولتورکا جلدم انکیز نجوکه بلغوز الیکاوین اولتورارمیز

اوشبو دم کوب خیالی فکر قیلدی کولکده اوشبو اشنی ذکر قیلدی

بیلادیدی طعام لدایچره آغوه یکاندین بونک اولارنی الیکاوی

الاراوله

الله اول قالور بولغای اوشل کنج
منکا بولغای مهیّا کنج بدرنج ۲

طعم الله رنجره اولدم زبردست دیگ
الله نی ایلتیبان آلدیغه قویدی

موبی قوتی اوشل دم ایکلاسی
باشین کیتی انیسی اغاسی

انیسین اولتوروب اول جمع بولدی
طعم الله نی الله الدیغه قویدی

طعم نی قیلدیلار اولدم تناول
وفا سیز بی وفا غه بولدیلار کول

وفا سیز دنیا وجون تو کبلار قاری
زمان اوتمای الله هم بردیدی جزا

بلینگ جندان کشی دین قالگای بوکنج
وفا قیلغان ایمکس هیچ کیم کابدرنج ۲

مونگ دیگ کنج الله نی اولتوروبدور
الله نی قانیغه ایلکین بولوبدور

بو دنیا مالیغه کوب بولمه مایل
تیمه نیک بولا بو غیل دنیا دین قول

طلب قیل کنج معنی ای برادر
وکرنه بیندین اولاکاو خسرادر

طلب قیل غیل کنج بدریا نی
بیتکا بولغای که عمر جاودانی

کیتی بولمه معنی دین خبردار
انی آدم دیمیدی نقش دیوار

خدایا قیلمغیل دنیا ایلیدین
معنی قوتقار اوشل دم شمس قولیدین ۲

نتای اول پیرزنا افیون قیلیدور
هوشیم آلیب مینی مجنون قیلیدور

خطا بولمه بیندین عنایت
بولا المس من بود شمس دین بیدلامت

حکایت

حکایت بو یولدن کیلتورردوم — اشتینگ لارینه مقصد کا کیلدیم
تورلر برصف بولوبان جمله ایل — بولاک بولک تورارلار هر قیسی جنبل
ملا لنگ لار کیلب برصف تورغای — الارغه حق تعا امری قیلغای
دیکای ایلانگ شمو غه تشکین وا — مبالنگ هر قیسی صفده بولیب جا
کیلیب تورغای آلیب کوزینه مالک — بولورلار بیتنی دین جمله مالیک
اوشلدمده خدا نی امری برلان — اورارلار جمله ایلیب کوزی برلان
الار اولدم طیرلغدیک پاره بولغای — خدا امری بیلان قیتب تیریلگای
کیلورنیزه بوی خورشید تابان — تمورلنگ غه قیلورلار نی تنف
بولورکون ایسغیدین جمله حیران — قیلورلار چیرتا دیب آه افغان
دیکایلار آه تنف لار قیامت — قیلورلار بی نهایت آه حیرت
کیلورتنگری تعا دین خطاب — بولوب ایلکا کوب قهر عطاب
بنگا قیلمام مودیب ای بنده لار عهد — منگا قبل دیب عبادت ایلمان جهد
نیکا شیطان غه قیلدینگ بنده لیکنی — بوکون کورکونگ تیرور شرمنده لیکنی
الار میزده ایماس مودا یرکی دشمن — نیکا دشمن کا قلوق ایلدینگ بیلن

پنکا کوریا تمدیم مو تو غری بولنے
تو یوب تو غریبنے تو یوب ایکر
منکا الغیل بو کون فیلغان اشکینے ۲
کیجور دنیک نہ فیلب یاز و قشلغنے
منکا تولوق فیلور نحہ ابلاد نیک عار
بو کون بر کای جہنم بیزاوار
باقیب بر کاوزینے بیلماس اولدم
بولور لار کوب خجل فہر زندادم
خدا امری بہر لان جبرئیل ہادے
ملائیک لار بیسے فیلغان مناد ے
دیکای اولدم فلانتے تو تولکلار
انکا یوز منک عقوبت لار اینک لار
کیلیب یوز منک فرشتہ انے تو تقای
اوشل بیچارہ اوزینے کور و تو تقای
عذاب ایلاب فیلور لار پارہ پارہ
خدانے امر ے بولغان یوق نہ چارہ
ملائیک لار غہ یغلاب یالبار یبان ۲
ہلاک اولدوک عذاب یخت بر لانے
فیلنک لار رحم بزنے جالیمیز نے
تکسیہ مضطراب احوالیمیز نے
ملائیک لار دیکای ای بندۂ زار
خدا رحم اتیمہ جالیکا جالی
خدا دیب اوزکا یو قتور حاکم کار
ملائیک لار بر ور مو نداغ جوابے
نہ دیب پنکا کار رحم بز قیلادے
الہی جملہ غہ قیل تر رحم
انکسم بو لغدی زرہ عذابے
کنہ بہر یدہ کر چہ بولسہ لار کسم

اگر چه مندہ بود قصور کار دیق
اوشل کون قیلمہ رسوای قیامت

کنہ برلہ قیلسہ جرم آوردی
مینگ کون کولکہ مکا کیلمہ پس عقبا دی

بولوبدور نفس بیلہ شیطان مکاعاجز
قیلدی دریب اتمکا من توبہ طالب

کوروب بیلہ جرم آفتی عبرت آلسام
قیلسہ فہم فراصت توبہ قیلسام

بوروندین قیل ہوید احتیاط
مبادا بولمغای من دریب اویاشے

رسول اللہ دیکا یلدای خلق دیق
سیزاندہ قیلمادنگیز کار دیق

تون کون جہد اہتب قیلمہ صلوتے
کیجوروب یتخبر لیکدہ حیاتے

قیامت نہ زمانی قیلمہ دنیک یاد
نتار بیلہ اوشبو کون ای ادمی زاد

بو کونکہ توبہ آہ ندامت ۲
نیکا یغلار بیلہ ای شرمندہ امت

ہوید آقالہ بیرز نیشکا ۲
رجوع ایلاہیچ نہ بخشے ایشکا ۲

یمان فعل بد نیکدین یا نمکہ نیک ہیچ
دریغا بخشے ایشلار قیلمادنیک ہیچ

کہ حالا بخشے ایشلار نہ قیلور بیلہ
نہ ایش باشینکا کیلکاندہ بیلور بیلہ

کتابیدہ بتبدور کعبۃ الاخبار
ایشنگ کلدیبو یوزلارنہ ایا یار

حکایت

بیر اتمیش

یرا تیمش تنگری بر جمع فرشته ۲ موی کل دور الاریل او شبو ایشده

نزار بر بنده گموملین غازه قیلب خدای قولوق بنیازه

بولور عوبسه اکره قیامه نکه بانی بولور هر خاص عامه

ایلکنچی رکعتده قراءت اوچونچی رکوع او پشیده دور اول

یه تور تونچی پیشیده سجده ده تورغای بشنچی پیشیده بولغای

تورار آلتنچی پیشیده تشهد ده ای یتنچی تشهد ده بیل اظهار

الاریاشن کوتاریب روز قیامت خدایا بیلکا قیلدوق عبادت

باشیمیزدین خدایا افتا بایمن کوتاریب بیا یه قیل رحمت صحیح بایمن

دیبان تنگری تعالی دین تیلادی اوشل قبل نه کناهنی او تو کلادی

کشی کیم تنگری کا ایلاب عبادت نمازی ایلدی اول کوندی شفاعت

قیامت اپسیغیدین تشنه بولغای کشی قالمیس اوشل کون یغلاغای

خلایق تولا رقیلور یکباره فریاد حقیقت پادشاهیغه ایتیب داد

دیکایلار رحما یا پروردگارا رحیما مغفرت لیکا پیرو بارا

نجات بر کیل قیامت اپسیغیدین جدا میس میزعذابت قتغیدین

بیمغمبر لار شهد لار اولیالار تیلاب هر کیم اوزینه یالبارورلار

همه اوزی بیلدن بولغای کر فسار — رسول الله بولور امت اوچون زار

همیشه کار و باری بولدی امت — چکیب اول دین آخر غه مشقت

خدایق لار باری اولدم یغلغای — تیرازوغه نینگ قاشینه حاضر اولغای

تیرازوغه بیه لیب تارتقای لار اعمال — ثواب ایله گناهنی اوشل چال

آخر کیلیب ثواب دین کتاسی — اولار بنده قیلیب افسوس آهی

بولور هم ایله همچون بید لرزان — تاپالمس جا بولای دیب کریزان

جنان تیرابه قیلور لار فریاد زاری — قیلور کوز یاشینه ابر بهاری

علاجی یوق قیلما سنگ اول دین ای یار — ایشل اولکاندین بیونگنی شیمانگنه کار

الارغه حق تعالی قهر قیلغای — ملائیکه لار کا اول دم امر قیلغای

بولار کا آچنگیز دوزخنی بابی — قیلینگ لار جمله سین قیغ عذابی

خلایق لار باری یغلاب تیرا لار — همه تقصیر دیب تیرابه تیرا لار

خدایا بر دیکای بیلدن بر کار خصت — تیلای تینگ یار دوپ بیدین خیر طاعت

الارکا حق تعالی رخصت بر کای — بولور حیران قیامت بار و نی بیلای

بولور درمانده بیچاره زار زار — اتا بیه نینگ الدینه بار ور ناچار

آتوزوب کوزیدین آلدیده آبی — دیکای بر کیل منکا زره ثوابی

اتا بے ایلغای فرزانہ فرزند ۲ ایرور بس قدرت العین جکبرند
من اوز حالیم برلہ درماندہ دورمن کہ پسنکدیکم مبتلای غمدہ دورمن
برالمس من دیکای پسنکا ثوا بے برورا و غلیغہ اولدم بولجوا بے
بولوب نومید اتا بے دین اوشل دم قیلب کوزیاشنے چون آب زلمزم
یغلاب بارورانا بسنے قاشیغہ بولوت ماند بولماس کوزیاشیغہ
انا بیغہ دیکای حالینے اول حال کہی حالیدہ بولغای کاہ بے حال
دیکای کوب مہربان ایسوا بلدا ایرر دینک منکا او چون غم غصہ لار ایرر دینک
کیلب دورای انا الدینکا او غول تو شوبدورباشمہ پس کارمشکل
منکا بر کیلبو کون زرہ ثوا بے پسکبولغای باشمدین چوغ عذابے
دیکای او غلیغہ اولدمدہ انا بسی بس ایرر دینک ایکی کوزومنہ قرابسی
من اوز حالیم غہ سیر کیردالا ایرورمن پسنکدیکم مبتلا جیرالا ایرورمن
برالمس من دیکای پسنکا ثوا بے ایرور حالیم پسنکا او خشاش خرابے
بولوب نومید انا بسیدین اوشل کیں انینگ فریادیغہ ہیچ کیم یتمس بس
بے تارتیب اولدم کلفت غم ضعیفنے قاشیغہ کیلکا اولدم
ضعیفیکہ دیکای اولدم تو کوب باش قویوب سر بالین اوزہ ایکہ میزباش

اولوم دیب نار تب ایرر دیم کوب شفقت کورو ب ایچنغ یوغنیدی نهایت

ثوابیمدین کناهیم کیلدی دیمین تب ملیس من بودردیم نی علاجایدین

[illegible] اجل بیرله یتسنی آلدینکا کیلدیم

نه بولغای زره برسنگ ثوابی همتنی عا[illegible]

دیکای جفتی یتسنگ یگ کوب کشی بار کشی بیرله کتسنی نه ایلاسی بار

یتسنگدیکه مردنی کورکان ایمه من که بیلمایمن نچوک آدم ایرورمین

من اوزچالیم بیرله درمانده دورمن ثوابیم یوق بیسی ارمانده دورمن

ثوایم دین یتسنگ بیرله چالت منهم یولغوچی تروی یتسنگدیکا نجات

بولور شرمنده بیچاره زار کیلور اوغلیغه آلدیغه بولوب خار

دیکای اوغلوم کورار کوزوم جکرسند ایرورمین رشته جانمغه یتسوند

ثوایتسنگدین منکا برزره برکیل اتانگ درمانده ایرورباری برکیل

دیکای اوغلی من اوزچالمغه حیران بولوب تنبراب نورومن زار کریان

الهی جمله کارمکه نصب ایتسه یراغ آیتمه جمالیکا قریب ایتسه

اکر فضلیکا آلینگ ای برالقان کناهم بیانیغه هیچ بولمغای پیان

الهی لطف فضلیکدین عطا قیل کنه کردیمنی جمله دین جدا قیل

اوشبو کون

اوشل کون بولمه فضلنکدین امید — بولور من خلق ارا رسوای جاوید
مدد بک عاصیه بیچاره لار نے — کنه دشمنیده آواره لار نے
الهی اجمله نے اونکا رسلامت — اوزونک فضلنکدین روز قیامت
منے یوق بیندین اوزکا هیچ زیم — امیدوارمین ایکے عالمده مربیم
رسولنکه بحق بیتسنے واحد پیلیب همز — توکل مخدادات پاکنکا قیلیب همز

حکایت

روایت ایلادیلار ابن عباسدین — رسول عالمایدین زیده ناسدین
اوشل کون بولور روز قیامت — بیتسے بولغای دیدے گویه
هوا تف بیلن بولور دشت چون تاش — گوریدن کلیغے بولور دگه لیک ناس
ملک یالیقیو بول صراط گفروک بولغای — جهنم اوستیده تار تیغ لیغ بولغای
قیلیچ دین اوتکور همزمو بارچه یک — قرانغو گیچه دین بولغو بیتار یک
انینگ دیک بولمغای هرگز قرانغو — توشار آدم باشیغه طرفه قیغو
اکر قالمیس زهر سیاه توب بارورغه — یقین دیکای بولور اگی ایرورغه
اگر اوتمای دیسه قویمیس موی گل — بولور فرزند آدم حالی مشکل
توکل اوندین توکال مزدین ملایک — یراتیدور انه پیلطانه مالک

شه بکه عجبه در حل

یر می اوست یر می مزبعضے قیر شته ۲ خدا خلق ایلکان موندغ پیشه
الار بنگ ایلیگده مسو آلوغ عمولار خلدیق نے اورو قویدیکه پیرولار
قرا گون لار یوشار آدم باشینه آقار دریا بولور کوزنے باشینه
همه قیغو بلالن چون بیدلر ازار تزار لار دیر قیغو نجه که براولکان جان
دیکا یلار آه آدم بولغاندیک موینگدیگ قیغو کلفت کولکان دیک
اوشل گون جمله جاندین کیچار لار اولکا گهی گهی یولکا قیچ ر لار
اگر او نمادیسه قولاب اورار لار همه واچیر تادیب یغلاب تورلار
قدم قویسه یقیلور بعضے آدم ۲ کیتار چیرت بر لار ن پیوی جهنم
تو کولکای قاریغلیغ آدمی زاد جهنم اوپندادیب چیرتادا ر
قیو قلیغه خدایم قیلیپ آپان یو موب کوزا چقونجه اوکای اولانکا
اوتار کا بعضے آدم قیلیپ انگیز ۲ اوتار برق درخت لدین بولوب تیز
اوتار بعضے ایکا کلادیب بعضے قایم قوچوب یاتغے اوتالمای بعضے دایم
مشقت بیرا اوتار بعضے بیلمای جفا جبر میغه لدیو کورکای انسان
اوبر فاجر غه اول کفر و کل یهانه ولی خوبلار غه دور راه روانه
همه موءمین قولونکای یار اتقان اوشل کفر و کل جفا بیسنے قیل آپان

منینگ دیگ عاصی بیچاره دلدن گنه نی دشمنیده اوار اولدن

الهی جمله نی اوینگار بیلا مست اوزونگ دوستینگ بیلان روز قیامت

حکایت

روایت ایلادی ابو هریره ۲۲ رضی الله عنه قدوه بیله

رسول دین دیدیلار موندغ ایشتیم ۲ الله نی بیوزیتی کو لنگلار بیلور

منینگ یل بولغوسیدور دوزخ دین تنغ ۲ آنی ابو لغای دیدیلار حضرت اوشلا

قزیل بولغای دیدیلار آنی بیلا ۲ قزیل بولغاکی رو مثل دیگر دیلار

بوینگ کلیغ دیدیلار سلطان آفاق ۲ بوینگ کلیغ ساطان آفاق ۲

کیلیب ایردی رسول بولغه رازر ۲ کیلیب ایردی رسول بولغه رازر ۲

من کا کیلکان ایمه یس میکائیل من کا کیلکان ایمه یس میکائیل

ایرور یس جمله عالمغه پیر مدد ایرور یس جمله عالمغه پیر مدد

اوشل روز تموغنی موجود ۲ اوشل روز تموغنی موجود ۲

عذاب پیخت دین بیلکان ایمه یدور عذاب پیخت دین بیلکان ایمه یدور

هنوز گوز یاشی ایلادی خاصی عامه هنوز گوز یاشی ایلادی خاصی عامه

ایمه یس احوال آدم دین خبردار ایمه یس احوال آدم دین خبردار

خدایق لار فیلور روز خدہ میکیل فغان نالہ لار بیسیار بیلکل

الار نی دا دیغہ ہیچ کیم تیشمایس گنے جان بیس بیور اب آلہ یغہ بیکار

دیکا بیلار روز محشر کیز قیلمہ یہ تکبر بیز بو محنت بار لیکا نابیس بیلمادوک

قیلب میز شیطان غہ عبادت گونکل کا کیلمدی روز قیامت

دیبان یغلاب تیلور لار آہ حسرت الار نی چیرتے بولماس اجابت

بیہ میکیل خدایق نالہ ایلاب گوزیمز یاشیمز بولوں جالہ ایلاب

خدا غہ یالبارور لار جملہ مردوم کہ شاید تنگری قیلغای دیب ترحم

الار نی نالہ یسنے بیور دی بولماس عذاب میحنت دین ہرگز کم اولماس

اوشل دمدہ تنگری تقدیر بر لان آت تموغ اوتدین چقا بر دی خواہ

گورو یغلار انی جملہ خدایق بولور گوزیاشی بر لان غہ لایق

دیکا یا قادر پروردگار لا نہ ہانکا بیر لہ رسنکا دور آسکا رلا

نہ بولغای شول بلوشدین یا غیسور بز ننگ بیوبیا غا غیز نی ایلاب دور

جہنم اوتیغہ در ماندہ دور میز جبگب بولدینگ عذاب تشنہ دور میز

ہمہ بیہ ایتور یغلاب وآ با دیبان یالبینے گنت ترا با

خدایم دین اوشل دم کیلگا آواز دیکای جبرئیل محرم راز

نہ ایتور

نه ابنور لدر خلد ایتوق ناله ایلاب گوزیمنی یاشه جون جانه ایلادی

دلکای جبرئیل ای دانای اسرار مینکا پنهان ایمه پس زره چه کار

تموغ ایچنده کی بیچاره قل لار بارچه یغلاشب یاغمور تیلار

الارغه حق تعالی قهر قیلغای اوشبل دوزخ اول بولوتنی امر بولغای

یلان برله جیان یاغدریب بولوتنه مینکا امر ایمه تو ثمانی بنده لارغه

یاغیلغای تاغلار دیک مار کشدرم قیلور تشنه لیکنی اول زمانلارغه

الارغه زهر مار یلغای کنزدم مار قیلور لار جبرئیل دیب ناله زار

فغان لار ایلاب کاهی شب بی عذاب اوزره بولور مودیب عذابی

دلکا ایلار کاشکی تفراف بول بیلک مونینگدیک محنت غم دین قوتولیلک

فغان لار ایلار باز مینگ یل ۲۲ جیان برله یلانغز زهر دین یار

نماری بولمه یرکیم نه ای یار بولور شوندغ عقوبت کافرقار

حکایت

که بر کون جبرئیل بیک زهره ۲۲ رسولینگ آلدغه کیلب ایدیلار

بیمبر ایدیلار ای بیک آمین منکا ایلغیل بولدم دوزخ عذابین

دیدی جبرئیل ای بحر شفاعت جهنم نغ عذابی بی نهایت

بیان ایدیم انی هر گیز تو کا غذ بیس — که بتم کاغذ دفتر کا مغا بیس

تموغ اهل بولور لار طرفه غمناک — الارنی بیمیش ریم ساپاک

تموغ دین حقاریب بیر ماشیدین — آجیب قوبیب جهانغه برکیندیم

اینگ سپاسیغ لغید بن جمله جانغ — قیلیغای لغای دن جمله انسانغ

که مشرق تا بمغرب بولیسه بر آب — قلاز دیب بیوب بیوب بوزگنی بتاب

اینگ گیم تا بیدین زره گم اولیم — انگا بر قطره بیوتا مقوبچه بولمیم

بنه جبرئیل ایلدی یا محمد — اوزون لغی ایرور دوزخنی بر حد

که بیر تاشی تا شلاسه انگا هر گز — که یوز منگ یلدیرهم آیسه بیتمه یا

جهنم دین اگر جوان چشم بیوزنی — آجیب قوبیب بیودنیا ایچره یوزنی

که مشرق تا بمغرب جمله آشیا — یومو بگوز آچقوبچه گوزکای بیر آیا

تموغ ایچنده بار دور هر قیوچاغ — خوراکیدور الارنی ریم ایله قان

بوی ایرور الارنی زهر قیوچ — توشار گنده بیولوب ایکه مرد

الارنی یوز لار بولغای گمور دیگ — تنی گویدوروب قیلغای تمور دیگ

که هر دوزخنی بیتگنی بارچه — بیریدین بنه بیر یکای یارچه

بیلنگ تیمیش منگ یل لیق راه بولغای — خدا دین اول کا گیم آگاه بولغای

ایشیتیب

ایشتب جبرئیل دین اوشبو گفتار — گا اولغ تموغده قیلسه ایل یار

دیدی جبرئیل اولغیده ای یار — منافیق لار گویا رنم اهل کفار

بولوب دورلاوبه دب انبیا د — بنه قرآنده قیلدی هاویه یاد

ایلنجی پیمبر اتا بدور لار جهنم ۲ — اینگ ایچره کورار لار عصه غم

بنه قیلغان املنت کاخیانت — ابرورلار اول رو سیاه یلغانچی امت

بنه پیوزنی یوروب پیوزکا اولگمکان ۲ — بروزنی پیوزنی پیوزکا یورگمکان

بولار نی جای بولغوبسه جهنم — بولور جای زناگر بولسه آدم

اوچونچی پیمبر دورای برادر — ابرورماوا ظالم بیل مقرر

بنه قاضی بولوب پاره یکان لار — حرام خور عالم بی عمل لار

بیقرابرورلار نی اورنی ای یار — خدا بیزار بولار دین جمله بیزار

بنه تورتونچی پیمبر اینگ آتی لطا — توشار لطا ایچره شیطان لعنه

بیقرابرورلار نی اورنی ای یار — الهی جمله کا بیرگیل نجاتی

بوزه ایچکان بنه بیوز آلغوچی لار — تمازونی کم اوکیسوگ قیلغوچی لار

بیقرابرورلار نی اورنی ای یار — بولار دیگ آدمیدین تنگریزار

حطیم بولدی ابسم آتنچی پیمبر ۲ — حرام آیکا آنده مین تینگکان ۲

او قوب قرآن نه بیلکای لحن قیلغان — حدیث آیت کا بیلغان معنی ایلغان

بولار نه اورنی بولغوسی حطمه — خدایا بیهیچ قولونگه انکا یالمه

بیلینگ صورتگر اهل بلغه ابرورار — بیلینگ صورتگر اهل بلغه ابرورار

قیو حجت بیلن علمایس نصحت — گه برکان بدن نماز اهل بلغه نعمت

بولار نه اورنی بیل نارا بیرورسیس — بولار نه اورنی بیل نارا بیرورسیس

گه یغلاب بیورر بولار بیلکای امین دین — بو بیورلار نه اشتب جبرئیل دین

ابای جبرئیل دیب قیلدی زاری — گویرین یاشین قیلب جوی یاری

منکا ایغیل دیدای نیگ گفتاری — که بیتنجی تموغ ایچره گیم یار

ابرورسیز جمله عالمغه سردار — دیدی جبرئیل ای پاطان ابرار

یاشنغاچ کنه کار امتینگ یار — که بیتنجی تموغده بیل کیل ای یار

یوبوب نرگیس کوزینی بولدی خاموش — ایشتب او شیوه بیورنی بولدی خاموش

تیز نگه قویدی چو نوکت یاشنی — آلیب جبرئیل پیغمبر نه یاشنی

چنان یغلادی شوقیدن ایگیم زار — زمان دین بیونگ کوزینه ایلادی یار

خلیب کوزیاشنی کوگیسکا جاری — یغاب تشدی نالهٔ ایلاب قیلدی زاری

بو غمدین قامتیم یابدی بو کوالدی — کوزینگ یاشیدین بیر بیوغ تولدی

یاریب

باریب حجره لار یغله کردیلار نیز
صحابه تعالدیلار اندین خبر بیرز

کریب حجره غه قویدی بیجده باشن
آنوز وب امتی دیب کوزیدین یاشن

خدا غه یالبارریب قیلدی مناجات
دیدی ای پادشاه قاضی الحاجات

دیدی یغلاب منکا امتنی بر کیل
کرم بیرله کناهیدین کیچور کیل

کنه کار امت اوچون تشنه آج
بولوب یغلادی بیلار اول شاه معراج

بوحال ایله یاتیب فرق کیچه کوندوز
مثال زعفران بولدی قریل یوز

صحابه لار اشیتب یغلادیلار
بریریکا ایدی ای بیر انلار

بوکون فرق کیچه کوندوز دور بیمار
قدم بیجده یرینه قویمادیلار

یغلادیلار صحابه لار باریبدین
کیتکاش بیرله جوانه هم قاریبدین

باریبدین التفات ایلاب یغلدی
رسول نینگ حجره سینه آلدی یغه کیلدی

قفلی کوردیلار حجره نینگ اشیکین
باری یکباره قیلچه صورای اوشل حزین

دیدیلار یا بلال اشیکنی آچینگ
رسول الله جمالینی کورالینگ

جقیب ایدی بلال باملاجت
اشیکنی آچا قربو قتور رخصت

صحابه لار باریبدین یغلادیلار
بلال ملی بیلار بولدی بوکاحوال

باریبدین یغلاشیب اویکا یاندی
بولوب بوکون کیچ بتار بیر کا تیاندی

ای شب فاطمه بولدی خبردار
آغوزوب کیلدی اشکین چشم دار

گیلیب قیلمغوردگ دریا بلا لا
منکا آچقیل اشک نه او شبو حالا

بابامینگ من جمالین کورایین
مبارک یوزینگ کوروب توبا یاسلا

بلال ایدیگه اول خیر النابس غه
جکر بند اول محمد مصطفی غه

اشکنگ آچماقه یوق رخصه
بوکون آچای رسولدین بی اجازه

اشکنگ آچماریلار اولدی ویلا لا
بغایت منتظر بولگه ملا لا

یازیب ایکی بیاچیمن کوکیب کا بلگه
اوشلدم روی جنب قبله قبلگه

خداوندا دیدیمنکا اشکنگ آچ
کورایین من جمالت ه معراج

بولوبدور من بغایت آرزومند
بابامنگ یوزینگ کورارکای خداوند

خدانگ قدرتی برلان اوشل حال
آچیلدی جبرئیل اشکی در حال

کریب نوردیا بابامینگ قاشیغه
کوزی توشتی بابامینگ کوزیاشیغه

کوروب بولگه بابامینگ تحریر
مبارک جبرئیل بولمش تغیر

بولوبدور قامتیم شکل چون نون
آغوزوب امتیگه دیب اشکی کلکون

یوزیب لب لعل کلدیگ بولوبدور
یینه نازوک تنیگه ترک بیرذور

کوزینگ یاشی برله بر بولوب لار
مبارک باشلاری لایغه بولوب جار

یاشیب

یا تیب دو را مسئے بلا مسئے دیب
کنہ کار امت انجون غما بین بیب

بابا بابا نے بو حالت بر لہ کو ردی
کیتب صبر قدر آہ اور دی

زید یلار بابا بسز کانہ بولدی
خدا یمدین نہ یار لیق بسز کا کیلدی

ایا بابا عجب رنجور ایسرو رسز
نہ بلما بس من نجوک آہ او دور سز

منکا اینگ اشتای حالینگز نے
نجوک تو شتے بلا دین فالینگز نے

لہ بزمی فاطمہ نینگ خاطر ینے
انکا ایدگ کو نکلدہ کی بسز ینے

دیدگ ایتای ایا بو تیم ایشتینگیل
بو پیوزلار نے پیلیب گو نکلدہ تو یقبل

کیلیب ایردی منکا جبرئیل امین
من اندین بسو لدیم دوزخ عذابین

دیدیم بیتے دوزخ ایچرہ کیم بار
پسینگ دیدگ کنہ کار اینگ بار

بو پیوزلار نے ایشتیب بیہوش بولدوم
زمان دین پسو نگ نہ ہوشم بولدی

ایشتیب فاطمہ رہم بولدی بیہوش
قالیب پیوزلار یدین آلدی خاموش

بزاینگ دیدگ عاصے او چون جفالار
جلیب بیحد ایکا ولادن بغدالار

اوشل حالت کیلیب جبرئیل رہبر
پیام ینگلور دیلار رسز دیہ بسر

دیدگ ای پیوری فرزند آ
دوروری بیحد بسز کا دماد

پیالہ ٹو ر تمو غقہ او مینگ نے
پیاقلاب خدایم حرمینگ نے

ق ۱۰ ۱۰ ۱۰

بولوبدور هر کشی کیم بزکا امت
الدر یا رسول الله روز قیامت

قرآقیامتا پس الدر یوز لاریمیز بیله
پرالب بونغه زنجیر قیلمغای بیله

دیکای ممالک بولار رقیب اقوام
قیلب کیلتورر بنکیز اعزاز اکرام

دیکایلار بو محمد امتیدور
بو عزت لار رسول اینک حرمتیدور

خدایتعالی لار رسول آیتیدی اینکای
کلمه شهادت تلقین ایتکای

دیکایلار بز محمد امتیدیز
نجات تاپسوق قیامت محشرده

الار ایغای ایا جبرئیل رهبر
یتکورگیل عالمیز نی نصرت بیله

شفاعت قیلغای اول شاه بعده
قیلب ایرگای محمد بزکا وعده

قیلب میدور مگر وعده خلاف
نه دیب بز لار نی یوز لاریمیز بیله

مونینگدیک یغلاشب فریاد ایتارلار
خدایغه یالبارب سیان ایتارلار

اوشل دم امر بولغای جبرئیل غه کا
بولار نی عرض یتکورر رسولغه

توتوب حق امریغه جبرئیل کیلکای
محمد مصطفی آلدیده تورغای

رسول جادر ارا اولتورار اولغای
باشینه تاج شاهی قویغان اولغای

دیکای ای جبرئیل قیدین کیلدینگ
خدایم درسه نه یاریغ کیلتوردینگ

دیکای جبرئیل اس کیلدیم تموغدن
تماشا ایلاب بان تیرماغ و موغدن

تموغ

تمونغ ایکره عاصی امتینگ یاد ۲ منگا ایدی یاریب یغلا شیب زار

الارنی حالینی ایغلاتی کیلدیم ۲ خبر الدیلر پیغمبر کابر کا کیلدیم

محمد اشتب او شبو خبر نی آلیب پیر کا اوروب تاج آلمرنی

قیلب افغان کوب فریاد زاری تولوب آشکا نی چون ابر بهاری

بو حالت برله عرشی اوزه یتکا بارغای قیلیب مسجده خدا غه زار قیلغای

باشین پیر کا قویوب قیلغای مناجات تیلاب تنگری تعالی دین بو حاجات

دیکای ای پادشاه هر دو عالم مینگ حکمینگده پیر و کار عالم

مینگ امتی لارینی رحمتینگ تیگیل کرم برله گناهنی آرتیگیل

اوشل حالت خدا دین کیلکا آواز ایادور سن محمد محرم راز

باشینگنی ایمدی مسجده دین کو تاریگیل یاریب امت لارینگ حالینی بیلگیل

بیلیب حق امریدین افتان خیزان تمونغ بیلاریگو کورمنا دخندان

قیلیب مالک قاشیغه شاه عالم دیکایلدی مالک دوزخ غه اولدم

تمونغ اهلی رسول الله نی کورگا دیکای لار یا محمد وا محمد

قیلور لار یغلا شیب فریاد بیحد بو حالت نی کوروب اول شاه پیرور

الارنی حالینی غه کوب یغلادیلار

کور روب امت لار ینے پیروانه بولغای
یقلمه دورکه اول ینے اولقه اوخ
ملائکه آنکا کلمای امت لار یکا ۲
یوکرکای جانیا دوزخ یسر لکای
کورار مالک رسول روز خشر کرکا
اوشل حالت کوروب تو یوب
محمد امتنے بولیشک جنتنگ لار
باریب جنت ارعشرت اینگ لار
بینه مالک فیلور اولدرمناری
محمد امت دیب بولدی مشار
جنتنگ لار محمد امت یمز
تموغنے ایکنده قالمای برینکار
جنت رویدیکه خلایق لار یوروب
قرل کلدیک بارخندان بولوب
بارین باشلاب بولور احمد روانه
آلب بارغای بهشت جاودانه
بهشت ایشیکیده بزبحر بولغی
خلایق لار کرب اندہ ارتیلغای
اینگ آخر ایرور بحر الجنه
انکا کرکان کشی تابمس مکانه
که اندین یوینک بولور جنتکا واصل
بولور اندہ همه مقصود حاصل
الارنی یوزی بولغای ماه تابان
بولور اول ماه تابان انکا چیراغ
الهی اوشبو وعده لنکا وفا قیل
بهشت جاودانینگ دین عطا قیل
الهی جمله کا جنت نصیب ایت
جمالی بی زوال انکا قریب ایت
الهی جمله نی دل شاد قیلغیل ۲
تموغنے اوتیدین آزاد قیلغیل ۲

ایرور

ابرورمن جملہ موی مبین ہاتی
الٰہی جملہ نے مقصود ہ ۲
روایت ایلادے ابو ہریرہ
بہمبر دین دیدی مونداع استم
بہشت نہ دیدے دیواری مجلا ۲
ابرو والای ایبار دین او رنہ زعفر
اقار جوی تمامی شہد شکر ۲
درختے نقرہ دین شاخی زمرد
از بولما بس تمس بل قیلب م اوصاف
کریب جنت ارا جبرئیل ہادی
دیکای اولای بہشت اہل بیلنگ بیر
بہینہ بیر لارکا ابرورین در بیتے
اولومنے بر قرآنوی صورتیدہ ۲
منادی ایلادکای ای اہل بہشت
بنہ بیغمبر اخر زمانہ

عمل دین یوق امتے ابکمدہ
امتے عاصیغہ ای عالم پیر
رضی اللہ عنہ قدہ پیرہ
الارنے بیوزینے گونکلدہ نوتوم
کہ بر خستے زمرد بری طلا
بنہ بیشکز زبرجد اور نیغہ کوہر
لبین فرش ایلادکان یاقوت احمر
ابرورا وراق یاقوتدن بر جلد
کریب جنت ارا جبرئیل ہادی
خلایق قہ قیلورا ولدم منادی
تیرکہ لیکدورا ولوم یوق بیزکا ہرگز
یوق ابرورین بیزلارکا ہیچ بیمار بیتے
قیلب قویغای تموغ جنت قیدہ
اولوم یوق بیزکا ایلدکا ایلدکا عشرتہ
توکوبان آغزیدین درکانہ

صفت جنت و حور و غلمان و قصور

بولور چین ملاحت بیکا [illegible] کوروب حورلار بولوب آینه کا میدا

اگر بیر تانیغنک بولسا [illegible] بولوب نیاده تو تولغای ماه تابان

عطا قیلیب خدا بیر کیمکا جنبت قیلور لار حورلار بیرله ذاغ

که یتمش منیک بیر و حور بیر قیلیغه آلور لایق منا یی کیلیم بولغه ۲

بولور بیا عت بیا عت رنگ پیدا کوز ونک تو یماسین بیچ قیلینگ تماشا

لبابیه حورلار بیچ کهنه بولماسین مدام اون تورلی ناز و قیز و قیز یماسین

بیر و ربیر قیلیغه یتمش منیک بیر آی کم اولماسین موندین بیر پیر جای

بیر الار ایچره بولغای یوز منگ آلغو بولور آلتون کموش بیسیار افزو

بیر طالار ایچره لار ده فرش قیلغان که بیریان کورفه بالین ته اولغان

زبرجد صندوق اوزره کوب تو کوب چاق تولار حورلار بولوب کویا گیلین چاق

الار بیرله بیچه صحبت قیلور بیز که بولماسین صیبه دایم ایرور قیز

بولور بیز تاجه کیم صحبت کا طالب قرب تورماق ایرور اندهٔ هار یب

کیکور یخشی ایبار دیم انچه بوی تنبیه بولغای بیر زره موی

الار نی بیسا چیدور قیلیغه لایق قرا قوندوز دیسا جم ایرماس موافق

الار نی قاشیدور مثل هلال ۷ قدی نازک ایدی نو بیر نرسا ۷

عبد دست ایلا تو ان کو قبول اخلاص ۲ — که بولا بیں نا امید اخلاص بیوفا کا

الہی جانے دو ان خدمتیں قبول آزاد — قبلب جنت میں ایلا کیل مشا د

مکلیکر عاصی شرمندہ لاد نے — کنہ دشیدہ قفا لغان بندہ لاد نے

الہی جنگلیدیں — ایلا پیر اب

بحق مصطفے اہم — آل اصحاب

قیلہ ور حضرت پیلمان روایت — پیمبر دین اوشل کان مدد حجت

بارور ایر دوگ بیلا ر بر طرفکا — بولوب ہمکارہ اوشل کان شرفکا ۲

یتشوبک بر درخت با ثمر کا — کوزی تو شتی پیمبر نہ شجر کا

تو روب نبی اتیلار پیغمبر اول حال — تو کولکا اول شجر لار بولکا یا مال

پیغمبر دیدی پیلمان شجر نے — نہ اوخشی تینگ بو تو کولکان نے

دیدی پیلمان ایا شاہ سخن سنج ۲ — پیلا دلما دیم کو نکلدہ تا رتیان رنج

دیدی پیغمبر ہا دی انسان — بیان ایلادی اشتیکیل ایکدی پیلمان

تولار ہر بندگ موی ایمیں نماز ہ — قیلب طاعت خدای بے نیاز ہ

رکوع ایلاب الار ایکی بو کولکا — کناہی بیا چینی او چیکا کیلکا ی

الار قیتب قدر ایت قیلغا ی — شمر بیکلیغ کن لار تو کولکا ی

دیدیلار

دیدیلار هرکشی ایلار طهارت ۲ قیلای دیر حق تعالی غه عبادت ۲

قویمه هرگز قدم رو سرا به بتکای اتکا یتمش منگ ثواب

نمازی ایغوب ای بنده راه قیلب دور بین منی اوزه اتکا ماگره

کناهنگ حق تعالی دین تیلاین شفاعت روزی محشر قیلاین

دیبان چقای نمازی آیسما نغه ۲ قیلب عرض خلاق جهانغه ۲

دیکای اهل ادیسنی منکا بیرکیل کرم برله کناهنی کیچورکیل

او قوب هرکیم نمازی ادا ارکان بجا کیلتورسه نی اولانغان

دیکای مندین نماز قیلمه طمع پسنی قیلغان نماز نیک بولدی ضایع

بوا و قوغان نماز نیک ای برادر بوزولکا بتکو پیدور روز محشر ۲

خدایم پورغو پیدور اول نماز نینگ سیچرلار ایلکان پوزکدار نینگ

نماز او قومغان روزی قیامت قیلور یوز نینگ ندامت آه چیرت

اینینگ حالی نچوک بولغای اوشل کون مسلمانلار ایچیده اینده پسرون

نماز ایدور حق تعالی راضی لیغ ۲ نماز ایدور قرانغینگ نه بیرغ

نماز نینگ بولسه بولغای توبه مقبول شوی بی نماز دین ایم بولور جهول

نماز اینینگ خدایم رحمت اینکای ولیکین بی نماز غه لعنت اینکای

نماز امومیں قیلغ کوندہ معراج — تپا لمیش بے نماز لار راہ منہاج
نماز اولغی یرینکا یتکوزدہ میسا یہ — بریب یشیر کرم بولغای جولایہ
نماز امیر ور تیراز و نینگ کیرانے — نماز امیر ور مفتاح الجنانے
اوت کردی کیم نمازی باجماعت ۲ — یغار ہر کون انکا باران رحمت
انکا ایم بولغای کور نینگ عذابے — تپار یتمیش پیمبر نے ثوابے
یوزی روشن بولور آخرت ایلکا ۲ — کیلور نامہ سے اینگ اونگ قولغا
صراط کفر و کدین آپ لان اوتار لار — شراب نہ طہور دین ایچ رلار
نماز کاہی اوقوب کاہی اوقومای — یورو یہ کیم خدا امریسے تومای
کشے کیم تومپہ امری خدا نے — انکا برکای خدا تو قوربلا نے
اوچی دنیادہ بولغای اوچی کوردہ — اوچی بولغای بینہ وقت اولاردہ
اوچی دنیادہ کیم ای ابدی آخرت — بری او دل رزقینے قیلغے خدا کم
ایکنچی بولغے ایمان بوزی کنکای ۲ — اوچی خلق ایلکا پاوق کورولکای
بینہ اوچی اولار اوقیدہ بولپہ — نصیب ایتمیس خدا انکا نعمتپہ
ایکنچی بولغای عزرائیل بہ بہیت — اوچونچی جانینے آلغای مندت
اوچی کیم ای برادر کوردہ بولغے — اوچونچی آخر اول دوزخقہ بارغے

نماز عصر

نماز عصر اوقوب اولدوره بر کیشی ۲ | که مسجد ایچره ای مرد بخش پرس
که اندین سونکره اوقوب شام نمازین | قیلیب عرضه خدای بی نیازین
بیلنگ اول بنده کا تنکری تعالی | عطا قیلغای انکا فردوسی اعلا
انکا کوشکی میسر ای عالی بر کای | اولوغلغیکا منگ یل لیق بولا دیکای
خدایا جمله کا رحمت عطا قیل | اوشل جان لار کا توفیق هدا قیل
ایرور شی عظیم توفیق ایدیلا | خدایم بر مدی هر بنده کا بیل
مکر بولکا لمن قیلغه بردی توفیق | انکا توفیق نی حق کوردی لایق
اینگ حکمیده ایرور جمله کار | دیب ام چون چیرا بولغوم کنه کار
ایا ای غایب اوغلی بیوزلا کیل بیوز | نصیحت دیکیل بولسون اچکه بیوز
بولوب هر موی مین بختی بیدار | بو بیوزلار نی شاید ایلکا کار
قیلیب اول پنگ خار کونکلی نی نرم | خدا دیده قورقوب ایلدین ایلکا شرم
ایشتماسین کونکلی قتغی لار نصیحت | بولور ضایع همان بر کی زراعت
قولاق اوقمه نصیحت اوقمه جانغ | نه بیوز لیقان بر له تاشلاوزره بارانغ

از لده بولمه هر گیز کونکلی قتغی
بیودین زیاده کی تاشقه نه ایسنغی

ایشکیل ایچره بصره تنگ زمانی — تو شوب دور بصره ایچره بر یلانی
تو یوب ایرته برله کوار بر جوانی — یتور بازار ارا مار کلانی
عجب ماری عظیم پیدا بهانه — اینکا آیتیده قالمش رخت بازار
که یتمش منگ دوکان آیتیده قالمش — تمام آیتیده قالمش رخت بازار
بولوب فریاد غوغا یوی بازار — تمام شاخه یغلدی خلق پیدا
همه قورقوب دیدی برزی یوتار بول — بو بصره شهر سینی ویران ایتار بول
دیدی بعضی بیه موندین کتالی — غریب لیک شهر سینی ایلگه تو تالی
دیدی بعضی بیه اندک صبر ایتالی — ضرر تنگمای بو خوک موندین کتالی
برالیکا ایلدی یغلدب شیخ عزیزکا — الار بر رحیم قیلغای حالیمیزکا
بولوب فریاد غوغا یوی بازار — تمام آیتیده قالمش رخت بازار
یغلیب کیلدی یغلدب خاص عامی — قیلب شیخ چه نکا التماسی
دیدیلار ای خلایق پیشوا سیز — ایرور سیز جمله خلقی رهنما سیز
کیلیب دور شهر میزکا بو کیچه بر مار — جهانده بولمغی اندغ اولوغ مار
که یتمش منگ دوکان آیتیده قالمش — تمام رخت بازار یمز بو زولیش
بو بر دین کیچه بولغای ایردی بیر بی — مکر کوکدین بو بارمش خلق اوچی ؟

بیلنگ پیر اول ملا ایلمیدی وارمادی — خدا بیر کا یوبارکان بر بیلادی

یوبوزدی ایشتب شیخ زمانه — پیری بارغه بولدی روانه

کیلب کوردیلار ملا کلدی — چقارور هر طرفکا اول زمانی

دیدیکم ای جانور بی زبان سن — بیب نه دور پوشهرده بیکه کیرمسن

تلبس هریان چقاریب یوزلای آلمادی — نه اینور یوزیمیزه شیخ هم بیلمادی

اوشل دم ایلکیدین قوبدی عصانی — مبارک یوینغه یالدی روانی

دعاغه شیخ تورد ایلکیدین آچیب — همه خلق دیدی آمین دیشکین آچیب

دیدی ای پادشاه حی اکبر — پیشکین حکمینکده ایرور خشکلهم تر

فصیح نیل بر سیوزلاشدیلر — نه تقریب بیرله کیلب بیلدیلر

بیلانغه حق اولدم فصیح نیل — دیدی ای شیخ ایشتابین بن پیشکیل

منی بیلنگ فرشته غضب من — یقیلدیم اوشبو یرکا بول بیب من

بار ایرمیش کون چقاردی بر ولایت — الارغه سال دیدی تنکری هلاکت

هلاک ایتمکا کاندی بار ورایم — بو یرکانکا کیلهای نوشتی کذارم

چقب تورغان ایلکان بر بی نمازی — خدانی تره سن بد جرم بیلمازی

منکا تیکدی ایلکی شومی بولوب تیر — قضا تیم بیلدی مونده نوشتوم ای میر

دعا ایلدنگ قفا نیم بولیون ابدا
کتای او جوب بو بردین بار طیران

دعا غه قول کو نار دی شیخ عالی
بو لوب هول کو ریاشه بیر ایکی سلطانی

دیدی ای پادشاه پاک یزدان
بو جا نور نینگ قفا نین قبیل آبدا

تو زاتدی حق قفا تینی اوشل حال
او جوب کتی یلدان اندین اوروب بال

تعجبده قالب ایل بولدی حیران
اوشل ایل کوزیدین بولدی پنهان

یتقابین بار منگ
الی الدیغه زنهار

کیب فتنه یکمه کای
اندین بیکبار

پیمبر دین قبیلدور لار روایت
بو یوز لار نی همه صاحب سعادت

بولور اوج اون دید یلار روزی
اول آی بر جغه دولتلی رهنمای

ابرور اول کی اونی رحمت ایلمه
ایکنجی مغفرت ای صاحب درد

او چونجی به ابرور عتق من النار
مونینگدیک ایدیلار شاطان ابرار

کشی کیم روزه ای روزه توتسه
اوزین وقت ایچره یاد ایتسه

نه قیلغای بو جرمی تنگری کیچورگای
الکا کوثر شرابیدین ایچورگای

خدا یم وعده قیلدی روز محشر
همه موءمین قیلغه ای برادر

نماز روزه تنگیز اجر یغه تینگلا
ابرور دیدار یمغه فردوسده اعلا

صیام

صیام آیده اوچ کون روزه توتسه
بولوب خوش حال خرم اول کیشی
که اوچ مینگ آچغه ناغه برکاتی توانی
بولور اول بنده کا یوم الحساب ده
بینه تمش مینگ ایرمای تنکو کادر
تمامیدین چریلار بان قیلمدوق تنکا قادر
ماه روزه تمامیدین روزه توتقان ار
بوتارا تنگ ثواب بیلکیل آچلمز
که روزه رحمتی دین تورت کره ایل
بولور لار بی نصیب بیلکیل ای دل
الار اولی ایرور یغنه خار
ایکنجی والدین برکان آزار
فیامت کون رسول هر دوی
یغیل غی نده دیدیلار چین آدم
بولوبان روزه داران بر بولک صف
باری بولغوسی جنت کا مشرف
زمزمدین برور یغنه جاری
برور بعضی سینغه یاقوت احمر
اینگ زیبا یغنه غسل تیماس
اولوغ لغیس خدا دین اوزکا یاپلماس
برور حوردین الکا تمش مینگ اقعام
بولوب تکلار روزه دار اخاصی عام
تراویح اوقوب کیم روزه آی
برور هر رکوعیغه بر سرای
اولوغ لیغی ایرور مینگ چلتی راه
تراویح اوقوتکیدای خلق الله
الار نی خاموش تسبیح بیسار
الار نی خاموش تسبیح بیسار
اجابت بولغوسی هر مقصدی بار
نیلاسه روزه داران وقت افطار

کشے ایام بصده روزه توتسه ۲ تیار مونداغ ثوابی اولانسه
توتوب تمام عمر سنه اول مرد کیچورکاندین ای صاحب ورد
رسول ایدی براتسه ای نیکاوینده ویا اون کونی نیتسه برکونیده
توتارلار روزه کیم ایلاب شتابی تیار یتمش پیغمبر نی ثوابی
بنه تابقوپسه یتمش یلک طاعت ثوابنه اوشل صاحب نیاز
براتسه کیجه یسه یوز رکعت نماز اوقوپسه هر قیو صاحب نیاز
اوقورغه یتمیش یوزکا مجالی اوقوپسه اون رکعت اوشبو حالی
که بیرولی فاتحه اون یولوا خلاص مونونکدیک اوقوپسه یتمش قیلیکاس
خداصد یسال جرمین کیچورکای الکاجنت شرابیدین ایچورکای
مه ذوالحجه ده تا اون کونه ای قوام توتونکا خلاص ایلاب بو ریاصوم
بیلینگ بیرلار یوزیل روزه توتمانی ثوابنه برور اول خالق طاق
محرم آیده هر بنده بیرلوم توتارا خلاص ایلاب بو ریاصوم
برور اول مینگ ملایکه نی ثوابی خداوندیم الکا یوم الحساب بی ۲
ثوابی مینگ شهیدنی تابقا اول کیشی بنه مینگ کعبه طوافین ای بخش پرس
بیتم لار باشنه ماه عشوره میلاب خوش حال قیلا اول اجوره

ایکلب جمیده قانچه موی بولغای ثواب انی ایکی یوز شونچه بتل کای

محرم آیده کیم روزه توتقان انی افطار قیلدورغه کمر بسته

که کویا امت احمد نی اول یار تمامین چارلاب قیلدوردی افطار

بنا بولغای انکا موندغ ثواب بی قیامت کون کیچار اول بی حساب

خدایا روزی قیلدیخ عمل دین نماز روزه غم جهد جدل دین

منینگ دیگ هیچ موی امین بولماس بیت همه بنده کا بر کیلماس چیت

طفیلیدین همه بخشیخ قلونگ منی عاصی کا کور سیاه تو زیونگ

محمد مصطفی غه کیلدور امت الار غه ایلا توقف کرامت

غنیمت بیل حیاتینگ هوید بیلنگا بولماس دوباره عمر پیدا

جهانغه کیلماکلیکدور بر مراتب کتار بس کیلماکای بس بار قیتب

بلورسین اولکوچه هر نفس یار یمان یولداش یمان ایشلار نه درکار

تماشا قیلماب بوی کورسیتاکی نه بخشی لار بولوب بیر بر ایکی

یاتیب دورلار قوچوب خاک مذلت الار دین بولوب عقلینگ آل عبرت

حیاتنی آدمی بردمی بیاعت آلور اول جانینگ بو ساعت ایکیده طاعت

قدم ایلاکار قویلکان اولچه آلدی کین قویلکان اولدین حیرت ده قویدی

عجب دنیای حسرت خانه دور بیل — تمس حسرت بیلان اوتدی ایلا

که بو حسرت کشی دنیاده بولماسین — قیامت وارمیسین هر قیسی بیلماسین

قیامت توشه سین آلغای آدم — الاردہ بولمغای هیچ حسرتم

کیچورمیه کیم که — عمرینی بغفلت

بولور مولدین آر — توغ داغ حسرت

روایت ایلادیلار ابن عباسدین — رسول حاضرین دین زیده ناکاسدین

آجب مصحفنی هر کیکو میسر دت — که قیلسه ایکی یوز آیت تلاوت

که بو دنیاده بار دور قانچه اشیا — الاردنی سانجه تنکری تعالی

بروراول بنده کا ثوابی — آنجوق بولغای انکا جنتدین بابه

تلاوت ایلاسه هر قیسی آنی — وضو ایلاب آلسه ایلکیکا قرآنی

ثوابی هر حرفیکا بنیاد بولغای — قیامت کون اوشل کیشی شاد بولغای

دعا سی بولغای البته اجابت — قیلینگ ای بنده لار قرآن تلاوت

اوشل قرآن انی روزی قیامت — ایلاسه ایلدین بورون ایلار شفاعت

قیلور اول بنده نی دوزخدین آزات — خدایم جمله قولینی ایلاگای شاد

که بعد از بامداد هر قیسی آنی — اوقوسه یوره یا سین اوشل آنی

تمام

نبار اول منگ ثواب ختم قرآن — شهید بولغای اوشل کور بر به اول جا

کشی باسین اوقورنی در قبله — اولار وقیده نزد اول مکرمه

انی اول منگ الدیغه کیبا کای — کناهلاری حق تعالی دین اوتولکای

آنور لار جانینی اول قولنی آیکای — قلینگ لار ای برادلار در قرآن

خدا قیلغای نداروز قیامت — قیلب بیسن ای قلوم قرآن تلاوت

دیکای آچتم درجنت کیانگلار — قیو جنت خواه لار سیز کرنگلار

مونو نگدیک حق تعالی امر قیلغای — الارهم خواجیدین راضی بولغای

طهارت دین کیسن هر بنده راه — اوقوب فاتحه هم قل هو الله

که تو فیسبا منگ ثواب الکا بنلکای — بنه هر حرف کا منگ جری کیتکای

روایت ایلادی ابو هریره — رضی الله عنه قده بره

دیدی اوقتوم محمد مصطفی دین — بو بیورغای بشوای انبیا دین

قیامت کون بولسه اول قاریلار دین — قیلب بیرنه عمل دیب بیورغای الار دین

دیکای قاری را میرورکا را — همه بیرلار بنکا دور آشکارا

بیسنی خوشنود لغینگ او چون دوامن — قیلب بیرتون کون قرآن تلاوت

خدا ایلغای الارغه ای دروغ کوی — بیورمکنی نه چینی بوق بکیر موی

منے ایپسون دیدینک ایلہ خوش آواز اوقودینک ریا پسنے قیلہ پ
قچان قیلدینک منینگ اوچون تلاوت اوقودینگلار تیلہ
کہ الدرمہ پونگ غنے لارنے کیلتورکای الدرمہ نوابے خبر پسورغا
قیلب پیزلار دیکای قیلے عملے دین نون کون ایندہ جہد جدل
الدرایلغای اوشل دم ای الہی ابرورسین جملہ نے
قیلب پیز حالصًا اللہ پسخاوت پسنے خوشنود لغینگ
الکا ایلغای خدای پوزی یلغی قچان قیلدینک منے یولومدہ
تیای دیب ایتما دینگمو سین پسخی آت بو ینگلیغ قیلما دینگمو ایلکا خیرات
کہ الدرمہ پونگ کیلتورکای غازیلارنے قیلب پیزلار دیکای قیلے عمل نے
الدرایلغای کریم پادشاہا ابرورسین خالق جی نوا نا
پسنے خوشنود لغینگ اوچون قیلب پورورکن کفر ایلیگا نگکدرسن ضرب
خدایم ایلغای ای یلغانچی آدم بو ایلغای پوزلارنیگ صدق دیگ
قچان خالص قیلب دورسین نحذانے تیای دیدینگ قچی منده رضانے
منے ایپسون دیدینگ بخشے بہادور آیتم یولپسون دیدینگ ایلہ ایچہ
کہ الدرمہ پونگ کیلتورکای جاجیلارنے الدرمہ ہم پسورار بخشے عمل نے

دیکای

دیکار خدا ایچون اوشل دنیاده یوردینک — نه ایشلر ایلاب منه آلدیلکا کیلدینک

الا یا ایها الخلان عالم — بسنه حکم بکده ایدر روزکار عالم

طواف کعبه ذات الله قیلمه دروک — بساوق ایسه جفای راه کوردوک

خدا ایچون دیمه یلغان یوسوزنی — یوردونکلار ایچوروب یازکوزنی

منه انیسون دیدینک بوخلق حاجی — که تا بیسون دیدینک عزتم رواجی

بولوکلای بنده ایمدی خدانی سیل — قیلب یولاریس اوشل کوناخواجه غه بخش

بولور هر کاریده قلغی خطاسی — خدانک کوب تر ور لطف عطاسی

عمل ایلاب قلینکلار بخشی اخلاص — دیکاکشاید خدای بنده خاص

خداوندا تمامی عاصی قلغه — بر یب توفیق یا الغیل بخشی یولغه

بنه هر جمعه ک قایم مقامی — بولور اون منک ثوابی بی حسابی

بهشتده بولور سرای بنیاد قیلغای — اوشل مولنی خدایم شاد قیلغای

اون ایکی مرتبه هر بنده خاص — بنا ردمده اوقوب بولور خلاص

قچان اول اوزینی جنت ده کورکای — همی بنه عزت راحته کورکای

که هر وقت اولغنیب ایلاب طهارت — قیلوب یاز اوزیدین قاتیب رضا بت

ایر یکه بساوق بولور بن قیلب هم — اوشلدم اولتورو بنه قیلب هم

او قوپ او مراتب بسورہ اخلاص ثوابی ختم قران تا بقای اولاد

تنیده قا لمغای زرہ گناہی او قونگ اخلاص صد بگه بی

قیو مرد او نخلونی مکتب کا بریه پاریب بر مرتبه بسم الله دلیه

او شلدم رده آنا آنا بسین لحد ایم رحمت اتیکا ایکلا بسین

الا بولغی تموغ او تیدین آزاد قلینگ انصاف پیر اولی آدمی دا

او قوپ هر کشنی او نخلی قبر تیارلاون مینگ ثوابی ختم قران

کشی کیم مینگ مراتب جمله بارسه بنه اوچ اینگ کشینی بیشیر قیلسه

که بر بسه مینگ یلا الکا جغه یوشاتسه بنه مینگ مدرسه سلاق ثوابی

تقی یوز درخت بیشیر قیلسه م بولارنی بر جه بسین الله قیلسه

او قوپ هر کشنی او نخلی قبر زیندا ثوابیدور بولاردین آرتوق اجر بولغای

بر یرب دور بسین جمله مومنین کافر الا کابر کبیل انصاف ای خداوندم

الا قبر لرینی قران او قوپ یوکلاب امولوکلاریگ اهم ثوابی رحمت ایلسون

اتا بر له انا بسیه توفیق عطا قیلسون

الا نجه بسین درجات نی واصل قیلسون

که بر کون ایدر سن عمل ایلاریم کورسه تا نغه بار دیلار او شلدم

کورسه تا نی

کور بیانی یورو با پیر قیلدی — اولکل لارغه دعای خیر قیلدی

یارب بو کیشیغه تو نور بیر — تفحص قیلدی بیر قبر یغه اولتوردی

چقار بیر قبر دین اول ساعت نور لی آوار — عجب مرد معذب دور کیه بیلمز

کهی آید یگ اولور کهی خرد یک — کهی قوریا دایتار ایسب دیک

ابغ دیک قیفور ور کهی مثل خنزیر — عذابید بین انی تیز آزار

همه اهل قبر لاری دل ریش بولدی — اینگ ناله بیر لان جمله گزار

کور وب عجب امور ذی خیر حالدی — که بیر ساعت تورو ب اولکا یاندی

اوشل کون اوتوب ایرته سی بار تا کلدی — زیارت کا کیلیب ایردی عیسی

اوشل کور کا با قیب قیلدی تماشا — بولوب بیدار آیلماندین تورمیدی

تو تو ق ایلا ب یمار دین اول تورور — یغه راول قبر یغه مانند یا مغور

کیلا تورغان املا یگ لار بیانی یوق — اینگ خلق مبغه عجب بولدی حیران

کیلیب بو واقعه لار نی پیغمبر یا — بیلا ایتی بارین خو مبغه عجب ا

دیدی قومی دعا ایلانگ نیز بیلیو — بیور لیگ اول کشی حالیدن آگاه بولو

دعا غه قول کوتار دیلار جمله عیسی — دیدی ای قادر ایرور دگار

عذابلا اوشبو کور ایردی بیانی — تو ناکون ایلاز ناله گزار

دعا ایلا انگلا دلای بولا گنگار — بنه جان آیغنے کورماگا یا یار

دعا ایلدی بنه عیسے ابن مریم — اوشل بیچاره قیلب اولگا اولدم

او قومانغه ور دو عالم آبروی — دیماد ایم موینکا چیقت بوی

جد بشیملهم علم قرآن ۲ — بولار دور علم دین بیلای کمکن

نماز دوزه قیلماق علمیدین دور — مونے بیلمایس کشی تا نکلا زبون دور

قلب کیشی اولوغ لار کوب نصیحت ۲ — دریغ مندہ یوق فهم فراصت

نصیحت نے ایشتب کوشه آلمای — یوروبدور دین کتاب خوشه آلمای

بوکون بو ایشنی بولور تا نکلا فدان ایش — بو حال ایله او آدم دور یا ایمس کور قیش

یوروبدور من نفس ایله آوارهگزار — حیا تیمنے نمام ی بد کا ر اوف

چکا

روایت ایلادی بو سوزنی جبه ۲ — پیمبر دین اوشل کان اکا به

دیدی بیور دیم بو سوزنی سر بولدین — دو عالم پیشه پاکیزه دین دین

دیدیم من یا محمد قیلسه اعمال ۲ — جهانده قیلسه دو قیلمه مهمال

الا ایدی عملنی بختی بیله اول — نماز دین اوچ قیلمه دو قبله هر قول ۲

بنه بیدا نا بره انا بیلیس ۲ — قیلیب خشو دیکم تا بیه رضا بیلیس ۲

مونکدیک بخشے اعمال اولمغایچ — رضا قیلوالدیکنے ایرته کیچه ۲۳

تقصے ایلدیکنے کیم ایرته توبه — اتا بر له اتا سینے کولکه آلسه

خدا هر کونده یتمش چشم رحمت — سالور الکا دیدی بهر شفاعت

کشا همسایه سیز خشنود قیلماس — اتا سیز خدمتینے زود قیلماس

الار یوز منگ عقوبت کا کرفتار — بولور دیب ایدر یدر سلطان ا

بنه بولغو بیدور دوزخ مکانه — تو تو ملاسیز هر کز الدین یاخشی جانه

ایا ای آدم اوغل قیز لار سیز — اتا اناغه راضے ایلغای سیز ۲

بیلنگ بر بنده موجب حق طاعت — جهانغه مالینے قیلیه سخاوت

اتا بر له اتا سیز راضے بولماس — خداوندیم انی مقبول قیلماس

که بر کون بر نمه یه مصطفے دین — سوال ایتدی کیلب اول رهنمای دین

بولور بد رو والدیم بخت ناخوش — الارغه باشلار بنا آلیب باغوش

الارغه دیمدم من سیز بورسن — نیچه کوندور بو خدمتینے قیلورسن

حق مندن الارغه ملغا دیب — مبادا راضے مندین بولغا دیب ۲

دیدی پیغمبر یکلر شفاعت — مونکدیک ایلا یسنکز حق سبحانه

الار راضے بولسه کلدی راضے سیز

کوزار

کوار ربیع آنا بر له انا پسین ۲۲

آنا بر له انا نه کوب حشی با ر

طعام بد کای الا ریم بوب تاراج

الا نخه کیچه کوندوز خدمت ایتکای

نماز ده بوله ایرهم تیز بارغای

آنا انا پسین دل اشاد قیلغای

پیمبر قیلدیلار مونداغ نصیحت

بنه فرزند تیکیز بوله رسیده

آنا بر له انا ده اوج حشی با ر

بری اولدور یه بخشی

بری اویلاب بری

آنپس این دمالیک ایلاب روایت

ایشتکل لار رسول الله زمانه

قیلور ایردی نماز به شهر بیت ۲

عجب بو نوجوانه یار پسای

کوار ربیع آنا بر له انا پسین ۲۲

آنا بر له انا نه کوب حشی با ر

طعام بد کای الا ریم بوب تاراج

الا نخه کیچه کوندوز خدمت ایتکای

نماز ده بوله ایرهم تیز بارغای

آنا انا پسین دل اشاد قیلغای

پیمبر قیلدیلار مونداغ نصیحت

بنه فرزند تیکیز بوله رسیده

آنا بر له انا ده اوج حشی با ر

بری اولدور یه بخشی

بری اویلاب بری

آنپس این دمالیک ایلاب روایت

ایشتکل لار رسول الله زمانه

قیلور ایردی نماز به شهر بیت ۲

عجب بو نوجوانه یار پسای

ارتسپار اول کون ثوابه کعبه طوغ فیمه

دیدی فرزند لغه پسلطان ابرار

لباپس بر کای الا ریم قالب پیله الکاج

اکر فی حضور به تیز فاشیغه تیکای

قیلیز یار پ الا بر له الا ریم بر کا یارغای

دعای خیر بر له یاد قیلغای

قبول ایلانکه ای اهل امت

سپالیب زنهار یا تمنک بر اوزنده

دیدی فرزند لغه پسلطان ابرار

آت قویلغای

مکتب کا بر کای

قیلدیلار الا رمونداغ حکایت

بار ایردی بر یکیت نوبر جوانه

خدا تنک فهر یدین قورقوب بغایت

آنکه علقمه ایردی خوب ریسای

که برگون اول جوان مرد بولگه ناخوش — کهی بهو شیعه بولگاه به خوش

ضعیفه کیلدی حضرت ده قاشیغه — یقا پسین بهول قیلیب کوزیاشیغه

دیدی یغلاب ایا پسلطان ابرار — بولوبدور علقمه کوب بیخته بیمار

یتیدور اول یینه در حالت جان — یوبارنیگ بیرکشینی انیسون ایمکان

بیمبر ایدی ای عمار پسلمان — الکاو یاریب اوقو الکلار الکا ایمکان

اول ایکیسی کیلیب اینب ایمکان — الکا اورکا تیلار رجندار رجندار

الکا یبغ ایتلار تا ابرته دیر کیچ — تلی ایمالغه کیلمادی هیچ ۲۲

یانیب حضرت قاشیغه کیلدیلار — تلی ایمالغه بهر کیز کیلمایدور دیدیلار

رسول الله دیدار ایمگه یارلکار — اتا انا یبغ آلیب کیلنگلار ۲۲

اتا انا یبغ دیدیلار ای ضعیفه — مینگا برکای خدا جنت وظیفه

کیلایمگه یس بولوانگلوندین رضا بول — کناهنی کیچیبان آشنا بول

الار یغلاب دیدیلار ایشاه ابرار — بیرمدور اوغلومیز کوب بزنی آزار

خدا بیلار بزیدار مونداغ — کیچیب دور میز ایکی میز بولوانگلیدیغ

دیدیلار بزنی مونداغ اوغلومیز یوق — مونوکلیدیکی هیچ اوغول توقا نسیز بولوق

رضا بولدیلار تا ابرته دیر کیچ — رضا بولماگاوغلیدین الار هیچ

رسول الله

رسول الله دیدی بلال را یا بلال ۲۲۲ | اوتوندی جمیع اهل مکه پس او شبو حال

توتوب انلرنی اوشکا پس الندی | جزا بیردی او شبو علم ده برالندی

انا پسی ایدیکیم او تقه پس اورغه | رضا بولمس بزانی کویدورورغه ۲

دیدی بلال را نبیالار خاتمیسی | پس چیقیب آغزیدین درر تمیسی

انا انا پسندیکیم راضی قیلما پس | خدایم اول قلی دین راضی بر مس

جزا سپدورانی او تقه پس الندی | عذاب آخرت موندین او لوغراق

همه حالیغه قومی انا پسین | کیچوردی او غلینی قیلغانی از پسین

انا پسی دیدی بولوب کلدی کواهی | رضا مس قبل او غلوم هرکنا هی

خدا بلک حقی پیغمبر حقیده | همه نورغان صحابه لار حقیده

قبل دورمی هرکناه او غلوم کیچورمی | کوکلدین کینه خطنی او چورمی

رسول الله ذکوان کلمه شاد بولدی | بلال نی اول زمان قربان قیلدی

دیدی بلال ایمدی بارغیل اهل ایمان | دیکیل بولوب کناهیدین بشمان

بسرعت بار دیدی بلال اول دم بلال | بتار بشمس قرنشته لار هلال

یکیت اوریکه اوزایدی ایکان | قبلیب تخم یاپیدین بردی ایمان

صحابه لار یغیلیب کیلدی درحال | یوب اوتوب نمازینی کومدی حال

بنده ایدی رسول نیک منظر ۲ — بیا حبیب خدا بین ایدین کوهر ۲

انا انا یسینگ ایکم راضی قیلمایس — عذاب بیشت دوزخ هرگز قبول ایمس

بیلنگ هر بنده گه مومن مسلمان — خدا اثر بیس بولسه اولدور اهل ایمان

رضا بولمس انا یسینگ ایدین ای یار — بولور شول داغ عقوبت کا گرفتار ۲

انا انا یسینگ ایکم قبله خدامت — انا یسینگ ایلتار دیدی ایکم بیسلامت

صحابه لار یغلب جمع بولدی — رسول عالمین شنگ آلدیغه کیلدی

باریب یسینگ یه یورگ لا حقیقدن — محمد مصطفی صاحب تقی دین

الارغه ایلدار شاه مکرم — رسول حق چراغ هر دو عالم

تیلاب قرض اکر بولسه بر تیکلار — الم تار تیه انی حالین بیورلکلار

اکر بولسه کیسل ایلانگ نصیحت — بیورلانگ اجوالیغه تا بقوبجه صحبت

بیورلار نبی کیلتوریه هر قل — قبولغوبیه حقی یه دین اول

بیلنگ لار قونگشی قونگشیدای یار — الارغه بر بریده تورت حق یار

بخیل لیک بر بریکا قیلمغایلار — بنه دشنام شکایت قیلمغایلار

نه قیلیسه بر بریدین ابرنه کیچ ۲ — طمع ایلاب عداوت قیلمغایلار

بر بریکا هر کون عذر قیلغای — بمانیلیق قیلیه کیم صبر قیلغای

قوشی

بیلنک ایچ تنکیز کربولغه قابیق ۲ اینک بیچ حقیقیو قتورای خلایق

اینک بولمه بهرگز صلوات خدادین قورقمه ایلدین اویاتمه

اینک بیچ حقیقیو قتورمیسه ده آیار کوجوروب بیار اینک زنهار زنهار

دیدیلار بو نماز دین تنکر بیلدیلار ملایکه لار تعجب لار جمله بیلدیلار

حکایت

که بر کون بارایدی پادشاه عالم ۲۲ همه یاران دیدیلار ایدی اولدم

دیدیلار بو نماز نعمتی کیم بیر اینک بیر پیغمبر ایشیک یاری بیر بیر

مینک بر له تمام انبیا نی تیار اول مجلس قبلغا ندیک کتدی

بنه ایدی الله کیم بیر جامه قبر بولغای الله اعمال نامه

انا بیر دینار مینک مراتب ای برادر زنا قیلغان بر له بولغای بر

بر ورکیم بو نماز کا بیر آب انی کیم تشنه لیکدین قیلمه بیر آب

که قیلغای بولغای بو ر کعبه ویران کناه بعد تا بقا اول انسان

الهی بو نماز لیکدین امان ایت ۲ عبادت بولیغه بزنی روان ایت ۲

خبر ده کیلتور وبدور لار بو کون سب لینک کون بو بتای ایکره کون نی

قال النبی علیه السلام من یقیم الصلوة یشربه الماء فکانما

هدم الکعبة الف مرة تنبه الغافلین

پس قبلهٔ بنا کرد شیخ بصری — که بر جلگا اول پاطان عصری

بارورده یول پیلان شیخ مکرم — یو تو قمتی بهر درختی پیر نر م

بار یب تور دیلار اینک پیا پیده — تو قف ایلاب اندک پایه پیده

هوا دین ناکهان پیر جانور ایدی — کیلب شاخ درخت اوزه پیتاتوردی

که هر شاخ اوزره قوندی یاز بلجلک — چو الفصه تمامین ایلادی خشک

او چوب کتدی اوشل قوشلر بازرا — کورو ب شیخ اوشبو اشی بولدی چرا

دعا غه قولا آچیب قیلدی مناجات — دیدی ای خالق ارض و سموات

اوشل جانور بو شاخ اوزره تورر ایدی — بسبب بند و در درخت شاخ قورر ایدی

ندا کیلدی یا تفسیدین اوشل حال — دیدی ای شیخ ایمدی بیس قولان

درخت اوزره اوشل قوشلر قوندقچ — کورو نگ جمله شاخ قورو دقچ

قو لوب ایردی کوری بی نماز ه — عبادت قیلمغان بیدعتی بیماره

اینک بعضی یا یغمه یا یوشتی — اوچوب اندین درخت اوزه پیتاتوندی

درخت اوزره یورو دکچ کیستاخ — ایاغی شو ملوغیدین قورو دی شاخ

ایای مومنین یا کلب دینلار — یو یورتنه ایشتب عبرت الکلار

کورو نگ شو ملوغیدین یا یغلجلک — درخت پیر خرم ده چوب خشک

جوابین بر بلکیز اینچه پیلدی
اینکه شومید و بلنگ صوت کلدی

طعامینی یمنگ اولیسه اگر آچ
اگر آلدی کاکیل قوشی بولوب قاچ

یغلیسن توی ایچره کرسه بر مگیز آشش
انی قولاب چقارنیک آنی باقماقنی تاشش

اوتار بلیسن یانیدین کورسه بو موباوت
قاشیکا کیلیه بولوب کلکا قولونکلاوت

اگر بولوک آلدیسه بیله بار منگ
نچوک بیس دیب انی جالینی بولونگ

اینکی کره دین بیلنگ یوغا بیمز
اگر اول جنازه قیلمغای کیمز

کتاب چیل حدیث ایچره بو بیور بار
حدیث ایتیب دور الله رسولی ابرار

بو ورقیزنی جنازه مردفا بل
بولور هر روز لعنت الکا نازل

دیمنگ بیمز نماز فی اهل بیشدور
بلنگ ایت بلکه ایدیر هم بیمز ور

بنه ارشاد ایلاب دیمکا کیل خیر
بیلی خیر نماز دین آیچه بهتر

بو کوب بیور لاب انی کیم دایم تونکور
حقارت بولغوسی تونکور نه بیور

بو دیکه بیور ولوکین بولدی تازه
جنازه نی بیلیب قیلمانگ جنازه

مولونکدیک بلکیلای مرد بادراک
بونغا برله بولور موجب هلاک

بیلنگ بو قیلور بیک خیر نی عذابه
بنه بو قیلمه برله ثوابه

جهنم نی نماز دا دور
اینکه جای بیلنگ تحت بیرادور

اوشل کشی بو نمازلیکنی ایاشه — بولوب ابردیم انکا بر کیچه همراه

رسول الله دیدیلار اول سوره بارغیل — تمام اونوکلا یخشی چاروبا اورغیل

اونوکلا هر نه بارین قیلغیل افت — بنه دیکتب غیلک ایلاو قطران

اولیکا بارگاچ ابو اوشلدم — رسول الله بیوریب قیلدی اول ایم

اوشل کون بولدی انکا بختی یاری — خوش اوتدی بیچه کون لار روزگاری

براکت رحمتی برلان تولدی اوی — برور عیدین نماز زیاده بولدی خوی

بیلنکلار بیله نماز شوم بیلنک شومیدور — کعبه ویرانه بیلن بیلنک اول شومیدور

کیچه قونوب — کنکونچه ای یاران

اینلک شومی قیلیدور — اوینی ویران

خبرده ایدیلار برنو جوانی — بو ابردی یخشی حدیثی بیان

بو ابردی چینکا هج حدیثی — انی الدی صفت قیلدی مصنف

بو زینی کوریب لار هر کیم انی — ابرابردی بو بیلن صدیق نانی

اینلک چینی بو ابردی نظیری — کوب ابردی انکا عاشق شاب پری

انا بیلن علم انکا آشفته ابردی — بو اکده درد عشق نهفته ابردی

انچه بیلدیکه بر کون اوغلی باده — کوراکیم میست ابرو اوغلی زیاده

انکا عشق محبت زور قیلدی — هوای نفس انی زیر قیلدی

قویوب اولدم لباس تازه کیلدی — یاشورون اوغلونی قوینیغه آلدی

انکا ذوق محبت کیلدی غالب — ایکاولان بولدیلار صحبت کا طالب

بولوب ابدی اوشل دم فارغ کار — کوروب اولدم انا پس بولدی شوغل یار

اورین برکا اوروب کوب ناله ایلاب — کوزین یاشین چوغ ژاله ایلاب

بولوب کیلدی حضرت فاشغه — بولوب هول پای ناپ کوز یاشغه

در مسجد کا کیلدی بغلادی زار — یاشین اوروب بولدی دل افکار

اوشلدم یا رسول الله دیب قیلدی آواز — کیلب دور رکاهنکا برکنه پیاز ۲

نه کوز برله پیازنی یوزونگ کوروب — نه تیل برله پیازنی طعم قیلوب

دیب فریاد ایلاب قیلدی زار زار — توکوب یاشین چوغ ابر نوبهاری

نماز دین فارغ ابدی اصحاب — قیلوب ابدی مجلس پشت همچو اب

قیلوب ابدی صحابه لار نخه حضرت — اوقوب آیت حدیث پندی نصیحت

در مسجده یغلابدور برآدم — الشتب صوتنی پس طاق عالم

الشتب چقتی اولدی ده پیر عجب — صحابه لار بیلدیلار بحر شفاعت

کورالار بیر کیشی زار یغلاب — یانبدور باشده ... ایلاب

دیدبلدرای یکیت پسکانه بولدے ۲ نجول غمینے خدایم پسکا یاکد

یکیت اولدمده بغدادی یاشلدرر باشینه پرکا اورو بانه بولدے انکار

اوشلدم یارسول اللہ دیب فیلدی آواز لیکیب دورر کاهنکا کیرمه یارر

دیدے بغدادیه ایاپ سلطانه یرمد میکدیک بولمغاے مخلوق ارامد

فیلیب دورمن بوکون جرم عظیمی ۲ توشوبدورباشیمه قیغ مهمی

براغ پسه اشیش فیلیب میه ای شهنشه منکدیک بارموکون دنیاده ملکه

بیلمز ایدیلر انا بیننی الشینے ۲ نوکوب چونه ابرنیسه کوریانشینے

دیدبلدرای یکیت بوسهل ایرورکار کیجارسندین خطاے بنهوسیار

که من قوروب ایریم عمد اصلو اینکه فیلیب موسین ترک فیلمکه حنیکه

کیشی ترک ایلیه فصداً نمازین بوزوب امرخدای بی نیازین

انا بیننی امکنه اللہ تیکه ایجده مبارکه پسکاے پیوده تیکه قیده

زنافیلغه بولور هفتاد دوبار مونیکدیک ایدیلر سلطانه ابرار

که برکون بار دیدار یوی کورمیانکه اولوکلدرکادمی قیلدے اولانکه

یوروب جمله بیرده کلمه نروب ابردی کیلیب خلق جمله

بیرکلمه قولاغنه پسیخ اوردی پسیخ اولنکا کلمه نی الدیغه ویدی

نیوکلنه قولاغنه سینه اوکمک انی تاشلاب براغ آلدیغنه

بزیمه کلنه قولاغنه سینه اورمک بزیمه تاشلاب براغ آلدیرمک

الاغه ایدی اول سینج زمانه ایشتمک لازم بویوزنه یانه

بویانش لازم قولاغنه سینه اورمک نصیحت نی قولاغی ایچره تو

الازمکا یقلیمه دور حقه یقلیمه دور تراز ور قیامت به خلیمه دور

خطر لازم دیمه اوتاره لغاچیدمت خدایرکای بولازکا جوری جنت

قولاغنه بلنک سینه اوکمک لازم نصیحت نی قولاغه تو تمکلازم

الازمندیمه براغ حقدیمه براغدور قیامت ده بولور چیرکین داغدور

الا بولغاچیمزاوار جهانم ۲ انی ایچره کورار یوز تیمن غم

سینج نصیحت چونکه آهنین دور قولاغه آلمغاچ تاشلامز دور

نصیحت مردلازنی ایکلار ولی نامردلازنی مردایلار

آلوغاقل نصیحت بوله اندک براز نادانلغه تاکی ضرب کلنگ

آلورانا نصیحت نه بهر کیف که نادان تو تمغای عمر تلف

ازلده هرکشی کیم بولغه نادان نصیحت ایلمه چنکه بولغاکریزان

نصیحت ایشتمیکن مرد جاهل بولور تاشقه یاغین یاغه حاصل

نصیحت

نصیحت قبلد رملک بل قومنه نوح — الارغه بولمدی دین بده مفتوح
رسول الله ایدر یلدر هادی خلق — الارقیلغه ابرور کفرانکین غلق
طفیلیدین اذ خلاقی معبود ی — زمین آسمانی قیلدی موجود
که اول تا باخر جمله جانلار — بدانیلدر طفیلی شاه ابرار
آب برله ابو طالب کای پیر — اوشاندی نخ ابرسوزی بولمدی تاثیر
ازلده قیلمیه ایدی تقدیر کمراه — بیلنکز سوزلار بیسیله هیچ اشیا
کیبوزملک تربیب لار قیلسنگ کیز — درخت پید بر پس میوه هر کیز

حکایت

روایت ایلادی ابو هریره رضی الله عنه قده سیره
کیلیب بر کون رسول عالمین دین — اوشلدم پیدی سارو مایه دین
مدینه شهرینه جمله زنانی — بیورادیلار رسولیدین اولزمانی
دیدیلار ایرجقه بزده مقدار — بیانکه ایلانکا یاشاه ابرار
الارغه ایدی اول شاه شفاعت — پیاده جب دور آنده پناه رحمت
ایرینی یار ضا قیلسه فیروزنی — بارور ایدیلار دوخته اولزنی
اگر بارسه ایرینگ بورنیدین قانگ — تلی برله بلدیسه زنا اوشل زنگ

حکایت

ادا بولمیس مونلکدک قبیله خدمتی ۲ — بیلنک اوزدین بری ارا اهل امت

دیدیلر هر قیو خاتون صبایوخ — ایریدین بی اجازت تو تماول صوم

ایر دیدی بولسه انکار رضا سی — قبول ایرمیس انی تو تقان روزه سی

قیو خاتون ایر دینی راضی قبیله ۲ — ایر دینی آلدیده بیوریدیکی بکوچه

بولور شوندای ضعیفه جاجنت — کورار جنتده ایچیده آنچه راحت

ضعیفه نی قویوب ایری اوچون — اراغه کرمانکیز اولکوچه اوچون

اگر خاتون ایریدین هر نمرچه — اجازت سیز کیدا غه خیر قبیله ۲

ثوابه ایر لکا بولغای مزدی کار — بولور برکاندین آرتوق کنه کار

بیوراغ سیز ایریدین هیچ بر کار — اتا انا سینی اولکا بار چه ۲۲

چقب بارچه ایریدین بی اجازت — ملایکلار ایتار لار انکا لعنت

که بیندین ار ضعیفه لار روزه محشر — نماز دین بیوره گاه دیدار پیغمبر

بنه بیوغیسه ر ایر بنلک حقنی — که هرگز قبول ایمکیز کار شقینی

نماز ایلاب قیلنک اخلاص طاعت — تو تو نوب روزه قیلنک حقه عبادت

زنا ایلاب کشی کا باقمی نکیز لار — اوزو نکیز نی تموقه یا قمانکیز لار

خدا نینگ رحمتیدین ایلانکلار امید — خدا یم رحمت اینکا کیز کا جاوید

بودنیا

بود نباده به صد زنهار زنهار — رضا قیلیو ایرینگ هر ضعیفه یار

زمانه خاتونه سیز کا نصیحت ۲ — ایرینگیز کا قیلینگ لار بخشی خدمت

قیلب راضی ایرینگیزنی کیچنگ حق — بولونگیز بولغوسی محروم رونق

حکایت

خبر ده ایدیلار اوشبو سخن دین ۲۲ — ایشتب مزینه بیر کهن دین

بار ورده حضرت عیسی بناگاه — بولوب عبرت بر کور پسنا غه اوش

دی قیلدیلار عیسی مجرد — کور پسنا اهلینه ولدیاور د ۲

کور ارب میرلدین دمبدم چقار دود — اوشل کور نی باشیغه یار دیلار زود

ایکی اول قبرنی تولدی دود خانغه — چقار دود دمادم آسمانغه

قیلور اول صراکاسی ناله زار — بولوب دود ایکی ایلکی غرقه نار

بو پیرنی کور دی عیسی ابن مریم — ایلینگکا آجیب دعا قیلدیلار اولدم

دیدیلار ای خالق جن و انسا — پیلدی بو پیرنی قیلغیل آنکا رحم

اوشلدم دیها نفدین کیلدی ربی صوت — پیرنکا آچیلدی بو پیرنی یوغیل اویقوت

بو قیلدی دعا عیسی مریم — دیدی ای پادشاه جملهٔ عالم

مینگ بو حاجتیم ایمدی روا قیل ۲ — بینه دین بولا اولکا جاه عطا قیل

تیر بیوز مس اینلک بیر ایبوزله شاهین — نجوم کیبی دیوزمنکا اینیوز بیلدیرمین

یه قدرت بیلدی شنکری تعالے — زمانه اونمای اولوکے قیلدی راحا

یارلدر کور کوتاردی اول اولوکی باشین — بیلدم ایدی مسیحی غمنوکو بیلمیشین

جواب ایدی بیلدیمیغه اول شاه — که اندین بیلورایدی راول یاوا ره

نجوم آدم بولورمین دیدی اولدم — بوینکلیغی تارته دورمین محتشم

نه یازدینکدیدی خلاق جهانغه — بوزینکنیدیمین ایرورتولدی دوخانغه

تمامکوشش ایلاغه دودیدی ۲۲ — بولورکورمین جمالی حق تعالے

جمالی الله دین محروم بولمانغی — موتونکدیک بارموقتیغ حیرتیمانغی

قیلورده باده مقصودنی اشراح — نه حیرت دورقولیدین تونه اراح

موتونکدیک ایدی اولمدی خردمند — قیلیب جمله دلیل لایزالی دریند

حکا

بیتمز اریدی بارایدی بیرزمان — نیچه کوندین کیین اولدی اوشل زمان

انا بیلے ول ضعیفنی توشکورویدور — قزینے باشیده اوتلاریانیدور

بولوبدور آخرزمانکیم قزیل قان — قولنی زخم آتش بیرله بیجان

بیلدیلار ایچی کیکه چرماشیدور ۲ — انا بیلے اوبوینکلیغی اوشل کورمز

انا بیلے

آنا بیسه زار زار ایلیدی سب بورو بدور
نیچوکی دیب قزیمن حالاین بورو بدور

قزی ایدی ایاغمی آلمام دیدی
ایشتمکیلی دردیمی ایت یالین دیدی

بو اوت برله کویدوری انا باشی
قیلور ایردیم ایرکنده بیرگینه قاشی

اینمک اوچون باشمغه اوتمه قویارلار
بیالیب اوتغه باشمغه کویدورورلر

ایلکینه بیالیب اوتلوغ بیلدی بیل
مونوتکل یکه بیرکنده ایتای ای انا بیل

ایرکم دین بیر اجازت برسه
برورایردیم کتب کاهر نمه یه

قولوم زنجیر اوتلوغ برله باغلیق
اینمک اوچون عذابه بندورنیچا یلیق

ایاغمده منای اوتلوغ کشیار
ایشیت ایتای انا دیب ایلکده کزار

ایرکم دین بیر اجازت کوچه کوی
بارورایردیم عذابنه هم بولسه توی

ایاغمده بیالیب اوتلوغ بیلدیبیل
عذابیم بوطریقه بولکه حاصیل

یدی نلار ایمیش کیمکا چرماشیبدور
جانیب کولکه کیمه زار بیالیبدور

ایرکم دین بیر اجازت بارورایردیم
الیب هرکیم عیالین بیرتمبرورایردیم

اینمک اوچون حصاردورسه قیمار
عذاب ماردیه بوینکلیغ ایرورنار

آیا مادر ایرورآغزیم قوله فاتوب
بیوکوب ایلدارایردیم ایرکنده قرخاتوب

اینمک اوچون چرماشیبدور ایرورآغزیم قوله
عذابیم بوطریقه بولکه افروزه

جکہ بندیم یا اولتورہ بار غیبل — پیمبر غہ منے جاملسنے الغیبل ۲۲
الار ربرور شفاعت خواہ امت — گناہمنے تیلہ بہ قیلغای شفاعت
دیدی ایرب انا پسی بولدی بیدار — باشنین یکہ اورو بکو یاتقاندہ زار
یوکوروب بارہ حضرت ذوقا شبغہ — بولوب ہول یاتا پسر کوزیاشنبغہ
اوشل دم ایدی ار شاہ جہانیم ۲۲ — فدا بولسون بنکا بولسا ایمانیم
اوشلدم رسول یا ملاحت ۲ — بیار دیدی ایرینگ کیسن یسرحت
قرین توشکور کانتے قیلدی تقدیر — بیلمز ایدی کہ اول یا آخر
بارب جرلاب ایرینے کیلتور تیز — رسول اللہ الکا قیلدی شکر ریز
ایرینگ قیلدی بیدار جنداں نصیحت ۲ — تملوق ایدی بنی دریای رحمت
دیدی یارخا تو نینگ دین رضا بولغیل — برتینگ اوچون کناہمنے کچورگیل ۲
ایرآیدی یا سپاطانی ع — ایرور ربیر سیرور اولدی آرام
باشنگ دین بولایسن مزے تصدق — منکا قیلمانگیز ایمدی تملوق
تملوق قیلدی بیدار ایرینگ بیسیار — کناہمنے کچوردیب شاہ ابرار
خدا غہ بر لیکنے حرمتیدین — جمیع انبیا للہ حرمتیدین ۲
کیلایمدی بیسن ضعیفنینگ دین رضا بول — مینگ اوچون عداوتدین جدا بول

مونونگدیرگ

دل جانینگ بیراکر توبه قیلینگ ۲ کبو کبر دار بنگدین ایمدی یاخشی بولینگ

کم شاید رحمت ایتسا خوش لغای ۲ عطا قیلغای سیکا فردوسنی اعلا

بنه ایدر رسول باشرافت صحابه لار نخه اول کبر شفاعت

کتینگ هر نمرسه میت قیلسه حرام ایر مثل نی هر قیلسه یسه

یشیغدور میت کتنده یا بولسه خام حرام ایر مثل بلنگ اخاص عام

حرام لغنه هیچ یوقتور کمانی حلال لایقه کتینگ یوق ایکانی

حکایت

تقی ایدر رسول برمرد دیدی ۲ ایشتیم دیدیلار من جبرئیل دیدی

منکا ایدر جبرئیل رهبر بنگ لیک لوحده کوردم دیدیلار

جغیر ایکلوچی لار فرعون نمرود بنه شیطان ایله شداد مردود

کناهی دور بولار برله برابر ۲ بولور تا قیامت بار روز محشر

خدایم دین بولسه هر کیمنی بیمی ایکار تا قیامت الا خوف ایله ریمی

طمع میدور الار نی هر قوم قیلور لار آتسه دوزخ نی مطعم

جغیر ایکیب عبادت قیلسه مردم ثواب ایدین بولور البته محروم

خدایا جمله نی توبه نصیب ایت بریب انصاف طاعت قریب ایت

حکایت

حکایت

روایت ایلدی راوی ابن عباس — رسول حق ملایکدن دیدی بر سؤال

رسول الله ایدی روح عالم غه هادی — قیلور امت لاری یومحشرده شفاعت

دیدیلار یغلاب یه هر کیم دوامت — کوتکل کاکیلور روب وهم قیامت

اینیک جای دیدی جنت بولغای — مهیا عشرت راحت ده بولغای

بنه ایدی اول پیغمبر عادل — بارور دیدی تموقه بر کروه ایل

بریسیغه پادشاه ظالم اولغای — بریسیغه بر تکبر عالم اولغای

ایکیسی موی ایدی اورو شوب بر بریغه — عداوت لیق بولوب بانی تو تیغه

بولار جای تموخ دوزخ دیدی احمد — مونوتکدیک ایدیلار سیاطین بیرمد

دیدی اوچ طایفه نه جای جنت — یغار دایم الار غه ابر رحمت

بریسیغه عمل سیز ملای دانا — بری سید و شهید کربولا ده

بریسیغه زاهد کیم بی ریا دور — اینیک تفراغی کور کاطوطیا دور

بارور جنت کا دیدی اول شبو خلایق — بشارت قیلدیلار سیاطین صادق

کتبنی ظاهریده عیب بولسه — ولیکین باطنیده راحت بولسه

تو نه بیر توق بولور کشف یما قلیق — بنه آچلغنی نار اول بنجا قلیق

فقیر مسکین بیله بولغوسی همدم — اوریغه موجه دین تو تیسه اولکم

بو طایفہ خدا یولدن نا کلدہ — تمامشہ کاہی بولغای فوق عرشدہ

خدا نی قہر قیلمہ امتیغہ پیس — قیامت کونی امید شفاعتیدین

اوزینگنی بو کون اوزونگ بیلہ — پیشنی بولغای مردینگ نا کلدا حاصل

زبد بیدار ہر کشیدہ بولہ ادراک — دوامت حلقنی توتہ کراک پاک

نصیحت نی ایشیت آیین آدم — اوزونگنی ایلہ کیمن ہر شی دین کم

کشی عیب بولہ کو ملہ زنہار — پیشنگ عیبنگا ہم کولکو چی دار بار

خدا بد عیب دور بیلای مسلمان — بولور مخلوقیدہ کو ب عیب نقصان

تکبر ایلہ ماق کردار بد شوم — تکبر دین عزازیل بولدی مرجوم

قلیل تو ذاوزین جملہ دین خاک — کہ اندین بولدی پیدا نعمت پاک

ایکیز تو ذ تراک اوزین ہمیشہ — با مشیدین اکتمای اصلا آرایشہ

ہویدا پیس درخت با شمر بولہ — ہمیشہ پر نکو دور از ثمر اولہ

شجر شاخ بولور خم بولہ پر بوک — بولور اول باغبانغا کو ب پیشوک لوک

درختی کیچ ایرور یا بولہ بد بار — پیشرایسہ ثمر بر لہ بر ورنا ر

جدا بولغا راوشل کو ز تنہ دن صاف — پیشرایلہ بولہ جملہ ایمردل صاف

ایماپیس معلوم قیلور دور قیلو قوم — بولور پیشگ ہمہ آلدیدہ معلوم

حکایت

حکایت

روایت ایلادر ابو ہریرہ ۲۵ رضی اللہ عنہ قدہ پیر ۵

دیدار پیور دیم رسول جزو کلدیم ضلالت لارنجہ ہادر پیلدیم

دیدیم ہر بندہ گمو ہیں ایتہ یلغان نجوک بولغاے منافقلار اولانیکہ

الادین دیدیلار پیاطلار ابرار ہمہ کردیبان بولغوسیے بیزار

بنہ معراجے تونہ پیاطلار معصوم دیدیلار بر کروہ آدم نکوردوم ۲

الادن صورتہ مانندر تونکوز بولوبدور الارتماسیے قرالوز

تابعین دیلکا پیلدیم قاریب تورولار کہ اوتلوغ قمچی لار بر لہ اورورلار

دیدار پیوردیم اوشلدم جبرئیل دین بولوتوغاندر نجوک ناپاک قبیلہ اینلدین

دیدار جبرئیل اولدم پا مجملا ابرورسین جملہ گاہ المغہ پیرملہ

بولادن بر جیہ پیلغانچی لاردور بنہ یلغانکہ کواہ بر کوچی لاردور

اورونکہ فضلینک بیل قیلمہ پینک آپنک خداولدا پیوزونہ بارر یلغانک

دریں وقت زمانہ واللہ اعلم ۲ خدایقو ایچیدہ راست کوردیم کم

میلکماک تلیق قالب دور مجصل ایسمی قالب دور خلق ارالقیدہ ریسمی

دیدار پیغمبر آخر زمانہ منافیق لاردہ بار دور اوچ نشانہ

برر اولدور ایمانلی بیوزاتور — برر وعده قیلب البته قیلور ۱۲

برر اولدور الکا قویسنگ امانت — امانت کا قیلور رایم خیانت ۲

دیدیلار ربا بیرسنگ قیامت — بولور بدور نیک بختی اوچ علامت

برر سی عالم کا بولسه عامل ۲ — ایکنجی کیم ایدور طاعت کا مایل

اوچونجی بولغوسی جبه سی خندان — ایدور اوشبوش نه نیک بختلر

یه ایدر خلد ایچره اولادلر — تمامی انبیالار نی اولادلر

دیدرکیم توبه قیلسه آلتی یشنده — مغفرت بیرآلور جای بهشتنده

برر سی قیلمه اول بیوزنی لافیدر ۲ — ایکنجی قیلمه وعده خلافیدر ۲

اوچونجی قیلمه اصلا خیانت ۲ — یه تورونجی قیلمه سه غیبت

یشنجی سی زنادین قیلمه اول — که آلتنجی انا آخر تمی سه اول

بولور دیدرر سول پاکرامت ۲ — بولار نی جای دور البته جنت

یه ایدر رسول انس اولجاق — حبیب حق همه عالمغه شاطق

عملنی یخشی سی زنهار ریار — دیدرکیم بیوزلیک شاطر ابرار

تنه اتیور تلکا بیوزلار تیل — بولور بور نیک کنه لار بیندیرماجیل

کورار من ایکی عالمده بلا نی — بیننگ اوچونجی کارمن کوب جفانی

بنه کم بولالا نکیدیب ایدر عمر — تولا بولدیرمایا بولور پیدا و ر شر

کشی کوب بولاله بیه — تار نار ایدانی

ایشتور خلقوا راکو — بنا پیرانی

روایت ایلادر ابو هریره ۲۰ — رضی الله عنه قدوه پیره

دیدی بولردوم خلقنه ایلچی پیدیم — قیامت یولینه یولچی پیدیم ۲۴

دیدیم غیبت قیلورای شهنشاه — جواب ایدر منکا اول هادی راه

کشی غیبنی بولزیکه ایتیه — چکار بولیه ایدانکا کمر بیه

بولور غیبت دیدر سلطان آفاقی — مولونکز کرنادین هم بهره راقی جرمی

کشی ارقا سیده بولالا یوز — قیلب غیبتنه ار مجلس افروز

بو بولدی کا قیلما کیر منگ کما کاهم — نماز روزه یی بولغوسی برهم

قیلور غیبت بولزایسه اول زمانه — تورور تکلیف قیلوب برلوز برهانه

بولور غیبت کننده کا کبیره ۲۲ — ایشتکا کا کما بولور جرمی خفیره

بنه تهمانک غیبت دین یمانلدور — ایشتما کلیکدانکا زیانلدور

بولور هفتاد و ایشک کناهی — یاوق بولمه انکا ار مردراهی

برسیدور اینکه ای مذهب لیک | انا بسینغ زه قیلغای برله تینک
رسول اللهدین دیدارکیم قیلیه غیبت | بولور محشرده محروم شفاعت
بینه ایدار خدایم نی حبیبیم | کینغه در دیکه حاضر اوق طبیبیم
برور محشر کونی بعضی قیلیغه ۲ | اینگ کیم نامه سینغ اونگ قیلیغه
اوقوب کور یه اوشل بنده کتابین | تاپیب دوزخ بدر زاهد ثوابین
دیکار اول بنده ای بیرور دکاریم | مینغ یوق ایردی موندغ بخشغاریم
اوزونگدین بولدی اوخشار بولغانیم | قیلیب بسین لایق جودی سخاوت
خدایم دین ندا کیلکای اوشل حال | دیدار ای بنده تا بینگ بخشغای اعمال
بسینغ هر قیلیغ ثوابی بیرکای بولدی | اینگ قیلغان ثوابی بیرکای بولدی
بینه محشر کونی بعضی قیلیغه ۲ | برور نامه سینغ بول قیلیغه ۲
اوقوب کور یه اوشل اقبال دشمینغ | نجاست دین بیالور یرکا بیرمینغ
نه روزه نه نماز نه خیر طاعت | کورار نامه سینغ ایکره یوق عبادت
دیکای ارقادر ایردوردکارا ۲ | مینگ بیرکیم بسینکا دور آمرکارا
قیلور ایردیم نماز روزه بسیار | تونار ایردیم اوزونگ کیچه بیدار
کیچه قایم ایدیم روزانه صایم | قیلور ایردیم نصیحت ایلکا دایم

برور ایردیم فقیر بیکس کاجیه — مینگ نامم ایمابیس کیلکاز بو نامه

لدالکیکا خدا ایجدیره اوشل حال — دیکار ای بنده قیلدینگ بخشیے اعمال

مشقت تارتارایردینگ ایزینگ کیچ ۲ — قیلب غیبت بارینے ایلدینگ هیچ

بولوب بیشمنده باشینے قیلور پست — نه بیلور ایلدرکه اوتب کار ازدست

حکایت

قیلدی روایت عباس روایت — که بیرسوزنده اوشل صاحب سعادت

دیدیلدر بیرکور سیاکا ایچره اوتوم — رسول الله بیلدی همراه ایشتم ۲

رسول الامم رسول عالمیان دین — حبیب حق شهی روز زمین دین

بوکورلار ینگ عذابین بیخت کوردوم — نجوکلاردم ایرور بد بخت کوردوم

اوشلدم شرح قیلدیلار بیمبه — بو جیب بیشرمنی لیدیلار کوردوم

الارایلدیلار یاری یوآلغوچلار — بارر دنیاده غیبت قیلغوچلار

زنا برله بریسنے عار اولکاز ۲ — ایکیسی یوزه بار حق ذاولکاز

عقاید اظهار ده موذیلغ روایت — بولوبدور بیل کیلار لکو سعادت

دیدیلدر یول اوچی کوز روز محشر ۲ — کونارکاندی خدایقو کوردیلر ۲

زنا قیلغان ضعیف برله رجلنے — بو لولار بو بیغه زنجیرلنے

رحلتنی بو بنغه زالنوی تب ... قویارلار مندوروب اولکوندن
اینلک فرحدین آق ریم پاسینغی ... اوشل روز رلامت قیلمیس اینغی
اینلک پاسینغی لیغدین روز محشر ... جدا ماکی داد و اویلایتارلار
خدا یولدا ایتار دراه افغان ... دیکاکلار ارخدا سین بیرالقار

قیامت ایسینغی بزکا بلادور ... بلا اوزه بو پاسینغه بلادور
کونار ایکدر قیامت ایسینغی ... ویابزدین بو ایلنغ پاسینغی
خدا ذکر قدرتی برله اوشل حال ... کیلور برایت اولوخ بوم فعل دجال
تمامی زالنولار قشلاب اول کلب ... جهنم اوتیغه یارین قیلغار سلب
الهی کولکلی میزنی بی زیان ایت ... اوشل شرمنده لاردین امان ایت
اکر چندیکه قیلدوق کارجا ... الهی قیلمغیل اولکونی رسوا
حقایق نامه کتب ایچره بولدوز ... ایشیت کیلایتین ارنکو کردار
ملک تارلقنده اول پاسعت صورینغی ... یاریب چقنده اول کورلیک کورینغی
زنا فیلغان ضعیفه برله ایرلنه ... الاردی بولغوسی مولاخ تنه
بولورلار فرحیده فرح پیدا ... تلارلار تنه سی اوزره براعلا
یمانلردن بهردوایروای نکومردن

آفار

افار فرجے ذکر دبر ناپاک الارغہ قیلغو سیدور اذخوراک

اذب بسغلغید یرہ خلق قیامت بار سے یغلا شیب ایلار املامت

الہی قویمہ غیل مونداغ او یانکہ ۲ محمد امتے ہم خویش یانکہ

بو بنکلیغے بولمغار شرمندہ لیک ۲ زناغہ عاقل ایر سینک بولمہ غیل ۲

زنار زقنکا ایلار کوب زیانے ۲ زنا کرنا بمابس عمر جاودانے

زنا ایکے کورونکلے خیرہ ایلار زنا روشن کورونکلے تیرہ ایلار

زنا کوتہ قیلور پیوزلار تبلغے زنا ایلار زجل خلق ایلغے ۲

زنا کرار ایلا یجرہ کربولہ فاش کوموب بیلیدریں اورلار انکا نامش

زنا قیلغان اگر بولسہ منجرد اورلار شرع بلہ انکا یورحد

زنا ایلار سے قولیں باغلاتیہ اپاسنگ اوشلدیدہ اولوب کیتمکہ نہ آپسنگ

زنا کر پور مکار راہ ۱۵ ماندہ ۲۵ زنا کر پور اقیلور ایکے جہاندہ ۲۵

حکایت

بوایشنی لار دیماکتے کیم توبہ قیلمابس الار اصلا ایرانتہ دیدار یں کورمیس

روایت ایلار ابوہریرہ ۲۵ رضی اللہ عنہ قدہ سرہ ۵

رسول اللہ ایرور لار صاحب تاج الار باردیم دیدیلار رسول معراج

بسم الله الرحمن الرحيم
الله نقارنه بر مار چياندور
ديدار پسوردوم بولارنه قيلسه آرام
ديدار جهنم ايچره بولار پسود خوار ايروردلار
يه ايدر كشي كيم آلله پسود
پيغمبر لارمه لائيك لار اولياء لار
خدا نك لعنتي بسود آلغوچيكا
بولور ديب ايدر بدر رالكا دوامت
بولور پسود خوار ننيك يوزنيك گناهي
ايرور هر بر گناهي اوچ بار بر اور
پيغمبر ايدر بلاركيم بولپسود خوار
بولارنه كورسه ديدار محشر ٢
اگر پسود خوار اولپسه اوغ بيسز
اگر بولپسه ديدار هر بر ده بسود خار
اگر پسود خوار لار هر بر كه بار پسه

ديدار بلار بر گروه آدم نه كوردوم
خور كه هم الارنه ريم قالدور
مولونكدي يك تارته دور محنت غم
خور كه دايما مردار ايرور لار
خدا در گاهيده بولغوپسه مردود
ربالعوارنه بر پسه لعنت ايلار
بنه بلغاگوه ليك بر كوچيكا
رسول حق شفاعت خواه امت
الار حال تالكا بولور تيناهي
زنار مادر تيكا ندا بر پسه
كور رمحشر كونده بولغا كوله مار
بار خلق بر صورنده قوپارلار ٢
بار ور دوزخه اول قوي براغ پسز
اوشل شهر ربولغوپسه دوچار
زمانه اولتوروب اول پرده باتپه

ديدكار

دیکار لعنت الکا اول بیرو وامت ۲ — بیلنگ تا بولغونچه روز قیامت

قیو بنده بیرور اونفیسکه زار — اینلکدیک آدمی نینگ صالغه وار

نوتار بیمانه ذ بعضے آدم — بونفس نی رد ایکا یار میسکنے هم

کنار اول کشنے فی بدشک ایمانه — بو یورکا قیلمانگیز تنگ کمانه

هلاک نفس بولمش جمله آدم — اوزیکا آرتوق اوچ راور کا کم

الهی پاقلا غیل ایکنے یار میسنے — خیانتدین جوانلرهم قریسنے

هوایدا نفس بدکا اورمینگ هاکے — پسنے اوتقه پالور بر بنگ رای

بونفس بدکا هر کیز بر مکیل راه — همه علم نی قیلغان نفس کمراه

حکایت

روایت ایتدی بیلدا بن عباس — رسول الله دین اول زبده ناس

همردین بیدر رسولدا غ ایشتیم — مبارک سوزلاریکو سکلو صلوتیم

نماز روزه حجلاریدر هر کیس — زکواة بولمه مقبول بولمس

زکواة ایمدور بیلنگ مالنگ حصاری — قیلور دفع بلا یاز بهاری

نماز اوقوب کیز یکم روزه توتسه — فقر میسکین کادایم خراب ایتسه

اینلک بیر نماس توابه بیر یوز یکا ۲ — بو یورایسه خلایق نی کوزیکا

حکایت

علامت حمله گویندگان

حکایت

بنه ابدر حبیب حق تعالی ۲ منکه امت لار بیده آشکارا

بولور بیلا دیدیلار تورت نمبر ۲ هلال اولغار الکا جاله کیرسه

بولور مبتلا الکا بار بیله کشی قلبی جولنه هم قریبه

کناهی نی حشر هم آشکارا الارنی ایچیده بولغوسی بیدا

طلب بولغی الارنیک هر نه بارے کوب اولغار دیدیلار مال تولارے

بنه کیتکار دیدیلار خبر یامه الارنی مانی کوب چقار حرامه

خلایق لار بار بر بوزه تورمیا عداوت ایل ارا سیده کم اولمیا

الارنی یاد ست ه ظالیم اولغای فقیر مسکین کا بیه حد ظلم قیلغای

الارده کیتکو سیدور خیر اجیا یقار حمت الارنی مثل بارانی

رسول الله امیر و عالم اهلا بیله همه عالم امیر و رانیک کدا بیله

الارابدی قیلور هر کیم عبادت نمازا و قوب بنه ایلار سیخی وقت

او چونی ایکسه ندره جابر و لار ۲ الکا خوش زینت جابر و لار

که تورتونجی بیمه ایچره بیمبر ۲ دیکا یلار هم انی جمع ملک لار

بشنجده انی خوش رو دیلار بنه بشیرنا بیسخن خوش خو دیلار

بنه

بنه آلتنجی انی آیسمانده ۲ دیلکا یلار جهنمدن آزاد بنده
کیم آیسمانده هم خدانی پیسور بنده پیسه دیب آلغلانی
کتیبنی مالینی بوقنور زکواتی قیامتده تیکار الکا اوایاتی
بخیل دیرلرانی اول یسماده تموغ بیلک اوتیندن نامیسا امانده
دیلکا کلیم ایکنیجی آیسمانده بغر لعنت انکا تونکوکی زیاده
اوچونجی ده دیلکا شیطان مردود خدانی دشمن دیرلرانی زود
کی تورتونجی یسمانی اهل انی همه یوز قرا دیرای خدانی
بشنجی آیسمانکا ایکیده کی خلق انکا هیل نماز دیر جمله مطلق
کی آلتنجی یسمانده دوزخی دیر ۲ بشنجیده قرا یوز لیک شقی دیر
کتیکیم قیلیه دایم خیر اچانی انینگ مالینه بولمیس زره نقصانی
کی هر وقت کتیبنی خیر کیتکای چقار مالدن حرامه اوغرایلنکای
بولور یوز مینگ بلا دن لارغه کرفتار مونونکدیک ایدیدیلر سلطانی ابرار
بنه پیغمبر آخر زمانه قیلور هیر کیم دیدار خیر اندانه
تنده قانچه اینگ موی بار بولغای ثوابی اعمالیغه شونچه بیلکای
قیلور خیرات هر کیم دیدیلر نانی بولور سیاه قیامتده اوشل نانی

بنده ایدر جمله خلقه طاعت
محلف بخشے سپیدار کوکل امانت

بسخ فرقه یقینیدر اورنه جنت
بخیل کورکا تمو ایچیدر حضرت

حکا
بت

ملک ملوت اردرگاه معبودی
کیلیب ایدر بر کوزل داوری

ایکاوی اولتوروب ایدر اوشلدی
بوزایتیب بر بر لیکا ایکی بولدی

اوتوب بارور ایدر بر نوجوانه
عجب نوبر یکیت شیرین زبانه

قدی سرو صنوبر غنچه پسیدیک
یوزی ایدر قرنفل کل غنچه پسیدیک

نه خوش زیبا یکیت ایدر داود
نه خوش لایق ایدر اتمیش دیدی معبود

دیدی عزرائیل اولدم ای شهنشاه
نه فایده اول یکیت نه عمری کوتاه

دیدی داود اولدمده بنجو کدرمی
اینلک جانینه آلور بیلمیدرمی

دیدی عزرائیل ای داود بیلیکیل
بولور در حق اذ جانینه آلیسل

اینلک عمر یکه بیتسه کوزی یار
آلورمن جانینه اندین بیلمیدار

که عزرائیل بوزنه فیلدی درکوش
ایکی کوزیوب یکیت کا بولدی خاموش

اوتوب ایدر یکه بیتسه کوزی یکیار
اوشل بر یکیت چوق اچیلمز کلزار

یلوروب ایدر اوتوب آهسته یاسب
کوروب داود انی حال اولدی تعجب

اوشل

اوشل حالت بنه عزرائیل ایلدی — که داود ذ آلدیغنه کیلدی

بیلکز ایلدی دیدی داود انکلا — قولاق بیلا لغیل سوزم انکلا

توکانب ایردی انبنگ رزقی روزی — یوق ایردی عمری بعد ذ یتمش روزی

یارور بولدی بو توقتی بزکو بسیر ۲ — که بر سایل غه قیلدی ریتسه پل خیر

اوشلدم کیردی خیراتی ارا غه — بولوب دافع الکاکیلا کا بلا غه

خدایم بیتسه کون ذ اول زمانذ — اولادی ریتسه پل کا بیل کیل انذ ۲

الینگ حکمیدی ایردی جمله کار — بو موب کوز آچقونچه یوقسه قیلور یار

اگر قهری ایلاسه خلق معبود — دوعالم ذ قیلور بر دمده نابود

خدایا جمله غه توفیق عطا قیل — بارینی صاحب جود سخا قیل

پیمبر ایدیلر روز قیامت — خدا بیلدی اوشل چیزلی شفاعت

بولور دیدی کراذ ترازو ۲ — عملنی بختی بسیدور خلق خوشخو

که مشرق تا بمغرب قیلسه خیرات — غزر روزه ایلاسه قیلسه طاعت

که یوقتور بختی خوی بختی نیت — قبول ایرمس اوشل قیلغن عبادت

بولور لار خوی بد ایلکز عملنی ۲ — بولور بسر کا بچوک قیلغن عملنی

بولور خوشخوی لیکن بد ایل ارا — بولور مرتبه سی هر کوکز زیا ده

بیمر ایدیلار زنهار زنهار ... قیلینگ خوش خوی لیغ نیکوکار

یمان بولسه کشی خلق خوی ... نوکولور یرکا اولدم آب روی

انینگ آلدینا چیقمه قیلسه باوبس ... اگر قبحور سه یاخشی آلدینغه بارمیس

حکایت

که بر کون بنده لیک نه شیخ بصری ... بی کیلتور دیلار پسلطان عصری

اونوب ایردی نیچه مدت نیچه یل ... چیقوب نه قزیدین بیرور کیلیر ایل

بیرور کیلر که بیز که بوروشنی ... کیچه اورکاته دیدیلار خلق خوشنی

قزایدی اتا بیز دین بیسب میزم ... اتا تعلیم بیرکنی آلیب میزم

حکایت قیلدیرایلکا اول ضعیفه ... دیدی آتاسی آیتسینکیل بر لطیفه

بار یب ایردیلر اتام آلدینغه روزی ... اتام نه بار ایدی بر خوب کنیزی

انینگ ایلکیده ایردی بر تمور سیخ ... تنور ایچه کاب الغان طرفه سیخ

بر اینچم بار ایدی طرفه زیاده ... انینگ چینگ ایل ایردی بیاده

اتام انه بغایت دوست توتار ایردی ... دل جانه بیلدیکی انه بیوار ایردی

اوشل سیخ توشنی واد کنه قویدی ... اتام نه بوی نیغه بیلماسین لیکیدی

کویوب اول جانی حق تسلیم قیلدی ... کنیز بیچاره قورقاندین نقیلدی

اتام

سینی آزاد قیلدیم ایمدی اللہ

کندوں اول زمانہ آزاد بولدی — انینگ کونگلی بغایت شاد بولدی

بولور خوش خوی لیق او شبور وشتہ — زیبا قیلمہ اذ ہر قبیحہ آشتہ

زیبا قیلمہ زیبا قیلغالغہ زمہا — بولور خوشخوی لیق بلنگ بیزار یا

جواب ابدر سیوالہ ایدکاچہ زود — خدا لیق لار او شلدم بولدر خوشنود

خدا دین قورقمہ ہرقبیحہ آشتہ — دیمہ بولمیس اذ ہرگز ایسلمہ

دیدر پیغمبری آخر زمانہ — ایسلمہ انلیغہ دہ بار دور اوشانہ

بری کیلکان بلاغہ صبر قیلغای — برار اولدور قضاغہ راضی بولغای

برار شکر ایلیغای حق نعمتیغہ — اذ لالیق دیکیل بندہ آتیغہ

مولونکدیکاذ — میغہ حق تعالی

عطا قیلغالارنکا — فردوس اعلی

بروبار ابدر پیغمبر زمانہ — برا وغلی بار ابدر زیبا جوانہ

آتا اوغول نماز باجماعت — اوقورابدر رسول برلہ دوامت

کہ برکون اول کشی نی اوغلی اولدی — یقلدیر تیب مصیبت تونہ کیدر

انینگ کیم خاطری بولدر خوش — بولوب اوغلی کہ غمکین بولدر دلخوش

بیرشنلیغی برله یغدیراوشل کیس نمازغه نیچه کونلار بولدرکیلکا

قراب بهر روزاول کشینه پیمبر کورونمیس صفه یصفهارنا

صحابه لارغه ایدر اول زمانده نمازغه نه اوچون کیلمایسیز اول

صحابه لار دیدیلر اوغلی اولیدور اینیک کونلکی یصفهاده اولدی

بویوزنه ایشتب شاه زمانه اینیک اوی پیرلر بولدی

صحابه لار برله بارایب پیمبر اوشل کیس اولکا پیلطاغ

انده جرلاب قاشینه کوب نصیحت قیلب ایدرلر انکا بهر شفاعت

که اوغلوم کل اولکا اینکه ای برادر نیکه خوشنود بولمیسین دیدیلر

قیامت کونی تریلیه جمله جانی قیلورلر فرزندلیکنی کافکرلر

بهشت جاویدان ایکه کرنیکلار یورورلر عیش فراغت اللرنی

دیلکارلر فرزندلیکنی بیرورکارا رحیما مغفرت لیک بیرباکرا

انا برله انلرنی ایلکاریمز بهشت جاودانغه کیرمکاریمز

الارنا کورمکونچه روی جنت حرام ایرورالارغه بزکاراحت

رسولدین ایشتب بویوزنه اول کس اوشل ساعت نغیب ایلدی

دیدیلار بهشت قیلورکیم کوزیاشینی خدایم رحمت ایلاه اوچ کشینی

انا برله

انا بر له انا پیغمبر اوشندرم ۲۲ قبلور رحمت بنه فرزندرنه نامم ۲

بو یولدکا قبله بر کیم اعتقادی الکا بو یولدکا ایرور بر قبیله دادی

رسول الله پیغمبر بنه قبیله ایشتب جانه بر له قبله اخلاص

دعا بنه انه ایلدر اجابت ۲ عطا قبلغای خدایم حور جنت

حکایت

پیغمبر نه بار ایلدر بر اوغلی ۲۲ آنه ابراهیم ایلدر نو نهانی

اینلکه چینه ایلدر یوسف مثاله تا مب ایلدر شکر دین قوه یله

پیغمبر چین ایلدر جمله قمر وار طلوع ایلدر ایلدر بر ماه رخسار

اولوم غارت قبلور جمله جهانه ۲ کشی قومیس نه بخشی نه بیگانه

که بر کون اول قدر میرور دانه تکیب بادا اجل قبلدر خزانه

اجل تیغی بر له کوروب بولدر اکبر خوی افور وب کوز یاشینه اشکلی کلکون

خزان بولدر اوشل دم غنچه بلغ بیگانه کردی بجوکدر جسر بجوکدا ۲

پیغمبر نه ایدیلر جمله اصحاب نه دیب کوردیلر تو کا بیز انکه خوناب

که بر دین منع قبلدر نیکلر بغلدا مغنی نو تو نکدیب حق تعالی بو بر وغنه

که بر کا بر ماد نیکلر بغلدا ماقه راه اوزو نیکلر نیکا بغلدا بر ایاشاه

بصد زنهار بر لار کہ نصیحت
نہاذ یغلا لکیر
بو سوزنی ہم مصنف
لار بتیب دور
یتہ کوب نسخہ لار
دہ کیلتور وب دور
کشی نینگ بولکیم دنیا خرصی
خدا دین یولغار بر زرہ تریسی
غضب ایلاب اذ تنکر تعالی
انینگ کونکلیدین آلغار مہر عفو
کیتر بیل الدین انصاف دیانت
کیچہ کوندوز بولور فکر خیانت
اذ کونکلیکا تونکار کوب تردد
الار بر دنیا مالین ایلیکا رد
یغیب مال ملکت مثل قارون
کوزوکی اوتکہ تا خاک تو یمای
الہی سیا المایغیل مولای بلادین
تو تولغار میز بو نکلیغ ماجرادین
کہ مندین دنیا نینگ حرصی الغیم
قیامت وہیبتی کونکلوم کتاب العمل
ہویدا ذ بتہ جملہ ایلیغ
کشی دا تیکیل خدایا فعل دلیغ
عمر قیلدار یتچہ بلدار عبادت
خدا نینگ قہریدین قورقوب یغانت
ریاضت تارتہ تارتہ بولدی بیمار
کہ بر کون کیلدی یلار سیاطی ابرار
ایا عمر دبدیلار قانچہ مدت
بولوبدور تارتہ بیر مولای منتہ
بودنیا

بود بنا کار یکه مشغول ایما پسر — او ورو نون لاروه یا نیب او خدا پسر

عمر ایدر پیغمبر اکرم ابرار — اکر من بولمیم هر یکیه بیدار

که روز محشر ده ضایع بولور من — جمال الله دیه حرم بولور من

یکیه کوندوز خدا دین قورقوب عمر ۲ — تراک یفراغیدیکه تیز ایدیدار

ایرلدر بو طریقه زنده کانه — قیلب اوته جهاندین ای فلانه

پسر بزایکیب بیه حلوای بدود — بولور میز خواب غفلت برله نابود

بصد خوف جکر لقمه طعامی — بدیدار روح برله جسم شامی

کیجورردیم یکیه لیلکنی بازار برلان — انا برله انا اعزاز برلان

یکیت لیلکنی کیجورردیم میت منموه — نه پروای قیامت منده نه کور

قریب من یوق دیب جمع ده قوه — بیلا لمک بیس من بجوک قیلغوم دعبدت

بالیم یتکانده دیوار احد کا — عبادت قیلمدیم دیر من احد کا

بویرده قیلمیمک — حالا عبادت

نه سبو ایلدراشبو — اولنکا پیشمانلدا.

بروبار ایردی پیغمبر زمانه — آنه میروف ایدر ایلکا عبانه

کیجه کوندوز قیلور ایردی عبادت — خدادین قورقار ایردی به نهایت

منکا همراه بولیه کشردم مار — نجوکل چالیم کیچی ردیب یغلدی زار

ایا پدر دویر شیده به هیبت ۲ — کریب قبله یه سوال یا مشدت

الار قیل منکا قهر عطا یه — نجوکل برکوم سوالیغه جوابه

صراط کفر و کمراوج منکا یلیق بولدی — بولور ایدی اوتا لمس هر نجوکل قلی

ملک تا رتقاندی صور یا میرسنجی — اوشل روزی تریلکاندی همه جانی

زمین آسمانی بولغاندی پاره — نوکولکاندی تماحی سیتاره

قیامت کا اوشلدم یغلغاندی تماحی خلق عالم

ایل کیمکا بیرسا دفتر یمینی — بولار لار زره چه خیر شیر یمینی

قدر نیزه کیلب خورشید تابانی — تولار یاشیمده جوهر درخشانی

نجوکل چالیم کیچا ردیب آه او لکوکی — کوزیمدین ایلدار خونابه یرون

بوکون لار دنیا غولور من دوامت — نجوکل دنیاده بوکوم بافراغت

ایا قادر بولار دین بوما آزاد — بولای قیلکوله خرم شاد

اگر من تارت میم مونده مشقت — قیامته چکارمن رنج محنت

بوقیغولار بیرله اوغلی یقیلدی — اوشلدم جانی جوتسلیم قیلدی

مصطفی را شوایشر انجشیدم بر این میت حاضر آورده

انا امت املوهم قیامت — انا مرد اتا صاحب پیسعمبر ست

ایر الله قیلدر موندا غ بنده لیکنی — مینلکدیک کیم قیلور شرمنده لیکنی

مینلکدیک عاصی قل دنیاده بولمیس — قیامت ویمیدین کولکا

اوزومنی یعنی نولمایین بیلور مین — کولکل کا کیلکا اشلار

قیلورسین ای هوید ایوزینگ اسلم — ولیکین بنده یوقتور زره

بیت

بار ایر در رالعزه آنلیق ضعیفه — الکا قیلغل خدا رحمت وضیفه

او قوب بهر کیچه بیس خفتن نماز ین — قیلور ایردی خدانی عذر رازین

که اندین پیونکدیر ایردی اوزلیکا — اوشلار یاشش آقیب ایکی کوزلیکا

دیر ایردی ای بدن بیدار بولغیل — خدا اینگ عشقیده درکار بولغیل

بیسنی اولغات کلمه هیچ کیم تاپلمایس — بیوراب جالیک کشی آلدلکا کیلمایس

قیلورسین ایرته دین تا کیچه کا طاعت — مونولکدیک ابدال بینگ حقه عبادت

کیچه اوخلاب بیتارسین با فراغت — چیب ایرمیس اینگ کوندوزکی طاعت

مونولکدیک ایتور ایردی اوزاوزینی — بیدار ماق خواب غفلت کا کوزینی

تماحی کیچه لار بیدار بولدیب — خدا اینگ عشقیده درکار بولدیب

که بولـ

ردی او ردم بقبلہ قبلہ من جہت کعبہ خالصاً للہ تعالیٰ اللہ اکبر

بعدہ سبحانک خوانر

کہ بولہ اوی قوبیلے نخالیب کوزلیکا — قوبارایردر باشیدہ اندک تشریکا ۲ — مبعد زان صلوٰۃ

بولورایردر اوشبلدم بارہ پیدا ر — اوتارایردر نحاز نفل بیلہ ر — میخوانند سہ تکبیر

اینلک بارایردی برایکے جفا نہ — نمد جرم دین یما غلیق قبلہ کے اذ — اگر سہ نماز

کیب اول تونہ الیمز بل تر کیبلیک — قبلب اوتہ اوشل بنکو بیلیکلیک — بود شاہ اذ قوسون

بولوب اخر حیاتہ اولدی ایرب — اذکور میش توشیدہ بر کمر بہ — اللھم اجعلھلنا فرطا

کیب دور حلہ جنت منک البوان — تماحی کابر کلیک در مرجان ۲ — وجعلہ لنا اجرا وذخرا

بیورو بدور اندین اول توشکوکا — دیدی تا بکا بیلا ایدینک بر بر چہ تا — واجعلہ لنا شافعہ

لباس ہم طعام آلدینکدہ دور حاجے — مدام ایردینک بیرم نالتہ محتاج ۲ — ومن شفعا الرد ومن

تا بید دور بیہ بولکوں مال فراوان — الیب دور بیہ بولارہ قبلہ بنا ارحانا قیامت

دیدیکم رابعہ دنیادہ محنت — چکارایردیم بلسے نیچ مشقت

قبلب ایردر لباسیں کہنہ ور بر — اینلک اجر بلغہ بردر جامہ زر

مکافاتہ دیبا بہشتکے فلاسے — خدا بردی منکا جنت لباسے

ہمو دایمہ ہم ایتور بیہ منہ ایر — بینکدیک بولہ ایر بولغای قدر

کیلور ایردینک قولیدین بخشے ایشلار — الور ایر بیرہ اندک بارہ وقیشلار

بیلور بیہ اوشبوکوں قرینک تو بارہ — قچان بیلکوسینک قیامتے اوتارہ

الا بازنه ... الارض من ذا الذی یشفع عنده

کورلار سوبسون امیر الله قیلدار طاعت ... بولوب صاحب یاضتا تا

بوروب سن احصل ... بولغاب امیر آتیب

قیلغانینگ ... امیر الله رحمتیب

بار ایردی بر کمر بسته صفوان ... قیلور ایردی عبادت بار

که بر کون ایدی اول مرد بهمت ... جالیب پیلکا فوری همت مند

قیلب دور وعده موندا غ تا یرنگ ... نچه کونلار جهانده بورکولوک

یانیم بر کا بانیم یا میتوقه اصلا ... قویوب یا تمام دیدی اول مرد دانا

تمامی عمریمنی موندا غ کیچوردی ... انینگ عمر لیکا بر کون آخر بولدر

بناکه بولدر صفوان بیشه ده نخچیر ... مرضدن یاره یاره ایلادر زور

خدایتوا ایدیلدی کیچ صفوان ... تیانیب بوریا غه بردی اول جان

انده غرت بر له ایل بولدر تازه ... اوغوردیلار غیلب ایل جنازه

خدایتوا لار قیلب فریاد افغان ... کوتاریب بار دیلار یوی کوریتا

الیب کورکا قویارده مرد طالیب ... خدایتوا لار قولیدین بولدر ی

اوشلدم ایل بریسی بولدر حیران ... نچوک بولدر دیدیلار جمله یارا

ندا کیلدی خدا یمدین اوشل حال ... بولور سیز خدایتو نیکا

قیلب

لا یغادر صغیرة ولا کبیرة الا احصاها

قبلہ بابر در مولو نکدیک وعدہ صفوی
باشیخ بیر کامو بیام دیب اول شیخ آی

انکا حق تعالی قبلدر وعدہ
بیلن اولیسکز ای بلند عقل ابنده

بیلنے یا تقور مغایکدن زیر خبر ۲۱
برو رمضان دیب فلک فدا ویرنده جاه

قبلب دور وعدہ بیلنه حق وفای
بهشت جاودان قبلدر عطای

انا عشق انا طاعت انا مر د ۲۲۳
انا عشق محبت صاحب در د

کو تاریب مغ فور وق نام فلان فد
یو فا ابرو مند ناچیز ابر لیک نشانه

نو شوب مغ کو ب یمانی همت پیله
الا لیس مغ مقصانه بادست

بیلنے وعدنکدا یمانیلی ایکی ابرو بر
بیلنمز مو ابر قابین ایکی شمشیر

فلان ایشنه مغ دیب الور بیلنه
زمان اوتمای بیلور نکدین ابدی نو بیلنه

بیلدی قبلمایلی
ایشنه ایمه بیکار

دم اور ماغیل قولوم
نکدین کیلمه بیکار

بار ابر در بر کمر به خوش کلامی
حبیب غمخوار ابدی ابل ایچره نامی

قراب بغداد دی فرق بلا آیلمانلق
قبلب عرضنے خلاق جهانلغه ۲۲

نزاکل یغماغ بنکلیغی جنبش ایلان
مولو نکدیک ابدی رابر در نالیش ایلان

جهانلغه بلا کیلیپ اوزه مدین
بیلور مغ بر چه یاپمان شوملو غمدین

بنه ایتور ایدی اول مرد عاقل ۲ اولیغان غبل ای بد
اولوم کیلیپ سنکا بر میں نجی تد بورونده ین قبل هسوبا احتیا
خدایم قاضیه بولغانده یا شن که بورب جرم عیا
قبول بولمیس اوشل روز تقصر سنکا بولمیس اوشل کو
بوینکلیغ صرغایله اوتد حیا تد اولوم دین برمدر
اوشل مرد خدانر سیل اولدرایر اذکور نوشیده بر
بورو بدوری حبیب غمخوار ایمدی اولوب ایردیکل بسنی حالینکه
دیدار غمخوار دنیده ای یار قیلور ایردیم نماز روزه
وفا بسنی مدن اندہ کورمدیم هیچ زیانی بسوده بسنی بلمادیم هیچ
منی قیلدی نمازیم موندہ دلشاد خلاص ایلاب تموغدین قیلدی
بار ایردی برخاتون اتد شبانه درکنیج بار ایردی خانه خانه
که بصره شهرنیده ایردی اوشل زمان ولایت خلیفه ایردی معین
خوش آواز شاعر ایردی مشهور کتب ایردی اذ اوازه بیله دور
اولیوز سنکا مکار روز شبانه شبانه ذ الیب ایل بر قیانه
بغدیت شاعر ایردی طرفه بشر قیلور ایردی اولیوز سنکا مذکر

ایکیب

ایچیب بولوه شراب اول نچه مدت ۲ زنابرله اونوب عمر ردوامت ۲

اینگ کیم بولوکینه بارایردی زنابرله بری درکارایردی

بارایردی بصره شهریده بری نصیحت اوتوردی ایلکاریم

اوشل عالم که برکوبنه اوتوردی اینگ آلدیکه کوبه یغیلدی

ایشتیلدی شبانه نغمه آواز بولوردی برکنیزی اول کنه باز

چغیب کورکیل دیدی براوی کیلادور بولایل ایچره کوکنوغی بولادور

باریب کوردی کنیزی برعالم لغبز خلایقلارینغیلمش اینه وعظ

اینگ وعظایدی ایشتیب قیلدی درکوش کنیزک بولدی اولدم مهبت به بهوش

چغاردی باربرواد کنیزی اول حال ایشتب وعظ اولهم بولدی لال

کنیزلارنه بریدی بریدی بهاسیز یبارردی کیلمادی بولدی بریسیز

اوزی القصه قیمت بهاتوکنه کیب اولدم اوی دیب بولدی بروکنه

چکیب بیرمه یولیکا قویدی غازه کورون کالی خلایقلارکا تازه

کیب اول نه بته دیب بکجوا ه کیلور بزنا زنینه طرفه دلجوا ه

کداول معرکاکه کیلدی خلایق زمان وعظ ایشتب تابنی آرام

اوشلدم بردی الکا حالت رو اقوارب کیلدی کوزیاشینه قیلب جو

کیلب تو ردی اوشل عالم قاشیغه — بولوب بهسول پای تا بر کوزیا شیغه

بیوال ایسنه کی ای مرد خردمند — قبول قیلغای مولا تیب خداوند

دل جانیم برله کیر تو به قیلب م — یمانی بولغه یورو ردی ایمدی

دیدی اول ضعیفه بس بیلورسن — دل جانینگ برله به قیلر

اگر قیلسنگ کنه بیل شبانه — کیچار جرمینگ خدا و ایکا

خدا اینگ رحمتی کو بدور ایمکا بس آز — قدم ایلکاری قو ایقیل یا غفار

عیب لیگ قیلغه ستار العیوبدور — کنه لیگ قیلغه غفار الذنوبدور

ایشتب اوشبو سوزنه بعلدار زار — اوشل حالیغه مشر منده کنه کار

مشبانه مسن ایرور من دیب اوشل حال — اوزینه بر کیه اورو ب بولدار

تو به علم قاشیده تو به قیلدی — لبا سینه ایشب آلدیغه قویدی

سیاب ایلکینگ برایسکی جفانه — کریب برجا یغه بولدار نهانه

کیچه کوندوز قیلب طاعت عبادت — کیچوردی عمریسنی تا ریاضت

بیلکا جالدی همت بونه بیلدین — خدا بولدی خلا بونو بوطه بیلدین

کنیزلار نه بارین دلدار قیلدی — خدا اینگ بولیده آزاد قیلدی

کو لکلو دین تا شلادی دنیا خصومین — کیچوردی طاعت ایلاب بانی عمرین

حکایت

حکایت

۱ بشنیدستم ایا مین من بر حکایت — قیلب دور اولیا موندایخ روایت

که بر کون ایردی عمر ابن خطاب — رسول الله قاشیغه کیلدی بغداب ۲

بیمبر ایدی بلدرر ایا عمر بیمز ۲ — بیمبه دور کیلب بغداب بروه بیمز

کورمیز یاشاین قیلب جونی جوریاری — کیلب تورور قیلب کوکسیکا چاری

عمر ایدی ایا شاه جهان بیم — بیمکا بولسون فدا بو تنده جانیم

نرور مسجده اینکیده بر جوانه — اوزین برکا اوروب بغدار جنابنه

اینیک بغریده بار بر سوزیش داخ — میاجب باشیغه بغدار باشین اگمیاخ

کوروب حالین بولوب خاطر پریشان — اینیک اوچون ایرور مسلمان زار گریان

رسول الله دیدیلر ای عمر بیمز ۲ — باریب اول نوجوانه کیلتور بیکمز

قیلوبردیلر کیلب ایردیلر کورالی — نه دیب بغدار ای حالین سوراله

عمر چیقیب الکا قیلب ایشارت — رسول الله سوزین بردی بشارت

میلادم قیلدی کیلب اول نوجوان مرد — بیمبر که باجیب باصهره گی زرد

جواب ایتیب میلادم میغه اوشل حال — یکیت دین سوردیلار پیغمبر احوال

نه دیب بغدار سین ای بیمبر وصنوبر — منکا ایغبل بوکون حالیکنی بیکمبر

نراک یغمر ایجدک تیکدار اوشل شب — کوزیدین قطره قطره اقوزوب آب

قیلیب دورمس بیلکو کی جرحی عظیمی
رسول اللہ دیدیلر انکا اوشبو حال
ینینگ جرمینگ اولوغمو آنچوکی مرد
یکیت ایدی مینگ جرم اولوغدور
ینه ایدر حبیب حق تعالی
یکیت آه اوردی اولدی لعلدین زار
ینه ایدر انکا اول شاه اصدق
یکیت لعلدین ایدر ای شاه درویش
اولوغدور رحمتی حق ای شهنشاه
قیلیب بیوه نه کنه دیب بیورمادی احمد
یکیت اولدی صده لعلدین اورر آه
مینگ قبلغان ایشی دور کیچه کوندوز
که انصار ایلیدیلر برقیز اولدی
کیچه بولغاچ کفن دوزلوقه باردیلر
اوشلدم چیمیدین آلدیلر کفن نی

مینگ کونکا وده کونور خوفی یوق
مبارک لب لاریدین توکیلدی لآلی
ویا ارض سماای مرد باور
زمانین اسیماس بیلم آنچه یوقتور
مینگ جرمینگ اولوغمو یا عرش اعلا
مینگ جرم اولوغ ای شاه ابرار
مینگ جرمینگ اولوغمو یا رحمت حق
خدا اینگ رحمتی دور جمله دین بیش
اینگ آلدیده جرم بر پیسر اکاه
منکا الغیل بیلدین ارجوا مرد
چکیب قیغی ندامت ایدی ای شاه
که بیلسه بل ایدی بولدم کفن دوز
انداییتیب خدا اولکا قویدی
آجب کوریدیلر انداغ شعار آلدیلر
یلا انکا جایلادیلر اول کیچه تن نی

کوردیلر

کو را مدح ناز نین ذه دلربا دور ۲ | مینک جانیم غه بولغای برابلا دور ۲
اینک چیمی پیری قیلدیم نظاره | یینه پیالدیم نظر اینکا دوبا ره
توتا لمادیم یمانی کو نکلوم ذه مرباش | مینغ شیطان ملعون قیلدی توبه باش
اذ قیلدیم زنا مرد جرمی بدپیاز | اولوک قیزدین ایشتم اوشبو آواز
خدا نا ترسی ای بدبخت بدکار | دیدی قیلدنگ مینغ جرمی ذه مردار
اویا مگا تنگری بدین قیلدینگ نجو کی شر | مینغ تو قیلغونچه نگدین روز محشر
الیب بارغوم به پیش خالق طاق | نه ایتور سین جواب ایمدی ذپ ق
اوشل قیزدین موتونگدی پوزاشتم | اوزومینغ خوف ابلاولدی اوتوتم
مینغ کو نکلوم مکا موندای خوف تو تمشتی | چقارغه تنده جانیم یا پوشتی
او مدین کیتی جرطاقت ایمدی | منکا اول کو نچه یوقتور طاقت ایمدی
اکر مدین توبه قیلسم یا محمد ۲ | روا بولغای میسوار یا طاها بیر مد
بو بوزدن اشتیب اول شاه میرور | براخ تورغیل دیدی ارشوم ابتر
مینغ کیتیک اشتر قیلغای بیکبار | منکا دیب ایدیلار یا طاها ابرار
که هر کیزبو مقدار بیندیک زناکار | خدا بیلار بیندین جمله بیدار
بو بوزدین اوچوای خاطر پریشان | بولوب اول خندان دیده کریان

امید بن قبیغ ایلدب بولدر حیران — بولوار در یغلدیلر بیوی یاکن
بچه کوندیلر بوروب فریاد قیلدی — خدایخه یالبارمیلر داد قیلدی
اوروب بهر دمده یغلدیلر آه و زار — مناجات ایلدی قرق کیچه کوندوز
خداوندا بنکا بازدیم یالکلدیم — نه قیلغان ایشدر بیمنی توبه قیلدیم
قبول بولسه اکر آه ندامت — رسول عالمین غه بر بشارت
قبول بولمسه مندین اوشبو مطلب — مندی کویدور غضب اوته برله بارب
کناهمغه بدل بولغار یکیار — بو نکلیغ ایتوار در یغلدیلر زار
خداوند ایلدی روح الامین کا — خبر بردیلر رسول عالمین کا
بیلدیم ایدر خدا بنکا بسیار — بنه قیلدی خطاب ارشاد ابراز
خدایتو دیر اکر سین موحد — جواب ایتیل بو سوزکا ایلدی روشن
رسول الله دیدی سین مبلغ — ایروسین خالق رزاق هر جانغ
یراتقان بولسنکا سین ای محمد — کیچورایم قیلسه بندم هر کوکدن بد
دله جانه برله کوب ایلدی آه — بولوبدور توبه سیغ مقبول درکاه
قیلب رحمت اندین جبرئیلغه — کنه مکتوب یتکلدی اوچوندیم
خبر بر جبرئیل اذ الدیکه جبرئیل — بیولدی دور کیل بنه کونکلینی اوندات

اکا ایغیل کہ عکا بن بولیپ اول — ہمیشہ غسم ایچیدہ قلیپ اول

انا بر لہ انا دین مہربان را ق — قلیغہ ایکی عالمدہ ایزید طاق

رسول اللہ مونونکدیک وحی ایشتے — محبت شوقنے کونگلدہ توتے

یکیت کابر الکا ولاغ یوبارے — اغز جراب آلیب برمشرہ بارے

یسنے تو بنکنے متی مقبول قیلگ — کرم بر لہ کنا ہنکنے کیچورے

ایشتب ہ دولدر اوشبو مہنرہ — خدای شکر ایدب قیلدر سجدہ

اوشل بے چارہ کیم غسم دین ہم تولگ — خدا آخرت دین ہم اوتولدی

کنہ قیلسنگ بولکنای مرد اورش — بیا بانی قیلدیرن بولہ ہمیشہ

دل جانینگ بیلدنگ کرتو بہ قیلسنگ — بوکردار نکدین ایمدی یاشنگ

حقیقت بر لہ ایلیسنگ آہ — بولور تو بنگ یسنے مقبول درگاہ

قبول تنگسر کیچیب جرمنگنے رحمت — بولور سین قایل زوق محبت

بولور تو بہ ایمکنے اوچ یشنے — قبول ایق بیا لغیل قیلاکشرے بیانے

مینکا بولیپ وزنے ابتسا آربرا در — ایشیتمندین بولیپ وزنے ابلا بولور

بری دایم خدا ذایلکای یاد — تیلیدہ جانی برلان ای آدمی زاد

ایکنجی قیلغانیدین بولیپ شیمان — اوچونچی توبہ قیلغانی بیلکای

اولوغ عصبانی هرکز قیلمکی یوسون — بویورکا صدق اینب ایرمغای میسن

بو اوچ بیلکو بر لیه پسنده بولسه — پسنلی توبه دیکانیک توبه ایرمس

چو مقبول بولسه توبه نورتاشده — بولور ایدیلار شاه زمانه

یمانلار رفق شیطان بارمیسه اولکا — ایکنچی بولغوسی طاعت کامیلار

اوچونچی دنیا نینگ عیش فراغیس — حرام ایتمکا اولیکا هرکز ایرمیس

که تورتونچی یمان سکا بولسه قلاچ — بولور تکرقالور آخر یلانکاچ

بولور بو تورتلاشنده اولده ظاهر — خلایق بو اچکیره اولدورم ظاهر

که تورتنچی ایشنگ اوشبو ایرر لیه قیلغیل — زمیستانی بهار الدیده بولغیل

بری اول ایلاگیل آلدیده خدمت — ایکنچی دوست توتوب قیلانکا شفقت

اوچونچی بر چه ایشنه قیل رعایت — یانه تورتونچی هرکز قیلمه غیبت

بولور هرکیمده بو تورت حال پیدا — بولور انکا خدایم تورتلاشنه

انده اول کشی سینگ کیچورمیش — بولور کویا انادین یانکلغ تو غمیش

ایکنچی کو تکلوکا زوق محبت — سب لب قیلغ خدایم انکا شفقت

چو مقبول بولسه توبه نورتاشنه — بولور ایدیلار شاه زمانه

اوچونچی منیر شیطان لعینه — پناه برکای خدایم جمله دین

تمت

بنه تو رتو بخی جا بیوبار دیم ۲ قبلوراکیمالبرله ختم کار دیم ۲

اجل بنکاندهکیلکاقابض روحی بولوردهجانمشهربندهجمروحی

کیلیبرحمت قرشنه میلهاوشمحال خبربرکای بنکاارنیکافعال

ایکارخوفآتمه ای فرزندآدم میلهبیویدیخدانیکیمکیلغم

خدایم بنکابدجدوی دهقیلدی ایشتکانیبنکلادایچهقیلدی

بویدااوشبودنیادهنیرکلیک ۲ بوموبکورآجقوچهخوبنکسل

میلهلیکنکا ۱۱ یم ایلاکیلخو ۲

بودنیاایشکیکو بهاورماغیلدو

بارابردابرکمربیهپاربای کهمردصالحابرایخوشربای

قبلورابیردیکهبیبطاعت خدایقایچهابرایبیضایعت

بوقابرایدنیالیغدیبنابردرقدی عیالمکوبابردرآجیلانکاجی

برکونخانوایلابایدانی اورشوبقیلدیانکاکوبنابدانی

منایکدرمیکاخانوایولغامدی مینلکبرلهاویکدرقیلمغامدی

میلهابرایلهیمآوقاتیمآوتیوکی میلکبولهابرآذاوچیوکی

مینلکجانیمغهمیوکوبایلادیکیکار بوجانیمدیبوبومنایکیبزار

سم ده می

صحابهکرامدنبرهانلهبوطریقهیولغانهیدیکلرینیدلیلکتوردیلر

بیتنے دیب ملکا کوب کلفت للداوتے جغای ایلدیر یچا پولکان کابیتے
پوکوب پولاب اذکوب اورتشتے اینلک باشینغ کوب قینغو توشتے
خلاجیدین بیلماز یچی رہ دوبیش ضعیفیدین چکب پسیار تشوبش
بودنیب پشلہ بیرورایا یار تماحی یخشی لار دور خا
ضعیفیدین قاجب اوچکو بیرورے برو کابارگ مزدور بولدی
اشل مزدور اینلاکا یکمر بہ بیلیب برماگ انلکا بر کمر بہ
منے مزدیم ذبر دبر کا اویالدے بولوب ناجار بنہ اولکا کیلدے
یقا پسیدین ضعیفے باز آلدے قرا کوفہ اینلک باشینغ یاکلدے
دیدی ای شیخ بوق مترمندہ دورتشا بواوچ کوندین بری قیلدینگ قینوتشا
بواوچ کوندین بری قالدیورینگ نہ ایلاب منے الدیغہ کیلدینگ
دیدی قورقوب انلکا جارہ دورتشا کہ بوق بنزلیق بیلہ بولغای جکرتشا
باریب بر جایغہ مزدور بولدیم کہ تاخقتن بنجہ کارسینے قیلدیم
مزانلکا ایتمادیم بریب چکمنے بنہ بیلیوکی اول منے بارمیوقو منے
دیدی اوچکو بنجہ مزدور بولغیل کہ اندین نا میونگ مزدینگ آلغیل
بوکوندین نا ناریغا اوزونگ بیلورسن بوکوندین نا ناریغا اوزونگ بیلورسن

قولنجک یوکو آلسک انعیل یوزومنے — یوغاریہ من طلاق قیلغوم اوزومنے
بنہ القصہ اول بیچارہ دور وش — ضعیفیدین بولوب بیمار دلریش
جفت کتسے بنہ اولکو آلیب باش — اچوزوب کوزلاریدین قانلار آقش
بوروب کوزیا تقوبچہ اول لب بہ تشنہ — عبادت ایلادرشکم بہ گشنہ
بنار بولدر اول اولکا اول مرد ۲ — عملا چیقہ بیلمیدر اول صاحب درد
بنہ بیکار بارچم اول ضعیفہ ۲ — مینے قولداید یا تبنہ نیفہ ۲
کولکولدہ کوب خیالہ بنہ قیلدے — نجوک بارچم دیسانگ اندہ قیلدے
الیب بارچم دیدر برخلتہ تاشلا — اینگہ ایکرو نہ بارین قیلمغا فاشلا
اذکوربہ منکا اول بولغوبہ نرے — آچیب کوزکوچہ شاید یوزلانکار کرے
اوشلدم قولدورب برخلتہ کاتاشلا — الیب کیلدر قیلب اوزلیکا بولداشلا
کیچہ برلان کیلب اولکا کردی — عبادتلہ بنے اولقورہ ایردی
ضعیفنے اوشلدم قیلدے بیمار — انگا اول خلتہ ذقیلدر نمودار
اذکوربہ ضعیفے بولدر خرج — آلب یاستوق توبیکا فوندر اولدم
بردختہ قوبوب کہ خلتہ ذآلب دور — کورارایچی تمام پرخ زنبور
دیدیکیم بول منکا دوشمن ایکاندور — منع جاقہ نورکلے آلب کیلکانکا

اورونشوب ایرمیشنی قولاب یوبارمدی — تانکم آتقانده بنه خلقه ذکورمدی

کورار خلقه ایکی تولا تویونجی ۲ — انذکون تکلیکا توشمکه کیرشیونجی

انانکیچون دیدکاوخلقه تاپیب کیلمل — توقف قلمه یولده ایلا تعجیل ۲

انا بیمن آلدیغه بارکیو کوروب — انذچولاب آلیب کیلدی رشیونوب

ضعیفه ذکورایکی شاد خندان — بحوکم ایرورمیب یولده جرمان

بحوکم یولدرمونکی کوکلی املایم — بالورایرکمنکاغوغای دایم

ضعیفه ایدرای بیچاره درویش — بحوکم حاتم کشی کایلدیکا ایشش

بنکاکیم برکیولدیوبجه دینار — کشی بنکه موجب ایغیل ایابار

بوخلقه ایکرمه مروارید بارسه — بحب قیمت بهادور بربرسه

دیدی درویش بیچه کونی بنده لردن — اشیش ایدیب تاپمادیم برپل الادن

ایکی کونی ایدیم تکرلیکا خدمت — قلیبکه نارنارنغلاب عبادت

منی قلمادی ضایع شوبچه تاپیم — خدا اشلکه مقصدکا یتیم

حکا
بیت

اشتکیل بامعاشوبه حکایت — قیلادی برنکه مشربن روایت ۲

بارایدکا ایلنکه پادشاهی — اوشل آخلیم اورده ایرکیاهی

میلکی

ایلدی چرخ روای چوگان سیم مواجه
آنور ایردی خطای هندو دین یاجه

عبا لیدین بار ایدر بر قیز زیبا
اوخول قزلر ندین یوقا ایردی اصلا

جمالیدین پری رشک ایلیغار ایردی
مشعبیدین اذکو قیتا ایردی

ایرور ناز و کرشمه چون حور عین
پیوزی شیرین چوگ کویا انکبین

یوزیدین بر قمر آیه ماه پیکر
قرالغوندی قیلور ایردی منور

جمالی وصفنی اتسم نولکا نمیس
بوتیم کاغذ دفتر کا پیغمبر یس

که برکون قیلدی اول رعنا وفا تی
اولومدین تا بمادی هیچ کیم نجاتی

خزان بولدی اوشل غنچه باغ
کتوب یوقتور اولومدین یوقمغا داغ

جهانی ملکلیکا بولیوب خاطر یاسلاک
که اولکا بیوتک جای کور یتماک

کیلیب غیر لکیم اذ تازه قیلدی
اکابرلر جنازه سین اوقودی

اللکا جا ایتلدی زیر زمین تی
اللکا جا ایتلدی زیر زمین تی

قویوب بر قوینغه بر کوهری پاک
خدایقو یاندیلار تا تیب اللکا خاک

یارا ایردی اول اجوده کوریا تی
آذاوهم ایدی صالح جوا تی

یکیه بولغی کیندا ایردی کوریتی
اللکا حادث ایدر یاز و زمیتی

یورو سب بردا کیندیب بر تونکه مزاری چقار بر قیریدیب قربادر زاری

قیلور کوب ناله و اویلنا اول منغ آلغیل دیبکه ایلار صدا هوای

دیدی بو بنده ابر منیکو بکنه کار ابرو مونداغ عذاب ایلا کیرفتار

انینگ آلدیغه مرا یمدر بریدین نجول آدم ایلاکه جان بیرمه بلا بیرمه

باریب تورداغ اوشل کوتینکه یالینغه قولاق بیسالدیراذ کوب نالینغه

نه ایش قیلدینگ دیدی بنده زار بولوب بیدین بول عذاب ایلا کیرفتار

قیندا یدر مرا عذاب ایلا یمایدین مرا بیوزومنغ مرا منیکا یلغکه یالغکه

منغ بیلینگکه بو کوراچره تریلدیم رکه بیکته مرا نصیحه قیلدیم

دیدی سین تورمغیل کورمنغ آچغیل آچب موندین منغ تنیراق آلغیل

قدر سینه ایدی کورینگکه مغلک چقار در زود اینب قاملدی خاکه

لب لاریمنغ آلیب قادر کتی ده مشتاباق قوبنغ کوریدین شاه اوده

براق تورغیل دیدی رای آدمی زاد چقای کوردینا بولوب بیلغو اوزم مناد

کفن ذیولغه اینب بیدی کل اندام چقالمدی نیچه مرتبه قویوب کام

دیدی رای مرد صالح ایکدی کیل کیل قولوم اوشلاب منغ کوردینچ چقار ذیل

بینه اوچم اینکه آلدیغه یاردی قولوم اوشلاب اذکوردینچ چقار زار

قیز ایدی

خبر ایدر سن منم او یونک ایلتکیل — دیمه بلغ بیوزومنی راست پیلتکیل
که ایدر اوی نزدیکی کورسه تک ۲ — آلب بارس بیوزوب بادل جانکه
اوشلدم دهنا نک آتدیر کونی یارودی — فلک بامی اوزره مهری توشتی
خبر ایدر تورمه یارغیل ایمدر انکه دیمکا — آلب کیل کیل منکا ایمدر شتابکه
کفن دمر اوزره مکانوکه بیچی یاسه — تیکب کویدرک کچک ایلب کیابن
که بیوزن بر له یب کیلتوردی اوهم — کفن دکیب کیدی اوشلدم
بن یارغیل دیدر ملانغ کیلتور — منم ایمدر اوزره کا عقد قیلدور
خدا ینکه بیغامبن کیل ایرته کیچی ۲ — کارهر کاریکه بولمیه بیسب هیچ
ازلده یازدی ایکا تقدیر الله — کدا ینکه حضرتی بولدر دفتری شاه
عطا قیلدر اوشلدمه خداوند — الارنی براوغول قرزند دل بند
دیکه بیتی یانشکا بیتی شاه زاده — اینک چینکه ایل ایرکی دیبا ده
۲ انکا ابراهیم آت قویدر اتا بیتی — کوروب دلشد بولدی هم انا بیتی
آلب بارس دراغه مکتبکا دیدی — خدایه شکر ایلب بولدر خرم
بولوب ایرکیه روز جمعه آزاده — عیال للاربرله اوبن رابردی شاه زاده
بار ابردی بر خفیفه دایه بولغه — که ابراهیم اتا بیتی ذ ایموزکا نه

باریب ایدر اوشل کونکل بیوی جمام — کیلور ایدی یا نیب اندین دل آرام

کورایدی بیچه نوبهار نهالی — کوزی اویناب تروز مثل غزالی

قرادی پنجلاب آنچه یوزیکه — که اوخشار شاه ننکاولکا قیلیکه

قوچاقلاب یوزیدین اوبتسه اینکا — قیلای ایدی الکاجانینه کوزلاکا

اینکل کوللکیکا اوغلانکمهر توشتسه — که کویا چیمکا براوت یاپوشتسه

اوغلان آلیب اولیکا بارسه — بریب ناز توکلوبچه اندیب پیارسه

تقی القصه هر کون اول ضعیفه — بروایدی قیلیب برناز وضیفه

بوحال ایله اوتوب ایدی بیچه کون — اینا کادین ضعیفه لار آلدی مضمون

کویلوب اوردی خاتون لار بریسیه — لغلاب کیلدی یار شاب قریسیه

ایاخانیم بزنکبر پوزمیز بار — قولاق یاپ لینک قیلالم پیرکا اظهار

ادهم کوریانی بر له اینا کاه — بولوب دور برکونکل بر مبتلا کاه

انداوغلان بیوب بادل جانی — ایشتب اوشبو یوزدن کیلدی قهری

یوزیدین اول زمانی تولدی زهری — اوشل دم بر ضعیفه بار دیکوروب

اینا کادن آلیب کیلدی بیکونوب

کیلیب اولتوردی خانیم ننکقتیده — تواضع ایلاب الدم حضرتیده

دیاری خانیم مسنے پیوند اشتیکیل
قولاق پالغیل کولکلره تو تقبیل

بالایر مثبل ادهم آتلیق سونده کورنکه
انده اوغلینه بر مثبل پیدا بلنکه

دیدر آری بر ورمز الکا مز نکه ۲
پیوزومده یوقدور بر زره یلغنکه

اوشل زیبا اوغولسے کوریلمکیز پیدر
نه ابر مثبل نکه پیدر الکا جکز بیدر

یوزی ایرور قزیل کل تازه پیدر یک
خمران بولغنکه قدر نیک اندازه پیدر یک

اینک باشیدر بنی غمین کولدیرمه مز
پیدر اولکا قدر نیکا منکدیرمه مز

پیدر بولدور الکا مز نکه بر ورمز ۲
محبت پیوتوب جانکه بر ورمز

یوپیوزکا خانیم نه مهری توشدی
یولاکیلکه مکدر براوت یا یوشدی

قیوا اول یوپیتاذ کلے دور
قیونو آشیانه بلبلے دور

قیونادوک صدفنے کوهر یدور ۲
قیونه اوزره یا فال اشکر یدور

قیوعیدای توغمش عید لایق مز
قیوا هوپیاری یدلایق مز

یانیب اوجاق کان اوتیدر یاندورمه یه
محبت قویدی الکا غیب نه

اینا کاکه دیدر کیلتور کولا یلس
جمالین مزهم کوروب تو یا یلس ۲

یوکوروب بار در اوخدانکه اینا کاکه
آلیب کیلدر قیلیب جانین کولاکه

یواوغلانه قرلغه اوخشتیب اول
هر آه اوردی جانینه قلق تیب اول

دیدی اولکاکی قزیمنی منکا قوشتی — آلیب بغداب اذ بغرلغه قوشتی

یوزین یوزلیکا قویوب سویدی اذ — بودور اولکاکی قزیمی بغه یمشاذ

یدورر ناز نعمت لاراغرلاب — قراب اولتور ر تاکلوکچه ینکلاب

بیلیکا قورشدی زیمه کمرلار — باشلیکا قوبدی روب تاج کمرلار

بیرب الغم لاآت بیرو با — یوبارر اولکا ایلاب توانا

دیدی خانیم بحوک بولغانا بیه — منی قزیمکا اوخشاید ورلانا آیه

انا سین کیلتور نیکنر لاکورالم — اذ تحقیق لاب حالین بیورلم

قیو اولکانی قیلمش بریده — قیو کلش ذ ایلایدور جریده

کاهوی خطه ده خطای — اذ ایشتاب بیورلی قیبه جای

نیچه اوی قیرلاریلا اولکا یوبارر — که اولم ینکی باریب اولکا کرر

پسنی خانیم تیلایدورای ضعیفه — الکا بارخیل بروبولغی وصیفه

الارکیم تاه دوریلار کدا میز — بحوک خدمت لاریکه بزروا میز

نه حد بولغای کدا تاه یکه قیده — باریب تورماق الارغه خدمتی ده

کدا شاه ینکی صحبتغه یوقتورلایق — کیلور موزاغی برله بلبل موافق

تواضع لاربرله کوب عذر قیلدی — اولرینه کیم کیلکنی ایتا بردی

بوقیز

بو قیزلار کیلدر خانیمغه ایدی بارالمایسن مرادیمه کوب عذر قیلدی

دیدی خانیم اینیک عذر بولا یوقنو بیلیک تازه کیم لاری انداغ یوقنو

اینیک ایلکیده بار دور کیهنه ملکنو اینیک اوچون قیلادور برکا ناموسین

بنه یخشی سیر یالاریو بار دی آلیب قیزلار آلدینغه کیلدی

الاغه بار قیلدی زر بیلدی بارالمایسن مراد یدیر الدی اشیغ بار

بار ورغ یوق بیر اینیم بولزمانه بر نیک بیر بچه کوزیرکا اماندی

دیدی اوی قیزلاری سوناراغ دیکلیل بو سوزنی اوزدیلیک چه سوزله مایکل

خجالت خانیم سوزینی قیلدی زور میزه بیندی ایرلکا قوبماکا ایلتار میز

لباس لارنی کیب اول ماه پاره علاجاسن تاپمدی بولدی بیچاره

باریب توشتی دولت خانیمغه کورونمدی شمع کیم پروانه سیغه

گشتی کیم رابعت نیکو کار بولغای الکا بختی یتسه دستیار بولغای

کورونمکیم صادق ایردی دختر شاه الکا بولدی یتیب دستی بخت همراه

انا سیغه بویوریدیر به قیغی تو آلدی اوشلاحی داود یب قیزلار قیلدی

بالمادی رتو نوموا نکو مو منیک اوچون چراغیم یالغوز و مو

ایمو سیغا دلیلدی جا نیم الماسیمو بول حیاتی جاویدانیم

انام کور پس دریدیم ادهم کالایق ... قبلو دیب پیر زنش پیر کا غلایق

قیامت کونی بولور مزدیب کن کار ... کن کالار ایشی بولغوبی دستوار

ایلکیم کابریبان دفتر همنی ۲ ... منلکیم بیوریب لار خبر شریمنی

خدانی خوبستی بولغان ایلکاندوک ... منی تقدیر ایلکا قیلغان ایکاندوک

انا پیغمبه پیوزی معصوم ایکندی ... غضب شکر ایندیدیب غلیظه ایندی

تقی ادهم نی اوغلینی کوردی ... الاغه ملکینی بیرمینی بردی

قیلیب ایردی شاه بولدی روفه ... که ابراهیم کا قالدی مملکا

بوابراهیم ادهم الاغه تولدی ... که مشرق تا مغرب کا یالدی

قیلیب ایردی شاه یاخشی کوزلیک ... تمامی شهرینی قیلدی اماملیق

هر اصل ایردی مشکار ایتماقه سیطان ... که بیرکون اوغه جفته شاه خوبان

بوار و ایردیکه اولاب اوغلی کبرلاب ... قویاندیدی یاکیکدیبن بولاب ایزلاب

براغدیبن شاه کوردی بیر قولانی ... منیب ایردیکه شاه اسب دوانی

قولان قاچتی اندی قولدی شاه ... یاوقوستی تکاور ایردی چوپان

قولان خبر صدای کیلدی ناگاه ... دیدی رای غی فلآدم بولغیل آگاه

اولوم کیلماسین دیبا ایلکاروبا لغیل ... دل جانی بیرلا بیرمه تنکری کا یالغیل

قولادر قیتب بنه اولکلاب یوزینه — که ابراهیم غه ایدگ بوبیوزنه

بیتنه اوغه یراتمو خداوند — ویا اولمکا ایمدر خردمند

بوبیوزالکا اثر قیلدی اوشلدم — یانیب جایکا توشتی شاه عالم

اوشلدم تنیدیغلادگ بیبار — طعم تاتمادی بیوا یکمکا قیلدگ

کیچه یسه تخت اوزره یاتیب ایردی — اوزینه نخم یرله اولغه تیبا ایردی

بوایردی حادثه هر کیچه سیلطانگ — برور ایردی آتیغه نصب شبنانگ

که هرتوندیمی بوکیچه ایرته تور دی — آتیغه ناگ بریب تخت اوزره مینه

کوراردی کیچه برکشی تامده یوراذوره — ایاغیمی شرفه یسه دیمه کیلادور

بوبیخوده نه کشی دیدی سیلطانگ — نه ایشی ایلاب یورور سین تامداه اکا

دیدرسیاربکز ایورمز تیوه ایرلک — یورادور هرتیومنی موندهکور آلک

نه اچمق کشی یسین اوشبو جهاندهه — تیوه تامغه چقارمو هیچ زماندهه

تیوه ایرلار بولسنکز یارغیل سیابکز — تیوه تامده تنرا یمدر نادان

اوشل ایدیکه اچمق یسین ابروسین — که ابراهیم دیکانگ آتیغه منیب یسین

منیب تخت اوسته کاب نازالنعمت — قیلور یسین بنده لیک اوزره نکاد خوش

لبابنکه دورسنکز بوفانی سفلات — بولار بیله تیلار ذوق حالات

عجب

عجب موسپار بانی لیق دیکو قیلیم ۲ عجب موتاج بانیده تیموه بیوریم

بو بیوزنی اشتیب قربان دقیلدی اوزینی تاشلاب قربان دقیلدی

اوشلدم بوزیبانی اوردی درحال کهی چلده بولدی کاه بیچال

بو بیردیلا هیچ کیم بولمدی خبردار نه خانیم نه نوکر بیکی سپردار

که سیطانی اوچیکه کولدوراییدی بیسروک قوبلار سپروک یلقیسنی کوردی

بو حالی کیم بیلک ایرور دیب قوچوقدی بیولار هم بیله یلقیسی لار دیدی

که ابراهیم یکانی شاه دوران بار اینک حالی ایرور پیل کبیل ایا یار

بیسروک کیبنه قوبلار نخه بیسه بوقوی کیم لینک دیبان چوبالغه ایتسه

شهی مرادی دیکانی ابراهیم ادهم اینک قوی ایرور پیل ای مکرم

دیدی یار موبینه ایلکاریده قوی دیدی چوبانی یوقای نکوری

دیدی سن چکمانینگ منکا بریکیل اینک اطلیس تونوغ ایلکینه کاپ لعل

کوروب چوبانی یوتوغ راضی بولدی که چکمانینگ بریب اطلیس آلدی

کوروبنک چو بولیده حال تنی تابدی که اطلیس تونوغ چکمانی کاپ تنی

دیدی سیطانی چوبانی ایا چوبان میسن ایمدی نیوه کوردونک مودیسه کوریدی

بو حالنی بیله سیطانی بولغه کردی که شیطانی لعین نه ایچی کوبدی

کیلب شیطان غه ایدیک سین بارورسن — بو حال ایله یورو سین قیده بارورسن ۲

منار کا تیوه یوق هم زاد را هشک — بار المیس قبار غاریولده یاتیشک

الکا شیطان دیدی رحمه بارورمن — توکل دور بارورمن یا اولورمن

همه بار سین بولوب اشتر بیواره — بو یاغ بار مقنی قیلدیم اختیاره

آزوق آلیب همه ایل توشلاپ راه — من الماسین من توکلت علی الله

بنه ایلکه قدم ده ایکی رکعت ۲ — نماز ایلاب بار یب قیلغوم زیارت

بو اوچ اشیکنی اوزومکا نظر ایتب من — توکل دانیسن مجاهد توتوب من

لعین شیطان بو همت ذکور بوب زور — کوبوب اورتا نیب کوتمیدی خود

بو رفتار ایله شه تورت یلچه یوردی — لعین شیطان اینه بر کونه کیلدی

دیدی ای شه توکل دعوی کیلدی — نیک الغلان بیوزونکدیر آیدی

میرابر دنیک من بیاباندا یلیم طی — کونکل ده بولغار خبر خالق حی

قصنی الغلان بیوزونکده تورغانکای شه — برادر سین بولوب کاروانغه همراه

تا یلغای نان بولارده آج اولیسکه — بیوبر کا یلارسه کاهم تشنه بولیسکه

بو ایرمیس دور توکل دیدی شیطانغه — بو بیوزدین اوردی شیطانغه

بو رودی اوچ کچه کوندوز یمانغه — بو اچلمای تشنه بولدکتیه دیمانغه

کتب

کتب حاله بفیلدار قالدی یا دیرمز ۲ امید اولدی جهانه بقا دیرمز ۵

کورونکز فرمانه حق نه ای برادر ۲ که براعرابه پاکیزه کو بسر ۲

کیلیبار شاه نه قدر شیخ تورسه ۲ که برنیم جانه اولوکر آدم ذکورسه

بیابانده باشیدور هیبت به هوش ۲ دیبان آواز فیلدار نامدر بهوش

براعرابه جوابه اعرابه بیلدی ۲ مونونکه حالینه یکم کولکه یولدی

دیدی بو جاره حاله اوزکا بولمیش ۲ کیلیبار موندی یولا زیب یقیلمیش

شکر شربت برله فیلفان طعامه ۲ برابر دراوزی برله صبح شامی

آلب برپاره شه بولغر لغه میالکه ۲ اولوب ابر دی زمان اوزکه کیلدی

کورینجه آجیب کوزاربر بنده خاصه ۲ فیلب دور حیم شفقت ایدوب اخلاصه

خدای شکه فیلب انده یسیار ۲ بولوب اوزحالیدین اندک خبردار

فیلوراببری تیم بازیسلطان ۲ اینکاوجولا کیلورمز دیدربجان

گشی یکم اعتقاد ایدوب کولکه ۲ توکل فیلب حق جان دل ده

کریب درمانده لیک کوندره ارانه ۲ اذکیم تویدوراببش غذانه

بواعرابه اوتوی بحالم ایردی ۲ اوشبه دم اوشبو آیت ذاوتودی

اِنَّ اللّٰهَ لَا یُضِیعُ ۲۲۲ اَجْرَ الْمُحْسِنِینَ ۲۲۲

آلیب اعرابیه شه ذیولغه کیردی تیوه میندوروب ملکه بارردی

کوراربساط ایله ملکه اورنیده یوق ملکه بولغچ دیدیلار یولدا اشتوق

ویادیدر کوزومنی پرده توتدم سیبب نه دور بویردین قیده کتدم

اوشندم هاتفدین کیلدی آواز دیدرایراهیم یالان مغیل یاز

ولیه پیلکیل بزینک بردوستی میزیاک کتیب دورکعبه قارشوای یار

اوشندم شاه فیلدر کوب مناجات دیدرای پادشاه قاضی الحاجات

فیلای مرحبا جانیم الکافربانی منکا اول بنده ذفیل خیل نمایانی

تنی جانیم اذبولسون فدایسی کورونکا سیرمه بولسون خاکپایسی

بنه کیلدیکه هاتفدین ندای آیندورالعه پل کرچه جای

پیلب بساط ایله بولسون ذیولغه کیردی باریب اول رابعه خاتونه کوردی

الارهم برقدمده ایکی رکعت ۲ نمازایلاب کیلب ایردی بولنوبت

بولورایردوکل هرمنزله توردی رکعت نمازیل ای جگر سوزی

قچانکیم بولدرایرسه روزاحرام همه احرام بغلدی باشلدی حج

بولوبدوحیض واقعه رابعه کیتمه قالدراوشندم قی قلبده

اوشندم تنکریغه قیلدی مناجات دیدرای خالق ارض سمواتی

بینی خوشنود لعیک او چون کلب مرا
بولوب مرا بولورکا مبتلا ایمدی

ویا منکا خدا یا صبر بر کیل
ویا مندین یا بو دردنی کوتارکیل

زیرا بیدی قالمدی رمنده طاقت
اوشل بساعت دردکا تابت صحت

یوق ابردی غیل ایتارکا اندہ آب
قیلای دیب اوزینی ایلاب شتاب

بیر قالغاچ کیکدیکدی شتینی کوزلاب
بوروابردی بولکورو بیر بیوندابزلاب

بولوقتی دشتیده جاه مغاکه
آلوغه دلوربولوقتورآبه پاکه

یالیب کوبدا کینی بیر غنه آلدی
قلیب دلوی رسن چاه ایچره سالدی

بیوآلدی تارتیب اندین تولا کوبدا کی
قلیب غسل طهارت بولدی دل برا کی

برایت بارابردی بیر کانه اندہ بیر آب
بولکورسن بیوکانه ابردی تاهمین آب

کلیب ایردی اوشل اینکا بیوبردی
ایچیب بیوانده اوزی الغه کیلدی

ای ایلدین بیدی رائیت ای الهی
بوینده بولکوزینه مقصدی بار

رواقیل دیدی رای دانای ابرار
اوشلارم قوبسنی کوبدا کینی کیلدی

ایکی رکعت نماز شکر قیلدی
قولوب اولدم قدم بیرنچه اوردی

اینک آلدینغه کعبه قارشو کیلدی
انکا برالتفات قیلمدی ها بیچ

بنه برقیر یلیب قرمانکو رسالمدی بیچ

چراغی کاروان دیگ بارد را بردی — باشید بن کعبه چون پروانه بولدی ۱

ایلکیده عصای چوبدیه یوبت — ایاغیس قویمیس ابرد ریادیه اوبت

بیلمیس دباغلاب ابرانلر دیکاور دی — بارو طورمه بنجه کاموسه پنجر ۲

الادیک بارو ابرد رابعه هم — خدانی یاد ایتب اوزکا یمای غم

اوشلادم شاه حاجیلر ذباشلاب — یتب کیلدر همه کوزینی یاشلاب

بارو ب بسطامی اذ آلدیده تورد — دیدرای رابعه فتنک نه ابرد

بیتنک آلدیتک کعبه کیلدر ده طواف — نیکا باقمایسن بیله انکا فیلب راف

دیدیکم رابعه فتنک بشکدور — بوبوزنی منکا مولدغ الغیتک دور

منکا کعبه کیلدر دیه مشقت — مشقت سزا ایمش ده یوفتولدت

تایب ده مشقت هر نمرب — اذقدر بنی بیلماسیلر مکرب

بوبوزی بازبسطامی رابعه دیدی — منکا الغیل دیدر بوواقعه دیدی

که ایکی رکعت ایکی رکعت — نماز ایلاب قیلور ابرد یم عبادت

ولیکن کعبه یه کاشکی کیلدک — منکا کیلمامسن وبا حکمت نه ابرد

دیدیکم رابعه بسطامی ایشتکیا — بوبوزنی دیل کوزلوکده تو تقول

یوروب ایکان اوشل دشنده ابرینه — بوبوب بنکاری ایکاری اولمکا پشکه

ایچب

دیکب پیوندیرا اول پیر اسبولدر ۲ منک آلدیغه کتب قارشو کیلدی

دیدی اول بیک بچاره بولدی کیلب اوزاغنه درخواب بولدر

نمدی جاجیلاریخ قیلدر یاندی اوری پیلطای پوکیبه ایچره قالدی

منک آلنوب بزه بنی ایدی ای شاه مونی قیلغیل اوزونکا توشه راه

دیدی موی پیر نیک تیلیدی ۲ پیچکنی پیر نراشغه ایجدر الدور

پیچنی پیر نراشغ الدور روده کیه پر پایل کیلیبان توردی الده

بقشقالدی دیب پایل کمر بیه تیلادی پیر نراشغه پر کمر بیه

منک آلنوب پیر نراشغه پر بیه ایردی تمامین پیر نراشغ پایغه کیردی

دیدی شه پر کانیم منک ایردی دیدار تغوبر نیک بار سین انکا ایرکا

دیدی پیر نراشغ ای مرد دورویش منک آلنوب حق یولیده بولمه دیرینش

پوپیوزنی آلدیرشه زاده اوزاکا آقب خونابه پیله ایکی کوزاکا

اوشلاردی تغده میستانه وردی نه بولدیکینی دردی حیرت ایتوردی

دیدی آه بیلمدیم پروردکاریم قبول قیلغیل منی قهاریم

خطا قیلدیم بیلمدیم مرا یمانی پیوزنی بناکاه پیوزلادیم مرا

کیبرلیک پیوزنی پیده ایکاندی کی بیه طالیع کشی تیل تکاندی ۲

باریب بازارغه بازی بهار اول — هزیم کش لیکسه ذقیلد راختیار اول

که بر کوه نیسوی صحرا بارور ایردی — آلیب اوتوه کوتاریب کیلور ایردی

بستار ایردی اوچ برماقه اذ — آلور ایردی بارلیکا آش ناذ

برو سایر دی اذ دورویش لارغه — خدا ذغ تصدیق صولر ایش لارغه

بیم قول لارغه یرمیش برور ایردی — کداندین سونگ اولیکا کیلور ایردی

تورار ایردی اولوغ شب زارلیغ آچیلغاچ — نیازین بی نیازه عرضه ایلاب

بروث لیغنی تاشلاب آخرتی اختیار ایتیب — برو دنیا خوشلاب دار دنیاده قرار ایتیب

برو عقل کل برلان خدا ذی بولیکه کردی — برو عقل خبر برله جهانی کاربن برار ایتیب

کورونگ بو زیر چرخ لاجورد ی — کهی ایسیغ کیلدی دور کاه سپردی

بو میکین آدم نینگ باشیغه پیل — نه ایشلار تو شکو پیدور ره پیل

کهی شلار قیلدی دور بی نوالیق — کهی ایلدی کدالار پادشاه لیق

کهی بایلار بولور بر تانغه محتاج — نیار مال فراوان کاه خلاج

که فرزند بولور بیدین کاه لاغر — بهانغه اعتماد ایتمه برادر

که تلاولکو نیچه قیلغیل خدمت حق — تیرکلیک کا ایتیلکان کار کا راحق

بو آدم تا باخاتم تا بو ایدم — کیلب کتتی جهانغه نیچه آدم

بری دنیا ده باقی قالمدی ۲ بلب انصاف قیلغیل ایرنه کیچ

چو یاطان یلغ دیمه حقی سیده اولیل ضعیفی قدیده بار ایردی حاجیل

چو زلفیه ایدی نامی ضعیفه لطافت لیک عجب زیبا ظریفه

برکون زلفیه وضع ایتی حامل اوغول تو غدی بوزی مثل قرنیل کل

الکا بیلک لار محمد قوید یدی نام ۲ اتا سی یورا کی تابتی آرام

قچان که اول اوغول بولدی ریسای اتا سی دیدی خدا اترسین پارسای

بیلنکه برکون شب عید بولوب ایر اتا سی برله کوشکی اوستیده ایردی

خلایق لار بری کورلیک کوریکه چراغ یاقیب کیلورایردی اوکه

اتا سی یوردی اوغول خلق یلار چراغ لار نه دیب اندی یقارلار

دیدی اولده اوغلیغه اتا سی که اولکان یولیه هر کیچ نه اتا سی

چراغ ایلتب کوری اوزره یقارلار دی ایدیب باری اولکا کتارلار ۲۲

اتا سینه دیدی اول شاه خوبان کوریمن یاشنیده آفوزوب بولدی کریان

اتام نه کوری قیده دور بیلا بمن چراغ ایلتب من هکم اندی قویمن

اتا سی ایدی ای فرزانه فرزند ۲ ایرور سین ریشته جانمکا پیوند

اتانکنی کوریلیک مولده یوقتور که برکیچه برلان غایب بولوبدور .

اول ایرفی عادتی بولوایرر ایجی ان — بروایرر آیتغه نصف شب ن
کیچه تروب اول مرد طالب — آیتغه نان بریبان بولدر غایب
دیدی ای والده اندین بری هیچ — خبرین بیلمدینگ موایرنه ک
اناسی ایدیکیم ایجی مادر — منغی سوزومکا ایمدی باور
اتانگ ایردی بوایلغ پادشاه ایدی — نیچه اقلیم ایچره ایردی سپاه
اینگ کیچیک ملکی ملک ایردی بدخشان — ولیکین کوب خزانه سی ایردی اول
ایدی اول پادشاه با عدالت — اینگ باریده رعیت ایردی رعیت
الکا عشق محبت کیلدی غالب — که برتونده تریک لای بولدی غایب
ایشتیب من انی مکه ده بار اول — هزم کوشلیکنی قیلمش اختیار اول
که هرکون پایرمه تورکا باریب — کیلور ایرمیش برارقه اوتوه آلیب
بیستار ایرمیش انی اوچ یرمانه انی — آلوایرمیش باریکه آتش نانی
بروایرمیش انی دورویش لارکا — خدا اعتقیده دلریش لارکا
بنه قالغانین آلیب باروایرمیش — بنم بیوه لارغه بروایرمیش
بو سوزنی او خلیغه ایدی اناسی — مونگ ایدی بربریکا ایکلایسی
کتب اولدی ده او خلیغ قراری — قیلب کوزیاشنی ابر بهاری

دیدی

دیدر دستور بر کیل من برین ۲۲ — انام ذیوزیسے کورو ب کیلا ین

اناپسے ابدی آفرزند شرین — منسے کو لکلوم تقمے پسہ قیلمہ مکلین

انانک ہچ دیدہ بغیرم ابر دبریانک — کوزومنسے یاسے ابر دابر نیسیانک

منکا پسہ ہم جد البوقیلیغنک اوخشر — بنہ فرقت اونبغہ پ اغلنک اوخشر

پسہ ہجر گنک ذمہ کومکا اولین — فراق اوتہ بیلہ تاکے کویا ین ۲

دیدر اوغلے ایا منصف نام سین — بیلورم سین منکا کوب مہربان سین

منسے پسوزومنسے بیرہ قوبغمسل سین — بوغلین خ طرحمسے پسوزما غلسین

منکا دستور بر ایکدر برین ۲ — انام ذیوزیسے کورو ب کیلا ین

دیدر ابر بسے انا پسے بولدی میلاغ — دیدی یارغیل بوشرطہ یاجاغ

خدا نو نسیلا پسہ نے بولدہ اماغ — انانک آلدیغہ بار پسکل اول زماغ

نزار نہ اخیار ایتمہ ایاجانغ ۲۳ — برایکے کوندین آرتوق بولمہ ہمکانغ

منسے بو صورا فراق اونبغہ تا بیم — پسہ نے کورمکا فرو پس کوزدہ ایم

انا پسے بغدہ در اولدہ پسیار — ایا اوغلوم دیدی زنہار زنہار

انانک آلدیدہ کوب نور منور سین ۲ — منسے ہجر اوتیدہ کویدورمکا سین

انانک قویغلی ابرور بغرم اوزہ داغ — بنہ پسہ قوبغمغیل داغ اوسکا ۲

ایلکا وح کوندرین آرتوق تورمه زمان — اجل یتب اولوب کتچ بیکبار

یوز ونک کورمه اولیچ ایاجک — قالور یغبر یمدی یوز بنک داغ ارمک

تولا ایلادر او خلیفه پسیار — ایاغنه قویوب باشن یغلدی زار

ایلکا وح کوندرین آرتوق یولداشی — بیغمبر یارماق استعدادین ایتمیه

چقار جلاده انا سپدیرمیه سوزی — انام دور مکه ده یاجای دادی

نصب اولسه اول اطلسی بارورمز — انام ذمه یکوک اندی بیلورمز

انا بیله ایدیک کعبه کا بارسنک — کریب اوشهر یکه بر بره تورسنک

که اندین سوکن اوتوره بارایغنه — قرایب اندی یولغا سین خبردار

اوزون یوسوف قریب یوکوک یتمیه — شریدن سوز لیک کیلور بر مرد اوزنه

یورور سیر یابر یه ایلکنده شال — تلبده ذکره تسبیح دایم الحال

نمک اوقورد وکانه هر قدمده — خدایه شکر ایلر دمبدم ده

انا نکدولدوره بیلسنک نشانی — اداولیلر نی شرح بیان

فجاج کیچ سن انا نکفا شیغنه بارسنک — ملک فضایلده یوا حوالی کورسنک

اکر یوریه سن اجواله دریا — بیان قیلغاسین اندی روی زمین

انام دیکیل یوحالت کا بندور — نواغه قوندیای کتبلرو

که ابراهیم

که ابراهیم دیده هر صبح گاهی ۲ جفا را آخر ای بد بین اولدم دوا ایچه

ولایتنی تو تار یوی کیا بی دیکار بربر لیکا پرسنا بی

بو لقبه دیر لادر دود داغ بنا ر یغر یده هجرانه چراغ

انیک یغر یسنی اور تاب نار هجرانی کیاب ایتمش کیلادور یوی بریان

بیلادم ایکبل زنهار زنهار منی بی چاره نه پسیار پسیار

تو روب شه نادره اولدم پسوزخسته انا بی یغدا یور دراجارت

وداع ایلاب اوشلادم یولغه کردی انا بی یغدیان اورنیده قالدی

اوخودی یوخ ایدی اولدم انا بی کوروبمس یولغو جاوخنه فراقی

ای منی دردبلا غه مبتلا قیلغان فراق

تخت بختم نه بو زوب آخر کدا قیلغان فراق

کوهر قیمت بها ابر دیکم نصب بازاریده ۲

بنده روب قدر بیلمیه نیلای کم بها قیلغان فراق

منی ضعیفی بی چاره نه دایم فراق اوته بیلان

کویده روب خاکسر بیمنی زیر پا قیلغان فراق

طاوس خرم ایدیکم منی طوطیلار که همنشین ۲

واه نتی زاغ زغن کا — آشنا قبلغان فراق
بلبل شیرین نوا دیک — میکنیم ایردی چمن
جغد دیک ویرانه لار — ایچره اوا قبلغان فراق
کبک خرم دیک بوروشیم — دایما کوه پایلار
آه بول چو بلن قفده — مبتلا قبلغان فراق
گل جمالی ایدر بوزیم — گلشنده گل لار یا
بیوه لیک اوتیده رتکیم — گهر پا قبلغان فراق

نیچه کونلار بوروب بول نیچ کورک — بناگه مکه ذ شهر بغه کردی
یارب قبلدی بربره فراری — بوردی ابردی جون کوز آچ زاری
اوتوردی بالیغه بارد بولوب زار — تروسا بردی قراب اول زار نالان افکار
اتاب ایلدان ابردیگ کلمدی هیچ — قراب نوردی کوزیمب ابرنه دین بیچ
بولوب بیدطاقت اول کتدی فراری — اوروب بر سخت آهی قبلدرالری
خدایا بالبار یان قبلدی فریاد — اوشلدم بوخرالنه ابلار یاد
واه مسنی بوزمنگ بلالرنی — دوچار اتیکان اولوم

اخبار بنده

اختیار بیمنے آلب بہ اختیار — اینکان اولو م ۲

بولمز بیب لیلک شہریدہ ۲۵ — انتظار اینکان اولو م

من قزیل دیک جمع ۲ — مشہریدہ بر سبطا نایلیم

خار خبر بنکلیغ ایاغ — آیندہ خار اینکان اولوم

کیلم کا ایتب کیلم بغدای — دوشندہ ر در ایمنے من

مشہ ایلیم من ۲ آخر ہمدہ — خاکپار اینکان اولوم

من یلنج بیر دیکلیب من ۲ — قیلدہ سین جانیم انا ج

کورکا لہ وصلینکا زار ۲ — انتظار اینکان اولوم

کیلب ساتماہ خلق زندہ لیکنے — بیچاکیلتور دونک اوخشر زندہ لیکنے

زمستان بہاران یول یوردوم — من وفا ایسیغ جفا کاہ کوردیم

کیلب ایردیم جہانلیک امیدوار — کولمادیم قاملیم اوخشر امیدوار

بسنے ایستاب موندہ کیلب من — چانیکلہ بن نت کمر جم بولوبمن

بو بوزغایتب زیبہوش بولدے — زمان دیبر سیونکزینہ خوش بولدے

کنے دیبر سیولمادی خاطر پریشان — ندوب ایردی بولوب پیشکیر بنہ

کولر کیلم برکمر بہ بولدر بیدا ۲ — کیلور ایردیکلا باغ بیدانکہ باشدہ

قرانش ایلکنده یزنده بار قیلور هر بر قدمده سیجده بار

کلیمه گیب آغزیده دور بس خدانی ذکر دین اوزکا بسوزلیکا

انام الیغدل کشی اوشبو شانلیو ابرور کیلوسه یوی مهربانلیو

کورکاپاش آلماکا زار یغلاب تزار ابر در دل افکار یغلاب

کیلب سلطان ابو سوزنی قیلدی آلنکلاردیب اونونی قیلدی آواز

حلال اولتون آلب کیلدیم آلکلاردی حلال بل لیو کشی بولب کیلنکلار

اوشلدم برکشی آلدیغه کیلدی کاوج یرمقه بریب اونونی آلدی

که یرمقه بریب دوروشن لارخه آلب بردی طعام دلربیش لارخه

بنه برتنگ سیب اول لارخه بردی بنم لارخه بریب بن خبر قیلدی

یوزوق وبرلی اویکه کیلب ابردی خدانی ذکر بیله بولوب ابردی

حبیبم دیدی سلطان کوزلوشنی تورو ب اول توجوان برله کوروشنی

آنا بیله توجلاب یغلادی زار یوسیردین بولدی سلطان آکا یار

طریق امتحان برله بیولادی نه یرلیک سیب دیدی قیلب بهانه

منی بیجاره خوب اوخشاتیوسه کشی تنلیک اکیلکیده تولقونیوسه

دیدی اولوله اجای بنده مخلص قیلب دولدی همه ایلیم سزکا اخلاص

انا بینک حضوریه کورماکاولکای — مرادی مقصد یکا یتمای اولکای
خمده بینک حیرت ارمانده کتکای — کم لبغه یتشمای لوده کتکای
بینک ایمدر خدانغه تابشوروب مز — خدانغ حکمینه راضی بولوبمز
انا نکدر منتظر بولغه قربان — بینک کیلکای دیبان اول ارتکای
وفانکدر انا نکدر آخر ایشکای — بینک درد بینکا بنه کتکای
بوبیوزنه اینبان کوب یغلدی زار — یقه پیرهن فالغه بولغاب زار
مونونکدر یک زار یغلدی بیرکه تویه — الیه راجعون اولدم اوقودی
اوشلدمده بلند فریاد قیلدی — خدانغ قدرتینه یاد قیلدی
محمد امتی بیرنده خاص — مینی یوزومکا ایمگا بل انکا خلاص
مینی یغلدماکیم اوغلومکا ایرمیس — کتب کاتم غم غصه بیلمایس
غریب لیکاوجون رحیم کیلادور — اینک حالینه کوب کونکلوم تولادور
دیدی هر رحیم غریب لیکه برله اوله — غریب لارکا کشنی کوز یاشی قیله
بهمه غریب لیکنی قیلور یاد — خدا فیلغای انی دوزخدن آزاد
بوبیوزنه ایدی — شیطان بولغه کردی
کوز ینک یاشی کو — لیسک کوکلدی

انا بینک حضوریه کورماکاولکای — مرادی مقصد یکا یتمای اولکای
خمده بینک حیرت ارمانده کتکای — کم لبغه یتشمای لوده کتکای
بینک ایمدر خدانغه تابشوروب مز — خدانغ حکمینه راضی بولوبمز
انا نکدر منتظر بولغه قربان — بینک کیلکای دیبان اول ارتکای
وفانکدر انا نکدر آخر ایشکای — بینک درد بینکا بنه کتکای
بوبیوزنه اینبان کوب یغلدی زار — یقه پیرهن فالغه بولغاب زار
مونونکدر یک زار یغلدی بیرکه تویه — الیه راجعون اولدم اوقودی
اوشلدمده بلند فریاد قیلدی — خدانغ قدرتینه یاد قیلدی
محمد امتی بیرنده خاص — مینی یوزومکا ایمگا بل انکا خلاص
مینی یغلدماکیم اوغلومکا ایرمیس — کتب کاتم غم غصه بیلمایس
غریب لیکاوجون رحیم کیلادور — اینک حالینه کوب کونکلوم تولادور
دیدی هر رحیم غریب لیکه برله اوله — غریب لارکا کشنی کوز یاشی قیله
بهمه غریب لیکنی قیلور یاد — خدا فیلغای انی دوزخدن آزاد
بوبیوزنه ایدی — شیطان بولغه کردی
کوز ینک یاشی کو — لیسک کوکلدی

امید اوزدیم کہ شہ ایلیہ بیر ۲ ... زن فرزندیم بیم فیلیم الیم
اگر منگ پارہ قیلمنگ بولمیدہ ... کو لکل اوزکوم قیلیمان بیلمیدہ
قیلیس تا خیغہ باریب اول زمانہ ... بیچہ بولار عبادت قیلدراندہ
کہ ہر یلدہ طواف کعبہ ایلاب ... کتار اولیکا بار لیقلا ب
کہ بر کون ایدرشاہی عالم احمد ... بولار البتہ دین قیلدی راحت
اول ایردی آخرت ... اولیکا قویدی
الیہ راجعون ا ... ول دم اوخود
بار ایردی شہ نی بر خوب مرید ... کہ بر کون ایتمشی رہ ایچرہ کوردی
دیدی پس طاقہ حالینگ نہ بولدی ... لحد ایچرہ قیلغانینگ نہ بولدی
دیدی من دین دہ خدا خوشنود بولدی ... منینگ حالیم بو کون بر ایبولدی
خدایم قیلدی منکا کوب عنایت ... کہ اصلا کورمدیم رنج مشقت
کہ باب التمش آنلیق بردی ... اولوغ لیغ ایرور چون عرش اعلا
بنہ کوب وعدہ قیلدی اکبر ۲ ... جمالیم کورسہ ای دیب روز محشر
دنیا طلب قیلمہ قیلغو بے ... عقبیکا یوز اورغان کشی
جنت برلہ حور و قصر ... مولا یوزین کورکا نکشی

کلمہ دیخبر دور

گنج بادآورد حسکر دیوان ۲۲۲ — مظفر وامیر و زنبیل سپیغه ۲

دنیا ملکین نیدا بسولان — اندین غبرالغان کشی

الهی پیغمبر پسنی واحد پلیب میز — محمد مصطفی انی واحد پلیب میز

الهی حاجتنی پیغمبر قبول قیل — دعی آخرده ایمانی عطا قیل

هویدا غه خدایا قیل عنایت — بجب جرمین توت ایمانین سلامت

پیمبر دید پلار کیم قیلیب حاضر — نه قیلغان طاعتی بولغوسی فایده

پلیک اولتونسه اورنا دورنجول نار — چیدا طاعت اندا غ اجر یاری یار

غیر ازل طاعت شه بولدی — چیدا دین رانده درگاه بولدی

بر نفه آلدیده توبه قیلور پس — بو قیلغان توبه سنگه بسندور روس

قیلور دیب قدان روزا عاده — بحمد قیلغان گناه دین بول زیاده

نمونه گر کوسه پیکبر گروه خلق — الارغه بولغوسی جنت درخلق

بر پیسه پادشاه ظالم اولدی — بر مرد پیل کیل عمل پیغمبر عالم اولدی

ار پیسه دورغنی بیخاوت — زنا گر دور بری بوق انگا جنت

بری بود نیادین بد توبه اولکانی — بری شطرنج ایچ بازر قیلغانی

نفر ما لیبن جلال دیب یکوبی ناس جلال ببلیب حرام غه قیلغای اخلاص

بو طایفه خلایق لار بهشت نی بیلینک کوزمیس الار عنبر سرشتنی

نفر ده ایدیلار شیطان ملعون لعین فی شیغه کیلدی برکون فرعون

الیکاوی بر بر لیکا بیوزلار ایردی که فرعون لعین شیطان غه ایدی

یا زوغلوغ مزاق خدای بس هو یا سن جواب ایلغیل بو سوز و مسکا ایمکدر روشن

عزازیل دیدی ای فرعون الکلام فوران سیالغیل بو سوز و مسکا ایمکدر مشکلا

خدا امر ایدی جمله ملک کا ۲۲ همه کر بیان نه فلک سا

فلک لار منغ سجده عیلا نکرز دون بو ینکلیغه امر قیلدی بز کا معبود

ملایکلار همه سجده قیلدی ۳ الا بیج ال ایدیم امر تا بنودر

دیدیم آدم غه اصلی خاکدین من نار الکا سجده قیلورغه ایلادیم عار

قلیب اوشبو گنه تکبر بولدیم ۲ بسبب بول رانده درگاه بولدیم

ولیکین بس خدا نیوق بیلورسن اوزونکنی خلق ایتنکر آلورسن

عزازیل ایدی کوب بزدین نبون نار بو دنیا ملکیده بسیار بسیار

آلورده مال همه مین بز و ر قلیب کبر لار ایجب فسق فجوری

الا یدی ظالم ایدی خالق طا ق الا بز دیدیم امر و آنچه ذلیلهار ایم

قیامت کون کیسور حقدن خطا بده ۲ الارغه کوب قهری عطا بده

ملائکه لارغه اولدم امر بولغای عذابه قالغوچی ارغه امر بولغای

قیلنگ فرعون شیطاندین امنگ عذابه مسخت ظالملارغه بیرگ

الهی هیچ قولوم نکنی قلمه ظالم

فقیر لیغ بیرله اوتت بیسوز عمر ایلم

بیته اوچ طایفه ایلنگ دعا سی اجابت بولمغای هرگز دعا سی

بیخبر چاپسون دور بر غیب جی آنگ بر پسند و چند قلغای مسلمانگ

بو طایفه خدا یولنه بیلنگ بیسر تبلا کیشی خدایم برمس هرگز

قیامت کون کیسور حقدن خطا بده خدایغه قیلب قهری عطا بده

بیلدی ظالم ایلیدین قورقونگلار دل جان بیرله امرین تونگلار

ولامندین اوبالیب قورقمدنگلار منی امرنمنی تونتی دنگلار

عذابه مسخت بیرلارکا ایتارمن بارنگلار جهنمکا ایتارمن

چکا بیت

کیم برکون نمایدبرا سیاطان کوزیده ۲ ایتنگ معراج ابرو قوبه بیده

ایلدی منظور ایلیده هر کمر بسته ریا بیرله نماز روزه قیلب

انینک قیلغای نمازی روزه سین حق — قیامتنی بولغوسی قیلغای معلوم ۱
قیامت کونی آلیب یوزیکا اورغار — ملایکلار عذابه سیخت قیلغای
الهی کونلوم بیزنی دیریا قیل ۲ — جرایح صدقه بیزنی دیریا قیل
جهنمدین ریا کردارنی ایت پاک — مینی بیچاره قیلمه تا یولغوچه خاک
پشنکالدینکده ای خلاق داور — ایمانیمنی یوغلدیره پشنکا زهره کار
مینی قیلغای نیاز ایشیم ای پاک یزدان — خلایق نیهاز ریا کا اعیان
کورار کوزکا عجب صوفی نمازی — ریا باطنیده پر مکر و مجازی
قیلور خلقوار ایسیار تقصیر — ریا بیلک اشکر بیرا ایلاب اقرار
ایلکیده عمل ایکنجیده دور دل — بولور پرچه فرسنی ساده دل خلق
ریا لورنی ایل ارایرکه نظاره — نظر ریا لغوکی یوقده کناره
قیلور من یوطریقه ایلکانده ویر — پشنکا عیب ایبرور ای عالم السر
ریا کارین دوامت ایلادیم پاکش — زمانه قیلمدیم کار باخلاص
نمامی عمریک اوتدی یازایله قیش — بهویدا قیلمدینک بیزنی ریا بیش

حکایه بیت

قیلور اولیالار موندغ روایت — خبرده کیلتورو ب دور موندغ حکایت

بار ایر در بر جوان طالب العلم ۲۲ بغایت بار پ دلبر فه خوش طبع

طلب ایلاب او قوب بو لغه کردر نیچه کون لار بور وب بو لوم کوردر

بوروب القصه بر شهر لغه بار دی نیچه کونلار اونده شهوار اکره تورد

نیچه کونلار بور در لب به تشنه طعم نا بمه بغایت بولدی کشنه

تورو ب ایر دیکه بر کون نزار بغلاب غریب لیکدا و تیغه بغیر ینه داغلاب

اونلدم بر جهود در آلدی بغه کیلدی ۲ نه جانم بیس دیب منی حالم دیکور

بولوب بیس دیدی رنجه کا کرفتار قالوب بیس در وه دیوار ایا زار

من الکا حال دردم عرضه قیلدیم ۲ غریب کشنه لیکمنی الکا ایلدیم

جهود ایدی منکا صحرا نجه بار یب ۲ آلوب کیلیب منکا کرا و تونی کوتاریب

بیسنی من آشنا نا لغه تو یدم رو ۲ بنه بر نیچه بر فاقه هم بر لدم

بیمبر نجه بر یب مونداغ جوا ب کوزیدیم قطره قطره تو کتدم

بیسول عالمی دهم کر یا نس بو یار لغه یو رکی بولدی ریا نس

غریب یو کمی غریب حالمی بیلور مو جفا تارتمای کشی ضایع قالور مو

جراکه اوزلاری تا لقان غریب لیکی غریب لیکی شهر یده مونز ریب لیکی

ایدیلار ای غریب دیجاره مسکین ۲ زمانی ایلا نکیر یو بره تسکین

اوغلم سنی تورلوکلر مدن کوتاریب — جهود نداوی یکا مدن بنکورا بن

پیمبر اوزنه دین در حال تورسه — مبارکاریفه بیاین اوتولغه تویدر

کوتاریب یاقه اوتونه قصد قیلدی — اوشلدم جبرئیل آلدیغه کیلدی

دیدیلر رای رسول هر دو عالم — ایرور سیز بیر وری اولادر آدم

قویونکز بیز مدن اوتونسنی کوتاریب — جهود نداوی یکا آلیب برا بن

رسول الله اوشلدم جبرئیل غه — مونونکدیک ایدیلر بیک ایلیغه

برار چون سیز نه تورتوای بیک رهبر — برار جوکز مدن تورتمای دیار پیغمبر

ایکا ولاد کوتاریب آلیب برالی — جهود نداوی یکا بیر بنکورالی

جهود داوی دین چقیب حضرتندن کوزی — دیدرای مصطفی اینکز کانه بولدی

نه اوچون کیلدنکز اوتون کوتاریب — سبب نه دیر سیز تورمولده هاریب

انکا ایدر نبی لار پیشوایی — دو عالم خلقینی کوزه طوتایی

قیلب امر پیمبر بارغریب کا — غریب لیک شهریده مضطریب کا

منکا بر پشته هیزم کوتاریب کیل — برای دیب طعام اهم بنه بل

ثوابه طالب علم تاپای دیب — آلیب کیلدیم پشکا اوتونی کوتاریب

انکا اوشبو پیغمبر نه ایدی — جهود اولدمده قبضنی آه اوردی

دیدار ای رحمانی بهر دوی عالم — امروز پسر پسروری اولادر آدم

نیچه کورلار قیلیب دورمس خطا قیلمه — یینه ابلاب بو جانیمغه جفا قیلمه

بو کون ای سید رایب دالی جانم — قیلنگ پیغمبر منکا ایکدر عرضه ایلگان

جهود کا مصطفی اعرضه ایتسه ایلگان — کلمه کیلتورو ب بولدر مسلمان

قیلیب دور اول عزیز ملاذ عزت — رسول حق شفاعت خاه امت

بیلادور زرکر اهل قدر زرقنی — نه بیلسون بیسک مسکین قدر شکر نی

شرافت فضیلدین ملاذ ای جان — جهود بولدر مسلمان تابت ایلگان

دیدیلار کیم قیلور ملاذ عزت — مینی عزت قیلور دیب ایلار حضرت

مینی عزت قیلور بیسک اخت ۲ — اذ قیلغوم شفاعت روز محشر

قیلور بنده کیم منکر بن عزت — انکا بر گا خدایم حوری جنت

قیلور کیم که ملاذ حقارت — مینی قیلدی حقارت دیلار حضرت

مینی قیلیب حقارت مرد کافر — قیلور حقینی حقارت بولدر کافر

حکایت

بیت

بر ده کیلمش عیسی ابن مریم ۲ — کورو ب ستانه باردی اول مکرم

تمامت ابلایان بهر قیلیب کورنی — یوروب ایردی قیلیب کشف قبورنی

کورا رلار برکشے کورا یچیده ۲ تنے ذیر میے غرقلور ایچنده ۲

بیریم چیمی ایرورنار ایچره پیشورلان کوروب عیبے بوسیرذ بولدی ایرانی

دعاغه تورد یلار کورذیں تو کوریاشان دیدیلار یارب بوسیرذ مکافیل فاشان

ندا کیلدی اولوکسنے اوریدیں بیشور بیمکا اینیسی بوسیرذ صاحب کور

بنه آجتے دعاغه قبول میسی اولوک اول کورا یچیده بولدراجی

کوریدیں اول کشے باشین کوتلدی میلادم ایلاب تواضع برله تورذی

دیدی عیبے ایرورسن کیمکا امت کورار چیمنک یاریمی بیخت محنت

نیدیں نصف تینکلدی عرقه اولدی بوسیرذ فاشقیل ای صاحب کور

دیدی عیبے ایشتیکیل بوسیرذ ایتدیں کولونکسونده تو قیل

که برکون عالمی کیلدی اویومکا میلادم اینیب کریب کیلدراویومکا

که اوریم دیں الکانیم خیر تورذیم تمام تورماینه قینب اوتورذیم

بیریم چیمم الکا تورذرکناهی نوکولدی عالمدی بریرکاهی

بیبب بولدی رخدایم قیلدی رحمت عذاب بیخت دین بولدی میلادمت

تنیم ذیارمی تورماینرده عالمدی کنه دریاسے ایچره غرق بولدی

چکار نصف تینم قنع عذا بے بیبب بولدی رایرورحالم خرابے

کرکدیر

بودنیا غه کوکل قویمه برا در همه کاری ابرو ویران ابستر

نماز قیلغیل توره کوز ایمیلمان توزاب فعل بد بنکنی ایلا اچار

بو بیسوز بر لا بولدی تیمن بیوز

که اصلی بیوز بو دور ایکردی بیوز

خالق جبا ایلادیم اوز جانمغه قویمدیم طاعت طلب ماین خانمغه

هر نه ایش قیلدیم باری بولگه ریا اعتماد یم یوق قبل قبلغانمغه ۲

خالقا توکتوم عبادت جامنی بیخته قیل بندنکی رنه خامنی

بیسه کرم ایلا پادشاه بیسه من کیلا ایلا کیل حور قصور نعامنی

خالقا رحم ایلا جمله عاصیکا ۲ اورته ده مندیک جهنم بیوایکا

بعضیدین ایمکن لب بیسنی آلب کیدوزوب کافه بیسنا بیسکا ۲

خالقا کیلدیم من ایلاب امید درکاهنکدین قیلمغار بیسنا نا امید

کرچه بندنک مونده بوار بیسیا لطف ایلاب اندوجهیم بیسغیل

خالقا بیندین تیلارمنا کوب وار هم تیرک جانم چقاردیا ایمان

اکر بیسن جاملکا جامی بولبسکا منسنی بولدین آزغورور شیطان

خالقا

خالق قبیله سوال منکر نکیر ۲ هیبتدین تا خلد ربولغار هر بر

بنده گاه جزا یرو رمن ای الله ربّم الله ذ تسلیم کا جاری بر

خالق کوب ایلادیم فیق مجبور پسنکابر کوم جوابیوم النشور

من کنه لیک قبل ایرورمن پسین کریم من خطا لیک قبل ایرورمن پسین مغفور

خالق دایم منکابر کیل امان ایکی عالم پیره ایرورسن مهربان

تا تکلا تارت قانده تراز وخه عمل قبل ثوابمنی کناهم دین کران

خالق ایکی کوزومنی پیراب قبل ۲ کیجه لار تا صبحدم بی خواب قبل

بز تو تکانده پسوب بسخر ده قبل آب کوثر دین منی پیراب قبل

خالق حیف اوتدی من دین پسال ماه هر نه ایش قبلدیم باری بولدی گناه

تا تکلا ربسوا قبل غلام ایل آلیده قل ایاغیم پسوزله تیب قبلمه گواه

خالق دیدمنی پیرنم ایلا کیل ۲ اولکونیچه ذکر نیکا همدم ایلا کیل

هر بلا کیلسه اوزوم دین راضی مان ۲ موندهغم کیمه اندهیغم ایلا کیل

خالق الطاف عنایت ایلا کیل جنّت معوای کرامت ایلا کیل ۲

تکلا کوفرد کدین پسلامت اوتکارب جنّت مادوار کرامت ایلا کیل

حیف اوتدی منده یاماه پسال تولد کوره بولدر خیالیم فکر مال

نا نکلا مدد دیده آل پیمبر ﷺ — آه پیلم پس مانه بولغار الده جواب

خالقا ایکی جهان غم خاری سین — برچه بنیک رزاق پر باری سین

کیم یلندیور سه اذیر کا اوروب — فیلغوچی سین بتی بلند قهار سین

خالقا کوب ایلادیم جرم خطا — ملکا بنده کوب ترار لطفی عطا

قبول هوید اخر سیه چیمیا بنده — قیلما ذلیل نفس هوا خه مبتلا

تذ بتوفیق خدا لایزال ۲ — این کتابت روز دو شنبه شد تمام

تمت تمت — الکتاب بعون ملک الوهاب

هر که خواند دعا طمع دارم — زانکه من بنده گنه کارم

بسم اللّٰه الرحمٰن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبت للمتقین والصلوٰة و
سلام علی رسوله محمد وآله واصحابه اجمعین لا اله الا
لله محمد رسول الله اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبد
آمنت بالله وملائکته وکتبه والیوم الاخر والقدر خیره
وشره من الله تعالی والبعث بعد الموت ومختصر
یقول ما امرنی الله تعالی به قبلته وما نهانی عنه انتهیت
عنه

عنه فاذا اعتقد ذالک بقلبه واقر بلسانه کان ایمانا مجملا
وکان مؤمنا بالکل وصولی عبادی چهار نوع اند شستنی فرض است
اول استنجای جنب دوم استنجا ز زنیکه از حیض پاک شود
سیوم استنجای زنیکه از نفاس پاک شود چهارم مقدار
بستیکه زیاده ازان قدر در هم شرعی باشد شستن آن فرض
وطهارت چهار چیز فرض است اول شستن روی از میان مو
بیخ ذا زیرین زنه گوش تا بایین نرمه گوش تا زیر زقن دوم
شستن دو دست مع مرفقین سیوم شستن دو پا مع بجل چهارم
مسح کشیدن بچهار یک سر و در غسل پنج چیز فرض است
اول شستن دهان دوم شستن بینی سیوم شستن سایر بدن
اسباب فرضیت غسل پنج است سبب اول امداقت کر
دن دو ختنه سبب دوم احتلام سبب سیوم بر امدن آب
بی بدفوق شهوت سبب چهارم حیض سبب پنجم نفاس
پنج چهار چیز فرض است اول نیت دوم قصد خاک پاک سیوم
ضرب زدن اول برای روی چهارم یک ضرب زدن دوم برای

دو دست مع مرفقین در بیستم نیت جنب کفایه میکند در انصاف
علیه الفتوای و در ہدایه ہو الصحیح و در نماز دوازده چیز
فرض است اول آب پاک دوم جای پاک سیوم جامه پاک چہارم
وقت پنجم قبله شنم نیت ہفتم تکبیر تحریمه ہشتم قیام
نہم قرات یک آیت دراز یا سه آیت کوتاه دہم رکوع یازدہم
سجود دوازدہم قعده مقدار التحیات خواندن تا عبده و رسوله
و پستر عورت نیز فرض متفق علیه است عورت مردان از ناف
تا زانو است عورت زنان از سر تا قدم مگر کف روی و فرض
خلاف فیه پنج است اول ترتیب دوم برآمدن نماز کذا بفعل خود
سیوم آرام گرفتن در رکوع و در سجود چہارم قومه پنجم جلسه
میان دو امام ابو یوسف و امام شافعی رحمهم الله و شرایط فرض
شدن زکوة ہفت است اول حریت دوم بلوغ سیوم عقل
چہارم اسلام پنجم نصاب ششم گذشتن سال ہفتم غنی از قرض
صاحب نصاب بود و نیت زکوة در وقت دادن یا در وقت
جدا کردن فرض است ادا کردن زکوة بمصارف نیز فرض است

مصارف

و مصارف زکوٰة نیز هفت است اوّل فقیر دویم مسکین سیوم
عامل زکوٰة چهارم مکاتب پنجم مدیون ششم منقطع
الغزات هفتم ابن سبیل و در روزه داشتن سه چیز
فرض است اوّل نیت دویم ناخوردن و نه آشامیدن سیوم ترک
جماع کردن از صبح صادق تا فرو رفتن آفتاب و علم نیز فر
ض است و علم تابع معلوم است و اگر معلوم فرض عین است
کسب نیز فرض است بر عالم یاد دادن طالب را فرض عین است
تا بوقتیکه فهمد طالب و حفظ کند طالب و ضبط کند طالب
و در خوردن طعام چهار چیز فرض است اوّل حلال طلب
که پاکی خلق را اعظم فرایض است دویم رزق را از واجب تعالی
دانستن سیوم راضی باشند بقسمت الله تعالی چهارم معصیت
نکند مادامیکه قوت طعام در وی هست صحابه و تابعین رضوان
الله تعالی علیهم اجمعین باجماع و باتفاق اعتقادات حق را از کتاب
و سنت اخذ کردن بفرایض اعمال بر هیچ مؤمنا فرض عین است مستعان
الله توفیق کند آمین و رب العالمین تمت تمت تمت تمت

بسم الله الرحمن الرحیم

یک حکایت یاد دارم از رسول باد مقبول همه اهل قبول

تا که معلوم تو کرد د همتش تا چه باشد امتان را شوقش

بعد ازان آیم بمیدان جهار یار ای برادر یک زمان گوش دار

جمله شب ها مصطفی بیدار بود اتفاقا یک شبی خوابش ربود

اندران شب هم بتقدیر خدا این ندا آمد بگوش مصطفا

ای محمد خواب تو زیبنده نیست هر که در خدمت نباشد بنده نیست

آفریده ام من ترا از بهر آن تا شوی بیشت پناه امتان

چون بپرد از تنت جان پاک کردم الکنون امتانت را غفور

دوزخ انداز هم همه عام و خاص یک تن ایشان نکردانم خلل

چون شنید این قصه را خیر البشر رفت از انجا امنی گویان بدر

چون که یک روز دگر گشت این قصه را خون دل خوردند یاران قصه را

عاقبت روز سیوم بعد از نماز جمله پیش عایشه رفتند باز

جمله به پرسیدن ز ام المومنین داد ایشان را جواب انچنین

زد دو شب رسید از حق عتاب امتان را آمد از بهر عذاب

تا که این آیت بگوش او رسید شد بیرون از حجره الا راکبی ندید

جملہ یاران نالہ و زار آغاز کنان روبصحرا آوردن آن زمان

ناگہان دیدند یکی چوپان ز دور کشت پیدا در دل ایشان سرور
پیش او رفتند و پرسیدن از او کز خبر دارد ز پیغمبر بگو
گفت من کی مصطفی را دیده ام بلکہ نامش از کسی نشنیده ام
چند دو سہ روز یکہ کم گردیم ما در فراقش خون دل خوردیم ما
آمدیم اکنون بجستجوی او نیست ما را زندگی بدون او
لیک چند روز بیست آواز خروش از میان کوہ میآمد بگوش
میرسید بر گوش من هر ساعتی نالہ یا امتی یا امتی
جمعیتان از نالہ او خفتہ اند از جرا کردہ دہان را بستہ اند
هر زمان از دیدہ میریزند آب بستہ اند از راہ دیدہ راہ خواب
من نمیدانم کہ این آواز کیست این همہ نالیدنش از بہر چیست
چون شنیدند این خبر را آن گروہ روی آوردند جملہ سوی کوہ
شد نمایان در میان کوہ غار در میان غار آن صدر کبار
پیر بیچارہ ماندہ بیش بدنیاز با خدای خویشتن میگفت راز
بیکہ رفتہ از دو چشمش خون دل رو بر آکہ او فرو رفتہ بگل
گریہ میکرد و همی گفت ای الہ نالہ بخشی او منانم را گناہ
من نہ بردارم سر خود از زمین تا بروز حشر باشم اینچنین
اینچنین میگفت و میناليد زار اشک میبارید چون ابر بہار

چون

چون شنید این فحاشی را ز در جمله را از خانه آمد خون بجوش

گفت صدیق ار شفیع المذنبین از کرم بر ما ببخشا از زمین

آنچه من در عمر طاعت کرده ام وآنچه در دنیا عبادت کرده ام

دادم این جمله برای امتان غم مخور دیگر برای امتان

لطف کن گیسو بر او بر دار از زمین تا ببینم آن جمال نازنین

گفت پیغمبر مر او را ای رفیق گر چه هست بنده را یار شفیق

لیک از شفقت نباشد هیچ نفع این خطا بار او نخواهد کشت و دفع

بعد از آن خطاب عادل هم خدا گفت ای غمخوار جمله عاصیان

چونکه خود فرموده بود در بارها عدل بهتر از جمیع کارها

هر عدالت کز من آید در وجود وآنچه کردم در جمیع عمر خود

کردم این جمله برای امتان غم مخور پیغمبر آخر زمان

گفت حضرت این سخن نبود روا عدل تو در حق ما نبود روا

بعد از آن گفت عثمان انچنین قبله گاها پیر بوبر دار از زمین

آنچه من غفران کردم در جهان وآنچه فران جمع کردم اجر آن

جمله را دادم بامت از رسول التماس بنده را ممکن قبول

گفت نکند یاد بانها کار من که باین آسان شود دشوار من

بعد از آن گفتش علی مرتضی از پس اخلاص مصطفی

آنچه کردم من خدا را در راه حق وآنچه کردم خیر در درگاه حق

صرف کردم امتانت را همه امتان عاصیان را همه

ما همه امید از تو میکنیم با امید ما را مکردان ناامید

گفت پیغمبر کز انها نیست هیچ این بخشش مرا مسدود نیست

ناج ماند نوزنیم روز حضرت جبرئیل علیه السلام
الصلوات والسلام آمدند گفتند خدای تعالی شما را سلام میگوید
دفتر شکنان زرد بدنهایت میگویند که خدای تعالی میگوید من که خداوند
بعزت جلال اکرامتان شما این نامها نیکه را مانند عذاب کور را بروی
حرام کردانم اگر روز را یکشنبه یا شب یکشنبه پسر زاید ناج او ابراهیم یا محمد
ماند و اگر دفتر بکند جمیله یا حاجر ماند اگر روز را دوشنبه یا شب دوشنبه پسر زاید یا
یا احمد ماند و اگر دفتر بکند فاطمه یا عایشه ماند اگر روز را سه شنبه یا شب سه شنبه پسر
زاید اسماعیل یا اسحاق اگر بکند خدیجه یا رابعه ماند اگر روز را چهارشنبه یا شب چهارشنبه پسر زاید
عثمان یا هارون یا علی ماند اگر دفتر بکند کلثوم یا زینب ماند اگر روز را پنجشنبه
یا شب پنجشنبه پسر زاید ابوبکر صدیق یا عمر ماند اگر دفتر بکند اقلیم یا نوا ماند
اگر روز را جمعه یا شب جمعه پسر زاید یونس یا یوسف ماند اگر دفتر بکند
بساره ماند اگر روز را شنبه یا شب شنبه پسر زاید عبدالله یا عبدالرحیم
ماند اگر دفتر بکند مریم ماند والله اعلم بالصواب
علم اگر اندک بود خارش مدار
زد نه خار کشی رنج موی نیست یک زر که بر سر او
گفت بر یکی جوهری بقچه بهتر است از تنگر بافته جامه کهنه بصد دریه
بهتر است از لباس باز ریه خوشبختی کنی با آگاهی بهتر است از امیر شاهی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلطان خواجه احمد یسوی نی بسوز ناله زاری

زمانه آخر بولسه یا دوستلار — تورلوک تورلوک بلالر قویار ایرمیش
اول بلالنی وزی یسوکیانکه دور دوستلار — ایلکلیرنی آجب دعا ایلاب نهار ایرمیش
اول بنده نی عزیز یاراتسه خلق یولنی — قیو بارسه تانیب بولماس قیلماقلار
عاشق لارنی تیدیرا قیلور وجدکا کیلتور — اخلاص برله یارکا طالب یار ایرمیش
اول درویش نی کورسنگ جانینگ برمیس موسن — باسکن ایزین کوزکه آیب یوز تیمیس موسن
خدمت قیلب نی بیحرلر دیمیس موسن — خدمت قیلکا نهار سیر کورسه یار ایرمیش
جام جهان نما بولوب پیر لار کورکای — کورمدیکم مندیب مسن دیب پسندیدن خوتور
تو طالب بولسنگ حلقه یکره اورمان اورکا — غریب لارنی ایزین آیب او یار ایرمیش
پیغمبر آخر زمان امت لاری پیشت لاری — ابراهیم خلیل الله ملت لاری
فقیر سوزیمکا حق مصطفی عادت لاری — فقیر سوزی سنگا بیر له بار ایرمیش
خضر الیاس غوث غیاث الکاملار — الدائم درویش حق دین اورکا قیلماس کلام
یاد لاری کیم نی کورسه قیلماس حرام — باطن لاری حق قیلیب جاهار ایرمیش
اخلاقات لیو طالب یار یولیدا لغا — وقت سحر فیض فتوح اندین آلغای

تمت بتضمیم کمیر اروی

از کرم اورا فلا یارب کنم تمت بخیر تمت

پس ایلتغه دیکر یوز رحمت ایله مغفرت اولوغ کیچیک کنه لارینه کیچه یارلیغیسون

امتکنی کناهیدین بولا مسلول درکاهنده مناجاتینکی قبول ایلدیم قبول

ای حبیبم ایمدی سنده دین خوشنود بولدم کوکلکه بوسیوز یرلاکا احمد کونکلیده آلار رضا

رسول اولدم امتلارینی جمع قیلیب قولیده توتوب صراط اوزره اونکاریب

اوزی آلدیده برچه پسینه ارقه لاب برقدار کناهیم اشت آلیب کیرار یارلیغیسون

قیل امور شب میت ایدر موذن دفتر قیلیب خدایتعالیه یالبررمونی

نشاعت دیرماومید قوب ایلم ایشت کاندین دعاطمع قیلار یارلیغیسون

علی اوغلونی جان دلدن سیوکانلارنی ایچیده دیب یغلاب یاشیده توکانلارنی

ایچی کویوب دایم بورلاب یورکانلارنی تر مولتسون یمع امین دیب آلار یارلیغیسون

ایادوستلار عاشقی حصه بولدی دیرلار ایلت کوچی عاشقلارغه یورسون خوشیچه از

چاکر برکانی دینکی رحمت قیلار یارلیغیسون

تمت

کیلدیم

یه الدعا اینکی

غفر الله لصاحبه ولجمیع المسلمین

خدمت قلب جریر کور سیم مرد یا رحیم ذات او لوح خواجم غیب کیلدیم پسنکا

قرق ایکده طالب بولوب یولغه کیردیم اخلاص برله یلغه رحمه کوتکل بردیم

عرش کورسه لوح دین او توب ملی کوردیم ذات او لوح خواجم غیب کیلدیم پسنکا

قرق قاوه جوملدیسه ایزلاب نالیه قیلدیم شوق برله کوریاشمی زاله قیلدیم

جان دلی شیدا قیلیب والله قیلدیم ذات او لوح خواجم غیب کیلدیم پسنکا

قرق پشم دیکیندیم حاجت قیلاب کیلدیم توبه قیلدیم هر ایش قیلدیم خطا قیلدیم

رحمان اتلیق رحمتکه او لوح یلدیم ذات او لوح خواجم غیب کیلدیم پسنکا

قرق آلتمش ده شوق ذوقیم تو توب تاسیم رحمتکه دین فطره تا مدرسه طالقا

حق الهی رفیق بولوب یاریم اجسه ذات او لوح خواجم غیب کیلدیم پسنکا

قرق توقسان ده بیته یافدیم اللهم بیته مشاقی بولوب جام شراب خواجم توته

نفس شیطان هر اوسه اوزی یاره ذات او لوح خواجم غیب کیلدیم پسنکا

قرق یکیرمی ده عزیز جاندین ایرلار بولدم کویدوروب بحور اصل اهلی برله بولدم

اول سبب دین اخلاص قوت غیب شکا اندغ دروشش حق دین اوزکا قیلکلی کلا

ظاهر لاری کیم نکوب قیلدغ بسلام باطن لاری حق قیلیچ بین جافار ایرمیش

اعتقاد لبو طالب یار نظر لطف الله وقت بسحر فیض فتوح اندین آلغای

ساهیت نضیم بیرار وی
از کرم اورا خدایا ایمن کن تحت تمت

بو زمینگ سیدام حقدین پیم ایتکاچیکا — تا جنبش الاری رطا بلایا فوار ایرمیش

عاشق لار نه حقه ینگا بول فریادی — عرشتن یوز عاشق لار نه یتیلدی داد ی

روزه نماز تسبیح الاری حق ذیادی — یاتسه قیوب کوزیاشینه یب ایرمیش

عاشق لار نه یونیغه غلط ایرمیش — ملا ایکلار زنجیر سب ایب یوز ایر کار

کوکلیکا

برآ اور یه عیرتسن دین او یوب دوزخ — دود در چاپه کون نه توتار ایرمیش

محشر کانی یوز یسوز دیب الله یسوز — من ایتمدیب آیت حدیث قرآن یسوز

عاشق لار عه یشمیش ایرمیش شهید غازی — اول باریب عاشق یدار کورار ایرمیش

نامه قبیه — مثنوی

ایا دوستلار قیامت بولغا نیده — تو لوکس تور بول کل امت لار بولار ایرمیش

زمانه او یوب محشر تا نکی آتقانیده — آفتاب مغریب یقا یسیده نوخار ایرمیش

انه کورکاج آدم او غلی حیران بولغای — تاغ تاشقه یاشینه اوروب یغلاب یور کار

یاشینه نوکوب یوزینگ نوب قیلغار — توبه قبول بولمیس دیمانی ایتار ایرمیش

اول کیبکار خلق ارادین مهر شفقت — باج قالمغار عالم ایچره زناز نعمت

اندین سیونکره کوتار یلکا کافر اندین خط — عالم ایچره یوز نیک بلا یغار ایرمیش

فوروب قالغا یر یوزنیده برچه دریا — یینه قت یر اوشلار مدینه یسما

عرشتن بولکلار اوغه کیچیک کل آتسیا — قدر تیدین بیر یک بولور قیلا ایرمیش

اندین سونکره بر یولدیکاوت یا قیلغای — تاغ تاشلار اوشل کوی تشل یونکدیکه یولدیکای
اوشل وقت بنهان ایشلار ظاهر بولغای — بهشت دوزخ اندهٔ حاضر بولار ایرمیش
حق بر اکا کز اولدی بکلر بنگ عالم اهکه — انبیه جمله یوبر رحمل ایمکه
جبرئیل میکائیل ملک هم ۲ — بر خدادین اوزکه مخلوق اولار ایرمیش
آفتاب قیامت کونکیرار جوشقه — بر بیه خلق نی کوزی تولغاقلاری یاشقه
اوغلان ایزلم جور جفا سیلاب یاشقه — عاجز بنده هر نه کیل کوزار ایرمیش
آفتاب نیزه لوی کیلیب تورغای — هوایش دیکر قزیر بر هم مثل تمور بولغای
غضب قیلغای بنده یه مثل تمور بولغای — بر کاتلی سیو دوزلیکز یولار ایرمیش
آتش دیکر قیلار فرق بیر بنگ کوله تا بسته — قرق کز جفب قیلب توشار شول خاسته
رحیم ایتمه بنده لار نی بولحالیغه — یالتاس توکوب حقیه یغنیب یولار ایرمیش
ایادر بیتلار اوغول اتا بیکه یاقمیس ۲ — انا قیزغه قارشو رحم ایتمیس
ایرو خاتون بر بر یکا شفقت قیلمیس — هر قیب اوز حالیغه بولار ایرمیش
قیامت بانسدین جانلر کوزوب ایرار اوغلان — جبرئیل غه اوخشلمده قیلور فرمان
جیم غه بار یب اینکیل قویسونلر روان — بر فرصت ده جبرئیل یتیب کیلار ایرمیش
کیلیب اندهٔ دیکای یا محمد ۲ — تورونکل یمدر خلقدا پیغمبر کا بولدر رخصت

یا محمد

یا تمام غلبنی دین ایلدی سرکا اوتدی فرصت بو سوزنی اشتیب رسول در خاصت قیلیب ایر میش

رسول سوزنی اشتیب یا جبرئیل بو نمکو کولن یا احمد بیلینگ بو کولن قیامت کولن

وقتی جیب داغ چیرتندا منکولن امتیم دیب یغلاب یاشین تولکار ایر میش

باشن کوتارکان خلق دینا اول حضرت بولغای اونکده پسوکلاب ابابکر عمر بولغای

آلدیده کیندی ده عثمان بیرلان علی بولغای مصطفی ذی بار انلاری تولار ایر میش

شولدم رسول یار انلاری غه دیاضت یافقای یا ابوبکر صراط سیرر یارینگ دیکای

عاصی جافی امت کیدیب قیلدیب انلار ایر میش بولمیب بولب پندا قیلدیب انلار ایر میش

یتمه احمد عمر سیرر یاقیب اندیه یاریب تورونگ میزان سیرر ترازوده

حاضر بولونگ کین کارینده لار ذیبولور یا عمر قیامتینگ دیب ایتار ایر میش

عثمان ناهی یارینگ دیکای جای جیب دنیا دار امت لاریم بیرور جواب

جیب بیغه جواب یا عمر بولغای خراب جوابینی اورونگ بر دیب ایتار ایر میش

اول احمد علی سیرر یاقیب اندیه یاریب تورونگ بهشت دوزخ اورتاسنده

عاصی جافی امت لاریم یاریشنده حاضر بولونگ قیامتینگ دیب ایتار ایر میش

ابابکر عمر عثمان علی اندیه هر قیب بیسه اوزی جاینده تورغانیده

فرشته لار صف صف بیدیب یوغانیده تولا لار آلمای بیری جاجر کیلار ایر میش

پس عشت او یکی تورت طرفدین کیلور صدا — تیز راق کیلینگ یا احمد مصطفی ایر
فولادر آلمای برگ عاجز کیلدوگ عا — شفاعت قنی اوزونگ قیلدیب ایر میش
احمد شولدم قیب طرف برایرده یلمای — نچوک بولدر امتیم دیب کونگل تینمای
برزمان توره قه صبر قیلمای — بی طاقت بی آرام بولار ایر میش
طرفه جانغه توشار احمد اوشل کوزلر — یوکروب یوروب باریب کیلیب اندوه موندر
بیلکا
ایاد و بیتل ار قدر یرنی چیلوب امت قینده — امت اوچون موندغ ایشلار قیلدار ایر میش
کاهی صراط کاهی یوروب میزان باریب — کاهی دوزخ کاهی بیوروب جنت باریب
بول تورلی ویتنگ اورتا سنده یوکروب یلیب — نشه لیکدین ده یسیرغ یلاب بولار ایر میش
حقدین ده تیلاب امت لارنی کنا هین — لهزه آرام آلمای اولکونچه احمد جانی
برنفسده یوز منگ کز یب محشر کانی — باشن یلانگ ایغ یلانگ یوزار ایر میش
نشه لیکدین اعضا سیده نمی قالمیس — کوزونچه آچیب یوزاینوغه حالی قالمیس
آنچه یا رامیتم داد دیرین قو یمیس — اوزونچه یلمای یخشو دیلوب قالار ایر میش
یا جبرئیل حبیم غه بارگین دیگای — حوض کوثر شرابیدین برگین دیگای
آلیب کیلیب یا احمد ایچنگ دیگای — در حال رسول امت حالین بیلور ایر میش
یا جبرئیل امت حالی بیچیلگ دور — احوال لاری عقوبت دین بیلسون نچوک در

ترا زور بزاری ہر امت لید بین بیچیدہ کور
برادریم کورد و نکمود یب ایتا را برمیش

یا محمد کورد و ہمہ فرشتہ لار
اطرافیتہ قور چاب ہمہ آلب لار

قولوز با عذاب سد و زخ پسر حیدر دیدار
نشولدم رسول الغداب نعرہ اولار برمیش

نشول نعرہ ذالبشت بھزار آد
انس جن پسر لیوپ پسر ملک لار ہم

یتمش وقت پر یتہ پسر لوح قلم
طاقت قیامی عرشش تتیر اب تترا برمیش

یا جبرئیل امت لار نذکور مکمونیچہ
ہر بر قالمار و اللہ بر مینہ آلما غونیچہ

قولوز تو توب بہشت آلیب کیر مکمونیچہ
شر ابنکنی اچمیس مدیب ایتا را برمیش

اندین بیوزہ دوزخ پسر قویار قدم
تا بولمیوندیب امت لاریم کویوب عدم

دوزخ نی اورتا یندہ قوروب شولدم
پسر پوشینی آلب نظر یب لار برمیش

قچقوروب دیکار رسول دوزخ لار
قیپ امت قیپ رسول قومی پسر لار

قیپ امت قیپ دین ہا برد یکلر لار
یلمیس میز دیب اندہ جواب ہر ار برمیش

پسر ات قلبنک بزدین عجب رمانده میز
کویوب یانیب اوستا یچنده بر یانی دہ میز

عمل پسر کیلیب ایمدی رمانده میز
یو پسور ایشتب یوز منک چیر تیلار برمیش

رسول دیکار یلوز مومن پسر کیلیب یفت
ابرادوکی
او قور ابرادوکی مومن قول لار نماز جمعہ

اول ایکی آی ایچنده برای روزہ
یلوز میز دیب در عال جواب بر ار برمیش

کیلب ایچون غمزا بجمله قورقار دوکل ۱ هر بنده برای روزه تو تار دوکل

محمد مصطفی غوغا اتار دوکل جهنده اوشبو آواز فیلار ایرمیش

اوشل ابتقای محمد سنک من بولورمن یول کورپ تاکاشول ایرمیش من بولورمن

ایکی عالم ایغمبر سنک من بولورمن اوشبو سوزنی اینب رسول ایغلار ایرمیش

اول محمد رسول الله اوشبو امده کیلب یالیب یرین خویمی آلورامده

تیلار من دیب عرش آیستنده نور غایبه بر طرف قیلیب غوغا ایدولار ایرمیش

رسول ایرورغا اوشبو غوغا نیکول غوغا ۲ جبرئیل ایغلار آکاه بولونگ یا مصطفی

کیلب نور عرش آیستنده قیلیب ایکی اوغلین قانا ایچون اوقیلار ایرمیش

باشلار دیده شیر خدای مه یا ایکی اونگ کفتیده امام حسین یا مه ۳

یونگ کفتیده شاه حسین یورغ یا باشلار تو کوب عرش آیستنده تورار ایرمیش

بو سوزلارنی جبرئیل ابتقای زمان ۴ رسول شولدم قدم قویوب یورماق

بولوب ملول امتاوچون شاه جهان فاطمه آلدیکا بارار ایرمیش ۵

یا فاطمه نور دیده جان فرزند یم ایکی عالم امیر بانیم جکر بند یم

امتیم دیب کوکسوم یاروب کیرمیش فاطمه خه بر نیچه سوزلار ایرمیش

بنکاج رسول ایتزلار یغه آیلب باشلار ۶ مبارک کوزلاریدین تو کوب یاشلار ۶

یا فاطمہ بنگیرہ ایمدر امت ایشیمہ ہر نہ مشکل ایشسہ بنسہ بیرمہ بیلکیرہ ایمدر امتی

تنگیرم یا فاطمہ بیلکیل موئی بچمیں بولیسہ کہ ایکی اوغلونگ کیرقانینہ

ہیچ کیچمیہ امت لارینگ کناہینہ برچہ بیسہ قہر غضب قیلمہ ایمدر امتی

فاطمہ دیکہ رانہ جانیم با با امت لارنی ذاراغہ قوشمنگ اصل ۲

امت لاردین کورکانی یوق غیر زجفا ۲ رسول اسسہ بیر باقیب بر آہ اورمہ ایمدر امتی

بس کچمیسنگ یا فاطمہ تنگیرم کچمابسن یوزلار یکار کیرجنت بابہ آچمابسن

جہنمدہ کویار دایم آہ و فغا بسن یا فاطمہ کچکار سنی دیب ایستمہ ایمدر امتی

آری مینگ کچکیمہ دیر سنی جانیم دیدر امتیکیر قیلیب کوب جفا لار ایردر ۲

ایکی اوغلوم آخر ایشیدہ بیلکورہ دیدار کچمیں دیب برگہ باشیدہ اورمہ ایمدر امتی

شاہ چیرغہ اول یدیلار بیر بیر لہ آخر لحظہ لحظہ آخر یدیرہ آقیتہ قانلار ۲

برچہ بیر چیرگہ توشتہ ایر لیب چکر باچیدہ دیب یغلاب ایستہ دیرہ بوکار ایمدر امتی

خوار جلار شاہ چیرہ قورشاب آلدی تو توب اچ قول یاغیسی یاغلاب قویدی

کربلادا شہید قویدیکیسویدی سیاچیلیب یاپیب الوداع دیب تورار ایمدر امتی

اول کوذ مسجد نیدہ جفتو محلہ نماز تو توب اولتورو ب اولسکون ولی

قیلیچ اورو ب اولدم قمبر انی قصد جمسنی آلورمہ دیب ایتار ایمدر امتی

اول آفریده تا عبده خواجه لار ... تا شد را آنیب تنشکر کیزنی پسندور دلار

جانیم اتا حرمه تنکیر قیلمادیلار ... بوسیوزا ایتب یانسیمه تو کوب یتورار

اندغ امت لار پشک خدایزار ... یا فاطمه ایکی عالم من هیچ پیزار

شاه چیمین کار هر کیم بر پیه آزار ... اصلا یوزین کورمیس من دیب ایتار آزار

من ایتورمن روزه نماز قیلغانلارنی ... یکجه کوندوز حق یولیغا قیلغانلارنی

یقلاو شلاب یغلاب یسه کوز یاشلارنی ... انی اوچون جانیمن فدا قیلار ایرمیش

برلیندیه عشوار آیکیور بولیپه ... چیمین اوچون یغلاب یاشیمه تو کار بولیپه

خلقنی یغلاتیش ناکه پیار بولیپه ... پشک رسول انی قولاب آلار ایرمیش

فاطمه درحال ایکاجانیم با با ... منگا جاواب بولیپه یولنکیزده بولیسون فدا

ایکی اوغلوم قانیمه قبول خدا ... من هیچ قبول قیلمادیم دیسه ایتار ایرمیش

اندین ایسونکره مصطفی خرم بولغای ... عاصیه جانی امت اوچون یوکروب یورگای

کوکلی باقیب حسقه زارین قیلار ایرمیش ... یغلاب تورغاراو یتیده یانسیمه تو کوب

ندا کیلگای ایراق اندین یل اوشلتم ... یا محمد امت اوچون نیچه کایین غم

فاطمه اوشکا بولیپه اولتوم من هیچ ... اندین ایسونکره رسول غمی کیتار ایرمیش

تنکیم دیکایته دوستو یا محمد ... امتلکنی برچه یسینه قیلدیم رحمت

ایلیکیمدہ ایرمہ دیدیم فعلیم ضعیف — فاتحہ تو گدیم کوزلا رہبدیرہ بغیریم یا رب

نفلیم اوچون کوب یوگوردوم ایلدیم — ذات اولوغ خواجم یغیب ایلدیم سینکار

قل یولیمینگ ای خواجہ احمد اولگای — قلریردہ قلر یولوزونگ سیولگای بخشے

تفسیر یولوب یرا یتیدیم صیاسنگا — ذات اولوغ خواجم یغیب ایلدیم سینکا

تمت تمام شد ۲ — شیطان نگ خدام شد

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ایلای طالب یلب بشرط طہارت — نماز دوزہ قرآن تلاوت

بیلگر قویسنگ دردا ورد سماع — بولور سین خلقہ صاحب کرامت

بو غفلت خانہ دہ کوب یاتمہ زنہار — خدا غہ بندہ بولسنگ تقوای طاعت

یغلاغل یسیار یسیار کوزونگ یاشی — کوزونگ یاشی بولور دریای رحمت

تلاسنگ جنت المادی اولا بینی — قولونگدہ بیر کیلک قیل خیر سخاوت

اگر بیر سنگ کیدہ کا آشنی نا دہ — بیرسنگ دایم خضر یولوگا سلامت

اگر سین بندہ حق یولینگ ۲۲ — میلمانگ اولغیل قیلمہ خیانت

نیکادوشمن یولوتا رسین دوستلوتہ — کونگل کہ پا لمغیل بعد بعض عداوت

بیلیک دوشمن یولوتا آدمی لینگ — ازلدین تا ابد شیطان بلہ

بو شیطان یولوغہ کرسنگ ازرسین — بیرسنگ یولوغہ پالور بر ہا بد

خدایا امت محمد امتی نفسی نفسی عفو قیلغیل انکا روز قیامت

طلب ده طالب درگاه دوستین تیلارمن فقر بدین تاج بسعادت

قولین آجب نزع فوت الهی کرم برلان دعا بیسین قیل اجابت

بولار اولوم تینگ ظلمیدین قوم قرینداشلاری خلاص قیلغیل

بیلمی نلار قیمه بزبرلاری تینگ توشکان تویشلاری

جاندین آرتوق مهربان دوست لار ایکن

جبرئیل ایلدی سلام اولوم تینگ دیدی سین

اوزلاری کلیدین برکلی آجلماکا یانلاری قیلغیل

اوقدلار بو دنیادین یارلیغ ایلاب برگه

ایمدی یاریب حالدلاری بیلوبخبر قیلغیل

ای سویدیکلاری یاخشی بیلمی دانه بو کیل اولوم

تورآجب کورکیل بو کوکسیدین مرکبکی یانلاری

اوتار دنیادین اوتار بیلمی دنگ ساچ

خدایا بنده لیک قلمادنگ ساچ

اوتار دنیادین اوتار برچه لار رحمت علیهم

الار دین زیاده عبرت الماردنگ ساچ

خدایا ایلادی پیش وقت نماز

قدم مسجد سرلیکا قویمادنگ ساچ

بسنه بورکان بولیکی قیلیب دور

قولونکی رد قیلمادنگ ساچ

نصوحا دیکان قبوب توبه الی الله

تلفی توبه سویدین اجمادنگ ساچ

خدایا تینگ قبلیغونی قلمادنگ ساچ

الله دیکیل خوش بسه خبرلار

الله دیکیل طالبا الله

الله دیسنگ خوش یقار الله دیگیل طالب — رحمت دریاسی اقار الله دیگیل طالب

اگر محبت قروب غایب حاضر کر نور — فرشته لار او انور الله طولیب ۲

رحمت بحر ده نازل کر کل تو حاضر — بس حاضر اول ناظر الله دیگیل طالب

جمع سیوا ایسه ده رعاشق لار کلام یار — رحمت حق چار دوار الله دیگیل طالب

یکمک بحر ده تار رحق دین مراد ین تیلار — رحمت بر اقاین منار الله دیگیل طالب

بس حضور تو رسنگ لذت بار بنده بولسنگ بغدار — حاضر سنگ اول حبیب الله دیگیل طالب

تاشلا نفس ایسوا ذ خوشنو دیلو خدا — کمال تنبار ایمان سنگ الله دیگیل طالب

فوت موسنگ الکل دغیل وقت بحر بغدا غیل — رحمی ایلا کا اول جلیل الله دیگیل طالب

الله دیکا بنده لار کیچه کوندوز توبه دیر — قبول قیلیا الهی دور کوز یاش چار

الله دیکا بنده لار باطر کوزین آچار — کوز لکا کوز آچیل کیوز یاشنی چار

شریعت لیک بنده لار طریقت سنگ ایزلا — حقیقت سنگ کوز لار با ناظر دین قاچار

بر کبر قلسه تکبر اوشبو فاذ دنیا ده ۲ — تواضع سنگ تکمی مینگ برچه کاپیار

الله دیکا بنده لار کیچه کوندوز توبه دیر — قبول قیل الهی رحمت اینگیز اچار

بنده نفس اولتوریب حقه یقاین بولغوسی — الله دیب چاپ برسه طاغ اندن قاچار

پاک ایلاب خلقی نی توبه کر کل خلقه نی — قبل کلار سیلقی نی فیض قیلوب چار

بچو کی ایلدار بیلمز اولار بیزی عاقب برکو — بو چیزو برله قلماز کرار بیزی عاقب برکو

جهانغه یاد ایتار جانبسنک بیلمز تنکلاری — بو پسه ذوقنه بیلمز بیزی عاقب برکو

حیات نقدینی تاپسنک هوشیده غفلتله — انبار زیر کسنکلار بیزی عاقب برکو

عمرده کور میسنک یاد کیم کتابیسنک تونسنه — مدام اوسکاره سنک ایچون اولار بیزی عاقب برکو

یمک ایچمک برله بولیسنک فراغت ده عمر کورسنک — بو دنیا بنیک عبرتله بیلمز اولار بیزی عاقب برکو

دوامنه دیر بیلو بولیسنک غمی کلفت بیلکه — بیر یم نافه زیبو بولیسنک اولار بیزی عاقب برکو

عزیز بو سوز بیلاکم بیر دنیا وچی بیسنم — اوزحالیکا تونه ماتم اولار بیزی عاقب برکو

هوید اغیر ب میسکین ایرور بیر چیرسته عمکلین — غم اندوه بولدی تکلیفین اولار بیزی عاقب برکو

ابیات ۲ — هوید اعمرل

اوچمال یارنه دیوانه بولیسنک جرخ اورب — خانمان بنکلاین اوتوب اوکاره بولیسنک جرخ اورب

اهل عیالنکدن بیر کیچه شوق شراب ایچمه — کوزیاشنکنی بیوب دیک ساچه بیریانه بولیسنک جرخ اورب

میسکین غریب دردیک بو لوب — کلدیک بو زنکنی بیولدوروب ۲

جانی جکرنی کویدوروب — بریانه بولیسنک جرخ اورب

عاشق لارده دیک همت لوتوب — عشرتنی معوبیرا قوروب ۲

تولدار قوبوستانلاریو توب ۲ — جویانه بولیسنک جرخ اورب

قلیسکر

قیلیسنگ خدا ایلنگ خدمتیسن ۲ تماشه بولدنیا لذتیسن

ایچکب شراب وحدتیسن ۲ مستانه بولیسنگ جرخ اورب

مست ایشقنده بولوب ۲ عاشق کشی دیرکی بولوب

بی سروپا سنی بولوب ۲ حیرانه بولیسنگ جرخ اورب

قیلیسنگ توکل تنگریکا ۲ قوشیسنگ محیط دریاسینه

آلیسنگ حقیقت درکاهنکا ۲ دوردانه بولیسنگ جرخ اورب

بولوجهت دور ایلک ایسه ۲ عاشق نه بر یاسنی ایلک ایسه

ایکیلی کوزین قان ایلک ایسه ۲ بریانه بولیسنگ جرخ اورب

کامل ایران مخلص بولور ۲ فقر فناه تو تاسین کیور

پس اندن تقلیدین ایتور ۲ فقرانه بولیسنگ جرخ اورب

مخلص بولغنی ایرانی ۲ سیوسیس خدا دین اورکانی

ایکار بدسین ایچکاری ۲ بینهایه بولیسنگ جرخ اورب

نعمتیسنگ شکرین ایلک ایسه ۲ خلوت اوربه یکه بیسنگ بر دانه بولیسنگ جرخ اورب

دور دیلارنی بولیسنگ قلی ۲ بولنده اولیسنگ بر بولی

صحبت ایچنده بلبلی ۲ خوشنی بولیسنگ جرخ اورب

دور درسی

عاشق اولار خاص معشوقی کبی یا عبد الله اولماسه آرزو قیلمز اولار

عشق شدتدن نه خبر قیل و قال اولار اوج بوزالتمش یوز مسئله حل اولار

عاشق اولار قیامت کون خلقدن پیشمان اولماز چین یاسین اندیشه دن کون کار

پاک آخر بدیعه آب کبی لوکور و ریا یوکار یوکار پاک عشقیدیه حیران قیلمز

عاشق اولار طلب ایدر جانی شراب معشوقیدن همیشه اوپیچ آغزی شراب

روح اولار بیک عذابه دوچار ریاب الهی جفا اقلیم و جهانی قیلمز

قدر بیلمز معلم قیلمز یاز کوندی ارزانی انصاف الله بیله قلمز

قهار یکی جاندار اولار غیبدن جانی قیلمز نمس نمس نمس

نویت ان اصلی سنت صلوة الفجر هذا الوقت متوجها

الی جهت الکعبت خالصا لله تعلی الله اکبر

نویت ان اصلی فرض صلوات الفجر هذا الوقت

متوجها الی جهت الکعبت اقتدیت بهذا

الامام خالصا لله تعلی الله اکبر

مدینه مسجد نوحکا تولدار ماربرسی شورغانه ایلادر

قصه ابو شحمه نورالدین

ای دل در ایلاد

خدا رنه لیک کرم لیک فطن نه شاهی بو عالم نه تو لیوک الوان
بر یوزینه چقیب انجم سپاهی باشنه دوران باشنه طغیان ایلادی
کوک یوزنده کز میش اول مهر انور هر اینده نیچه ملک مقرر
تا رنیب تنا بنی ایلکا برابر نورین عالم نه شادمان ایلادی
آدم اوغلی اورنین شیش آلدی نوح تنلک عذاب بویی عالم غرقه
اسماعیل غه قربان بارلسوف کیلدی قوچقار یب انه درخان ایلادی

بو زیکرمه نورین جنگ پیغمبر اوته محمدکا آخر رسول لیکه مستی
ابابکر صدیق عمرین اوته اورنینه عمر نه این ایلادی
براو عمول بردی زوالجلال آنه ابو شحمه بردی بلال
اون نورینه باشکا کریب بولدی آچیل قدینی حق پیروان ایلادی
قرآن اوقوریر دا مثل ریسولکا اوزی نی
ایشکا نلار بولادور بغرلرم یاش
یا نچه صاحبلر بولکیچه زین نوکاریاش کوزیاشینی مثل نیسان ایلادی
صحابه لار هر طرفدین یغلادی ابو شحمه قرآن قولینه آلدی
مدینه مسجدی نوحکا تولدی ماریه بیشی شورغان ایلادی

صحابه لار اندین جقیب کیتوشتی ابو شحمه الارفه آرتیدین جقتی
آلدیدین برجهود ملعونی بولوقتی سیرکانه بولدار دیب سئوال ایلادی
شحمه ایدی بارورمیسن کلیم دربار نیچه کوندور چکیم اندین آزار
جهود ایدی بارورمنده دار وی برآیتی دیب جوابن ایلادی
شحمه جهود بیلان نوشولوب کیتی شولوکزمان جهود دنگ اوکا بیتی
جهود ایدی بجلیل دوا سیله اوجی ابو شحمه جرام دیسوب ایلادی
شحمه بو راکینی دوا سیله اوجی تنکر سینی تومس کناسیله اوجی
بارده ایچیب شولدم جلادی
بارده ایچتی اول زبردست بولدی تکشقاریغ جقیب میت بولدی
برجهود دنگ قزاوجاب راستیدی زنا اوجون انکا میلاک ایلادی
اول ایدی مندین حامله قالور اتا نکا دشمن لار مشهور قیلور
شحمه ایدی برنه قیلسه اول بیلور زنا ایتب الموغ عصیان ایلادی
اول قزینک بوینده حامله قالدی ابو شحمه قینیب اوکا کیلدی
ارادین

ارادین تو قوزآی نوقوزکوناوتے بولوب قزنلار قزدین جولان ایلار

اول بچه سینے قولیغ آلدی عمر بنگ آلدیغه باکیلار

بیر بنگ آلدیب مستمند قیلار شحمه بنگ اینسینی بیاغ ایلار

شحمه شراب ایچیب مست بولغانین قیز تولے قیلیب قولین توتقانین

زاره سین یاتمار زنا قیلغانین برابر اب انکا بیاغ ایلار

عمر حیران بولوب ایچکار کیردی شحمه نی آلدیغه قیچقیرب آلدی

قیز بنگ واقعه سین اوغلیدین سورے شحمه اسمه کریاغ ایلار

اوزی شراب ایچیب مست بولگانین قیز تولے قیلیب قولین توتقانین

زار سین یاتمار زنا ایتکانین برابر انکا بیاغ ایلار

عمر اوغلین تانکار بکا قیلار جزا ایتکا بوزدرمه نی بویورے

برادر سنوتکا باغلاب کوب ایزار اورا بردیب حکم بین ایلاورے

شحمه اول اخلاج اون درّه اوردی شحمه اتا دیدر کوب زار قیلدی

بو نوبت کناهم اوتسنگ نه بولدی عمر بولمس دیوب طغیان ایلادی

اول زمانده درّه بکرمه بولدی صحابه لار بار ایشنب کیلدی

شحمه اوجون بزنی اوزسنگ نه بولدی عمر بولمس دیوب جولان ایلادی

اول زمانده درّه اوتورکا بیتی شحمه اتا دیوب کوب زار قیلدی

بو نوبت کناهم اوتسنگ بولدی عمر بولمس دیوب نالان ایلادی

ایکیک بولدی درّه عقلیدین اوتی واجیز تا دیبان افغان ایلادی

آلتمش بولدی درّه جانیدین اوتی بیمرده ملک الموته اوهشی بیتی

یکیرمی بولدی درّه جانی بولغی واجیز تا دیبان قضا ایلادی

اورا بردیب عمر بیته بوبوردی بکرمه درّه یکین بیته اوردیدی

عمر اینک حکمی بولور بول دیدی تنکر ضلالت دین جدا ایلادی

اوروب

او روب کو تاریب باشفہ جایز قوید عمر فرہاد ایتیب ایچکا ایلادے

اول کیچہ سے باتیب براجوال کورے او غلینے تو شندہ فتح ایلادے

او غلی ایدر انا انا مہربانہ منیک اوچون کوب قیلمانگیز ایلادے

دنیادین بیلا مق من ایلیم ایمان

عفو ایتیب خدایم امان ایلادے

یکرمہ دردہ نہ مردم کا او دونک

اول دردہ دین عجب خاصیت کورد دم

معصیت کناہ عہ کوب باتیب ایردیم

رحیم ایتیب کناہ دین سوال ایلادے

او شار خاکیم ایدر انا دا نلیغ برلان

قولاق تلے کران لیق برلان

عاجیلیغ دہ نیچہ کمان لیق برلان

بیلمامیں سوزین انکا بیان ایلادے

در بیان برفتن و بازآمدن اول طہارۃ قبلہ اندین یونگ

غسل قبلہ ایکی رکعت نماز او قوب حضرۃ یوسف پیغمبر تنگ

روح الارواح بغسلا ماق کرک بعد زان بو دعا نی او قوماق کرک پس

او قوب یا غفور یا غفار مینگ او قوب قاری یغار دعا بو در

تیلا کل تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب عرشنے حقی تیلا رمن افغانی بولوہ

برکایدیب کرسی حقی تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب جبرئیل حقی تیلا رمن افغانی

بولوہ برکایدیب میکائیل حقی تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب اسرافیل حقی تیلا رمن

افغانی بولوہ برکایدیب عزرائیل حقے تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب تورات حقے

تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب انجیل حقے تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب

زبور حقے تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب فرقان حقی تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب

صحوان حقے تیلا رمن افغانی بولوہ برکایدیب محمد مصطفے حقے تیلا رمن افغانی برکایدیب

آتلان بولوہ آتلا الا قائلا قائلا بحق لا الہ الا اللہ اسہدیش محمد رسول اللہ

بسم بند کردم غسلہ کردم دیب بو دعا نی او قوب سونگ تیمم تیمم تیراغمہ قویلر یا قدین

تیراغمہ تیہ جو بدین تیراغمہ لا الہ الا اللہ اسہدیش محمد رسول اللہ کہ اسہدیش

محمد دیب کمر جنے توکوب قویماق کرک وبنہ آچغاندہ کمر چہ سنے ایشب

لا الہ الا اللہ اسہدیش محمد رسول اللہ کہ اسہدیش محمد دیب

ایشب قویماق کرک تمت

ا قاآن اکرم و سلطان معظم امیر اطواء اعظم جناب پادشاه فخ
زة و حرمت دولت و حکومت نوبسر اولوغ مرتبه لی نوره جناب کبر غه
ماوالی القیوم
بیان آق یقالان وبه یازوکدخدایان جماعه خلافه واقف واگاه
کردیده بدانند که چون انار دولتخواهی از جبهه آمال و ناصیه
احوال ظاهر و هویدا خلایق ایشما یازیرکار نمودیم باید که بیرکار
خودیا دانیسته اعزاز و اکرام نموده غله خلان موضع
بیرکار مذکور اجاره شرعی نمودیم مجموع خلان اجار ضمودیم
باید که بدیکه کوسی ابی کوبند
اعتماد اکاهی خلانچه بیرکار
نموده میشود که برسیدن فته بلاتوقف جواب نمایند مؤکدیت
وانچه اق نوزلد
قراولان وربهانان نموده میشود که
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
یک دو سه چار پنج شش هفت هشت نه ده
پنج نو چار

امارة و ایالت پناه دولت و حکومت دستگاه رفعت و منزلت جایگاه
کرامتی ذوی الاحترام را اللّٰه تعالی در پناه عصمت
خود مأمون دارد بحرمت اشرف العباد بعد از تبلیغ مراسلهٔ
خیر انجام مزلفت میبادکه عزت مند امکتوبی که ارسال داشته
بود بدرستی رسید فوراً
الحمد للّٰه الحمد للّٰه اللّٰه الحمد علینا و هدانا
علی الاسلام و شرفنا بمتابعت سید الانام و آله عظام و صلی اللّٰه
علی محمد و اصحابه الکرام بعد از خداوند و دود و درود بر آنحضرت
عاقبت محمود عرضی بمجد و مجد بنهایت ازین غلامی جان
سپاران و خدمت کاران غبودیت کردار فرمان پذیرد ار
ذره وار بل غبار آثار رکاب شاه جم جاه انجم سپاه
فرشید کلاه سکندر مرتبت تموج منزلت فرشته تنت
ملائک سیرة و لا حصلت خلاصهٔ آل طاها و یسین
زبدهٔ اولاد حضرة سید المرسلین فرمان فرما ملک
طوران زمین عظیم الاقتدار برگزیدهٔ حضرة پروردگار
اغنی حضرة جهان مطاع و پشت پناهی ظاهر امید گاهمرا
درین اجداد و فیدم نوعنا در سپال بر یک منوال
براد رنگ جهانبانی بر قرار و استوار دارد
برقی

العباد بحرمت النبی وعالم الامی بعد از تبلیغ مراسله
فکنده که وبلی نیچ مدان بسمع اشرف اعلی چنین رسانم که
شهریار ابنده نواز ازین غلامی قدیمی ورضاجوی صمیمی
چاه دارد داه بطرف اعلی وبرای فرستاده طریقه حرکت وچنین
س یکی از ملازمان ومعتمدان فلانیچ نام از نوکران دیرینه خود بانجانب
پوپس کویان فرستاده بودم ملازیم بآن نواحی داخل گردیده
ش خوشی خود را باطراف جوانب انداخته ازینچ جاه واقعه
را نشنیده حیران نشسته ایستاده بوده بست همان روز مذکور الفصل
ند مملکه تینک بلند درجلیک چاکیکا خوجند اویازینک تابعیدین
قولوق جماعه سیدین ملاصابیب الدار دیکان سیز عزه لیک چاکم غه
ن قبیل من کیم اوتکان برمینک ایکی یوز توقان نیچه بلنده
ب شفقت لو خوقند اراویاز چاکی نه لالک بولوسینک قول ایتیدین
نچی فلانداوغلی سیزاولوغ درجلوغه توبان جلیق بیلان عرضه قیلمن
توبانده قول قویلغوچی تینک اومید قیلمن که قاضی کابو یرقا رحمت قیلالار
جناب لرصاحب اختیار اولالار

مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ
عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ۝ اصلا أمن الم شش كلمه دين
إلا الله محمد رسول الله أشهد لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا
عبده ورسوله يسم واحد لا إله إلا الله وحده لا شريك له الملك وله الحمد
يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير
إليه المصير ۝ چهارم كلمه تمجيد سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله
شريك له الملك [illegible] ولا حول
ولا قوة إلا بالله العلي العظيم ما شاء الله كان ولم يشأ لم يكن يحكم
استغفر را استغفر الله استغفر الله تعالى من كل ذنب أذنبته عمدا أو خطأ
٢ ٣ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤ ٢٥ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩ ٣٠ ٣١ ٣٢
٢ ١٢ ٢٢ ٢٣ ٢٤ ٢ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩ ٣٠ ٣١ ٣٢

وصیت نامہ مبارک بولدر

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ین وصیت نامہ مبارک واقع بولدر شیخ احمد آنلیہ
کمر بہ بار ایردار بر کون جمعہ کیجہ سی روضہ مبارک
ونک طرفندہ اولتوروب ایردیم تلاوۃ قرآنہ مشغول ایردیم
فصیح تیل برلہ آواز قیلدی یا شیخ احمد قولاف تو تغیل منگ
رسول زمان بار ایتایین بلکہ سین تمام عالم غہ خبر برکاسین
یلدر شیخ احمد کہ السلام علیکی یا رسول اللہ ایدر پیغمبر صلے اللہ
علیہ وسلم ایدر بلار یا شیخ منگ احوالیمدین خبر دار موسین ایدر بلار
یرسہ بیہوش بولوب یقیلدیم زمان دین سونگ بینہ ہوشیمغہ
یلدم ایکی قولومنی تو ضع برلہ آلدیمغہ آلیب تو ردوم بار ایدر بلار
ینگ عاصی جانغہ امت لازمغہ سیوز شولدور کہ اول جمعہ دین
ا بول جمعہ نجہ یتمش منگ کشی آخرت کا سفر قیلدر اندین
ر قہ با ایمان اوزگالار بی ایمان بایلدور لا نعوذ باللہ
ن الذالک دینہ رسول علیہ السلام ایدر بلار منگ امت لازمغہ
عمل بلدوکردار ایدر بلدر ایتگلاوجہ تعالیٰ غہ باقارغہ
وزدن یوقتورغہ ملائکلار دین اویاندہ دورمن وخالقہ دورمن

او غول اتاغه وفیز اناغه مهر شفقت قیلمه ایلار بایلار فقیرلارکا ومسکین لارکا
باقمه ایلار قرآن آیت کا قولاق تو تمه ایلار حرام مجلب بیمار اغیب
ایلمه ایلار علم الله اعتقاد قالمه ایلار علم مجلسینه قویوب
شراب خوارلیق کا مشغول بولمه ایلار کناه کبیره وصغیره دین
برهز قیلمه ایلار موندین بورو ایکی وصیت نامه بیار ایم قبول قیلمه ایلار
بول اوچنجی وصیت نامه نی قبول قیلمه سه بلار پشی بلا کیلور بری
جانور لارکا بر رحیوانات لارکا بر کودک لارکا بر ایکی قت ضعیف لارکا
جانور لارکا بر رحیوانات آغیرلیق وقولاق آغیرلیق بلا اشغل طریقه
بر اقمری آدم لارکا باش آغیرلیق وقولاق آغیرلیق بلا اشغل طریقه
در دلارکا کر قفار بولوب اولور لار اگر بو بلالار دفع اوچون کون روزه
توت سیونلار رشتا ر الله اوشل جاید ین بلا دفع بولغای بعده بو وصیت
نامه غه بر مثقال نقره بر یب بتیر یب آلسیونلار تا ایکی بلا غه دفع بولغای
باز شیخ احمد ربلار یالله والله که مخلف اوتوز پاره کلام الله خدای
تعالی ورسول ینگ سیوزیدور واگر اوزوم بلغای ایتام ایکی دنیاده
یوزوم قرا بولغای اگر قبول قیلمه سه نگیز لار جهود قومیده بولور سیزلار
نعوذ بالله من الذالک ایمدی مومندین کین وصیت نامه بولیس
بو وصیت نامه نی اینتب ایمانغه کیلیونلار زنهار بصدق زنهار
امر یغه مطیع ونهی دین برهز قیلیونلار وقهر خدادین قورقیونلار
زیراکه

زیراکه عمرلار آز دور کوندین کوندین آیدین آیغا کوتاه لیکی بوزولوغا
اندین یوزنگ قیلغانی بیشمانلیغ فایده قیلمغای زیراکه قیامت یقندور
یتمش منگ ایکی یوز یکرمده برکشنی آلار یتمش منگ ایکی یوز اوتوزده
قحط چلیق بولار یتمش منگ ایکی یوز اوتوز بشده خاتونلار
اجازه شوهر بازارغه بارمیلار یتمش منگ ایکی یوز قرق بشده
زلزله پیدا بولار بعضی لار هلاک بولار یتمش منگ ایکی یوز
یتمش اوچده آسمان دین بلا یاغمیلار یتمش منگ ایکی یوز
توقسان اوچده امام مهدی خروج قیلغای بولار یتمش منگ ایکی
یوز توقسان توردده دجال لعین چقار الله یالله بالله یوسوز ومده
خلاف یوقتور هر کیم بو وصیت نامه نی شهر دین شهر کا کندین
کندکا مجلس دین مجلس کا آکب یوروب خبر بریب لار منگ
شفاعتیمغه یقین بولغای لار ومنگ برله جنّت کا کرکای لار
حوض کوثر دین سیراب بولغای تعالی شانه جمالیغه مشرف بولغای
انشاء الله تعالی هر کیم شک کیلتورسه کافر بولغای نعوذ بالله

من الذ الك اكر تنك كيلنور كيجي آغريق بولسه سوروشكيز لار
ر اكر سلام بر سه جواب برمكيز اكر اولسه جنازه يسكا بارمكيز لار
اكر يوم بو وصيت نامه ذ بنريب آلمه سلار وبا اوقوتوب
ايشيتمسلار خداوند تعالى رحمتيدين نا محروم بولغاى اكر يوم
بو وصيت نامه كا اعتقاد قيلمه سلار الاركا احيلد ايمان
بوقتور عذاب كور وعذاب آخرت كا كرفتار بولغاى اكر يوم بو
وصيت نامه ذ آرزو قيلب بنريب آلسه لار وبا اوقوتوب
ايشيتسه لار وعمل قيلسه لار قضا بولغان نماز لارينك وعمل
كنه لارينك كفارت بولغاى وشفاعتى رسول عليه السلام ايد يلار
نماز با جماعت اوقوسه لار ومال لارينك زكواة بر سه سلار
بو وصيت نامه كا عمل قيلسه لار من الاردين راضى بولغوچى
واكر سنول طريقه سوزكا عمل قيلمه لار من الاردين بزار
وبنه رسول اكرم صلى الله عليه وسلم ايد يلار من جبرئيل
عليه السلام دين بوردم كه موندين كين نيچه يولدر يوزكا
كيلور

کیلور بر جبرئیل علیه السلام ایدیلار اون مراتبه کیلور من
اول که کیلکاندہ خدا ذامر بر له برکت ذ آلور من ایکنجی ده
مهر شفقت ذ آلور من اوچونجی ده فقیر لاردن صبر قناعت
آلور من تورتونجی ده صغر زندبر له پدر مادر لاریدین
آلور من بشنجی ده کذخدالاردن حیا ذ آلور من آلتنجی ده انصاف
دیانت ذ آلور من یتنجی ده خیر احباب آلور من سکزنجی ده قرآندن
خطنی کوتاه ورمن طوقوزنجی ده علم لاریله سیدین عمل
آلور من اونونجی ده ایمان دیدیلار نعوذ بالله من الذالک اندین
صونک قیامت قایم بولغاچ امنا وصدقنا حشر ونشر میزان وترازو
وپل صراط طور ولغاچ اجتماع انبیا بولغاچ وهر کشی ده بو وصیت
نامه بولغاچ شهر دین شهر کا محله دین محله کا مجلیس دین مجلیس کا
آلیب یوب خبر بر له رمثل لار آیاسن بولغاچ اما کون مغرب
طرفیدین جقیب رایت قیام کیلیب باز مغرب کا بارب باتقا
وادریغا عاصه وجانه وحمراه امت لاریم ذ احوالنه بولغاچ تو به قیلیب
یغلاسیولار اخر الزمان بولدی دیدیلار والله اعلم بالصواب سبحان
ذی الملک والقدیم سبحان الله العظیم الحلیم سبحان الله الرحمن
الرحیم العظیم الحلیم سبحان الله الرحمن الرحیم یا فتاح بخشنده بر حمتلک

بسم الله الرحمن الرحیم وصیت نامه مبارک این است

از ملک الله از جهت تمام مومنان آمده وصیت از حضرت
خاتم الانبیاء جناب حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم
بود که سید عمر را پدر را صدر رحمت الله علیه میفرمایند که
بقدم بوسی قدم مطهر منور جناب آنحضرت صلی الله علیه
وسلم مشرف شدم از مرقد شریف آنحضرت آواز شنیدم فرموده
اند که ای سید عمر از بمشرق زمین بروید و امتان را
خبر رسانید که بطاعت و عبادة عمر شان را قیام نمایند
بفرموده جناب آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمکه معظمه
مشرف شدم و با امتان گفتم و هزار نفر در میان آنها شک
آورده اند مجموع این نان بهلاکت رسیدند و چند تسلیم و قبول
نمودند آرزومند شدند باز دیگر بروضه منوره آنحضرت
صلی الله علیه وسلم مشرف شدم آواز شنیدم ای سید عمر از
بملک اطراق بگردید و این نان را خبر بکنید شش روز
روزه دارند و چنین نیت کنند که روزه میدارم از برای دفع
بلایا و قربت لله تعالی و بگویند که مردم جمع کنند و نماز را
بجماعت

جماعت کنند اگر وصیت نامه را قبول نکنند بسلای
طاغوت گرفتار میشوند و همین عبارة ها بعد از
تقریر کردیم نشان از یکره یک قندیل حضرة امام رضی الله
عنه پاره شد بیت خانه سید ها شیم میباشند امروز
دیگر باز بخدمت آنحضرة صلی الله علیه وسلم مشرف شدم
باز او از شنیدم ای سید عمر از عن قریب ست که خانه
کعبه یکمان بالا صعود نمایند و بجهت اینکه مومنان
بر غلط قرآن میخوانند و ایضاً از دین بیگانه شده و معصیت
بسیار بوقوع آمده قرآن و ایضاً زنان بر شوهران خود
نافرمانی نموده اوقاة شوهران خود را تلخ میکنند زنهار
دست از معصیت باز ندارند تا خداوند از تقصیرات درگذرد
و حلال را حلال دانسته بخورند و حرام را حرام اعتقاد نموده
خود را باز دارند در نزد خدا و رسول خدا شرمنده شوند و دیگر ظهور
صاحب الزمان از قدره نزدیکست و این وصیت نامه را بر ولایتها
برسانند از و این تحفه بردارند و در ولایتها روانه کنند
تا که تمام امتان مطیع شوند سید عمر از میگوید که این وصیت

نامه را دروغ گفتم بغضب خدا و رسول خدا گرفتار
شوم هر کس این وصیت نامه را نخواند و بولایتها
نرساند از جهل روز زنده نماند و هر که بخواند و یا بنویسد
کوتاهی الکند عمرش دراز نشود و در نزد خدا و رسول مرضی
او سرافراز باشد و دیگر آنکه ظهور مهدی امام آخر الزمان
در نهصد و هم ماه رمضان المبارک خواهد شد و خدای بنده
هزار عالم را توبه و تضرع باید نمود چونکه توبه پذیرست
و مهربان بست تا بحق این توبه از بلاها نجاة یابند آمین
و رب العلمین الهی ما را و جمیع امتان جناب آنحضرت
صلی الله علیه وسلم را شرف ایمان مشرف گردانت بحرمت النبی
و آله الامجاد بالنون و الصاد برحمتک یا ارحم الراحمین

بسم الله الرحمن الرحیم نویت ان اصلی سنت الفجر خالصا لله
تعالی الله اکبر نیت فرض فجر نویت ان اصلی رکعتین
فرض صلوة الفجر متوجها الی الکعبة اقتد

اقتديت بهذا الامام خالصا لله تعالى الله
اكبر نيت سنت بستين نويت ان اصلي
الظهر متوجها الى الكعبت خالصا لله تعالى
فرض بستين نويت ان اصلي فرض صلاة الظهر
متوجها الى الكعبت اقتديت بهذا الامام خالصا لله تعالى
الله اكبر سنت بستين نويت ان اصلي سنت الظهر
خالصا لله تعالى الله اكبر نيت عصر نويت ان اصلي فرض
صلوة العصر متوجها الى الكعبة اقتديت بهذا الامام
خالصا لله تعالى الله اكبر نيت شام نويت ان اصلي فرض
صلوة المغرب متوجها الى الكعبة
اقتديت بهذا الامام خالصا لله تعالى الله اكبر نويت ان
اصلي سنت المغرب متوجها الى الكعبة خالصا لله تعالى الله اكبر
نيت خفتن نويت ان اصلي فرض صلوة العشاء متوجها
الى الكعبة اقتديت بهذا الامام خالصا لله تعالى الله اكبر
نويت ان اصلي سنت العشاء متوجها الى الكعبة خالصا لله تعالى الله اكبر

ثلث رکعاۃ

نیت وتر نویت ان اصلی صلوۃ الوتر متوجھا الی
الوقت
الکعبۃ خالصا للہ تعالی اللہ اکبر نویت ان اصلی
اربع رکعاۃ سنت صلوۃ الجمعۃ الوقت وتوجہ
الی الکعبۃ خالصا للہ تعالی اللہ اکبر فرض جمعہ
این است نویت ان اسقط فرض ھذا الوقت باداء
رکعت الصلوۃ الجمعت الوقت وتوجہ الی الکعبۃ
اقتدیت بھذا الامام خالصا للہ تعالی اللہ اکبر
رکعتین
نویت ان اصلی صلوۃ العید الاضحی مع تکبیراتھا
واجب ھذا الوقت اقتدیت بھذا الامام خالصا للہ تعالی
اللہ اکبر نیت جنازہ نویت ان اصلی اربع رکعاۃ
تکبیراۃ الجنازۃ وتوجہ الی الکعبۃ اقتدیت بھذا الامام
خالصا للہ تعالی اللہ اکبر

نیت نماز جمعه اول چهار رکعت سنت نماز جمعه کذا ره نیت فرض
نیت کردم ساقط کردانم فرض این وقت را پیش
کردم بامام حاضر استدبره خالصا لله تعالی الله
نویت ان اسقط فرض هذا الوقت با
الصلوة الجمعة متوجها الی الکعبة اقتدیت
بهذا الامام خالصا لله تعالی الله اکبر

طریقه عظیم کبیر این است جمع موءمنان در یک
خانه حلقه گرفته دوره نشینند و هزار سبحه ریزه را
در پیش بگیرند و هفتاد سبحه ریزه دیگر را مهیا کنند
که آن موءمنان پیش قدم تر از دیگران باشد
آن گاه ابتدا از صلوٰة کنند کدام دیگران تا بعد او
باشند اول هزار بار صلوٰة بر نبی محمد مصطفیٰ صلی الله
علیه وسلم فرستادند بعد ازان هفتاد هزار بار کلمه
شریفه که لا اله الا الله محمد الرسول الله گویند بعد ازان
هزار بار صلوٰة گویند تا که ابتدا و انتها به صلوٰة باشد
ثواب آن را ببروح میت بخشد الله تعالیٰ رحمت کند به فضل
و کرم خود و الله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین والعاقبة للمتقین

من مدعی ها ذاکه ملا محمد نام دارم از برای علم اداس

عبد لضعیف

بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم ايمان مفصل آمنت بالله وملئكته وكتبه
ورسوله واليوم الآخر والقدر خيره وشره من الله تعالى والبعث
بعد الموت اكر بيلمك شرايط ايمان احكام اركان ايمان في بيلمك
انكا طاعتي قبول بولمغاي ويقان مالي حلال بولمغاي ونكاه انكا درست
بولمغاي واكر بو قاعده ايمان نيلمه اربغه حرام بولغاي واما بيلكيل كيم
ايمان تيك وشيلا في فرضين شرايط برلان ايجيده كه فرضين ركنه دير
اما شرايط ايمان آلتي تور اول خداي تعالى فه عذاب بيرمكه توروب
ايمان كيلتوروكه اكر عذاب بيرمكه توروب ايمان كيلتورسه درويشت ايريب اكنجي
علم غيبنه فاصه خداي تعالى بيلمك تاكم فال نبينه من جهم وشانه بسوزر
اوله علم غيبدين خبر برسه انكا انا نغان كافر بولور اوچنجي حلال متفق
عليه حلال بيلمك تور توتمي حرام قيلغان تمربه لارنه حرام بيلمك انكا علما لار
اتفاق قيلغان بولسه بشنجي خداي تعالى تيك رحمتيدين اميد قيلماق اكرچه كناه
بيسانسه بولسه النبي خداي تعالى تيك عذابيدين قورقماق هر چند كه طاعتي
كوب بولسه هم ايمان اميد خوف ارا بيكنده تور وصبر وشكر دين حاصل بولور ايمان

بسم الله الرحمن الرحیم رساله ابسبغ باب بولزور

روایت قیلدر عبد الله مبارک دیب ایردی اول رسول حق تبارک
انکا ایدر رسول اول ابن یمنو بیکز اتیکلی ایکیدیک پاک مرقد
دیب ایردی انکا اول عبد الله یمنو صحابه کبار خاص
رسولدین انکلادیم دیدی بو سوزنی قولاق سالب فرادیم انکا کوزنی
دیدی یار اول رسول پیشوای ایرور مغریب سیاریده طرفه جای
اوسل منزلده کم نور دور بویدا انداصل بهشت دین ایر در بیلدا
یری اتیکنی ابسبغ اتارلار بو سینکک آتینی جد غل اتارلار
اوزی ایکی ولایت اورتا یکنده بنه تاغی تروب دور تنگر ایسنده
ایرور مغریب سیاریده شاشه ملکی بنه مشریقده دور فرغانه ملکی
الارنی اورتا یکنده دور بوربا تی طواف قلیوب کلی بولیه حیاتی
اکر یدیکم اوقوسه بیک نماز ایکی رکعت دعاسی بولغای البته اجابت
اکر یتمش یلی اوزکا مقامده تمام عمرین اونکا بیه قیامده
کوزینی ایلا بیه دایم یومیا بو ابنکدیکی نا بمتاهر کز قوا بو
اکرچه کبده قیلیه عباده ایرور اندین آنی توقی اوشیطان

ایکار بولب سوبدین هر مسلمان کناهی تو کولور بشک بقصاص

انادین یانکی توقفاندیک کنه سبز انه یلقاغ شکری حساب سبز

رکیچه یاقونچه کوندوز ایشت ایکدر تواید بن عجب سوز

ت اوزکا جایده قیلور بولب میت اوشبو بنده

رینی اونکار بنه انده خدانی خاص قلدور بخشنده

لر ابد بحد درکاه خداوندی کناهینی کیچورکا بولب هر چند

ب قیلغ اوزینی حضرتیکا قیلورشا بسبه آخر جنتیکا ۲۲

بسم دیدیلار اوشبو خبر که آکاه ایلادین من هم اشرف

قیامت کونی انکا ضامن ایرور من امیدیم اولدور برشت آلب کیرور من

اکر برکیم اوشبو منزلده اولب اوشبو منزلارا آخر کومولسه

عذاب کورانده کورمکا اول سبو ایلدین بریسی بولمغ اول

کریب منکر نکیر آلدیده نورغا ۲ ادب برلان ثروب حالینی بیورغا

دیکا فرزند ای آدی خاک یاتقین نوم عروسیدیک بولوب پاک

سفنک کنه لازیکنی حق کیچورکا شرابا طهوریدین ایچورکا ۲۲۲

حضرت ادریس مقامی طواف ایتیه اکریر خاص عامی

فرزان

خزان ایسکلیخ توکوکاہرکن مہی تنیدہ قالمغان برزہ کاہی ۲

دیدراوی ابرہ بول حکایت ۲۲ رسول اللہ دین بول حکایت

رسول اللہ دین ایلاب روایت دیدیلار لیلۃ المعراج تونیدہ ۲۵

کورونمدی قصر دلکش اوشل پردہ انی پروانہ کوریدین برابر ۲۸

اچی تیشی باریسی نور غالمغان درخت ایلامش بیدا باشیدہ

ملکہ منزل عدم افی قالمیدہ درختی باشیدہ مرغ خوش الحان

نوالیدین اولوک لار کاکرادیکان بہشت اچرہ اینکدیک قصر کورماد یکان

درخت طوبدہ اینک چہ بیلمادیم قولاق یوقتور انی ہرگز ایشت کان

ولی کوزیوقتور انی برزہ کورکان بیورادیم جبرئیل دین اول زمان

کورونکان بو نیمہ قندان نشانہ بہشت اچرہ انکلیخ اوخشش یوق

اگرچہ بولسہ ہم انداغ تمام یوق دیدراول قصر ابرو رعالم کا اعیان

یسنے امت لارینکنی حقیدہ بولغان ابرو بو قصر شہیدلار نی مقامی

برابر دور تواب خاص عامی بولور اول کہ سندین سونکرہ اسلام

بولور مومن خدادین بولیہ انعام بولوراون مینگ کشی کوبراق بیلمان

ولی کافرلاری بولغاز فراوان الارنی شوملوغیدین برچہ مومن

بولور مرغیمن برر قلماق قولیدین اوشل یولدکہ کوزر کافر

قیلور ایسیغ برینی برچہ یسین مردار شہیدلار اولیہ

که قیلماس آخرندین زیاده بیم برابر دور شهید بیمش شهید غه
لور ایرکیم بختیه خوبش یاتقه اوشل منزل شرافت قیلک زمین ار
غه ایکان اول روح الامین دور عباد دکای ادریس ایردی اول
لیک یراته عالم ارای یه خوش بخت سعاده اول کشی د
اوشل منزل باشیده اوقویه رکعتین انده نماز ر
یه زه نیاز ر ویابر کیچه نی اوتکاریه بیدار ر
عدد تا بقا بیکیار ر که بیمش یل پیاده حج قیلب دور
سی کویا نوابی انداغ ثابت دور توکانیه ار کیم نی انده حیات
نی انده اول ثابت وفاتی قیامت شهدلار یولنه نور غه
ت منزلیده برکا بولغای ر که برکون حضرة عاینه ایلاد نقل
شت اندین سکن ای صاحب عقل رسول تینک نوبتی که منده ایردی
یا یم کیچه اول اویقاندین تور دی طهاره ایلاد ایتور دی نماز غه
قیلب زار یلاب عجز نیاز غه سورادیم فخر عالمدین اوشلارم
مونونکدیک زار یغلاب تاتیز عجم ایدر منی کورکا یمنی کورسنک ایردی
سینک یم حالینک اوزکا بولور ایردی تولا ایلادیم کورسا تینک منکا دیب
کوه یاب اول بر ده غریب کوتار یلار حجاب اول بر ده مندین
کورار من عرشیده بر قندیل ایسغ لیغ بر چه بیز هانکه لاجر هاندین
انی نور یلاب بر چه عالم منور
اندیکیت بخوک قندیل ایرور دیب سورد وم انده
خدانی

خدانڭ قدرتى اولغ جهانده ديدار ايسيخ ربانى نينگ نوريدور
اينگك اويغنيده قنديل يرديدور گنجى اندهٔ اوقوپ اكر نمازى
خداغه ايتادور مينگ يل غجه رازلر اكر كشى نينگ تنيده كوپ بولسه زحمتى
كجه كوندوز چكار بولسه كوپ محنت باريب ايسيخ ذ اول قبلوسنى
عجب ايرمس كه درديدين بولاى تنيده كى جراحت كيتكى
خدا بولسه بنده كا رحم اينكوسيدور قفا ايليكا ايسوز ايدر
بيلكز ايلادر اول ايسيخ ذ قصرى اوقوپ كرنماز ياتوپ روزه
كشى نينگ عقلى بولسه كيلسه اوزه ويا بركيجه ذ بيدار اوتكرسه
قيلب توبه يمانليغ ذ اوتوپ ثواب آلتى يوز مينگ روزه دارلغ
تيارا اول مونيغ نماز كذارلغ خدانڭ يولنده مونيغ تيوه بر
اينگ جه قلغنى هم آزاد قيلسه اينگ جه آتنى غازيلارغه بر
انڭ قربانغ قيلورغه هديه قيلسه اون ايكى مينگ قزيل طلا ايكيار
خدانڭ يولنده ايلاب نثار كه بر يولا طواف ايسيخ ذ قيلغان
برابر دورگشيكا يلمه يلغان كيتسه اللهٔ شك برآدمى زاد
قيلور شيخ حين انڭ ثنى يار بوكيجه ياتغان اول كوزلرى توشيده
تروب دورسه انڭ قاشيده قولينى توتوب اول شك ايلاغ ثنى
اوشل سوزنكا عقيده قيلمغان پيغمبر سوزينى بترماس قيلورسين
عقيده كيرمى انيك بولورسين انكا كورسا ثنى اول قوة عمارة
زبرجد لار نيلدان قيلغان بنا قيلغان نرهنت جاودانه
اوزونيجه قاة اول آشيانه

کشے ایرسیخ بولیکا غسل قیلیپ عجب ایرمس برچه گناهی کیپ
طعام بریپ اندہ آج کیچسیکا ملائکلار قالور تحیر اشیکا
قشاق لیق کورمکا اولکونچه اول کس خدا برکا عنایت قانی بولمس
عبادة قیلیپ اندہ ہارکمر عجب ایرمس بریکا مینگ
کشے کیچه اوخلامایکیچه اولکونچه بولغا که کوندوزی روزه توتدانیر
زیارة قیلیپ بنده بولور غازی ایرور اول بخشی
رسالہ بیسنے اکوبریکم اوقوپ کیتور مکا اشکا اخلاص
بولور فرزندیم ہم امت خاص رسالہ دیسوراب ایتساب قیلا
بسبب ویرانه لیغدین بسوزیلار قیلیپ انی مخلیص کشے لارکا عیان
اوشل منزلده که ادریس پیغمبر عبادة ایلادیبل مقرر
که ہاربر یوز یلنی ایغانده خدای دیرایرور ذکر یتنے قویمای زمانی
ملائکلر بسیونوب کوکدین کیلوبرور انکا ہم صحبت ہم عہد بولورایرور
که برکون عزرائیل بولدی مصاحب منی جانیمنے آل دیدی قوانیب
کوروب جانی اجیتین ایلادی عبادة قیلای اول بولغا اما جانغه راحت
خدا دین تابتی فرمان آلدی جانین بودون غودیک یه بردی امانین
دیدی بریوله کورای دوزخ ذهابی که اولکونچه خداغه ایتابین رضا
بولوب فرمان بیرکوزدی دوزخ ایچره صلابت لیک مشقت برله

جقیب اندین برشت ذکور سام ایمدی موکل کامونکلدیک بیورنه ایدر
بسنک جقارکونکلوکا کیلمیس بسنیچ باب ایله جقاریه بولمس
یراغوذیک عبادة لار قلابین ایلادر یانب جقابین
بولوب شاکیر اتکاز اول کریکما کیر کوزدیلار نسیم کا
ایچنده تولهجورلار ماه جبین لار قیلدر آفرینلار نه
یورورایدر هرطرفکا شادخندان قیلدر زینهار
دیدر اول جنتنه اولدم رواج قالیدور دیدر ای یاش آدم
کراین برسنکز اکر جواب نه ایب جقابین اول رواج
بولوب خرسندر جنتنه یوزدر دیدر روان ایچکار کردر
ملک برله اینک یوق کار باب بولدر جقار دیب انتظاری
انکا قیلمه پروای بولدر جای ملک ادریس دیبکز قیلدر ندای
متکا موندین بنه جقمه نه درکار دیدر قیلدیم وفا عهدیم کا ای یار
اوزونکه تکلونک بیله بولمز پسین دیدر بوله قیامت کیرمکا پسین
بنه دوزخ نیمه کوردوم اوتنه دیدر تاره تیم اولوم ذنشر بتینی
بنه اهل عیالیم دین کجب من ضراطین بوقوفلهم کجب من
دم اورمه بوزنه ای عقل کوته متکا بولدر قیامت بیتکا ایرته
بادیسه جین دیدر والله اعلم ۲ بوبیور ولدای عبید بن ایشتنه اولدم

بو سوزلاری ایشیدوب ادریس فالدرانده قیامت بولماین اوزکا کاغذه

بللادی ایوقاتب تا بمدیلادی ۲ قیلیب یاقه کنکا نین بالدی

الارنه قالمادی صبر و قراری نهایت کاینوشتی انتظاری

که برکون کیلدی اول شیطان ملعون الارنه جالیغه احوالی

بدی اریغه قیلدی دل نوازلیق الاردی آلدیده قیلدی

زماندین بوکا نک نصیحت قیلدی انکیز که من بوسوزلاینی قولاق سالدی

اکر معقول بولسه سوزلارکا بولینه قیلدی برصورتنه ادریس کا

کونلکونلکا کیلیه ادریس ینکی فراقی بیلدی رکا بولسه غالب اشتیاقی

طواف ایلدی کیزکورکانده انی ایکلفت بابیلغاشوالزمانی

بوسوزلرلان ایلادی کیلیب ایرقیلیب سینه کونکلارین صیلدی

اینکی صورتنه بریاقه قیلدی الارنه منزلیده جاقیلدی

بللاریغه بویوردی بولدی سیکین زیارة قیلدی بللار بولغانده عمکاین

نیچه کون اوتدی شیطان ایلکاکیدی خلایق قه باریب بوسوزنه ایدی

بولوبدوربت پرست ادریس عیالی قلیب دورلی عجب بخشی خیالی

که پرکاهم الداغ قیلمه قاکراک دور بویولی بخشی بولسه کراک دور

باریغه اوسشبوبت یادبردی برجیبن دینغه بربادبردی

باریسینے بیت پرسیت بولدر خلایق ... که قالدر توره یوزیل بے یادگار

... الما آنی تصلیے مسلمان خدا یولیده قیلدر رانده افغان

یوز رکعت کوزر تارکیلدر رکافر بو ایلینے ایلادر تاراج آخر ۳

... آلده شهد اون مینگ مسلمان بارر ایسنج بریسنے قیلدر رویران

... آلده بولغاج آباد مسلمان لار بولورلار رانده ویران

... بریسنا مسلمان لار بارلوری ایردی اخر زمان نشانے بولی ایردی

خدانے رحمتے دور اول کیشکا ثواب بے عدد هر بار یشیکا ۲

... قیلانے تورماق هر کس خدانے رحمتیغ یانے بولمس

نصیب ایتکای بهشت جاودانه الهی یزکاهی برچه مسلمانه

الهی یزکا اندین نصیب ایتب جمالے بے زوالیکا قریب ایت

اگر قیلسه اراده هر مسلمان بهشت نے الارکا ایلا احسان

اگر نوشته مهم هر آدمی زاد اذ سن ایلکی دنیاده ایلا کیل شاد

او قویه لار ایشت به لار یکیدر اوشل منزیلکا بولغا یلار خریدار

بو بیتنے نظمی نے سلطان توزادی بو نسخه نے بیتب ایلکا اوزاتی

تمت تمت

قال النبی علیہ السلام من اجتقر اوستاذہ ابتلاہ اللہ بفقر الکلام مطلق

الاول فسے بالتعلیم والثانی خیق رزقہ والثالث یخرج من الایمان

بوجد یث ذمعنے شولدورکہ ہرکہ اوستاذ خود بکا آلہ خدای تعالیٰ او

اول اوقوکا علمنے ایبلدیں چقارغای ایکنجی عمر آخر بولور اوچونچی

قال النبی علیہ السلام من تعلم حرف فہو رق لہ

شولدورکہ کشے بر حرف تعلیم آلسہ

قال النبی علیہ السلام من تعلم حرفا فہو مولاہ صلق

کشے کہ بر حرف تعلیم آلسہ اوقل جلب بیاتیم

والسنۃ فی سنۃ الفجر ثلثۃ احدہا ان یقرء فی الرکعۃ الاول بعد الفاتحۃ

قل یا ایہا الکافرون وفی الثانیۃ سورۃ الاخلاص والثانی ان یاتی بہما

فی اول الصبح والثالث ان یاتی بہما فی بیتہ قال والسلام من صلی سنۃ الفجر

فی بیتہ توسع لہ ولد الحلال جنین میت وجد فی بطن امہ بعد ان ذبح

عند ابو حنیفہ لو اشعر ولم یشعر لانہ من اجزاء اصل فی الحیوۃ

حتی یعبر بالعتق والوصیۃ ولم یوجد ذبحہ وقال ابو یوسف ومحمد رحمہما اللہ

اذا تم خلقہ اکل لانہ من اجزاء الام ولم یتم خلقہ لم یؤکل ولا یحل

ذوناب ویو بالفارسیۃ دندان پش لس خواجہ ابو القاسم

باید پیش از
صلح کرد سبقت کرده پیش امام مصلی را احداث وضو میکند و تمام
میکند رکعت را باقی بعد از تشهد و استیناف بقدر اکبر فرض افضل است
فرادی میکند دیگر را بپیوی مکانش بعد از ان وضو میکند و تمام میکند آنجا
یا عود اول را متصل منفرد در اگر فارغ شده باشند امامش
و اگر امامش عود میکند مکان اول را انجنیس
یا خانه مقصی علیه باشد کفد و اصلاح شود یا نهد
بعد عمد یعنی فصد یا رسید بهمو مصلی اول اکثر یا کفد بسر
بلا کند خون یا کما بر در انیکه حدث رسید پس از ان خارج شد
بعد یا تجاوز کند صفوف را در حالیکه خارج شوند پس بعد از ان ظاهر شد
طاهر مصلی فاسد میشود صلوتش و اگر خارج نشود از مسجد یا تجاوز نمیکند از
اصفوف بنا میکند مصلی و بعد از تشهد اگر عمل کند چیزیرا که منافی صلوة است
صلوتش فاسد میشود صلوة مسبوق و اگر موجود نشود آنجا یعنی مفلد از تشهد
بعد از تیمم آبرا و مانند ابرا فاسد میشود صلوتش نزد حضرت امام اعظم رحمة الله
و صلی است بفعل خودش نزد حضرت امام اعظم رحمه الله نزد و امام ابی یوسف رحمه الله
فقط تنگ پنج قسم است یا بیشتر از ده بالا باشد یک سال از ده کم باشد یک ماه
از یا باشد یک ماه بالا از یا باشد یک روز یک پل یا دو پل باشد ما بین خانب آن جانب بیند
چیزیکه صاحبش نباشد مستحق باشد خورد مستحق نباشد مستحق دیده ملتحر الدین

در این فصل بیان مفسدات نماز فاسد میکند صلوتر اکلام مطلق
و فاسد میکند صلوتر ابلام از روی عمد یعنی قصد فاسد میکند صلو
تر اجواب سلام فاسد میکند صلوتر اگریه کردن نالگردن و مانند نالد از
جمله آنچه نکه صوته یعنی آواز فاسد میکند صلوتر اگریه کردن با آواز
مکرر فاسد نمیکند گریه کردن از جهته امر آخرت فاسد میکند صلوتر اصرف
کردن به عذر فاسد میکند صلوتر اجواب عطسه فاسد میکند صلوتر اجواب
کلام و اگر چند یکه باشند یکدیگر فاسد میکند صلوتر افتح کردن بر کسی
از جهته امامتش فاسد میکند صلوتر اقرائت کردن از روی مصحف فاسد میکند
صلوتر اسجده کردن بر بالای نجس فاسد میکند صلوتر ادعا کردن با غرض یکه
طلب کرده میشده باشد از آدمیان فاسد میکند صلوتر اکل کردن و شرب کردن
فاسد میکند صلوتر اعمل کثیر کثیر یعنی عمل کثیر جریست احتیاط نشود بدو دست
یا عمل کثیر جریست که کثیر شمرده شود جریره اصابه یعنی نماز گذار یا کمان بردن ناظر یعنی نظر
کننده اینکه غافل همین عمل غیر مصلی است مختصر ابوهریره رضی الله عنه قال رسول
صلی الله علیه وسلم اغسل وا بدیکم قبل الطعام فانه کفاره لمن لا وضوء له و من لا
یدیه ثم الطعام مغفرالله له لمن لا وضوء له کلها صغیرها و کبیرها و کتب الله تعالی کل
آیت فی القرآن عبادة یعنی و اعطا الله بکل شعرة علی بدنه مدینة فی الجنت
و فتح الله تعالی کل ثواب جهت کل صلوة لا وضوء له فی صلاة مثل ان الوضوء
علامت القبول لان الشیطان لا یوسوس فی قلب لیس فیه الایمان فتاوی سراج

طالب باید که بسحر برخیزد طهارت کند اول دو رکعت نماز تسبیح بگذارد پس
در هر رکعت اول بعد از فاتحه سورة الکافرون یکبار رکعت ثانی بعد از
فاتحه سورة اخلاص یکبار ثواب آن را بروح پاک حضرت صلی الله علیه
وسلم هدیه گذارد مقصد را در داشته باشد طلب کند بعد ازان نماز تسبیح دوازده رکعت
بگذارد بعد از فاتحه اخلاص دوازده بار در ثانی یازده بار
در هر رکعت یک بار مخواند بعد از تمام شدن تسبیح دو رکعت نفل
بگذارد یاسین را قراءة کرده نماز اشراق دو رکعت در هر رکعت سورة
اخلاص سه بار بعد ازان نماز استخاره دو رکعت ضمن مثل ضمن
نماز دیگر وضو بعد ازان ده بار این دعا بخواند لا اله الا الله وحده
لا شریک له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر بعد ازان
بعد سلام در هر رکعت سورة اخلاص سه بار در بیان ذکر قلب آدم علیه السلام
مکان او در زیر پستان چپ است و نور او برنگ زرد است روح از ابراهیم
علیه السلام مکان او در زیر پستان راست است مقابل قلب و نور او برنگ سرخ است سر
از موسی علیه السلام مکان او در میان وسط سینه و قلب است نور او برنگ سفید است مخفی
از عیسی علیه السلام مکان او در میان وسط سینه از چپ است و نور او برنگ سیاه
از محمد المرسلین و خاتم النبیین مکان او در وسط سینه است و نور او برنگ
سبز الله اعلم وهو معکم اینما کنتم وهو یعلم الله تعالی با همراه شما است هر جا که
باشید لا معبود الا الله جز ذات پاک خداوند مقصود من نور ضمائر من

قال النبی علیہ السلام الطعام فی بیت المصیبت فی یوم الاول تبرء من
من الانبیاء ومن اکل الطعام فی یوم الثانی تبرء من الملایکہ ومن اکل
الطعام فی یوم الثالث تبرء من الرحمن ومن اکل الطعام
المصیبت الی ثلاثۃ ایام فہو لہم الخبیث صدق اللہ
قال النبی علیہ السلام ان اللہ ورسولہ بری من الذین یاکلون الطعام
فی بیت المصیبت الی ثلاثۃ ایام المراد بالنہی اغنیاء لہم
المستحقون وقولہم النسیحہ ابہار روان مردہ دعوی باز زندہ
قال النبی علیہ السلام من اکل الطعام مع الطالب العلم لا عذاب لہ
ولا حساب لہ قال النبی علیہ السلام من ماۃ غریبا فقد ماۃ شہیدا
قال النبی علیہ السلام ان اثقل الصلوۃ علی المنافقین صلوۃ العشاء
وصلوۃ الفجر قال النبی علیہ السلام الجماعت رحمت والفرقت عذاب
کفتہ بر نبی علیہ السلام نصرت خداوند عزوجل در جماعت بستہ کہ نہ ہا کذا
رت بدوزخ رود قال النبی علیہ السلام من بال قایما فکانما بال علی الکعبۃ
ومن بال علی الزراعت فکانما بال علی المصحف ومن بال مسیح الذکر علی الجدار
فکانما بال مسیح الجدار الکعبۃ ومن بال مسیح الذکر علی الارض فکانما بال بابہ
ولعنۃ اللہ تعالی فی الدنیا والاخرت صدق یارسول اللہ قال النبی علیہ السلام
الفرق بین المومنین والکفر الا بالصلوۃ قال النبی علیہ السلام من صام رمضان

ذا صدقت الفطر كان صوم مطلقا بين السماء والارض قال
السلام من اكل الطعام واحد فهو ملعون قال النبي عليه السلام لا تر
الطعام فتريكه الشيطان قال النبي عليه السلام من خرج من المسجد
الحمام فهو ملعون قال النبي عليه السلام من كتب
الا الله وحده الخالق العلم والحلم ثم دفع
الصبر قال النبي عليه السلام من استغنى بالقرآن
وبالعلم وبالعلماء فهو كافر قال النبي عليه السلام
من احب طالب العلم مثقال ذرة دخل في الجنة مدجاجا ومن
بغض طالب العلم مثقال ذرة دخل في النار مدجاجا قال النبي
عليه السلام من حقر طالب العلم فقد حقرني قال النبي
عليه السلام من اكرم طالب العلم فقد اكرمني وفي الحيوانات
سبعة اشياء حرام اولها دم المسفوح والثاني الميتة
والثالث الفرج والرابع الغدد والخامس مرارة والسادس
الذكر والسبع الخصية وهذه الاشياء كلها حرام وبه يفتى
المتأخرون طبخ لحم اللحم كلها حرام بالاتفاق في المبسوط اما الفرج
طبخ لحم اللحم حكمه كحكم الغدد ولا شيء عليه لانه كراهية تنزيهية
اما الغدد يقول بعض ائمتنا حرام ويقول بعض مكروه

ولو طبخ مع اللحم في الخرق لا يكره ولو طبخ الذكر مع اللحم جاز اكله
حكمه كحكم الغدد وحال الغدد والفرج والخصية وال
كراهة تنزيهية لانه مجتمع فيه منافذ ولو طبخ المرا
لا شق كلها حلال وان كان مع الشق كلها حرام و
وان شق لا يجوز الاكل وبه يفتى جامع الا
مرده كه يافته نشده بيست در شكم مادرش بعد از ذبح
اعظم سعد وامام زفر وبقول أما مين حلال است اگر
بريان كرده باشند زيرا كه زكوة وى زكوة مادر وى بيست والا
بيست وشارح مولانا فخر الدين نوازيل نقل كرده ست
ذبح كوسفند حامله كه قريب الولاد ست مكروه ست ضيح ما في
لبطن وى بيتيد فايده درين موافق قول امام اعظم بو
ونيز از نوازيل نقل كرده ست چنين هر چه بيرون آمد وقر
هست ذبح نشد ومرد جايز ست اكل وى واين مسئله موافق قول
امامين است الذيب اذا دخل قطعة الغنم وقطع الذ
بين الغنم وهو حي ويدرك من الصد يحل الاكل
وعليه الفتوى ولا شمس فلم يجز فوق العقدة وقيل يجوز كذا

المختصر واذا وجد اللحم ولم يعلم انه ذكية او ميتة القى في
الماء فان انبسط فهو ميتة وان انقبض فهو ذكية وان انبسط فهو ميتة خلاصة حاله
شاة او بقرة او ابل الفها بخل فالدجاجة يحل ثلاثة
ايام والبقر والابل عشرة ايام هو المختار اذا
يشق فمها قبل ان ينتف الشعر ثم يغسل ما في
بطنها يلقى في الماء ثم يلقى او ينتف حتى يحل الكل والابل
سنة قد جربت من ما بين اسنانه الى لحمه واذا احرق
ما بالنار قبل شق الفم وغسل ما في اسنانه لا يحل اكله فتوى
الاسجاد ولبنه والذهب / مسئله فسل قروت وروغن در آنچه از قروت
وروغن را حق الله داده مضروعه ست بشرايط يانه اجابه ست اگر حق
الله ندهد حكم آن حكم حرام دارد وكندم جو مانند آنكه همه اشيا مذكور سبب
حق الله داده وقسيم كردن پاك ميشود وروغن وقروت حكم آن دارد
چرا كه بشران چار ابسر كنين دبول واصل ميشود فتوى ابراهيم سنه
مسئله اصل اين ست بشرط يكنيم قدم جد دنيم قدم سمبل
نيم قدم ميزان پنج نيم قدم عقرب هفت نيم قدم قوس نه نيم
قدم جدي ده نيم دلو بست دو نيم قدم حوت بست نيم قدم حمل نزده نيم
قدم ثور بيست نيم قدم جوزا شانزده نيم قدم سمت في بيان سجدة

ذنبك . سجدة التلاوة توبت ان اسجد سجدة التلاوة
الى آخره تكبيرات الله اكبر سبحان ربي الاعلى ثلاث مرات
بقراءت الله اكبر ثم بقراءة هذا الدعاء سجدت للذي
خلقه فاعفر لي ذنوبي يا رحيم سبحانك
ربنا واليك المصير . سبحان ربي
سبحان ذي العزة والعظمة والقدرة
والجبروت . سبحان الملك الحي الذي لا
يسبح قدوس رب الملائكة والروح لا اله
الا الله نستغفر الله نسئلك الجنة ونعوذ
بك من النار . بدان كه بيالي به صلة نصد روزيست
كه وقت نماز دو من شرعي كندم ميشود واز جو واز مويز وماشه
انها چهار من شرعي ميشود ويك من شرعي جهل به صلة هشتاد
مثقال ميشود وهر مثقال وهم مثقال صلة جو ميانه بود پس هر روزه
من كندم ميشود بوزنه شرعي پنجاه وپنج جاريك وبروزنه ليتر
همده من ميشود پيالي سي شش من كندم بوزنه ليتر نجار اهل
ابو المكارم وفديه يكوقت نماز ده من شرعي ميشود وفديه

وجبت في هذا الوقت وصلوة جنازة حضرت في هذا الوقت فجوز
في هذا الوقت مع الكراهة تحرالدين اذا حضرت الجنازة
الغروب فادّها فيه يجوز من غير كراهة لانها وجبت في هذا
ناقصا بمنزلة اداء العصر وقت المكروه تخفة العلم
عليه السلام من تقدم على الطالب العلم فكانما
فهو ملعون قال النبي عليه السلام العاقل يكفي بلاشك قال
النبي عليه السلام ومن لا بيره له شيطان له قال النبي عليه السلام
انزوج بركت قال النبي عليه السلام من قال ان ة الطالب
العلم فهو كافر وطلقت امرءة قال النبي عليه السلام الخط نصف
العلم والسلطان قال النبي عليه السلام من حفظ قرءة من كتب
قبر كل شيء يرجع الى اصله يرجع يمكند بسوراصل
قال النبي عليه السلام طلب العلم فريضة على كل مسلم
قال النبي عليه السلام من تعلم في وقت الاذان فيفه من زوال الايمان
لا اله الا الله محمد رسول الله نبيه الهي معبود برحق مكر الله
محمد رسول الله اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمد
عبده ورسوله كواهي مبدهم من انكه نيست الهي معبود مكر الله

وکواہی میدہم من ابلکہ محمد بندہ خدا ست و رسول
خدا ست یعنی فرستادہ بندہ او بسوی خلق از
برای تبلیغ احکام شریعہ قال النبی علیہ السلام اذا قال
المؤذن بسم اللہ الرحمن الرحیم فقال الصبی بسم اللہ
الرحمن الرحیم غفر اللہ تعالی اربعون اقرباء المعلم
واقرباء الصبی قال النبی علیہ السلام علم التابعین علی

قد رجالہ اقول لہم قال النبی علیہ السلام الطہارۃ مفتاح
الصلوٰۃ والصلوٰۃ مفتاح الایمان والایمان مفتاح الجنۃ صدق

فجموع الاذان خمسۃ عشر کلمۃ اللہ اکبر اربع مرات اشہد ان لا الہ الا اللہ
مرتین اشہد ان لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ مرتین حی علی الصلوٰۃ
مرتین حی علی الفلاح مرتین اللہ اکبر مرتین لا الہ الا اللہ مرۃ

تمت

بسم الله الرحمن الرحيم

ابن عباس رضي الله عنه روايت فرمودند كه حضرت

نبينا محمد مصطفى صلى الله عليه وسلم فرمودند

فرزندان مكتب كابر سه بر رنه بسم الله الرحمن الرحيم

خداى تعالى اول فرزندان را تا ناسيته دوزخ

آزاد فيلغا بلاردين رسول عليه السلام ايدلار

اگر بيم آيت الكرسى آوتوب اول بنده بنك اورنه

ولغاى بركشى رسول عليه السلام دين سوردى يا رسول الله

كشى فرزندلرنى قرآن اوكانمق ايچون فايده سى بولور سوردى رسول

عليه السلام ايدرلار آن مقدار ثواب كوبدر خداى تعالى

حلال ميننك ثوابى كا نصيب بولسون ايدرلار رسول زمان حضرت

خدا نه فرمانه برله حضرتم جبرئيل نصيب كيلدى بلا ايدرلار يا

رسول الله سنكا خداى تعالى سلام ايدر ايدرلار سنكا

علم اوكانمق اون منك مرتبه ثوابى فيلغاى ميننك